

چاپ پنجم

آیین میترا

مارتین ورمازرن

ترجمه بزرگ نادرزاد



آئین میترا

مارتین ورمازرن



نماد میترا:

ستاره (خورشید)، کلاغ (بیک)، کمان، کلاه فریجی، خنجر.

نقش بازیافته در پتوز (یوگسلاوی)

ترجمه بزرگ نادرزاد

تهران، ۱۳۸۳

MITHRA
Ce Dieu Mystérieux
 par
Martin Vermaseren
 EDITIONS SEQUOIA. PARIS – BRUXELLES, 1966.

<p>Vermaseren, Martin</p> <p>آئین میترا // مارتین ورمازرن؛ ترجمه بزرگ نادرزاده. — تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۵</p> <p>۲۵۵ ص. مصور، نقشه. — (اسطوره؛ ۴)</p> <p>فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.</p> <p>Mithra, ce dieu mystérieux</p> <p>عنوان اصلی:</p> <p>کتابنامه: ص. ۲۵۴-۲۵۵</p> <p>چاپ سوم: ۱۳۸۰</p> <p>۱. مهرپرستی. الف. نادرزاده بزرگ، مترجم ب. عنوان.</p> <p>۲۹۹/ ۱۵</p> <p>BL ۱۵۸۵ / ۴۱۹</p> <p>۱۳۷۵</p> <p>کتابخانه ملی ایران:</p> <p>محل نگهداری:</p> <p>۱۰۱۷۸۲۲۲-۶۷۶</p>	<p>ورمازون، مارتین</p> <p>آئین میترا // مارتین ورمازرن؛ ترجمه بزرگ نادرزاده. — تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۵</p> <p>۲۵۵ ص. مصور، نقشه. — (اسطوره؛ ۴)</p> <p>فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.</p> <p>Mithra, ce dieu mystérieux</p> <p>عنوان اصلی:</p> <p>کتابنامه: ص. ۲۵۴-۲۵۵</p> <p>چاپ سوم: ۱۳۸۰</p> <p>۱. مهرپرستی. الف. نادرزاده بزرگ، مترجم ب. عنوان.</p> <p>۲۹۹/ ۱۵</p> <p>BL ۱۵۸۵ / ۴۱۹</p> <p>۱۳۷۵</p> <p>کتابخانه ملی ایران:</p> <p>محل نگهداری:</p> <p>۱۰۱۷۸۲۲۲-۶۷۶</p>
--	---



دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، شماره ۷۱
 تلفن: ۶۴۹۲۵۲۲ دورنگار: ۶۴۶۱۳۵۵

فروشگاه: خیابان کریمخان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۱، تلفن: ۸۹۰۷۷۶۶

آئین میترا

مارتین ورمازرن

ترجمه بزرگ نادرزاده

لیتوگرافی: بهار

چاپ: حیدری

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ اول نشر چشمه، تابستان ۱۳۷۲، تهران. (چاپ اول توسط دهخدا ۱۳۳۵).

چاپ چهارم نشر چشمه، زمستان ۱۳۸۳، تهران.

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

ISBN 964-6194-88-5

شابک ۹۶۴-۶۱۹۴-۸۸-۵

فهرست

۵	یادداشت مترجم
۹	مقدمه
۱۵	میترا در ایران و هند
۲۱	زرتشت و موبدان
۳۱	آمدن میترا به اروپا
۳۵	پیروان میترا
۴۱	روش‌های تبلیغ در آئین میترا
۴۵	معبد مهری چه شکلی دارد؟
۵۴	مهرکده‌های مشهور یا مهم
۸۱	نامدارترین فتوحات میترا
۸۶	اطرافیان میترا
۹۱	افسانه میترا
۱۲۸	میترا و ایزدان همراه او
۱۴۱	ایزد زمان بیکران
۱۵۶	تشرف به مناسک و آداب و اسرار
۱۶۷	درجات هفتگانه تشرف
۱۸۸	ستارگان و عناصر چهارگانه
۱۹۸	مسئله زن
۲۰۲	آئین میترا و قربانی آمیزاد
۲۰۵	سرودهای مقدس
۲۰۹	متون متأخر سنت پریسک ژم
۲۱۹	هدایا و هنرمندان؛ میترا در هنر
۲۲۶	میترای مغلوب
۲۳۹	اسماء اعلام
۲۵۵	کتابشناسی

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان
مهر بفرزای ای نگار مساه چهر مهریان
مهربانی کن به جشن مهرگان و روز مهر
مهربانی به بروز مهر و جشن مهرگان

مسعود سعدسلیمان

یادداشت مترجم

این کتاب از زبان فرانسه، ترجمه شده ولی اصل آن به زبان هلندی بوده است.^(۱) متن فارسی موجود چاپ پنجم کتاب مذکور است.^(۲)

بنای این تألیف بر توصیف و تشریح بقایای معابد و آثار و اطلال آئین مهری در اروپا گذاشته شده و نویسنده صرفاً به ذکر مشاهدات خویش و با نقل کشفیات پژوهندگان پیش از خود اکتفا کرده و از تفسیر و تأویل و نظریه پردازی و فرضیه سازی تا حد امکان پرهیز کرده است. بهمین جهت خواندن آن ممکن است خشک و بی جان جلوه کند. ولی چاره‌ای جز این نبوده که مطالب با حفظ امانت به فارسی منتقل شود.

در خلال تدارک چاپ جدید این کتاب مترجم متوجه شد که در جلد دوم (بخش دوم) دائرةالمعارف فارسی مرحوم غلامحسین مصاحب، مقاله فشرده و دقیق و روشن و استواری درباره مهرپرستی درج شده است و چون آن را مقدمه کلی مفیدی برای معرفی آیین میترا تلقی کرد، عین آن را در صدر این کتاب به چاپ رسانید:

«مهرپرستی (mehr-parasti) یا میترائیسم (mitraism)، آیین پرستش مهر با میثره (سانسکریت میترا) یکی از خدایان هند و ایرانی. این آیین در آسیای صغیر شکل خاص و سری به خود گرفت و از آنجا به روم و اروپا رفت، و مخصوصاً در میان سربازان رومی رواج و انتشار یافت و مدتی از رفیبان سرسخت مسیحیت شد، ولی سرانجام با پیروزی قطعی مسیحیت در اواخر

۱. تصاویر شماره ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ از کتاب زیر گرفته شده است:

A. Schütze, *Mithras, Mysterien und Urchristentum*. Stuttgart, 1960

۲. چاپ اول این ترجمه توسط دهخدا منتشر شد. تهران. ۱۳۴۵.

عکس شماره ۱. مغ نقاشی بازیافته در دورا اربوس
عکس شماره ۲. طاقچه مخصوص مراسم عبادی در مهرکده
واقع در زیر کلیسای سنت پریسک

عکس شماره ۳. میترا در رُم
عکس شماره ۴. نو آموز متشرف به مقام شیری. نقاشی بازیافته
در مهرکده واقع در زیر کلیسای سنت پریسک در رُم
عکس‌های شماره ۵، ۶، ۷. بالا سمت چپ: سل (ایزد خورشید).

لوح سربی از مهرکده سنت پریسک.

بالا سمت راست: سل. کنده گیری روی مرمر از مهرکده سنت پریسک.

پائین: میترا در حال قربانی کردن گاو.

از یک نقش برجسته بازیافته در دورا اربوس.

عکس شماره ۸. طاقچه مخصوص مراسم عبادی در مهرکده دورا اربوس.

عکس شماره ۹. نقش برجسته مرمرین بازیافته در رومانی ۱۹۸۵

عکس شماره ۱۰. میترا لوح برنجی، بوداپست

عکس شماره ۱۱. سمت راست: میترا به شکل خدای زمان مجسمه

بازیافته در ناحیه مریدا در اسپانیا

عکس شماره ۱۲. میترا به شکل خدای زمان نقش برجسته

بازیافته در مدنا

عکس شماره ۱۳. میترا، کشته گاو. پاریس، موزه لوور.

عکس شماره ۱۴. میترا، کشته گاو. لندن، بریتیش میوزیوم.

عکس شماره ۱۵. میترا، کشته گاو. لندن، بریتیش میوزیوم.

عکس شماره ۱۶. میترا، کشته گاو. وانیکان.

عکس شماره ۱۷. میترا، کشته گاو. رم، موزه کاپیتولیو.

عکس شماره ۱۸. کوتس و کونوباتس. موزه لاترانو (laterano).

قرن ۴م. از میان رفت. میترا درودا به معنی دوست و پیمان است، و مهر در فارسی به معنی دوستی و محبت و به معنی خورشید و به معنی ماه هفتم از ماه‌های سال است (← مهر یا میثره). چون مهر به معنی پیمان و عهد بوده است میثردو ج [دروغ گوینده به مهر]، در یشتها، به معنی پیمان شکنی و دروغ گوینده به مهر به کار رفته است. مهر خداوند روشنی بوده است و از پیمان‌ها و مردم وفادار به پیمان‌ها حمایت می‌کرده است. در یشت دهم از مهر خدای جنگجویان و خداوند پیروزی بخش و شتابخش یاد شده است. مهر به یاری کسانی که او را می‌خوانند می‌تابد و پیمان‌شکنان را کیفر می‌دهد. مهر در زمان هخامنشیان مورد ستایش و احترام بوده است و در کتیبه اردشیر II هخامنشی، اهورامزدا و میترا و اناهیته باهم ستایش شده است.

اما مهرپرستی به عنوان آیین سَری با تشریفات و آداب مخصوص در آسیای صغیر ظاهر شده است. در میان شاهانی که پس از اسکندر در متصرفات او یونان و ارمنستان و کوماگنه (kommägene)؛ (ناحیه‌ای قدیمی در سوریه) حکومت می‌کردند نام میتريدات (مهرداد) زیاد دیده می‌شود، و این نشانه آن است که پرستش مهر در این نواحی معمول بوده. همین معنی را در باره پادشاهان اشکانی، که بعضی از ایشان نام مهرداد را داشتند، نیز می‌توان گفت. اما دلیل این که مهرپرستی در آسیای صغیر ظاهر شده است کتیبه معروفی است از آنتیوخوس I، پادشاه (۶۹-۳۸ ق.م.) کوماگنه، که در نمرود داغ است و در آن نام‌های آپولون، میثره، هلیوس و هرمس ذکر شده است. مقصود از این چهار نام یکی است، یعنی آپولون همان میثره و هرمس است زیرا این نام‌ها برای تصویر خدائی است که دست راست پادشاه را به عنوان حامی و متحد او می‌فشارد. هرمس خداوند و فرشته راهبر ارواح، و واسطه میان خدایان علوی و خدایان سفلی بوده است. بنابراین میثره نیز چنین بوده است و ظاهراً واسطه میان اورمزد و اهریمن بوده است. پلوتارک می‌گوید که در ۶۷ ق.م. آیین سَری مهرپرستی وارد ایتالیا شد. دزدان دریایی کیلیکیا، که متحدان مهرداد پادشاه پونتوس بودند، آیین و اعمال سَری خاصی انجام می‌دادند که پس از درآمدن به اسارت پومپوس سردار رومی این آیین را با خود به ایتالیا بردند. معلوم می‌شود که کیلیکیا همواره از مراکز مهم مهرپرستی بوده است؛ زیرا در قرن ۳م. در زمان گوردیانوس III سکه‌هایی که روی آن مهر در حال کشتن گاو نر ترسیم شده است در کیلیکیا در شهر طرسوس ضرب شده. در شهر عین زربه واقع در نزدیکی طرسوس در کیلیکیا یک محراب مهرپرستی پیدا شده است. در کاپادوکیا که در شمال شرقی کیلیکیا است قدیم‌ترین کتیبه مهرپرستی که حاکی از وقف به مهر و تقدیس شخصی (روحانی یا سَری) به مهر است به دست آمده. ظاهراً در برابر استعمار رومیان یک نوع مقاومت سَری، که افراد آن خود را با تشریفات و مراسم سَری خاصی متحد و متعهد می‌کردند، پیدا شده بوده است. این اجتماعات سَری خاص مردان بوده و صفت لشکری و نظامی داشته است. راهزنان دریایی کیلیکیا برای اجرای مراسم آیین سَری خود غارهایی در زمین می‌کنند. پس از آن که مهرپرستی به ایتالیا رفت معابد مهرپرستی به صورت غار بنا می‌شد. برندگان مهرپرستی به روم، سربازان رومی بودند. در سال ۷۱ و سپاسیانوس کوماگنه را به امپراطوری روم ملحق ساخت و از این جا دسته‌های کماندار برای پیاده نظام رومی

می‌گرفتند. این یکی از عوامل ورود مهرپرستی به روم بود. لژیون پانزدهم آپولیناریس (äppolinaris) که در کارنوتوم (kärnuntum؛ در سواحل جنوبی دانوب) مستقر شد، و از مشرق به آن جا برده شده بود، نیز در انتشار مهرپرستی در مغرب زمین مؤثر افتاد. ستاتیوس شاعر رومی در دهه ۸۰ می‌گوید: «مهر در زیر تخته‌سنگ‌های غار ایران بر شاخ‌های گاو نر سرسخت مسلط شد». از این دوره است که مهر به عنوان کشته‌گاو نر معروف و نقش آن در معابد دیده می‌شود. در قرن ۲م. مهرپرستی در روم و بعضی از بنادر مدیترانه غربی و مستعمرات نظامی و پادگان‌های رومی در افریقا و برتانی و گل و سواحل رودخانه‌های راین و دانوب و در دورا واقع در ساحل فرات منتشر می‌شود. در این زمان در آسیای صغیر دیگر معابد مهرپرستی دیده نمی‌شود، ولی یک معبد مهرپرستی در ممفیس دایر بوده است. در بعضی از جاها مهر با خدایان محلی یکی می‌شود. کومودوس امپراطور (۱۸۰-۱۹۲) روم برای خوشامد سربازان از مهرپرستی حمایت کرد و خود به این آیین درآمد. معبد مهر معروف که در زیر کلیسای سانتا پریسکا بر روی تپه آونتیوس (از تپه‌های هفتگانه رم) پیدا شده است در آن زمان دایر بود. در قرن ۳م. در میان نظامیان رومی رقابت مسیحیت با مهرپرستی آغاز می‌شود. آورلیانوس در ۲۷۴ خواست که یک آیین دولتی برای پرستش «مهر شکست‌ناپذیر» تأسیس کند. دیوکلسین، امپراطور روم، بنیادی برای «مهر شکست‌ناپذیر» درست کرد و او را پشتیبان و حامی امپراطوری خواند، اما بیشترت مسیحیت به سرعت و استحکام انجام می‌گرفت و با همه حمایت بولیانوس امپراطور روم و سناتورهای روم، مهرپرستی در برابر مسیحیت شکست خورد و پس از سال ۴۰۰ رو به فراموشی رفت.

مهرپرستی از همان آغاز آیینی برای گروه‌ها و دسته‌های کوچک بود، و این امر از معابد کوچک مهر که اکنون در اروپا پیدا شده است معلوم می‌شود و، چنان‌که گفته شد، در اصل هم معابد مهر در غارها بود. آن جا که خاک زمین برای بنای معابد غاری و زیرزمینی مساعد نبود معابد مهر را بر روی زمین بنا می‌کردند. درون معبد راهروی بود که در دوسوی آن سکوهایی برای نشستن مهرپرستان بنا شده بود. در انتهای راهرو محراب مهر بود که نقش مهر را در حال کشتن گاو نر نشان می‌داد، و در دوسوی آن نقش، دوشعلدار دیده می‌شد. در این نقش تصاویر ماری که از خون مهر می‌نوشد، سگی که به سوی زخم گاو در حال جستن است، عقرب، و کلاغ که ظاهراً پیام آور مهر بود نیز وجود داشت. تصاویر شیر و درخت و منطقه البروج نیز در نقش‌های مهر وجود داشت. از روی این تصاویر، به کمک آنچه در کتب باستانی راجع به مهر آمده است، سعی شده که اصول آیین مهرپرستی را معلوم کنند. ظاهراً «مهر» تابع اهورامزدا و زَروان اکرانه [- زمان نامتناهی] (یا زروان بی‌کران؛ ← زروانیه) بوده است و خود به عنوان آفریننده و واسطه میان انسان و خدایان برتر پرستش می‌شده. تصویر حیوان عجیب الخلقه‌ای که سر آن شبیه سر شیر و بدن آن مانند بدن انسان است و ماری به دور آن پیچیده به عقیده بعضی همان زروان اکرانه و به عقیده بعضی همان اهریمن است. حوادثی که به مهر نسبت داده شده است عبارت است از تولد او از سنگ و تیراندازی او به تخته‌سنگی برای بیرون آوردن آب و تعقیب گاو نر و کشتن او از روی اکراه و اتحاد او با

خداوندگار خورشید و شرکت با او در ضیافت و عروج به آسمان در گردونه خورشید. در منابع دینی ایرانی مرگ گاو موجب زایش موجودات زنده است و بدین ترتیب مهر با کشتن گاو نر آفریننده موجودات زنده محسوب می‌شود. در آیین مهرپرستی انقلابین (صیفی و شتوی) و اعتدالین (خریفی و ربیعی) موجب جشن و سرور و برگزاری تشریفات باشکوه بوده است. معابد مهر را در اروپا چنان می‌ساختند که هنگام اعتدال ربیعی و اعتدال خریفی آفتاب به هنگام طلوع بر نقش مهر بنماید. دو مشعلدار او یکی به نام کاوتی (kāti) یا کاوتس (kātes) و دیگری به نام کاوتوپاتی (kātopāti) یا کاوتوپاتس (kātopātes) بود. کاوتی مشعل خود را در نقش مهر سربالا نگاه داشته است و کاوتوپاتی مشعل خود را سربالین. به همین جهت ظاهراً کاوتی نماینده آفتاب فروردین و کاوتوپاتی نماینده آفتاب مهرگان بوده است. در معابد مهر پرستندگان باهم غذا می‌خورند. قدیس یوستینوس شهید گفته است که در این مهمانی عمومی نان و آب صرف و اورادی خوانده می‌شد. اما قرآنی در دست است که در این مهمانی‌ها شراب نیز می‌نوشیدند. در صورت حساب‌هایی که از معبد مهر دورا به دست آمده است مخارج نان و شراب در آغاز نوشته شده. در نقش معبد مهر در هیزن‌هایم آفتاب خوشه انگور بزرگی به مهر تقدیم می‌کند. شیرانی که در نقش معبد مهر سانناپریسکا دیده می‌شوند صراحی‌های شراب به دست دارند. ظاهراً در مهمانی‌هایی که به یاد اتحاد مهر با خورشید ترتیب می‌دادند گوشت گاو صرف می‌شد. اگر گوشت گاو نبود از گوشت گوسفند یا بز یا مرغ استفاده می‌کردند. پرستندگان در مراسم صبح و ظهر و غروب دور هم گرد می‌آمدند روز هفتم هفته را مقدس می‌شمردند. بیست و پنجم دسامبر روز «تولد خورشید شکست ناپذیر» و روز تولد مهر از سنگ بود، مهرپرستان دارای هفت پایه یا درجه بودند که ظاهراً از سیارات هفت‌گانه گرفته شده بود، کلاغ، داماد، سرباز، شیر، ایرانی، پیک مهر، و پدر. کلاغ از طرف عطارد، داماد از طرف زهره، سرباز از طرف مریخ، شیر از طرف مشتری، ایرانی از طرف ماه، پیک مهر از طرف خورشید، و پدر از طرف زحل حمایت می‌شد. کلاغ‌ها ساقی‌گری می‌کردند و شیران بخور می‌سوزاندند و با آتش تازه واردان را تصفیه می‌کردند. سربازان بانوعی غسل تعمید تقدیس می‌شدند، و با آهن سرخ بریشانی ایشان داغ زده می‌شد تا به عنوان سرباز مهر شناخته شوند. تنها مردان و پسران می‌توانستند در این آیین سزای وارد شوند و زنان حق ورود نداشتند. «پدر» ریاست هر گروه را به عهده داشت و او را ساگردوس یا آنتیستس می‌گفتند. در مراکز مهم یک «پدر پدران» نیز بود که به منزله ناظر کل یا اسقف بود. اداره هر جمعیت یا گروه با رئیس آن بود، و مخارج جمعیت از طرف افراد تأمین می‌شد. در آیین مهرپرستان طبقات و تعینات اجتماعی وجود نداشت، و به اصطلاح شاه و گدا در برابر هم می‌نشستند. در این آیین، مهر به عنوان آفریننده و نجات دهنده انسان در روز بازپسین نظم نوینی برقرار می‌کند که در آن مؤمنان واقعی در نعیم جاودانی خواهند بود. شکست مهرپرستی را در برابر مسیحیت نتیجه این می‌دانند که در مهرپرستی تعدد خدایان تأکید شده بود در حالی که روح عصر بتدریج به سوی توحید متمایل بود، و نیز طرد زنان از جوامع دینی مهرپرستی را یکی از علل شکست قطعی آن در برابر مسیحیت می‌دانند.»

مقدمه

الهامی ثمربخش متصدیان چاپخانه سکویا^۱ را بر آن داشته است تا با مراجعه به دکتر ورمازرن^۲ کتاب او را که حاوی تاریخچه و بحثی مختصر در باره دین میتراست به چاپ برسانند. این محقق که مجموعه نوشته‌ها و آثار مربوط به دین مهری را چاپ و تحقیقات چندی هم در همین زمینه کرده است، در حال حاضر بهترین متخصص کیش مهری و در واقع جانشین شادروان فرانتز کومون^۳ است. اما مراد از کتاب حاضر عوام فهم کردن مطالب نیست، بلکه غرض خلاصه کردن تمام پژوهش‌ها و اکتشافاتی است که اخیراً در باب میترا و آئین او شده است. ناگفته نماند که اگر علم در زمینه مهرشناسی پیشرفت‌هایی کرده، نخست مدیون فرانتز کومون و تحقیقات او در کتاب متون و آثار مهری^۴ و بعد تا حد زیادی وامدار نوشته‌های ورمازرن است. در امر تتبع در آئین میترا - چون اسناد و مدارک موجود ناقص یکدیگرند - توفیق در استخراج حقیقت از دل این تناقضات، معرف شایستگی ورمازرن است. اسناد و نوشته‌های یافته شده در مشرق و ایران و هند ابهام فراوان دارند و گویای اهمیت و اقتدار دوهزار ساله مهر در این مناطقند و او را همچون خدائی در جوار اهورامزدا نمایان می‌دارند ولی در عین حال در باره جزئیات دین و خصوصیات شخصیت وی سخن نمی‌گویند.

1. Sequoia 2. Vermaseren 3. F. Cumont

4. Textes et Documents relatifs aux Mystères de Mithra

اما به منابع اطلاع شرقی، منبع دیگری افزوده می‌شود و آن مشکل از عمارات و ابنیه و سنگ‌نوشته‌ها و خلاصه مدارک مربوط به باستان‌شناسی است و محدود به امپراتوری روم و سوریه و آلمان باستان و انگلستان می‌شود و حد زمانی آن میان قرن اول تا پنجم مسیحی است.

این دسته از آثار عاری از هرگونه نوشته ادبی و تاریخی هستند و هرگاه همه این بازمانده‌های غربی در کتابی جمع شوند، آن کتاب صرفاً شامل یک سلسله تصاویر خواهد شد، ولی میرای جدیدی را به ما نشان خواهد داد که مُنجی بشر و در مرکز یک جهان‌بینی دینی و فلسفی قرار گرفته است.^۱ در منابع شرقی و هندی و ایرانی اگرچه میرا همچون خدائی بزرگ نموده می‌شود، ولی به هیچ روی در مرکز دین قرار نگرفته و به عبارت دیگر محور اصلی نیست. میان میرای هند و میرای ایران دسته‌ای از دین مردان^۲ قرار دارند که به مغان معروفند.

از کارهای اینان چیزی بر ما روشن نیست، اما آن چیزی را که خلق کرده‌اند در دسترس ما است. تا زمانی که نوشته‌های این مغان کشف نشده است ناگزیر باید به حدس و گمان اعمال آنان را تعبیر کنیم و البته این اعمال ملهم از مشرب فلسفی ایرانی و یونانی‌اند.

چند قرن قبل از ظهور مسیح، در آن دوره از تاریخ یونان که عهد هلنیستیک^۳ گفته می‌شود، بنیادگذاران دین مهری توانسته‌اند به خواسته‌های معاصران خویش پاسخ مثبت گویند. در تمام ادیان شکوفان در این دوره از تاریخ یونان، این تمایل سازگار کردن دین با محیط دیده می‌شود. ولی هیچ کدام مثل دین مهری موفق نشده‌اند آرزوی طرفداران خود را برآورند. اما برای این که بتوانیم در چگونگی تکوین دین میرا داوری کنیم، مجبوریم ماهیت افکار مذهبی جاری در این دوره را روشن نماییم. چنین تحقیقی ما را به

۱. به جای کلمه *prêtre* دین مرد را به کار برده‌ام، به معنی مطلق روحانی - م.

۲. *Hellenistique* صفتی است که اطلاق می‌شود به ریان و تمدن یونان از آغاز قرن سوم پیش از مسیح تا تسخیر آن به دست لشکر روم - م.

پژوهش در روابط میان دین مهری و دین مسیحی می‌کشاند. چون یک سلسله علل اخلاقی و روحی باعث شده است که هر دو دین با موفقیت انتشار یابند و تمایات معنوی مردمان دوران خویش را ارضا کنند. قبل از ظهور مسیح فکر بشر آماده پذیرش دینی نو بود و به همین علت سه قرن پس از دعوت او مسیحیت دین رسمی اروپا شد و این نکته می‌بایست صفحه‌ای از تاریخ عالم^۱ بوسوئه^۲ می‌شد، ولی این حکیم بدبختانه به آن پی نبرد و این جای تأسف است. فیلسوفان هند و ایران و مصر و یونان راه مسیح را در انتشار دین خویش بیش از پیامبران اسرائیل باز کردند. فلسفه مغان همچون عطیه‌ای گرانقدرتر از زر برای دین مسیح نوخاسته بود. اما «تمایات دینی» که لحظه‌ای پیش بدان اشارت رفت، متوقف بر سه مسئله بود: اندیشه اعتقاد به خدا؛ نیاز به یک میانجی بین خدا و انسان؛ نجات اخروی و داوری در روز قیامت.

۱. در دیده‌بت پرستان خدایان خواجگانی مقتدر و دشوارپسند بودند و به صرفه انسان بود که موجب رضایت آنان را فراهم کند. این عقیده ساده و در خور انسان به سایر افکار مبتنی بر اعتقاد به اجحاف‌گری خدایان اضافه شد و البته چندان جدی نبود.

در دین مهری خدای واحد و جاودانی سرور عالم شد و قادر مطلق جهان بی انتها گشت. تنها خصیصه انسانی‌تی که در او وجود داشت عقل بود که به حد کمال در او موجود بود. «در آغاز و در بن هر شیئی عقل هست و عقل خداست، اما عقل خدا سواى عقل انسان‌هاست که همیشه در معرض تهاجم نیروهای تخیل و احساسات است.»

تمام مذاهب مبتنی بر سنت مدعی معرفت بر چنین خدائی شده‌اند. این خدا در یونان زئوس^۳، در اسکندریه سراپیس^۴ در سوریه هداد و بعل^۵ و در

1. *L'Histoire Universelle*

۲. Bossuet حکیم و خطیب و نویسنده مذهبی فرانسه (۱۷۰۴-۱۶۲۷).

3. Zéus

4. Sérapis

5. Bél Hadad

پالمیر بعل شمیم^۱ نامیده شد. مغان خدا را در اهورامزدا یافتند و از او مفهوم کرونوس^۲ را ساختند که سرور زمان بود. حتی زئوس که با فرشتگان بدکار در جدال است، به ظاهر خادم او است. میترا پسر و قاصد او است. در اطراف این خدای یگانه موجودات فوق طبیعی قرار دارند که در حقیقت مخلوقات او هستند (حتی مخلوقات بدکار)، و از این رو روحانیان بر آن شدند تا ارج و قرب خدایان باستان خویش را که به درجات پست نزول کرده بودند، دوباره به آنان بازگردانند.

۲. چنین دگرگونی در زمینه دین باعث پدید شدن فاصله‌ای میان خدا و انسان شد و دوباره ضرورت وجود یک موجود میانجی که هم کمال و قدرت خدا را بدارد و هم حیات و تقوی و تجربه انسان را، احساس شد.

از این جهت تمام ادیانی که مایل به ادامه حیات بودند، بر آن شدند تا بین خدا و انسان میانجی‌ای پیشنهاد کنند. این شد که در یونان ارفه^۳ یا دیونیزوس^۴، در سوریه هلیوس^۵ و در پالمیر ملک بعل^۶ وجود یافتند. گاهی اوقات هم نقش میانجی به الهه‌هایی نظیر ایزیس^۷ واگذار شد.

تنها یک مذهب سمت میانجیگری را به زمان (به عبارت دیگر تغییر و تحول = شدن) می‌سپارد و آن دین یهود است که مسی^۸ یا مژشتر در آن اهمیت روزافزون پیدا می‌کند. اما در دیده مغان نقش میترا درست نظیر نقش مسی است. میترا در روی زمین حیات می‌یابد و با صعود به آسمان زندگی‌اش انجام می‌پذیرد.

میترا در دوران زندگی خویش از مراحل نظیر «مراحلی که ما انسان‌ها طی می‌کنیم» می‌گذرد و نمونه‌ای از تقوی و پارسائی است، خیر بشریت غرض نهائی او است و برای برآوردن این منظور قدرتی الهی در دست دارد و بعد از صعود به آسمان نیز میانجی بین مؤمنان به خویش است.

- | | | |
|---------------|-------------------|-------------|
| 1. Bêl Shamim | 2. Kronos = زروان | 3. Orphée |
| 4. Dionysos | 5. Hélios | 6. Malakbêl |
| 7. Isis | 8. Messie | |

۳. مسئله سوه مربوط به نجات اخروی بشر است. منشأ اعتقاد به ابدیت روح در تاریکی‌های تاریخ گم می‌شود. نخست اعتیده بشر به این بود که روح پس از مرگ در گور و حوالی آن به حیات خود ادامه می‌دهد و در زیر سنگ گور استراحت می‌کند. بعدها ایمان بر این جاری شد که جای روح در اعماق زمین است و سپس بر آن شد که روح در زمین، در آن طرف کره خاکی که شب هنگام خورشید روشنش می‌نماید زندگی می‌کند. این سنخ تفکر سومین در مصر معاصر ساختمان اهرام و در سوریه دو هزار سال قبل از مسیح جریان داشت. اگرچه عقیده به روز قیامت نزد مصریان بسیار قدیم است، ولی ایشان به رابطه روشنی میان اعمال خیر و شر زندگان و سرنوشت آن‌ها در دنیای باقی فائل نبودند. در عقایدی که بعد از اعتقادات مصری و سوریه‌ای باب شد، مسئله جزای روز قیامت اهمیتی فراوان یافت.

از طرفی نیکوکاران پاداش خواهند یافت و در آسمان زندگی خواهند کرد و از سوی دیگر بدکاران به جهنمی خواهند رفت که یونانیان محل آن را در پست‌ترین نقطه کره آسمان می‌دانند. بدین طریق تمام ادیان فقط به معتقدان خویش مؤده نجات اخروی و داوری روز پسین می‌دهند، بدون این که سرنوشت همه بشریت را در نظر بگیرند.

ضامن عدالت پروردگار میانجی است. بر این سیاق، غالب اعمال دینی به این منظور انجام می‌گیرند که به مؤمن زندگی جاودانی عطا کنند و یا لاقول زندگی این جهانی او را توفیق بخشند.

در باره بهشت موعود میترا چیزی نمی‌دانیم، ولی شکی هم نداریم که میترا وعده چنین بهشتی را به گروندگانش می‌داد و این به تحقیق علت اساسی موفقیت عظیمش بود. این مختصر ما را مجاز به این نتیجه‌گیری می‌کند که دین مهری و دین مسیح راناشی از یک جریان واحد فکری بدانیم و آن را مرحله‌ای از تحول فکر بشر بیانگاریم؛ تحولی که جای بحث آن در تاریخ جهان است. همان طور که در آغاز این مقدمه گفتیم، این تحول راز تاریخ جهان است که

بوسوئه آن را به فراست دریافته بود. امروز این عقیده مورد قبول است که تکامل در طبیعت، طریق معقول خلق موجودات زنده توسط پروردگار است، و به عبارت دیگر تحول جاری در طبیعت همان آفرینش خداوندی است. آیا در تحول فکر بشر نمی توان دست «عقل کل» را دید؟

میترا در ایران و هند

در سال ۱۹۰۷ در ناحیه بغازکوی پایتخت سرزمین هیتی^۱ که در شمال غربی آسیای صغیر واقع شده است، لوح‌هایی از جنس خاک رس به دست آمد که روی آن‌ها نخستین بار نام میترا (به همین املاء) دیده می‌شود. این لوح‌های گلی محتوی بر پیمانی است که میان هیتی‌ها و همسایه‌شان میتانی‌ها^۲ بسته شده و از میترا و خدای آسمان برای پایداری این پیمان استعانت شده است. بر سر تاریخ این پیمان موافقت پیدا شده است و انعقاد آن را در چهارده قرن پیش از مسیح دانسته‌اند. اما آخرین مدرکی که محتوی بر نام میترا است و در غرب یافته شده مربوط به پنج قرن پس از مسیح است. پس قرون متمادی ناظر احترام مؤمنان نسبت به این خدا بوده است.

مهرپرستی از میان رفته ولی نام او بر سر زبان پژوهندگان است. علوم گوناگون همچون باستان‌شناسی، تاریخ ادیان، الهیات و زبان‌شناسی، به شناخت این خدا علاقه می‌ورزند و می‌خواهند راز آن را از پرده استتار بیرون بکشند. اگر دین مهری خوب شناخته نشود، تاریخ آغاز دین مسیح در زمانی که تازه در حال نضج گرفتن بود، تاریک می‌ماند.

تحقیق در باب دین میترا گاهی اوقات با اشکالات بزرگ روبه‌رو می‌شود. در کشورهای شرق اسناد و مدارک مربوط به مهر فقط از نوع مکتوب است و حال آن‌که در غرب تنها مدرک بازمانده، آثار تاریخی است. همان

1. Hittites

2. Mitanniens

طور که محقق بزرگ فرانتز کومون (در ۱۹۴۷ به بخشایش ایزدی بیوست) توضیح کرده، دانشمندی که می‌خواهد در بارهٔ دین مهر تحقیق کند درست وضع کسی را دارد که می‌خواهد در مسیحیت پژوهش کند و تنها مدرکش کتاب «عهد عتیق» و کلیساهای قرون وسطی است. نتیجهٔ این نقصان مدارک این می‌شود که معلومات ما در مورد میترا ناقص و دست و پا شکسته است. به این دلیل است که کاوش‌ها و اکتشافات جدید بسیار سودمند هستند و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

معاهده‌نامهٔ باستانی میان هیتی‌ها و میتانی‌ها گویای این امر است که نیاکان هند و اروپائی ما میترا را در آن عهد می‌شناخته‌اند. بنابراین، جای شگفتی نیست اگر نام او را میان مردمان هند و ایران می‌یابیم. در کتاب مقدس و دام‌تعلق به هندیان باستان نام مهر به صورت میترا چندین بار تکرار می‌شود و معنای «پیمان» می‌دهد. در کتاب اوستا نام دینی ایرانیان باستان نام میترا می‌آید و سرودی به نام «مهریشت» در ستایش او آمده است. چه در ودا و چه در اوستا نام میترا با نام وارونا و اهورمزدا خدای بزرگ همراه است. با این حال باید چند مرحلهٔ متوالی در این دو کتاب تشخیص داد. این دو کتاب در عین حال که بخش‌های بسیار قدیم دارند، فصل‌هایی از آن بسیار جدیدترند و به این علت است که نام میترا همیشه اهمیت سابق را ندارد و عقایدی که در باره‌اش ابراز می‌شود به کرات تغییر می‌یابند. خاورشناسان بر این عقیده‌اند که در اعصار باستان، رقابتی میان مهرپرستان و پرستندگان خدای آسمان وجود داشته است. اگر بخواهیم به دین مهر بهتر پی ببریم، هیچگاه نباید دوگانه پرستی‌ائی را که در ادیان ایرانی وجود داشته است، فراموش کنیم. اهورامزدا خداوند فرزاندگی است و فرمانروای جهان روشنائی است و گروهی از ایزدان گرداگرد او را فرا گرفته‌اند. در برابر او نیروهای بدکار هستند که در حول و حوش خدای تاریکی قرار گرفته‌اند. این دو گروه مدام در جدالند، اما روزی خواهد آمد که نیروی نیکی بدی را از زمین پاک خواهد کرد. در این جدال، میترا حکم ایزدی «یزت»

را دارد که دستیار اهورامزدا است و در صف مبارزان خیر و راستی نبرد می‌کند. کاملاً واضح است که میترا همان خدای روشنائی است که در هند به خورشید تشبیه شده است. نظیر او نزد الهه هلیوس در حماسهٔ هومر می‌بینیم که در جهان می‌گردد و انتقام ظلم ستمکار را از ستم دیده می‌کشد و راستی را دوباره در کائنات مستقر می‌کند.

از طرفی میترا خدای روشنائی است و از سوی دیگر در خدمت اهورامزدا نبرد می‌کند. پس در واقع میترا فیضانی از اورمزد است و از او الهام می‌گیرد. اورمزد یارانی دارد که به امشاسپندان معروفند و از ذات او تراوش یافته‌اند. درست نظیر آنچه در هند می‌گذرد. در اطراف میترا ایزدان کهنتری نظیر آریامن (ایزد محافظ آریاها) و بهاگا (خدای سرنوشت) که مقدرات مردمان به دست اوست و میان آنان هدایای خیرآفرین تقسیم می‌کند، قرار گرفته‌اند. در هند این دو ایزد بهم پیوسته سرائوسا^۱ و آسی نام می‌گیرند و عملاً وجوه مشخصی از میترا هستند. چنان‌که بعدها در مورد کوتس^۲ و کوتوپاتش^۳ (بخش ملازمان میترا را ببینید) ضمن نمایشنامه‌های مذهبی قرون وسطای مسیحی دیده می‌شود.

شخصیت و اشتها زرتشت از اهمیت و اعتبار میترا به شدت کاست. زرتشت دین خود را اساساً در بخش شرقی ایران منتشر کرد. با این وصف در باب تاریخ زمان زندگی او عقاید گوناگون وجود دارد حیات او را معمولاً در حدود سال‌های هزار تا ششصد قبل از مسیح تصور می‌کنند، اما فعلاً تاریخ زندگی او در حوالی سال ششصد قبل از عیسی تثبیت شده است. متأسفانه تنها مدرکی که می‌توان از خلال آن به شخصیت زرتشت پی برد، بخش‌گات‌های اوستا است که محتوی بر سرودهای مقدس است و زبان آن یک لهجهٔ شرقی ایرانی است که ترجمه آن هم البته بسیار مشکل و پیچیده است. اما در این تردید نیست که زرتشت مصلح بزرگی بود و قصد داشت شرک

1. Sraosa

2. Cautes

3. Cautopates

را براندازد و یکتاپرستی را جانشین آن کند و اهورامزدا را خدای یگانه دین زرتشتی بنماید. به عزم تحقق بخشیدن این مقصود، زرتشت مجبور شد که از اهمیت میترا در نزد مؤمنان به او بکاهد و با مراسم مذهبی مهری‌ها مخالفت ورزد و خونریزی و فدیہ کردن گاو و استعمال گیاه مستی‌بخش هوم را که ایجاد خلصه می‌کرد، ممنوع سازد. از امتزاج خون گاو قربانی شده و شیرۀ گیاه هوما نوشابه‌ای به دست می‌آمد که نیروی جاودانی به نوشندۀ آن می‌داد و زرتشت چون این رسم را برانداخت ضربه بزرگی به دین مهری وارد آورد.

در این باب که داریوش و کورش پادشاهان هخامنشی، زرتشتی بودند یا نه، سخن نمی‌رانیم. آنچه روشن است، این است که دین مهری محبوبیت بسیار در میان عامه داشت و زرتشت موفق به از میان بردن کامل آن نشد و در آغاز تبلیغ دینش با مخالفت شدید مهرپرستان مواجه شد و بالاخره هم به دست آنان در پرستشگاهی به قتل رسید.

در مهریشت که متعلق به بخش‌های متأخر اوستا و نموداری از کثرت انتشار دین مهری میان مردمان است، مهر با شکوهی بسیار جلوه گر می‌گردد. و آن جا که اهورامزدا به زرتشت می‌گوید: «وقتی مهر را آفریدم و به مردمان دستور دادم که بر او قربانی کنند و فدیہ دهند و نماز گزارند. مقام او را به اندازه آن خودم بالا آوردم» اهمیت مهر بیشتر معلوم می‌شود.

در یشت دهم اوستا باز صحبت از مهر می‌شود: «تو از مردمانی که حسن نیت نسبت به مهر دارند، حمایت می‌کنی. انسانی را که قصد صدمه زدن به او داشته باشد، منهدم می‌کنی. مهر دارنده زمین‌های فراخ است. آرزو می‌کنیم که مهر پیروز، پادشاه شکوهمند مردمان روی زمین، مهر زورمند، مهری که بر او نماز می‌گزارند، به کمک ما بشتابد.»

«مهر نیکوکار، نیرومند، آسمانی، عالیقدر و بخشنده است. در قتل رفیع زندگی می‌کند، جنگجویی است نیرومند و دلیر، پیروگری است که سلاحی کارساز در دست دارد و راهنمای آدمیان در تاریکی است، و فریب نمی‌خورد.

مهر باهوش‌ترین موجودات است، فاتح است و افتخار همراه اوست. هزار گوش، ده هزار چشم، ده هزار جاسوس دارد.» او خدائی است قادر و به خطا نمی‌رود. بر این خدای من می‌خواهم فدیہ دهم.» در سرتاسر این یشت صحبت از نیروی میترا و بزرگی و جنگجویی اوست. خصایص اخلاقی فوق‌الذکر باعث می‌شود که مهر را مردمان دوست بدانند و در مناسک عبادی مهرپرستان هم منعکس گردند. در قرون بعدی این نیروی فوق‌العاده منسوب به میترا عامل جنب و جوش و تحرک پیروان وی در اعمال مذهبی بوده است. مفهوم و شخص وارونا چنان با مفاهیم نور و خورشید در آمیخته است که می‌گویند: «چشم مهر و وارونا». می‌توان گفت که ودا بیش از اوستا رابطه میان مهر و رسم فدیہ گاو را که بعدها در مرکز مراسم دینی مهری قرار گرفت، روشن می‌کند. افتخار تحقیق و جمع‌آوری متون ودائی مربوط به میترا (در حالی که مشغول قربانی کردن گاو است) از آن پروفیسور لمل^۱ است. نقطه آغاز عقیده آقای لمل، لفظ سوما (با هوما مقایسه شود) است که به نظر ایشان خدای زندگی است. این خدا در واقع تجسد باران است که از ماه به زمین می‌ریزد و باعث رشد گیاهان می‌شود، و غذای انسان و حیوان را فراهم می‌آورد. نزد موجودات نرینه شیره نباتات تبدیل به دانه می‌شود و نزد موجودات مادینه تبدیل به شیر. با مرگ موجود زنده، جوهر حیات به ماه برمی‌گردد، وقتی ماه پر می‌شود، سوما همچون شرابی که در ساغر ریزند، در ماه ریخته می‌شود. پس سوما آب زندگانی است و خدایان هر ماه از آن می‌نوشند، در این داستان، سوما که باران است، در عین حال تخم گاو آسمانی است که زمین را زایا می‌کند و شیر گاو آسمانی است که به مردمان غذا می‌رساند. اما چون خدایان می‌خواهند به قطره‌ای از آب زندگی دست یابند. تصمیم می‌گیرند که سوما را بکشند. وایو^۲ خدای باد، حاضر به انجام دادن این کار می‌شود و از میترا هم خواهش می‌کند تا در توطئه شرکت کند. خدایان به میترا گفتند: «ما قصد داریم سوما را بکشیم.»

1. Lommel

2. Vāyu

میترا پاسخ داد: «به چنین کاری تن در نمی‌دهم، از این رو که دوستار همگان هستم.» خدایان دیگر گفتند: «با وجود این ما می‌خواهیم او را بکشیم.» سرانجام میترا به این شرط در قتل شرکت کرد که بهره‌ای از قربانی نیز به او رسد، چون کشتن سوما منجر به از دست دادن گاو و گوسفندانش می‌شد و چهارپایان از او زوی گردانده می‌گفتند: «با وجود این که میترا (دوستار و مهربان) در راه دوستی گام می‌زند، جرم قبیحی از او سر زده است.» حتی وارونا هم در قتل سوما شرکت می‌کند. قتل به این نحو صورت گرفت که موافق مراسم دینی سوما را میان دو سنگ خرد کردند و شیرۀ ساقه گیاه را بیرون کشیدند. سوما گیاهی است نیروبخش و خدایان و دینمردان و مؤمنان از آن می‌آشامند. مردمان از آشامیدن آن روان جاودانی می‌یابند و دیگر نمی‌میرند. البته سوما انسان را از مرگ جسمانی رها نمی‌کند، فقط خدایان از این نوع مرگ هم معاف هستند. مقایسه میان بخش‌هایی از ودا و اوستا و بخصوص کتاب بندهشن^۱ که می‌گوید از کشتن گاو مخصوص، گیاهانی می‌روید، جالب توجه است. (فصل نامدارترین فتوحات میترا را ببینید.) بعدها در آئین میترا موقعی که خدای سوما (هاوما) از میان رفت، مسئله تجدید حیات که وابسته به کشتن گاو است، باقی ماند. به این ترتیب رابطه میان مراسم میترای هند و ایران و مناسک میترای گاو اوژن در غرب حفظ شده است.

زرتشت و موبدان

از منابع جدیدتر چنین برمی‌آید، موقعی که زرتشت در آتشکده بلخ کشته شد، به قاتل خود گفت: «همان طور که من بخشودم، امیدوارم اورمزد نیز شما را ببخشد.» منبع مذکور چه ارزش تاریخی داشته باشد و چه عاری از اعتبار باشد، گویای احترام سرشار آن نسبت به پیغمبر است. ناگفته نماند که این دفعه منحصراً به فرد نیست که در زمان‌های بعدی شخصیت زرتشت را با آن مسیح مقایسه کرده‌اند و قرابت‌هایی میان آن دو یافته‌اند. (به فصل «افسانه میترا» رجوع شود.)

اگرچه که از جمیع جهات عقاید زرتشت در ایران عمیقاً ریشه نگرفته ولی به هر حال تأثیر این عقاید بارز است و در نوشته‌ها از نام او با احترام یاد شده است. حتی می‌توان گفت که نام زرتشت و اقتدار او باعث شده است که این نوشته‌ها محترم و مقدس شمرده شوند.

زرتشت یک مغ بود.

برخی نویسندگان مانند پلی‌نیوس^۱ موبدان را متهم به جادوگری و اعمال مرموز کرده‌اند، ولی واژه مغ نباید به ذهن خواننده مفهوم جادوگران نهانکار را القا کند.

موافق نظر مسینا^۲ عالم ایران‌شناس، مقصود از واژه ماگو کسی است که در مراسم «داد و دهش» (ماگا) یعنی اصول دین زرتشت شرکت می‌کند و به

1. Bundahishn

1. Plinius

2. Messina

مراسم آن عمل می‌کند. بنابراین واژه موبد اساساً چیزی جز پرستنده اهورامزدا نیست. زرتشت اولین موبد است. از این رو که اهورامزدا اصول مکتب خود را به او آموخته است.

به قول دیوکریزستوم^۱ زرتشت در قلعه کوهی سوزان با اورمزد صحبت داشته و از او تعالیمی را فرا گرفته است. بنابر آنچه گذشت، زرتشت دینمرد و سخن‌سرائی بود که مصلح شد و پیامبری یافت.



شکل ۱: مغان دست‌اندرکار نیایش نقش بازیافته در داسکی‌لیوم (پنج قرن قبل از میلاد مسیح)

کم‌کم معنای واژه مغ گسترش یافت و به روحانیان یا دینمردان به طور اعم اطلاق شد، بدون این که این روحانیان الزاماً مزدپرست قشری و سخت‌گیر باشند. موبدان در واقع مردان وارسته و فرزانه‌ای بودند که شاهنشاهی‌های ایران

1 Dio Chrysostome

را شدیداً تحت تأثیر خود قرار دادند و معمولاً تربیت شاهزادگان به عهده آنان واگذار می‌شد. اما این که سیسرون در این خصوص ادعا کرده است که احدی نمی‌توانست پادشاه پارس‌ها شود، مگر این که تربیت شده موبدان بوده باشد گزافه است.

مقام بلند اجتماعی مغان گاهی سبب مداخله اینان در برخی حوادث، نظیر داستان اسمردیس غاصب می‌شد که هرودت به طرزی دلپذیر و وصف کرده است. مسینا معتقد است که مراد از غصب تخت سلطنت توسط اسمردیس و شورش بردیای غاصب در قصر پادشاه که در غیاب کمبوجیه به ظهور پیوست، در واقع بذل مساعی موبدان در راه تصرف قطعی قدرت و انتشار آسان‌تر و سریع‌تر دین زرتشت بود.

اما به نظر هرودت مغان یکی از شش قبیله مادی هستند. اگر این فرض را قبول کنیم، مسئله قبضه کردن قدرت به دست مغان، صرفاً انگیزه سیاسی پیدا خواهد کرد و مبتنی بر همین نظریه است که استاد بنونیست^۱ انتقام و حشت‌انگیز داریوش جانشین کمبوجیه را از موبدان و کشته شدن آنان را توجیه می‌کند.

توجه زیادی هم که داریوش در سنگ‌نوشته رسمی بیستون به توصیف این حادثه نشان داده، روشنگر نظر مذکور است. گمان می‌رود که دینمردان از میان اعضای قبیله مغان برگزیده می‌شده‌اند. ولی صرف تعلق به طایفه موبدان، همه اینان را الزاماً به مرتبه پیشوایی دین نمی‌رسانید. شاید از این روست که مغان بنابر سنت متعارف از دفن مردگان خود ابا می‌کردند و آنان را جلو جانوران و مرغان وحشی می‌انداختند و این عرف و عادت خاص مغانی بود که در شمال ایران می‌زیستند. با همه این حوادثی که گذشت، حیثیت این طایفه در چشم مردم دست نخورده باقی ماند و مورد تکریم عام بودند. در دیده هرودت هرگونه فدیة در حضور مغان می‌بایست انجام بگیرد و اینان به هنگام انجام دادن مناسک قربانی، سرودهای دینی که مشتمل بر افسانه ولادت خدایان بود،

1. E. Benveniste

می خواندند. نقشی که در ناحیه داسکی لیوم^۱ در غرب آسیای صغیر یافته شده و مربوط به پنج قرن پیش از عیسی است به طرزی زنده فعالیت و کار مغان را برای ما توصیف می کند. (به شکل ۱ نگاه کنید.)

تکه پارچه‌ای را جلوی دهان می بندند به اسم بنام تانفشان آتش را آلوده نکند. و دست‌های از شاخه‌های گیاه موسوم به برسم در دست می گیرند و جلوی مذبح و یا نمازگاه راست می ایستند. از اطراف این قربانیکاه سرفوج و گاوی آویزان است و قوچ و گاو دیگری هم در پس دیوار آن قرار داده شده است. چون شاهنشاهی هخامنشی گسترش یافت موبدان با طبقات روحانی سایر ملل و بخصوص کلدانیان مربوط شدند. پیوندهای سرراست تری میان این مغان و فرهنگ یونانی برقرار شد. در سنت آمده است که موبدی استانس^۲ نام، اندیشه‌های دینی ایرانی را در یونان رواج داده است.

بر اساس همین قول است که محققان در جستجوی روابطی میان موبدان و فلسفه یونان اند.

افلاطون در کتاب آلسی بیاد^۳ لفظ ماگیا^۴ را مترادف با نیایش ایزدان^۵ می داند. اما سوفوکل^۶ که بازگوی عقاید عامیانه تری است، لفظ ماگوس^۷ (= مع) را معادل باگنس^۸ به معنای «جادوگر» می داند.

دینمردان کلدانی در علم ستاره‌شناسی به حدیقت مشهور بودند و تحول معنای واژه موبد نشان می دهد تا چه اندازه رابطه مغان با کلدانیان در انتشار اعتقادات نجومی مؤثر بوده است.

همین مغان «یونانی مآب» آسیای صغیر بودند که مراسم آئین پر رمز و راز مهرپرستی را خلق کردند و خدای مورد ستایش قاطبه مردم را محور مناسک سری و باطنی جلوه دادند.

در تمام آسیای صغیر جشن‌هایی که به افتخار خداوند می گرفتند،

- | | | |
|-------------|--------------------|--------------|
| 1. Dascylum | 2. Ostaneš | 3. Alcibiade |
| 4. Magéia | 5. Théon Therapéia | 6. Sophocle |
| 7. Magos | 8. Gnos | |

معروف بود. به هنگام جشن موسوم به میتراکانا یا مهرگان قربانی‌های مجلل می کردند و شاه به رقص مقدس می پرداخت و به افتخار خدا به افراط باده می نوشید. از این مراسم کنزیاس^۱ (۳۹۰ قبل از میلاد مسیح) نام می برد و سایر منابع آن را تأیید می کنند. جشن مهر در روز مهر از ماه مهر که مصادف با دوم اکتبر (ماه فرنگی) و آغاز زمستان بود، گرفته می شد.

موبدان میترا را در صف مقدم می گذاردند و از او همچون خدای خورشید نام می بردند و تصور می کردند که زروان در رأس دو نیروی متضاد خوبی و بدی قرار گرفته است. مقام پیشوائی دین در نزد مغان موروثاً از پدر به پسر و منطبق با سنتی قدیمی منتقل می شد.

در خصوص نحوه انتشار و ازدیاد مغان، سنگ نوشته‌ای به دو زبان یونانی و آرامی یافته شده که حائز اهمیت فراوان است. این کتیبه در شهر کاپادوس^۲ و در ناحیه فرشا^۳ یاروداندوس^۴ کشف شده که روی آن جمله زیر حک شده است: «ساگاریوس^۵ پسر ماگافارنس^۶ یا مای فارنس^۷ (در صحت قرائت این نام تردید است) سردار آریارامنا موبد مهری شد و یا (به عبارت بهتر) مراسمی را به افتخار میترا انجام داد». متأسفانه تعیین تاریخ این کتیبه مشکل است. برخی آن را متعلق به سه قرن پیش از مسیح می دانند و بعضی معتقدند که این نوشته مربوط به ابتدای انتشار دین مسیح است. در هر صورت، موبدان قرون متمادی در آسیای صغیر ماندند و استرابون^۸ مورخ که از سال ۶۶ قبل از مسیح تا سال ۲۳ بعد از مسیح زیسته اینان را به چشم خویش دیده است. وصفی که استرابون از موبدان می کند. در واقع روشنگر کتیبه داسکی لیوم است که مذکور افتاد و مربوط به قرن پنجم پیش از عیسی است (شکل ۱ را ببینید). استرابون می نویسد که مغان «شاخه‌هایی از تمدن هندی در دست می گیرند و دیرگاهی به خواندن اوراد می پردازند».

- | | | |
|---------------|--------------|----------------|
| 1. Ctésias | 2. Cappadoce | 3. Farasha |
| 4. Rhodandos | 5. Sagarios | 6. Magapharnés |
| 7. Maipharnès | 8. Strabon | |

بعدها خواهیم دید که در قرن اول پس از مسیح، در یازنان سیلیسی به اسرار دین میترا واقف شده بودند، ولی در همان هنگام در جنب مجامع سرّی مهری، نیایش و پرستش مهر به صورت عمومی نیز انجام می‌گرفت. آن طور که از ظواهر امر برمی‌آید، تبدیل پرستش عمومی و آشکارای مهر به مجامع سرّی در قرون اول و دوم پیش از مسیح متحقق شده است.

بعد از اکتشافات دوراروپوس^۱ در سوریه، تردید کردن، - آن طور که ویکاندر^۲ دانشمند سوئدی کرده - در تأثیر عمیقی که موبدان آسیای صغیر در تکوین مناسک و آئین مهری داشته‌اند اصلاً جایز نیست. در دو طرف محراب پرستشگاه دوراروپوس (تصویر شماره ۸) روی دیوار تصویر دو موبد دیده می‌شود که لباس مخصوصی بر تن دارند و به طرزی مجلل بر تختی نشسته‌اند. جامه‌شان مرکب از روپوش و شلوار و شبکلاه فریجی است. یکی از موبدان عصائی چوبین در دست راست و کتابی در دست چپ دارد. با وقار به سوی مقابل خود می‌نگرد و فرزانه‌ای است که راه وصول به اسرار را نشان می‌دهد. مردی هژمونوس^۳ نام در ۳۵۰ بعد از مسیح به این سیاق مانی موبد و پیامبر (۲۱۶-۲۷۶ بعد از مسیح) را توصیف می‌کند: «مانی روپوشی بر تن داشت با زمینه آبی فام و مزین به رنگ‌های گوناگون، عصائی سخت از جنس آبنوس به دست داشت، و کتابی بابلی در دست چپ گرفته بود.» جامه مانی به لباس دینمردان مهری شباهت بسیار دارد.

در مهرکده سنت پریسک رم پیشوا یا رئیس جماعت مذهبی، فرزانه‌وار بر تختی نشسته و جامه‌ای سرخ نظیر جامه میترا به تن دارد و بر سر شبکلاه فریجی به رنگ سرخ گذاشته است و در دست راست انگشتری دارد. روی یک کاشی که در شهر اُستی^۴ به دست آمده عصا و کلاه و خانم ارشاد همچون علائم مشخص مرشد (پیر) نقاشی شده است. (به بخش «مراحل

1. Doura Europos 2. Wikander 3. Hégémonius
4. Ostie

هفتگانه تشریف» مراجعه کنید). اضافه بر این‌ها در سنگ‌نوشته دورا از مردی ماکزیموس نام سخن می‌رود که موبد است. زمانی فرا رسد که این موبدان در خاک رم نفوذ کردند. در سال ۶۶ مسیحی تیرداد اول پادشاه ارمنستان چون به پادشاهی برگزیده شد، تصمیم گرفت تاج سلطنت را از دست نرون بگیرد. به این منظور از تراس^۱ و ایلیری^۲ و پیسنوم^۳ عبور کرد و در این سفر پای خویش را به آب نیالود، چراکه او موبد بود و نمی‌خواست عنصر مقدس آب را بیالاید. پس از نه ماه سفر پیروزمندانه به ناپل رسید و سپس به رم رفت. ورود تیرداد با آن همه شکوه و جلال خاص پادشاهان شرق، همچون منظره‌ای با عظمت در دیده رومیان جلوه کرد. همراه تیرداد سه هزار سوار پارتنی در جولان بود و جزء موبک وی موبدان بودند.

چون موقع تاجگذاری فرا رسید، تیرداد به این منوال با نرون سخن گفت: «من پادشاهم. از تخمه ارشک، از دودمان پادشاهانی چون بلاش و برادرش پاکروس^۴. اما من بنده شما هستم و شما خداوند منید. به درگاهتان آمده‌ام تا همچون میترا پرستشان کنم.» (به فصل «متون تازه یافته در سنت پریسک رم» مراجعه بفرمائید.) هرچه گوئید همان خواهم شد، زیرا که در دیده من شما، هم موایرا^۵ و هم تیشه^۶ هستید.

تیرداد سخن به انجام نرسانده بود که نرون تاج کیانی خاص پادشاهان ایران را از سر او برگرفت و دیهیم مخصوص امپراتوران رم را بر جای آن گذاشت. فرانتز کومون این گونه تاج‌بخشی را با تیت تیرداد دایر بر متصرف کردن نرون به آئین مهرپرستی مربوط می‌داند. پلی‌نیوس مورخ رومی به این مراسم اشاره می‌کند و می‌گوید: «تیرداد نرون را از مراسم سحرآمیز شرکت در طعام دسته‌جمعی آگاه کرد و این تشریفات همان سفره مندور و اهدائی به میتراست.»

1. Thrace 2. Illyrie 3. Picenum
4. Pakoros 5. Moira 6. Tyché

اگر چنین قولی درست باشد، نرون اولین امپراتوری است که معرفتی بر دین مهری یافته است. نرون به علم مغیبات علاقه وافر نشان می‌داد و شاید اقبالی که به دین مهری می‌نمود، به این امید بود که رموز این علم را از موبدان بیاموزد. اضافه بر این، نرون میل داشت رعایایش او را همچون ایزد خورشید نیایش کنند و در خانه زرّینی که برای خود بر ساخته بود، به راستی خود را ایزد خورشید تصور می‌کرد و در باغ قصرش تندیس عظیمی از او بر پا بود که همچون خدای خورشیدش می‌نمود. نرون در جشن‌هایی که به افتخار تیرداد بر پا کرد، دستور داد تا روی نمایشخانه پمپی که در میدان مارس قرار داشت، چادری به رنگ ارغوان بکشند. روی این چادر تصویری از نرون نقاشی شده بود که در ارابه خورشید نشسته و ستاره‌های زرّین دور و برش را گرفته‌اند. در هر حال، مسلم این است که ده سال بعد از این واقعه، دین میترا در رم حق اهلیت یافت و معروف همگان گشت. (بخش «ورود میترا به اروپا» را ببینید).

در همین اوان دین عیسی نیز کم‌کم شروع به نشر یافتن می‌کند. این دین در برگیرنده گفته‌های عیسی منجی و مبشری بود که مردم مدت‌ها انتظارش را می‌کشیدند؛ عیائی که بر زمین نازل شد و به قالب انسانی درآمد. در انجیل متی آمده است که چون عیسی تولد یافت، دسته‌ای از معان به هدایت یکی از ستارگان به بیت‌الحم رسیدند، او را پرستیدند و زرتاب و کندر و لبان و مرمکی پیشکش کردند. مینا این نکته را به اثبات رسانیده که یهودان زرتشت را به دیده احترام نگریسته‌اند و حتی او را به مثابه حزقیل^۱ و یا شاگرد الیا دانسته‌اند. موبدان نیز به سهم خویش به دین یهودان اقبال کرده‌اند. ترسایان چون بخوبی می‌دانستند که زرتشت یهودی نیست، تصور می‌کردند که او پیامبری است که خداوند برای اعلام بشارت عیسی فرستاده است. و این نکته روشنگر روایتی در ترجمه عربی انجیل است که می‌گوید: «نگاه کنید همان طور که زرتشت پیشگویی کرده بود، موبدان از شرق به اورشلیم آمدند.» اگر قول نویسندگان

مسیحی را باور کنیم، مبشر مؤرد بحث در واقع عیسی است. اما موافق نوشته‌های اوستا مراد سوشیانس است که بعد از چندین هزاره و در انتهای زمان ظهور خواهد کرد و حقیقت و خیر را بر نیروهای تاریکی‌زا پیروز خواهد گردانید. سوشیانس منجی پیروزمند است و چون روز رستاخیز رسید و مردگان زنده شدند او به آنان زندگی درخشان و حیات جاودانی خواهد بخشید (زامیادیش ۱۹ و ۸۹). بر حسب یکی دیگر از سرودهای اوستا، بهمن‌یشت، میترا مهم‌ترین هم‌اورد و رقیب نیروهای شر است. پشتون کافران را نابود خواهد کرد و اهورامزدا به یاران خود فرمان خواهد داد تا به آن منظور او را یاری دهند. میترا در رأس لشکریان قرار دارد و از همین جا بعثت تازه او ایزد خورشید آغاز می‌شود و در بندهشن (XXX,25) آمده است که: «آنگاه که مردگان به پا خاستند، سوشیانس گاوی را خواهد کشت و از آمیزه چربی آن با گیاه هوما، مشروبی درست خواهد کرد که عمر جاودانی به مردمان خواهد داد.» در مناسک دینی راز آمیز غربی این منجی کس دیگری جز میترا ایزد خورشید نبود. به همین علت است که در رم روی کتیبه‌ای به زبان لاتین نوشته شده: «درود بر سوشیانس»^۱. در یک نوشته مانوی بازیافته در ترکستان نکته خاصی علاوه شده و آن این است که: در مقابل میترای راستین، میترائی دروغین تصور شده که سوار بر گاو است و خود را «پسر حقیقی خدا» معرفی می‌کند و به مردمان فرمان می‌دهد تا او را بپرستند.

مطابق نوشته‌های بندهشن (XXX,10) بهدینان (زرتشتیان) از بددینان (کفار) جدا خواهند شد. در اوستا آمده است که بعد از جنگی نهائی، میترا یکی از سه داوری خواهد بود که موظف به قضاوت در باب ارواحی هستند که خواهان عبور از پل چنودند (پل صراط زرتشتیان). میترا سرانجام ارواح را از میان رودی از آتش به ساحل دیگر آن راهبری خواهد کرد و به هنگام عبور فقط ارواح کافر در آتش خواهند سوخت بنابراین، نباید تعجب کرد از این که

1. Nama Sebesio

مسیحیان، بعد از این که دیرزمانی در بشارت موبدان تأیید بشارت مسیح را دیدند و بعد از حصول اطمینان از این که موبدان، عیسای نجات بخش آنان را می پرستند، بعد از چند قرن به این نتیجه رسیدند که میترا را باید به منزله ضد مسیح (دجال) تلقی کرد. دیر زمانی بود که مسیحیان در بشارت موبدان در واقع بشارت مسیحی را می دیدند و تصور می کردند که مغان عیسی را می پرستند، اما بعد از گذشت چند قرن بالاخره بر خطای خود واقف شدند و از آن به بعد میترا را به مثابه مخالف و رقیب مسیح پنداشتند.



شکل ۲: میترای دروغین در حال سوار شدن بر گاو.

آمدن میترا به اروپا

اوضاع و احوالی که چند قرن بعد خدای ایران را به اروپا کشانید، شگفت انگیز است.

پلوتارک^۱ تاریخنگاری که یک قرن بعد از مسیح می زیست، می گوید: رومی ها میترا را به وسیله دریازنان سیلیسی که یکی از ایالات آسیای صغیر است، شناختند. تهدیدات این راهزنان بدان درجه رسید که امپراتور پمپه^۲ مجبور به فرستادن چندین لشکر و نبرد با آنان شد (۶۷-۷۸ قبل از مسیح). پلوتارک در آنجا که تذکره احوال پمپه را می دهد، در مورد دریازنان سیلیسی چنین می نویسد: «اینان روی کوه المپ در ناحیه لیس^۳ قربانی های شگفت انگیزی کردند و در خفا مناسک اسرار آمیزی را انجام دادند که امروزه در آئین میترا بازمانده است. همین دریازنان نخستین کسانی بودند که در پراکندن آئین میترا کوشیدند.» به عقیده مورخ رومی آپیانوس^۴ (اواسط قرن دوم مسیحی) مهرپرستان رُم، بازماندگان ارتش مغلوب مهرداد اوپاتور^۵ هستند که دریازنان را به اسرار آئین مهری واقف کردند و ارتش مهرداد متشکل از قبایل متعدد شرقی بود.

در سیلیسی، موطن کوهستانی دریازنان هنوز هم ابنیه ای وجود دارد که به میترا هدیه شده است. اخیراً در آنازاربوس^۶ مهرکده ای یافته اند که توسط

1. Plutarques

2. Pompée

3. Lycie

4. Appien

5. Mithridate Eupator

6. Anazarbos

شخصی به نام مارک اول^۱ که خود را دینمرد و مرشد دین زئوس - هلیوس - میترا خوانده، وقف میترا شده است. میترا در تارس^۲ هم که پایتخت بود، مورد احترام بود؛ و مؤید این معنا سکه‌های گردیانوس سوم^۳ امپراتور روم است که در یک طرف آن صورت میترا در حالی که گاوی را می‌کشد دیده می‌شود (تصویر ۳ را ببینید). می‌دانیم که در زمان پادشاهی گردیانوس، جنگ بزرگی میان ایران و روم در گرفت. ضرب سکه با آن نقش مخصوص در واقع یا به منظور تبلیغ بوده و یا به نظر ا. ویل^۴ «تعظیم و تکریم خدای ایران که مورد قبول رومی‌ها نیز واقع شده بود و بخصوص در این هنگام که آتش جنگ میان روم و میهن این ایزد روشن بوده، در حقیقت رنگ و بوی سیاسی خاصی به خود می‌گیرد.» آیا اسناد



شکل ۳: سکه‌ای است باز یافته در تارس و ضرب آن مربوط به زمان

گردیانوس سوم است و میترای کُشندهٔ گاو را نشان می‌دهد.

مذکور مربوط به قرون دوم و سوم مسیحی می‌توانند هنوز هم منقولات پلوتارک را در باب دریا زنان سیلیسی تأیید کنند؟ چنین احتمالی وجود دارد. تقریباً روشن شده است که میترا خصوصاً در تارس مورد پرستش بوده، زیرا که صورت میترای کُشندهٔ گاو بر سکه‌های این شهر یافته شده و گردیانوس که خیال رفتن به میدان جنگ را داشته، به احتمال قوی از این شهر گذر کرده

است. چون شهر تارس بر سر چهارراهی قرار داشته، محتمل است که از قدیمی‌ترین روزگاران آئین و مناسک تشریفی مهری در آن جای معروف بوده است. سپس پلوتارک می‌گوید که دریا زنان مقیم دامنه‌های کوه آلپ، بی‌حرمتی‌ها نسبت به خدایان آلمپی کردند. چون اینان پرستندگان ایزدان شرقی بودند به سایر خدایان صرفاً با نظر تحقیر می‌نگریستند. به این دریا زنان مردمان صاحب منصب نیز پیوستند و جمعاً به پرستش میترا پرداختند. فقط مردها مازون به انجام دادن مراسم نیایش بودند. بنابراین، محتمل است که پس از آن که دریا زنان شکست یافتند و امپراتور رُم پمپه آنان را به ایتالیا کوچ داد، دین میترا را هم با خود به آنجا بردند. از آنچه گذشت می‌توانیم تاریخ اطمینان بخشی برای انتشار عقاید مهری در اروپا بیابیم. اسناد دیگری مربوط به یک قرن پیش از مسیح وجود دارند که از نیایش میترا صحبت می‌دارند، اما از ماهیت و چگونگی آن سخن نمی‌گویند. سنگ قبری در نمرود داغ یافته‌اند که به آنتیوخوس اول اهل کماژن^۱ تقدیم شده و یکی دیگر را در آرسامه^۲ در کنار رود اورنت^۳ پیدا کرده‌اند که به مهرداد (میتريدات) پدر آنتیوخوس اهدا شده است، این دو سنگ قبر در نهایت شکوه‌ترین شده‌اند. این دو پادشاه به قصد تکریم خدائی که مورد پرستش پدرانشان بوده، مجسمه‌های عظیمی از او ساخته‌اند و روی صفحه‌هایی پهناور نصب کرده‌اند. این مجسمه‌ها به شکل خدایانی هستند که بر تخت‌های بزرگی نشسته‌اند و میان آنان آنتیوخوس امپراتور قرار گرفته که به هیئت نمرود ترسیم شده است. (۶۹-۳۴ قبل از مسیح). در نوشته‌های زیر آن، نام میترا با نام زئوس - اهورا - مزدا، هرمس^۴، آپولون - هلیوس^۵، هراکلس - ورتراغنه^۶ در یک زمان می‌آید. بنابراین، این دو پادشاه خدایان ایران را همچون ایزدان پاسدار خاندان خویش انگاشته‌اند. اضافه بر آن نقش‌های برجسته‌ای که از میتريدات و پسرش برجای مانده، آن‌ها را در حالی نشان

1 Antioche ler. de Commagène

2 Arsamée

3. Oronte

4. Hermés

5. Hélios

6 Verethra-gna

1. M Auréle

2 Tarse

3 Gordien

4. E. Will

می‌دهد که دست در دست میترا دارند.

سالروز مرگ پادشاهان گذشته را هر سال طی مراسمی متذکر می‌شوند. ولی مدارک موجود و بازمانده از آن مجالس کوچک‌ترین اشاره‌ای به مناسک رمزی میترا نمی‌کنند. بنابراین آنچه گذشت، میترا جزء خدایان ملی است و به این صفت مشهور.

هر چند هم اسناد موجود در کتاب پلوتارک سودمند باشد، هیچگاه از نظر نباید دور داشت که این مورخ تذکره احوال پمپه را فقط در اواخر قرن اول بعد از مسیح به دست می‌دهد و مقارن همین احوال است که ما آثار مهری نظیر نقش کشنده گاو را در رم می‌بینیم و می‌دانیم که مفهوم فدیة گاو یکی از وجوه مشخص آئین نیایش و تعالیم سری میترا است. در هر صورت، استاس^۱ شاعر در سال‌های ۸۰ پس از مسیح، میترا را به این گونه توصیف می‌کند: «خدایی که زیر صخره غارهای ایران چمباتمه زده شاخ‌های سرکش خود را می‌گرداند و باز می‌گرداند.» و در هر حال شگفت‌آور است که ما نتوانیم تاریخ هیچ یک از آثار مهری را تا قبل از یک قرن پس از میلاد مسیح معین کنیم. کاوش‌هایی که در پمپئی شهری که در ۷۹ بعد از مسیح زیر خاک مدفون شد، انجام گرفته هیچ اثری از این خدا بروز نداده است. آثار مهری مربوط به سال‌های ۶۷ قبل از مسیح تا ۷۹ پس از مسیح تاکنون نایافته مانده‌اند، قدیم‌ترین سندی که تعیین تاریخش آسان است، مجسمه‌ای است رومی که امروزه در موزه بریتانیا در لندن نگاهداری می‌شود. نوشته پائین مجسمه از کسی است به نام آسیموس که خود را زرخرید شخصی موسوم به ت - کلودیوس لیویانوس^۲ می‌خواند. اگر این لیویانوس همان فرمانده کثیک‌چیان امپراتور ترایانوس باشد، مجسمه مربوط به آغاز قرن دوم پس از عیسی می‌شود. در این تاریخ است که راه برای آئین سری میترا باز شده و مقارن همین احوال است که میترا پیشرفت پیروزمندانه خود را آغاز می‌کند و تا کاپیتول و پالاتن نیز جلو می‌رود.

پیروان میترا

همان طور که تاکنون دیده‌ایم، میترا در خود ایران هم مشهور به خصلت جنگاوری و پرخاشخوئی است، همیشه مهبای نبرد و آماده کمک به یارانی است که در راه خیر مبارزه می‌کنند و تا آن‌ها را به پیروزی نرساند از پای نمی‌نشیند. در آئین مهری یکی از مراحل که سالک باید از آن بگذرد، مرحله یا مرتبه سربازی^۱ است. آئین نیایش مهری در حکم یک نوع خدمت نظامی است و زندگی در جهان خاکی نبردی است در راه خدای پیروز. بنابراین - این، اگر در میان لشکریان رومی در هر مقام و منصبی که بودند و اغلب شرقی هم بودند، علاقه و جذبه‌ای به دین میترا احساس می‌شده مایه تعجب نباید باشد. زیرا همه کسانی که زیر پرچم عقاب نشان ارتش رم گرد می‌آمدند - می‌توانستند - مورد حمایت نیرومندان میترا قرار بگیرند. مساعدت و حمایتی که میترا در میدان‌های جنگ از سربازان معتقد به خود می‌کرد و انضباط نظامی که از هم اینان متوقع بود عوامل مهمی در انتشار دین او و رسمیت یافتن آن بوده‌اند. به مجردی که درفش عقاب نشان سپاه روم در زمین یک ساخلو کاشته می‌شد، دین میترا هم در همان جا فوراً استقرار می‌یافت و بدون شک چنین پدیده‌ای از قرن دوم میلادی به بعد رواج یافت.

مثال والریانوس ما کسیمیانوس^۲ یکی از آن‌هاست.

1. Miles

2. Valerianus Maximianus

1. Stace

2. T. Claudius Livianus

این امپراتور در پونتوویو^۱ در ایالت دالماسی^۲ (شمال غربی یوگسلاوی) زاده شد که در آن محل سه معبد بزرگ مهری یافته شده است. ماکسیمیانوس در زمانی که فرماندهی لشکر سیزدهم رم را در دست داشت، مهرکده‌ای در آپولوم^۳ ساخت و چون به فرماندهی لشکر سوم رم در سال‌های ۱۸۳-۱۸۵ بعد از مسیح ترفیع یافت، در ایالت نومیدی^۴ در شهر لامبیز^۵ چندین مهرکده وقفی ساخت و نیز باید دانست که روابط استواری میان ایالات اطراف دانوب وجود دارد و کیش مهری تا نزدیکی مرزهای افریقا پیش رفته است. لشکر دوم هرکولیا^۶ در ناحیه تروسمیس^۷ از ایالت موئسی^۸ مستقر شد و پس از آن در سی تیف (در افریقا) جای گرفت. و می‌دانیم که دین میترا در هر دو این نواحی انتشار یافته است. اریوس^۹ نام که در کارنوتوم^{۱۰} در شرق وین زاده شده - و در این شهر میترا سخت مورد احترام بوده - چون فرماندهی لشکریان را یافت. مهرکده‌ای در لامبیز ساخت. سکستوس کاستوس^{۱۱} سرهنگ لشکر لژیون ششم رمی با این که به احتمال قریب به یقین در افریقا تولد یافته بود در ردچستر^{۱۲} مهرکده‌ای را وقف میترا کرد. سربازان در عقب هنگ‌های سپاه روان می‌شوند، هنگ‌های سپاه در عقب فرماندهان در حرکتند و میترا در پی همه آنان راه می‌سپرد. اشخاصی می‌توانسته‌اند با انجام دادن خدمات نظامی به دین مهری درآیند. جزئیات این مطلب را نوشته‌ای که در شهر پالتوپلیس^{۱۳} از شهرهای جزیره آندروس^{۱۴} یافت شده است، توصیف می‌کند. امپراتور رم سپتیموس سوروس^{۱۵} در حوالی سال ۲۰۰ مسیحی به شرق لشکرکشی کرد، قشون بسیار بیاراست و در سر راه جزیره آندروس را ناگزیر اشغال کرد، مقارن این احوال و در همان جزیره شخصی به نام اریوس روفینوس^{۱۶} غاری تعبیه و به

- | | | |
|-----------------|-------------------|----------------------|
| 1. Poetovio | 2. Dalmacie | 3. Apulum |
| 4. Numidie | 5. Lambese | 6. Herculia |
| 7. Troesmis | 8. Moesie | 9. Aurelius |
| 10. Carnuntum | 11. Sextus Castus | 12. Rudchester |
| 13. Palaeopolis | 14. Andros | 15. Septimus Severus |
| 16. Rufinus | | |

میترا پیشکش کرده است. روفینوس عضو فوق‌العاده هیئت مأموران امپراتوری بوده و در نوشته‌هایی که در شهر سیسیا در بلغارستان از او یافته شده می‌گوید که زادگاهش شهر بیزی^۱ در ایالت تراس بوده است. از آثاری که برجای مانده این نکته را می‌فهمیم که مهرپرستی به غیر از شهرهای بساپارا^۲ و فیلی پوپولیس^۳، در بخش‌های جنوبی این ناحیه نتوانسته است نفوذ بکند. بنابراین، روفینوس در تراس با دین مهری آشنائی نیافته بلکه معرفت او بر این آئین از زمانی شروع شده که خدمت سربازی را شروع کرده و بعد به دسته سربازان کشیکچی ملحق شده است. سواره نظام و تیراندازان ارتش رومی پیرو ایزد شرقی هستند و در او خدائی شکست‌ناپذیر که سرور و حافظ مؤمنان به خویش است می‌یابند. و میترا همین تیرانداز ایزدی است که از صخره صلب به زخم یک پیکان آب بدر می‌آورد. در یکی از آثار تاریخی مربوط به مهر که در رم یافته شده میترا دیده می‌شود، در حالی که کمانی در دست دارد. همین میترا سوارکاری است ایزدی شکست‌ناپذیر که آهو و گراز را با یک تیر از پای درمی‌آورد. در مهرکده دورا و پوس دو تصویر گوناگون هست که میترا را مسلح به تیر و کمان نشان می‌دهد (شکل ۲۹) و تیراندازان پالمیر می‌توانستند با دیدن این دو تصویر متفاوت، تصویری از میترای سوارکار پیدا کنند. در آلمان (دیبورگ - روکینگن^۴) هم گاهی تصاویری یافته‌اند که میترا را به هنگام شکار نشان می‌دهد، در حالی که سگ‌های شکاری او را احاطه کرده‌اند. تصویری که در نوین‌هایم^۵ یافته شده، میترا را همچون پادشاهی مقتدر نشان می‌دهد که کره زمین را در دست راست دارد و سوار بر اسب است. (تصویر ۲۸). با این که می‌دانیم که دین میترا بخصوص در بندرهای اروپا رواج بسیار یافته به هیچ روی نباید تصور کرد که دریانوردان آئین این خدا را وارد بندرها کرده‌اند. اگرچه میترا در میان بازرگانان و کشتی‌بانان شهرتی بسزادارد، ولی نوشته‌هایی

- | | | |
|---------------------|--------------|------------------|
| 1. Bizye | 2. Bessapara | 3. Philippopolis |
| 4. Dieburg-Ruckingn | 5. Neuenhiem | |

که از پیروان دریا نورد او باقی مانده قلیل است. رودخانه‌ها هم مثل چهارراه‌ها برای بازرگانان و سپاهیان اهمیت اساسی دارد، زیرا حمل و نقل گروه‌های سربازان و کالاها را تسهیل می‌کند و رودهای بزرگ به مثابه یک نوع کمربند دفاعی طبیعی هستند که به دور مملکت کشیده شده‌اند. مکان‌هایی که مورد بحث قرار گرفت، قبل از این که شهریت پیدا کنند، سنگر و حصار و بارو داشته‌اند. سرتاسر رود فرات، در افریقا، در داسی، سرتاسر رود دانوب، در ناحیه مؤنزی، در گوشه و کنار رود رن در آلمان، و در انگلستان بین سلوی^۱ و تین^۲ به سیاقی که گفته شد، کمربندی از قلاع نظامی مشاهده می‌شود. آدریانوس مجبور شد سدی در مقابل تهاجم اقوام پیکت^۳ بپا کند. میترا در همه جا حاضر بود، حتی در پادگان‌های مرزی، در دورترین نقاط امپراتوری رم هم آثاری از آن دیده می‌شود (شکل ۴). نزدیک شبکه‌ای از جاده‌های اصلی در شهر کریمه که مشرف بر دریای سیاه است، دسته سربازان معروف به ممتاز^۴ به افتخار خدایشان، در یک مهرکده، قربانی‌هایی کرده‌اند و این معبد هنوز کشف نشده است. در سال‌های اخیر معابدی در ردچستر و کارائوبورگ^۵ پیدا شده است. پرستشگاهی که در والبروک^۶ نزدیک لندن کشف شده، از برخی جهات شباهت‌هایی با معبد یافته شده در ناحیه مریدای اسپانیا و مهرکده سنت پریسک رم دارد. کمی نزدیک به زمان ما، یکی از پیروان میترا در محله یهودان رم موسوم به ترانس تیریم^۷ نام خود را روی معبدی در ناحیه استی که در ضمن محل کار او هم بوده حک کرده است. اگر در مهرکده‌های دیبورگ و استوکشتات^۸ آلمان تصویرهایی از مرکور یافته شده که کیفی در دست دارد، اسباب تعجب نباید بشود. چون در شرق درکماژن گاهی اوقات نام میترا با خدای هرمنس - مرکور^۹ یکجا می‌آمده است.

در جوامع مهرپرست، اختلاف خلیقات افراد و اختلاف طبقاتی و

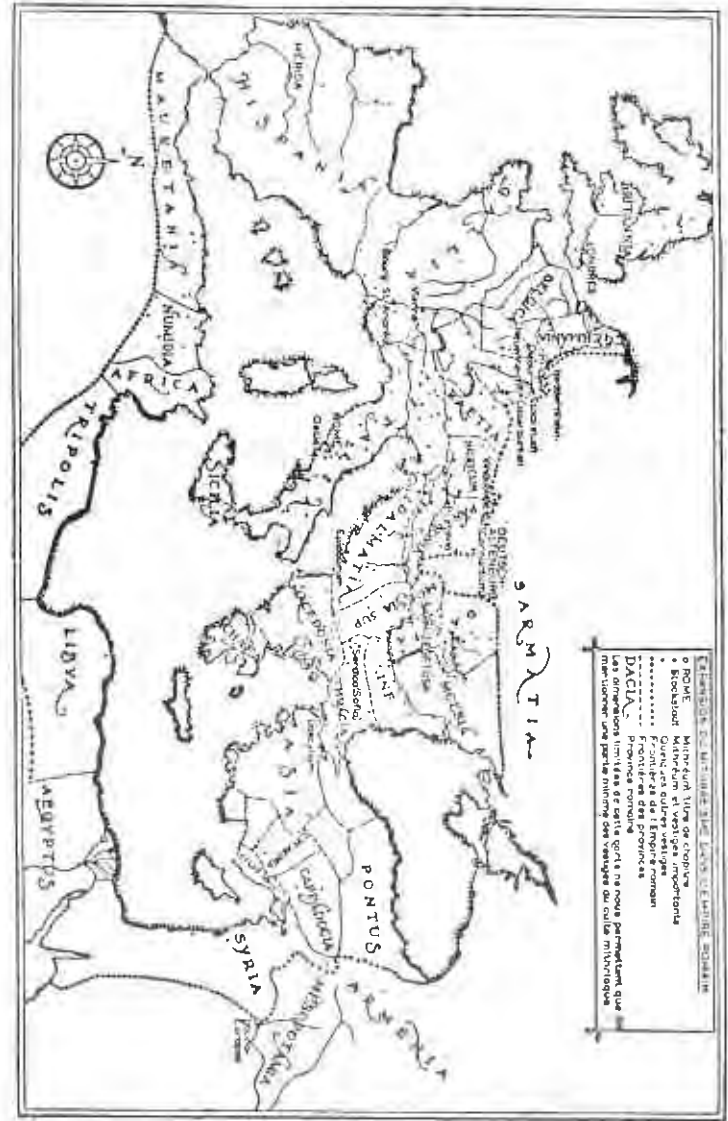
- | | | |
|------------------|----------------|---------------------|
| 1. Solway | 2. Tyne | 3. Pictes |
| 4. Beneficarii | 5. Carrawburgh | 6. Walbrook |
| 7. Trans-Tiberim | 8. Stockstadt | 9. Hermes - Mercure |

اجتماعی آنان هر چه قدر باشد قاطبه مردان مؤمن خود را متحد و یکی می‌بینند. به این دلیل است که در چندین مهرکده مظاهر اعتقادات ساده و عامیانه مردم را در جوار ابنیه و آثار با شکوه مربوط به مردمان صاحب مقام می‌توان دید.

نقش چندین انسان مهرپرست برای ما به یادگار باقی مانده است. از مردی به نام ژاهریبول^۱ فرمانده تیراندازان و دو تن از دوستان مهمش در ناحیه دورا نقش برجسته‌ای مانده که در حال قربانی کردن گاو هستند. ماریوس یا مارئوس^۲ مهرکده را با نقاشی‌های خود آراسته و نام خویش را روی یکی از ستون‌ها حک کرده است. اینکه این نقاش به رایگان قلم موی خود را در اختیار معبد گذاشته و یا این کار را فخری برای خویش می‌شمرده، باید تحقیق کرد و دید.

در پرستشگاه آوانتن^۳ مهرپرستانی را می‌بینیم که ردیف وار هدایایی برای میترا می‌برند. اگر به نام‌های این اشخاص اعتماد بتوان کرد، ظاهراً شرقی هستند، موی سر را از ته تراشیده‌اند و انبوهی ریش، گردن‌بندوار عارض آن‌ها را فرا گرفته است. هنرمندی که این تصاویر را کشیده شخصیت هر یک از افراد را جداگانه توصیف کرده است.

1. Jahribol 2. Maréos , Mareinos 3. Aventin



روش های تبلیغ در آئین میترا

دیدیم که سربازان و پیشه‌وران، آئین مهرپرستی را تا به دورترین مرزهای امپراتوری رم پیش بردند. در مدارک کتبی که به دست آمده، بیش از پیش به نام سرداران و بلندپایگانی برمی‌خوریم که هوادار پرشور میترا هستند. در اسناد یافته شده در ناحیه پوتوویو یک سلسله نام‌های صاحب‌منصبان گمرک را می‌بینیم که متدین به دین میترا هستند و نیز فرماندهان لشکر و فرمانداران استان‌ها را می‌یابیم که نذر کرده‌اند و محراب و مذبحی برپا داشته‌اند. مجسمه‌ای در رم یافته شده که اکنون در بریتیش میوزیوم قرار دارد و نام ترایانوس بنده آزادشده‌ای روی آن ذکر شده است. در اواخر قرن اول مسیحی عقاید شرقی در رم نفوذ کرد، در ناحیه استی مجسمه نیم‌تنه‌ای از ترایانوس امپراتور رم یافته شده که کلاهی فریجی^۱ بر سر دارد. ترایانوس فرماندهی چندین جنگ را در کشورهای شرقی به عهده داشته است.

یک قرن بعد در زمان سیتیموس سوروس که زوجه‌ای از اهل سوریه به نام ژولیا دومنا^۲ داشت، در خانه خصوصی بیلاقی ترایانوس امپراتور روم معبدی شاهانه مشرف بر رود آوانتن ساخته شد. از این به بعد عقاید مهری در دربار راه یافت و دینمردی مهرپرست به تنسيق امور دینی آنجا گماشته شد. اگر به قول مورخان اعتماد کنیم، در همین گیرودار کمد^۳ امپراتور رم بر تعلیمات

1. Phrygien

2. Julia Domna

3. Commode

میترا آگاهی یافت. پسران سپتیموس سوروس، یعنی کاراکالا^۱ و گتا^۲ به پرستش میترا شوق ورزیدند و در حمام‌های معدنی کاراکالا و در رم معبدی مستقر شد و در همین اوان بود که چندین پرستشگاه (از جمله سنت پریسک) در رم و افریقا که میهن خانوادگی امپراتوران مذکور بوده بنا شد. حتی در پالاتن^۳ مقر باشکوه امپراتوران رم، آثاری از دین میترا یافته شده، مهر تا پای کاپیتول^۴ و فورم^۵ نیز پیش رفته است.

ادیان شرقی سی‌بل^۶ و ایزیس^۷ بیش از عقاید مذهبی یونان راه ورود میترا به کاخ پالاتن را باز کردند و علت اساسی آن هم اعتقاد راسخ دین مهری به نجوم و تأثیر ستارگان در سعد و نحس امور خاکیان بوده است. در مرکز اعتقادات نجومی مهر پرستان، ایمان به خورشید وجود دارد. می‌دانیم که مهر پادشاهی است که در میان ستارگان قرار دارد و اوست که قدرت و جلال به پادشاهان روی زمین اعطا می‌کند. نخستین امپراتوری که این عقاید مجرد را عملاً متحقق کرد، نرون بود که برای خود خانه‌ای موسوم به زرین سرا^۸ ساخت. نرون مهر داد را به حکومت ارمنستان منصوب کرد. و مقارن همین انتصاب بود که خود را همچون میترا برای جدیدی خواند و از مؤمنان توقع احترام و ستایش کرد. فرمان داد تا در باغ‌های قصرش مجسمه‌ای عظیم به شکل هلیوس سل (خدای خورشید)^۹ از او پیرداختند و در همان جانصب کردند و مردم را به اکرام و اعزاز آن دعوت کرد. بعد از خاندان سوروس و نیز بعد از حکمت هلیوگابال^{۱۰} که وجود تاریخش قبول عام نیافته و محل بحث است، در اواخر قرن سوم مسیحی به ارلیوس^{۱۱} امپراتور رم برمی‌خوریم.

این امپراتور آئین پرستش خورشید شکست‌ناپذیر را رسمیت بخشید و در محل کنونی کلیسای سنت سیلوستر^{۱۲} معبد بزرگی برای خدای خورشید

بساخت. آن طور که از طواهر برمی‌آید، شک و تردیدی که ترایانوس امپراتور رم در قرن اول مسیحی در زمینه پذیرفتن آئین پرستش خورشید داشت، دیگر از میان رفت از این به بعد دین مزبور مقبول خاطر امپراتوران رم واقع شد، و آن هم بیش از پیش از طریق سلاطین مستبد شرقی را اتخاذ کردند.

این تحول را به وضوح روی سکه‌های بدست آمده می‌توان دید. امپراتور به تنهایی نماینده خدای خورشید است؛ اوست که هم فرمانروا^۱ و هم خداست،^۲ شکست‌ناپذیر^۳ و همراه^۴ و نگهبان مردمان است.^۵ می‌دانیم که صفات مذکور از دیرگاه، صفات منسوب به میترا خدای شکست‌ناپذیر خورشید است، اعتقادات نجومی هم بیش از پیش در مراسم دین مهری جانی برای خود باز می‌کردند.

وقتی که دیوکلسین^۱ امپراتور سالخورده رم، گالریوس^۷ و لیسینیوس^۸ در ۳۰۸ بعد از مسیح در شهر کارنونتوم^۹ نزدیک شهر وین گرد آمدند و حکومت سه پادشاهی^{۱۰} به وجود آوردند، به یادگار معاهدات منعقد میان خویش قربانگاه و مهرکده‌ای وقف میترا کردند. بر این بنا میترا با حروف شکوهمند و به عنوان نگهبان قدرت امپراتوری رم وصف شده است. موقعیتی که دین مهری بخصوص در قرون دوم و سوم مسیحی یافت و سخت میان مردمان شیوع پیدا کرد ناشی از توجه و علاقه‌ای بود که خاندان امپراتوری به آن ابراز می‌داشتند. در خود رم تنها، بقایای بیش از صد معبد مهری یافته شده که در تمام نقاط شهر چه در خارج و چه در داخل ناحیه پومریوم^{۱۱} پراکنده بوده است. همه این معابد را در یک تاریخ نساخته‌اند، مع‌ذلک تعداد زیادی از آن‌ها مربوط به یک زمان هستند. این نکته را هم باید خاطر نشان کرد که غار مهری هر چقدر هم وسیع باشد، ناگزیر بیش از عده محدودی از مهر پرستان را نمی‌تواند

1. Dominus

2. Deus

3. Invictus

4. Comes

5. Conservator

6. Dioclétien

7. Galérius

8. Licinius

9. Carnuntum

10. Triumvirat

11. Pomérium

1. Caracalla

2. Geta

3. Palatin

4. Capitole

5. Forum

6. Cybèle

7. Isis

8. Domus Aurea

9. Hélios-Sol

10. Héliogabale

11. Aurélius

12. Ste-Sylvestre

در خود جای بدهد. این شد که چاره‌ای اندیشیدند. به این ترتیب که هر قدر بر شماره مهریها افزوده می‌گشت، به همان اندازه بر ابعاد پرستشگاه می‌افزودند، ولی سرانجام دیر یا زود مجبور به تأسیس پرستشگاهی جدید در جایی دیگر می‌شدند و به این منوال آئین مهری تکیه‌گاه‌های جدیدتری تحصیل می‌کرد.

معبد مهری چه شکلی دارد؟

پورفیر^۱ در کتابش^۲ از شخصی به نام اوبولوس^۳ روایت می‌کند که ستایش مهر در غارهای طبیعی انجام می‌گرفته است. نزدیک غار می‌بایست رودخانه‌ای جریان داشته باشد. از چنین نوع غار در فرانسه (بورست آندئول^۴) و آلمان (شوارتزردن^۵) و یوگسلاوی (کاونات اپیدورم^۶ و شهر نفرتارا نزدیک پلولی^۷) تعدادی یافته شده و صورت میترا در حالی که مشغول ذبح گاو مقدس است، روی جدار سنگی غار کنده شده است. مهرکده‌ای که در ناحیه تیرگوسور^۸ یعنی در کوهستان‌های شمال غربی کنستانتزا (رومانی) به سال ۱۹۵۸ کشف شده، بسیار جالب توجه است. سنگتراشی موسوم به نیکومد^۹ سنگ‌های آن را تراشیده و نقل می‌کند که این غار در جنگل کوچک مقدس نزدیک رود فرات قرار داشته است. این رود فرات جویبار کوچکی است که همنام رود بزرگ فرات واقع در بین‌النهرین گهواره آئین میترا است. گاهی اوقات که مقتضیات مکانی اجازه برپا ساختن معبد را که می‌بایست مطابق گفته زرتشت در غاری طبیعی باشد نمی‌داد، پرستشگاهی مصنوعی می‌ساختند و در این امر دقت می‌شد که نمازخانه به شکل غار باشد (شکل ۵). نتیجه این شد که تا حد امکان مهرکده‌ها زیرزمین ساخته می‌شدند. اغلب اوقات معاریف و

- | | | |
|---------------------|------------------------|------------------|
| 1. Porphyre | 2. De Antro nympharum | |
| 3. Euboulos | 4. Bourg Saint Andeol | 5. Schwartzerden |
| 6. Cavtat epidaurum | 7. Nefertara (Plevlje) | 8. Tirgusor |
| 9. Nicomède | | |



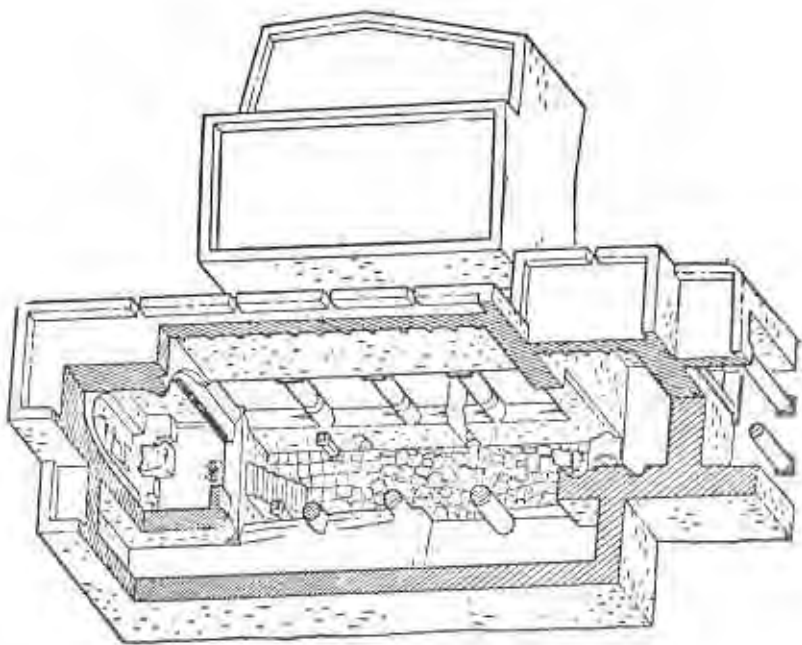
عکس ۱ - مغ . نقاشی باز یافته در دورا اریوس



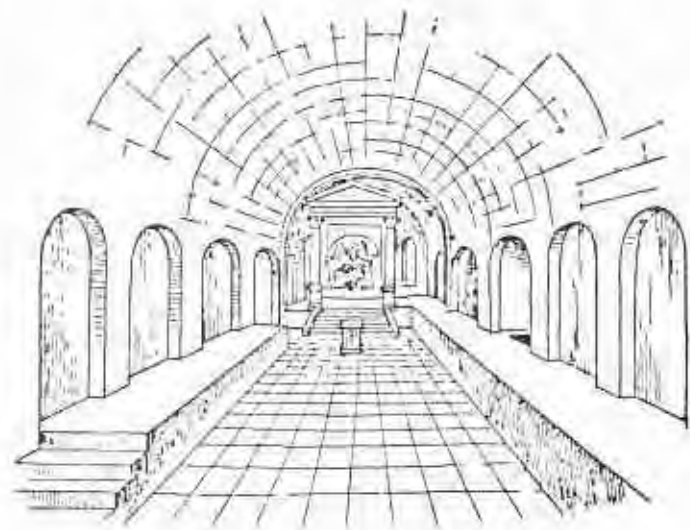
عکس ۲ - طاقچه مخصوص مراسم عبادی در مهرکده واقع در زیر کلیسای سنت پریسک

«سنگر تیرگی‌ها» است، می‌پرستند، در عجب می‌شود. نظیر چنین استدلال تعجب‌آمیزی را نزد ماترنوس^۱ (چهار قرن بعد از مسیح) نیز می‌بینیم. این نویسنده که صاحب کتابی است در باب اصول ضاله ادیان مشرک، می‌گوید: «مهرپرستان نام ایزد خورشید به میترا می‌دهند و مراسم دین را در غارهای آن قدر تاریک انجام می‌دهند که گوئی در ظلمت آزاردهنده آن مخفی می‌شوند و از جذبه و زیبایی نور درخشان حذر می‌کنند.»

معمولاً قبل از تالار نمازخانه اتافی قرار گرفته که در آن اسباب و آلات مورد لزوم در مراسم دینی گذاشته شده و نیز در همین اتاق است که مهرپرستان لباس مخصوص مذهبی را می‌پوشند.



شکل ۶: مهرکده دورا



شکل ۵: درون مهرکده سردیکا (سوفیا)

بلندپایگان جماعات مهرپرست، بخشی از خانه خود را مخصوص ساختمان یک معبد می‌کردند. (کلیساهای سنت پریسک، سن کلمان و سن مارتین از این سنخ هستند.) اما غار نشانه گنبد آسمان است و به همین علت طاق پرستشگاه معمولاً محدب و مزین به ستاره است. در ناحیه کاپوا^۲ در مهرکده‌ای، لونا^۳ را به طور جدا در حالی که درون ارابه خود قرار دارد و گاوی چند آن را می‌کشند، نمایش داده شده است. با وصف این، در این امر رعایت می‌شد که درون معبد تاریک بماند و تقریباً هیچ وقت پنجره و روزنه‌ای برای آن نمی‌ساختند. ترولین در کتابش^۴ از این که خدای روشنایی را در معبدی بی‌فروغ که همچون

1. Firmicus Maternus

1. Capoue

2. Luna

3. De corona

روش تقسیم معبد به حجره‌های متعدد، در تمام معابد ثابت است. یک راهرو مرکزی می‌بینیم که در طرفین آن دو نیمکت سنگی طویل قرار گرفته است (شکل ۶).

معلوم نیست که این روش تقسیم نماد (سمبول) معنای خاصی است و غرض مخصوصی از آن اراده می‌شود یا نه؟ معابد ناحیه استی دارای راهرو و نیمکت‌های مفروش از موزائیک است. مراسم دینی در راهرو مرکزی انجام می‌گرفته و روی نیمکت‌ها بالش‌هایی قرار داشته مهرپرستان روی آن‌ها دراز می‌کشیده‌اند (و برخلاف چند تصویر نادرستی که ممکن است القای شبهه کنند، زانو نمی‌زدند).

پیروان میترا خصوصاً در موقع خوراک دراز می‌کشیدند. خدمتکاران خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را روی لبه برجسته قسمت جلو نیمکت قرار می‌دادند مقابل دیوار ته راهرو محرابی بر پا بود. اما گاهی هم دیده شده که نقش میترا روی دیوار باشد، بدون این که محرابی به چشم بخورد.

در نقش اصلی تصویر خدا یا از مرمر است که روی آن رنگ خورده یا مثل نقش باز یافته در سنت پریسک مرمر اندود است. اما غرض اساسی در ابنیه مهری نشان دادن میترا است، در حالی که مشغول ذبح گاو است. به این منظور درون محراب را با قشری از سنگ خارا می‌پوشانند. گاهی اوقات به دیوار محراب پرده‌ای می‌آویزند که تزیینات هنری دارد (در ناحیه استی). از آنچه گذشت درمی‌یابیم که در نحوه ساختمان و آرایش معبد اختلافات سطحی و گونه‌گون وجود دارد. البته این اختلافات بی‌اهمیت معلول شرایط مکانی و یا تمایل آن کسی است که دستور ساختمان پرستشگاه را داده است.

مطابق سنن ایرانی، در معابد گاهی اوقات قبل از محراب، دو نمازخانه قرار می‌گیرند که آتش مقدس در آن فروزان است. برخی اوقات حوضچه کوچکی هم در نزدیکی در ورودی معبد دیده می‌شود. هدایا و نذوراتی که به معبد ارزانی می‌شود، بدون قاعده و رسمی خاص در طرفین چپ و راست

نمازخانه قرار می‌گیرند.

در بسیاری از معابد مهری، دیوارها مزین به نقوشی هستند که اشخاص مختلف نذر آن‌ها کرده‌اند. (معابد سارمیز گتوزا در رومانی و پتو در یوگسلاوی خصوصاً از این لحاظ بسیار غنی هستند.) در گوشه نیمکت‌های سنگی محراب‌ها و سکوهائی قرار دارد که روی آن‌ها مجسمه آدم‌های مشعل به دست گذاشته می‌شود. در همین جا یک یا چندین پله دیده می‌شود که برای رسیدن به سطح نیمکت‌ها ساخته شده است. اغلب، چاله‌های مخصوصی در خارج ولی نزدیک به معبد تعبیه شده که در آن استخوان‌های حیوانات قربانی شده را دفن می‌کنند.

به غیر از در معابد رم و استی، شبستان منقوش کمیاب است. غالب اوقات معابد ابعاد نسبتاً محدودی دارند، ولی در برخی موارد اتاق‌هایی ضمیمه معبد می‌شود که غرض از ساختن آن‌ها همیشه روشن نیست.

در جلو معبد استی آشپزخانه کوچکی هم ساخته شده است.

با این وصف نزدیک سنت پریسک شبستان بسیار قابل توجهی وجود دارد. در اطراف فضائی که مخصوص مراسم دینی بنا شده، سه نمازخانه برپا گردیده است. از این معبد سنت پریسک تا کنون به کرات سخن رفته، اما هر قدر هم که ابعادش زیاد شایان توجه نباشد، میان سایر معابد مهری اهمیت خاصی دارد. این پرستشگاه در پای تخت امپراتوری روم ساخته شده و به این علت معبد اصلی مهرپرستان رم است. در این معبد در کنار محراب اتاق کوچکی قرار گرفته که روی یکی از دیوارهای آن تصویر دومی از جنس مرمر نما وجود داشته که امروزه متأسفانه از میان رفته است.

در کنار دیوار ظرف‌های متنوع بزرگی قرار گرفته‌اند که ته ندارند و شاید به هنگام می‌گساری به افتخار میترا به کار می‌رفته‌اند. در گوشه این معبد شاید منظره‌ای از تولد میترا نقش شده بوده است. در ۱۹۵۴ در این اتاق کشف

بزرگی شد و آن دو سر زیبا از ونوس^۱ و سراپیس^۲ (تصویر ۷) از جنس مرمر بود. در سه نمازخانه جنسی مذکور سکوهائی وجود دارد که ارتفاع آنها در تالار مرکزی کم است و دو اتاق دیگر بیشتر برای نشستن مورد استفاده قرار می گرفته اند.

تقریباً مطمئن هستیم که این سه اتاق مخصوص مراسم مشخصی بوده اند. در نمازخانه مرکزی، محرابی هست که احتمالاً منقوش به سر میترا از جنس مرمر نما بوده. دور این سر دایره ای دیده می شود که روی آن علائم منطقه البروج کشیده شده است. جلو محراب مصطبه ای قرار دارد که درون آن حوضچه ای به طریقی ساخته شده که اگر شخصی زانو بزند، بتواند سر خود را درون آب فرو ببرد و یک نوع غسل تعمید بکند.

در اتاق طرف چپ ظرفی در سطح زمین مدفون شده است، در این ظرف، ظرف دومی قرار دارد که ته آن سوراخ است و روی لبه آن خطوطی نقش گشته که کشف و قرائت آن سخت مشکل می نماید. در تفسیر این خطوط متأسفانه آراء بسیار مختلف است. پرفسور ث. و. فلگراف^۳ استاد دانشگاه اوترخت^۴ واژه های زیرین را روی این ظرف چنین خوانده است: «و من ترا با آتش داغ می کنم، بیاساتورن. بیآتر. بیآپس.» ساتورن و آپس زوج ایزدی عصر طلائی هستند و آتر خدای آتش ایرانیان است. هر وقت سالک طریقتی را می خواهند با آتش داغ کنند از آتر استمداد می طلبند. در ته ظرف مذکور پیاله ای از جنس شیشه قرار دارد که پرفسور فلگراف علت وجودی آن را دریافته است. پرفسور اگر^۵ استاد دانشگاه وین راه حل دیگری پیشنهاد می کند که کاملاً متباین با قرائت پرفسور فلگراف است. مطابق قرائت اگر جمله زیر به دست می آید: «ای مارکوس ارلیوس! ای پدر، این را به کوتس اهدا کن.» بنابراین روایت، مراد قربانی می است برای کوتس و در چنین صورتی، پیاله

شیشه ای به کار می گساری مذهبی می خورد. من از اظهار هر نوع عقیده در این باب احتراز می کنم، چون هیچ یک از دو قرائت را نمی توانم بپذیرم. به غیر از مقادیری حال و گنج و گل رُس چیز دیگری در اتاق سوم یافته نشده است. به این اتاق فقط از راه نمازخانه مرکزی می توان دسترسی یافت و غرض از ساختمان آن نیز هنوز بر ما پوشیده مانده است. اگر نظر استاد فلگراف در باب نمازخانه طرف چپ درست باشد، اتاق مرکزی مخصوص غسل تعمید با آب است و حال آن که اتاق سوم، اتاقی است که احتمالاً غسل تعمید با خاک در آن انجام می گرفته است. در مورد معبد اصلی باید گفت که مقصود از آن عبور باد از نردبام افلاک سبعة است. (فصل «ستارگان و عناصر» را ببینید.) کسی که در تمام این مراسم شرکت جسته در واقع از میان کل عناصر عبور کرده و نظیر همین امر بدون کم و کاست در مناسک سری ایزیس وجود دارد.

سالک طریقت در چه مرحله ای از تشریف مجبور به عبور از این چهار عنصر می شود؟ ما می دانیم که شیر علامت آتش است (رجوع کنید به فصل مراتب هفتگانه تشریف) و بنابراین می توانیم قبول کنیم که درجات پائین تر به ترتیب نماد زمین و آب و هوا بوده اند. در درجه پائین کلاغ قرار داشته و در اطاق اصلی معبد به رموز آن تشریف می یافته، در نمازخانه های جنسی اتاق اصلی، «همسر»، «سرباز»، و «شیر» بر اسرار آئین وقوف می یافتند. وقتی که از مراتب هفتگانه تشریف که سالکان بایست از آن عبور کنند تا به اتحاد نهائی با میترا واصل شوند صحبت کردیم، از مسائل مذکور در فوق نیز سخن خواهیم راند.

1. Vénus
4. Utrecht

2. Sêrapis
5. Egger

3. Vollgraff

اوست. بنابر آنچه گذشت، ساختمان مورد بحث، نزدیک کلیسای سنت سابین و روی تپه معروف به آوانتن بزرگ قرار داشته است.

اتفاقاً روی آجرهایی که از زیر کلیسای سنت پریسک بیرون کشیده‌اند، نام کارخانه آجرسازی کننده شده است، و چنین امری روی آجرهای سایر ابنیه تاریخی رم نیز مشاهده شده است. یک محقق امریکائی به نام بلوخ^۱ در باب این نام‌های منقور بر آجر تحقیقاتی کرده و سیاهه‌ای از نام‌های منقوش روی آجرهای کلیساهای معروف درست کرده است که بر اساس آن می‌شود هویت و اسم و رسم بناهای ناشناخته را معلوم کرد.

با بکار بردن این روش بوده که توانسته‌ایم آثار باز یافته در قصر واقع در زیر کلیسای سنت پریسک را منسوب به ترایانوس کنیم و حتی اصلاحات بعدی که در این قصر انجام شده به کمک همین اسناد روشن گشته است. این قضیه محقق شده است که بعد از مرگ ترایانوس در سال ۱۱۷ بعد از مسیح، مالکیت قصر مزبور به جانشینانش سپرده شد. وقتی که امپراتوران متعلق به دودمان سور^۲ (که اصلاً سوری‌های بوده‌اند) بر تخت سلطنت دست یافتند (دو قرن بعد از مسیح) معبدی مهری در کاخ آوانتن برپا شد. تاریخ صحیح ساختمان آن از روی متون مکتوب بر جدارهای محراب این معبد به دست آمده است. روی همین محراب تصویری از میترا وجود دارد که در حال کشتن گاو است و متنی دارد به این شرح: «روز شنبه در تاریخ هجدهم ماه (آسمان)، یعنی دوازده روز پیش از اول ماه دسامبر در زمان حکومت قنسولی دو امپراتور سور و آنتونین^۳، بامدادان، موقعی که اولین پرتو آفتاب برون آمد، زاده شدم.»

مطابق تقویم و گاهشماری رمی، این تاریخ مصادف با بیستم ماه نوامبر سال ۲۰۲ مسیحی است. در این تاریخ سور و پسرش کاراکالا حکومت کنسولی را در دست داشتند. متن فوق متعلق به مردی است که نخواست نام خود را ذکر کند و در روز مذکور متولد شده یعنی بر رموز دین تشریف یافته و سالک

مهرکده‌های مشهور یا مهم

پرستشگاه نزدیک کلیسای سنت پریسک روی تپه آوانتن رم.

آوانتن^۱ یکی از دلپذیرترین تپه‌های رم است و زیبایی‌هایی تابناک و باشکوه دارد. این تپه مشرف بر رود تیر^۲ است و چشم‌اندازی عالی مشرف به قصر پالاتین^۳ دارد و بندر استی از روی تپه به طرزی چشم‌تواز نمایان است. در دامنه‌های این تپه نسبتاً بزرگ، نقاطی قرار دارند که حائز اهمیت بسیارند. مثل امروز در زمان امپراتوران رم هم در دامنه‌های تپه آوانتن محله‌های مجللی قرار داشت که در آن خانه‌های متمولین ساخته شده بود و آب جاری به وسیله کاربزه‌های روی زمینی وارد خانه‌های مردم می‌شد. در کوزه‌های این شهر سکوت و آرامشی حکومت می‌کرد که متباین با روح پریاهوی شهرهای جنوبی اروپا بود. در اواخر قرن اول میلادی، ترایانوس فرمان داد تا قصری نزدیک کاخ دوستش ل. لی سی نیوس سورا^۴ که مانند خود او از نژاد اسپانیایی بود، بساختند. تحقیق در متون تاریخی وجود این کاخ مجلل را در ناحیه آوانتن بر ما مسجل کرده بود، اما دکتر وان اسن^۵ باستان‌شناس انستیتوی تاریخ هلند در رم ثابت کرد که این قصر احتمالاً در همین محل کلیسای سنت پریسک که در آغاز قرن پنجم مسیحی ساخته شده قرار داشته و افتخار این کشف از آن

1. Bloch

2. Sévères

3. Antonins

1. Avantin

2. Tibère

3. Palatin

4. Licinius Sura

5. Van Essen

طریقت شده و امتناعی که از ذکر نام خود کرده موجب تعجب است. این راهم بگوئیم که این امر تشریف بر رموز درست دو روز بعد از زادروز میترا در سوریه وقوع یافته است. نوشته‌هایی بدست آمده که مربوط به سال ۳۲۲ بعد از مسیح است و نویسنده آن‌ها که مردی است لشکری از شهر سالسووی^۱ در ناحیه موئزی سفلی^۲ تاریخ ولادت فراموش‌ناپذیر خدا را هجدهم نوامبر در تقویم مسیحی می‌داند. احتمال این است که نویسنده نوشته‌های روی دیوار معبد آوانتن از اهل سوریه باشد. زیرا در نقاشی‌های دیوارهای جانبی معبد آوانتن نام‌های شرقی یافته می‌شود. در هر حال، این مسئله ثابت شده که محراب معبد در سال ۲۰۲ مسیحی آماده برای برگزاری مراسم دین بوده است.

اما مطابق عرف جاری، معبد از تالاری تشکیل شده بود که در آن یک راهرو مرکزی و دو نیمکت در طرفین آن وجود داشته است روی دیوارهای جانبی تصاویری بابی سلیفگی از مراسم تشریف بلند پایگان به اسرار دین نقاشی شده (اغلب اینان شیر هستند). آن سوی مدخل معبد درست در آن جا که نیمکت‌ها قرار دارند دو محراب ساخته شده که در آن تصاویر مشعلداران دیده می‌شود. در محراب وسیع چسبیده به دیوار ته معبد نقشی از میترا هست که گاوی را قربانی می‌کند. روی دیوارنگاره‌ها (فرسک) اسامی مشرفان این عهد دیده می‌شود. گاهی اوقات به نام‌های اشخاصی برمی‌خوریم که شرقی هستند و بعد از این که در امر تجارت در رم و یا در استی صاحب مکنت شده‌اند، در آوانتن مسکن گزیده‌اند.

تا سال ۲۲۰ بعد از مسیح، یعنی تقریباً طی ۲۰ سال، مراسم مذهبی در این معبد نسبتاً کوچک ادامه یافت. شاید در اثر مساعی مرشد جماعت مهری این معبد را بزرگ‌تر کردند و تغییراتی در آن دادند. بدین قصد بهترین صنعتگران را فرا خواندند، روی نقاشی‌های سابق را با کثیری از ماده‌ای مرمگونه اندودند و تصاویر جدید و زیباتری نقاشی کردند. البته موضوع

1. Salsovie

2. Moésie

نقاشی‌ها تغییر نیافت و آن اغلب متوقف بر تصویر یک گله شیر بود که تحف و هدایا حمل می‌کردند. با این وصف از ترسیم مجدد برخی جزئیات اجتناب کردند و چیز دیگری به جای آن‌ها نشانند. از جمله آیات بسیار قابل توجهی که روی نقاشی‌های قدیم نوشته شده بود حذف شد و مثلاً تصویر هفت درجه سالکان طریقت بر جای بماند و با تغییراتی مختصر جماعت معارف مجدداً نقاشی شد. روی دیوار چپ تصویر مجللی از مجلس طعام خدای خورشید و میترا اضافه شد. نقاشی‌هایی که بعد از سال ۲۰۰ مسیحی ترسیم شده‌اند، این تصور را می‌انگیزند که گوئی پرداخته دست چندین هنرمند هستند و حال آن که تزیینات مجددی که در معبد کرده‌اند، ظاهراً کار یک نفر بوده است.

در این تزیینات ابتکار دیگری هم صورت گرفت، بدین معنا که تصویری مرماندود از آسانوس - کائوس^۱ کشیدند، که در معجزه قربانی گاو حضور یافته است و البته تا کنون متوجه شده‌ایم که موضوع اساسی غالب تصاویر مهری همین مراسم قربانی است. در نقاشی مزبور میترا حالت باشکوهی دارد، گیسوان بافته شده مجعد دور سر زرین او را گرفته‌اند، کلاهی بر سر و پیراهن بلندی به رنگ آبی سیر در بر دارد. تا این جا ابتکار در تزیینات مربوط به فدائیان میترا بود. در این نقوش ابتکار آمیز به میترا و گروه یارانش، سراپیس^۲ (خداوند باروری در مصر) و ونوس و مارس و سایر خدایان کره زمین نیز ملحق شدند. این نقاشی‌ها نیز کار دو صورتگر هستند و ارزش هنری آن‌ها بدون تردید بسیار است. هر یک از این دو هنرمند چشم‌های اشخاص تابلو را به طرزی خاص و موافق سلیقه شخصی خود کشیده‌اند. سه نمازخانه به طرفین معبد اضافه کرده‌اند. این نمازخانه‌ها به این کار می‌آمد که مناسک ویژه تشریف در آن‌ها صورت می‌گرفت. بعدها سرسراپی هم به معبد افزودند و آن را بزرگ‌تر کردند.

در قرون بعد یعنی تا پایان قرن چهارم بعد از مسیح، اصلاحاتی که در این معبد شد جزئی بود. به عنوان مثال، خصوصاً تصاویر مرماندوده را عوض

1. Océanus-Caelus

2. Sérapis

کردند، ولی باقی قسمت‌های معبد شکل اصلی خود را حفظ کرد؛ تا این که مسیحیان حکومت را به دست گرفتند. ظاهراً در گیرودار اصلاحات معبد زنی پریسک نام بخشی از خانه‌ای را که زیر معبد قرار داشت تصاحب کرد و همدینان خود یعنی مسیحیان را به آنجا دعوت کرد تا به مناسک عیسوی عمل کنند. می‌بینیم که به فاصله چند دیوار، دو دست رقیب در دو جا اعمال مذهبی انجام می‌دادند. اما دیری نپائید که مهرپرستان با عجله دیواری نزدیک یکی از مدخل‌های نمازخانه خود کشیدند تا چشم مردم نامحرم به آنجا نیفتد.

جدیت پریسک در امر دیانت باعث شد که سن پیر به دست خود این زن متقی را غسل تعمید بدهد؛ زنی که نتیجه تلاش او این شد که معبد مسیح و پرستشگاه میترا ایرانی مجاورت یافتند. همان طور که دین مهر در آغاز کاخ امپراتوران رم را تسخیر کرد، مسیحیت تازه کار هم به همان سیاق عمل نمود. همکیشان سنت پریسک مشحون از اعتماد به نفس پرخاشجویانه به معبد مهری هجوم آوردند و تمام آثار هنری موجود در آن را از میان بردند. در این غزوه دینی، با خشمی هنرشکن، مسیحیان بخصوص آن ادواتی را که مربوط به مراسم آئین منفور آنان بود نابود کردند. آثاری از جنس شبه‌مرمر، شمایل مجلس طعام خدای خورشید و میترا و خلاصه هر چه نقاشی به دستشان افتاد با کلنگ خرد کردند و از میان بردند. البته مهری‌ها کوشش کردند تا آنچه را که می‌توانستند نجات دادند و شاهد این مدعا کشف شانزده چراغ دست‌نخورده و سالم است. ولی از آن تاریخ به بعد دیگر مهری‌ها نتوانستند مراسم دینی خود را در همان معبد انجام دهند. مسیحیان اتاق‌های مقدس معبد را با خار و خاشاک و خرده‌ریزی که از گورستان مجاور به دست می‌آمد پر کردند و پس از آن متوجه ساختمان معبد شدند و بخش بزرگی از این خانه سابقاً مسکونی را خرد کردند. بدین طریق بر خرابه‌های معبد مهری، مسیحیان پیروزمندانه کلیسای سنت پریسک را ساختند. در نوشته‌های باستانی که به دست آمده

کلیسای سنت پریسک را با کلیسای سنت ماری ماژور^۱ سنجیده‌اند. مطالبی که به طور خلاصه نقل شد، حاصل تحقیقاتی است که بیل به دست در حین حفاری‌ها انجام داده‌ایم. کاوش‌های باستان‌شناسی در این ناحیه را کیش‌های مسیحی منسوب به فرقه آگوستین‌ها^۲ در سال ۱۹۳۴ شروع کردند که تا سال ۱۹۳۷ طول کشید. غرض آن‌ها از این کاوش‌ها، دریافت اطلاعات بیشتری در باب کلیسای سنت پریسک بود، چنان که دیدیم منجر به کشف پرستشگاه شد. متعاقب اقدامات مذکور حفاری‌های انستیتوی باستان‌شناسی هلند شروع شد. طی این حفاری‌ها بازمانده‌هایی از نمازخانه این معبد به دست آمد، مقادیری خاک‌برداری شد و بالاخره در همان جا موزه کوچکی تعبیه شد که آثار بازیافته را در آن قرار دادند. اما به چه دلیل در تحقیقات راجع به دین میترا این معبد در درجه اول اهمیت قرار دارد؟

نخست به این دلیل که در این معبد آثاری هنری از جنس شبه‌مرمر به دست آمده که بسیار زیبا و کمیاب هستند. در اواسط ماه اوت ۱۹۵۶ در فضای کوچکی جنب محراب میترا، سرهای سراپیس و ونوس و مارس و سر دیگری از میترا یافته شده است. به علت زودشکنی جنس شبه‌مرمر، تعداد اشیاء حجاری شده شبه‌مرمری بسیار کم است. بیرون کشیدن سرهای مزبور چندین هفته طول کشید، چون هر دفعه که بخشی از سر از زیر خاک بیرون می‌آمد، می‌بایست منتظر ماند تا خوب خشک بشود که بتوان باقی آن را از زیر خاک بدر آورد.

بعد از این که این کار انجام گرفت، تازه آقای ژ. سانسونه تعمیرکار ایتالیائی آثار عتیقه مجبور شد ماه‌ها کار کند تا با تزییق گرد مرمر در بدن آثار بازیافته استحکام آن‌ها را حفظ کند. فوق‌العاده‌ترین اثری که به دست آمده، سر حیرت‌انگیز سراپیس خدای مصری است که کلاهی به شکل سبد میوه به سر دارد و مراد از آن اشاره به آفرینندگی ذات اوست (تصویر ۷). شاید حجاری این

1. Sainte-Marie Majeure

2. Augustins

دینی بوده که مذاهب دیگر را در خود هضم کرده تا اولویت خویش را بر آنها به ثبوت برساند. نظیر پدیده مزبور را در یک سنگ نبشته یونانی (تاریخ تحریر آن همزمان با حجاری سر سراپیس است) یافته‌اند. این کتیبه در تالار بزرگ معبد نزدیک گرمابه‌های کاراکالا پیدا شده و به صورت وقف به خدای زئوس - هلیوس به سراپیس بزرگ و به میتراى رهائی بخش و ثروت آفرین نیکوکار و شکست‌ناپذیر اهدا شده است. اما آنچه که بیش از همه در معبد آوانتن جالب نظر می‌کند، دو قشر روی هم قرار یافته نقاشی‌های روی دیوار است. این نقاشی‌ها تنها منبع اطلاعات ما در باب جزئیات آداب و مراسم آئین میترا است که در پنهان کرد آن سخت کوشش می‌شده است. حال به تفسیر جزئیات دیوارنگاره‌های (فرسک) مذکور می‌پردازیم: روی دیوار چپ معبد تعدادی شیر دیده می‌شوند که حامل هدایائی هستند. در جلو ردیف شیران شخصی به طرز دینمردان مثل یک مجسمه ایستاده است. در دست راستش شمعی افروخته و در دست چپش یک دسته شمع قرار دارد. در عقب او شخص دیگری را می‌بینیم که حامل یک خروس است. در میان شیران، شیر فبوس^۱ (= درخشان) و شیر ژلاسیوس^۲ (خندان) مشخص هستند. شیر اول ظرفی از جنس شیشه به دو دست گرفته که در آن تکه‌ای نان یا یک شیرینی نهاده شده و شیر دوم کوزه‌ای در دست دارد. این هدایا بسیار جالب توجه‌اند و بسیار زود می‌توان رابطه آن‌ها را با تصویر مجلس طعام سل و میترا که در واقع هدف شیران است، دریافت.

نان و شراب معرف و جانشین گوشت و خون گاو مقدس است (فصل «افسانه میترا» را ببینید). پرده نقاشی مورد بحث مربوط به تقریباً ۲۲۰ سال بعد از مسیح است و گفته‌های سابق ما را در باب مراسم دینی و موبک سالکان طریقت تأیید می‌کند. این سالکان، رهروان مراحل هفتگانه وصال‌اند و در یک شمایل دیگر هر کدام از آن‌ها واجد مشخصات و علائم مربوط به مقام و

1. Phoebus

2. Gelasius



شکل ۷: سراپیس، خدای مصری

سر تقلیدی از آثار سنگتراش یونانی موسوم به بریاکیسیس^۱ است کله مزبور صورتی به شکل صورت زوپیتر دارد؛ موی سرش حلقه حلقه و فراوان و محاسنی انبوه دارد قیافه‌اش جدی و مهربان است. این خدا را گاهی اوقات با ساتورن یکی دانسته‌اند. ولی امر باز یافتن خدای مصری (که معمولاً با ایزیس همراه می‌آید) در معبد مهری معرف این است که مهری‌ها در مراسم دینی خود دوباره او را قبول کرده‌اند. دلیل این استقبال مجدد هم نمایل مهری‌ها به داشتن

1. Bryaxis

منصب خودشانند. (بخش «مراحل هفتگانه تشریف» را ببینید.)

روی پرده دیوار سمت راست، مراسم قربانی گاو و قوچ و خوک به طرزی زنده نقاشی شده است. در رأس موکب مردی قرار دارد که دیگران را هدایت می‌کند و متشرف به اسرار دین مهری است و به همین علت لقب شیر به او داده شده است.

از این قسمت پرده فقط تکه‌هایی چند برای ما باقی مانده است. در دنبال مرد فوق‌الذکر، شخص دیگری در حالی که افسار گاو سفیدی را در دست دارد، دیده می‌شود و بعد از او شیری می‌آید که حامل خروسی سفیدرنگ است. جامه‌ای کوتاه به تن و ریش صورتش به شکل گردن‌بند است. در عقب اینان مردی کمی گورز قامت دیده می‌شود که بره‌ای را به جلو می‌راند. نقاش این مرد را به شیوه امپرسیونیست ترسیم کرده است. او تنها شخصی است که به درون تالار نگاه می‌کند، ولی نقاش طوری چشمان او را کشیده که گوئی نگاهش مدام از نظر نگرنده می‌گریزد.

اما محقق دقیق فراموش نخواهد کرد که حالت این مرد، حالت مرد متدینی است که با خضوع و در عین حال غروری خاص، پیشکش یا قربانی خود را در میان گروه حمل می‌کند. در آخر صف، شیر «حامل پیروزی»^۱ و شیر «عطیه خداوندی»^۲ قرار دارند و به ترتیب حامل کوزه و خوک هستند. این نقاشی مربوط به مراسم قربانی گاو تنها سندی است که منسوب به قرن سوم مسیحی است و برای تحقیق در مراسم دین مهری اهمیت سرشار دارد؛ درست نظیر گاو زیبایی که در معبد کاپو^۳ یافته شده و مهر در حال کشتن اوست. رنگ این گاو هم سفید است. وجود خروس در این نقاشی‌ها قابل توجه است و چه در نقوش قشر زیرین دیوارهای معبد و چه روی پرده‌های دیوار سمت چپ معبد دیده می‌شود. خروس «پرنده ایران» است و خروش او اهریمن بدکار را می‌راند. خروس در آئین زرتشتیان جانوری مقدس است و نوع سفیدرنگ آن

1. Nicephore

2. Théodore

3. Capoue

را به اهورامزدا و میترا هدیه کرده‌اند. این عقاید در غرب منتشر شده و در کاوش‌های باستان‌شناسی دلایل مؤید آن به دست آمده است. هیپولیت^۱ از این نظر قابل توجه است که می‌گوید باید غسل تعمید را به هنگام آواز خروس^۲ انجام داد، زیرا چنان که گفتیم به نوای خروس خاصیت راندن شیطان را منسوب می‌کردند.

مؤید نکته مزبور متون دیوار نوشته‌هایی است که هنگام تشریف به اسرار دینی در سحرگاهان ذکر کرده‌اند. نیسفور (شیر حامل پیروزی = پیروزر) حامل کوزه‌ای است که به کار صرف شراب می‌خورد، مگر این که احياناً خون گاو قربانی شده در آن بریزند. امر ذبح گاو مراسمی بوده دولتی و مؤید نظر مزبور این است که خود معبد مهری نزدیک سنت پریسک هم دولتی بوده است. مراسم قربانی را در نقاشی‌های قشر زیرین نمی‌یابیم. روی دیوار سمت چپ فقط تصویر گاوی خردسال (گوساله) و خوکی با پشم انبوه دیده می‌شود. آن طور که از ظواهر برمی‌آید، قربانی گاو طی مراسمی مخصوص شاید به افتخار نوسازی عمارت معبد در حوالی سال ۲۲۰ مسیحی انجام گرفته است. البته مثال‌های متعدد دیگری هم از قربانی گاو وجود دارد که موقع تجدید عمارت و بزرگ کردن معابد و بقاع مقدس انجام می‌گرفته است.

چندین سطر از متنی که روی نقاشی قشر زیرین دیوار معبد نوشته شده حائز اهمیت بسیار است. تحقیق در این نوشته‌ها را به بخش جداگانه‌ای موکول خواهیم کرد و نیز بحث در پرده‌های نقاشی این معبد را به آخرین بخش این کتاب که مربوط به معبد سنت پریسک است موکول می‌کنیم. کشفیات درخشانی که در این معبد شده است بسیارند! این اکتشافات حاکی از این است که فقیر و غنی در این معبد یکسان مراسم قربانی را انجام می‌داده‌اند. مثلاً کافی است سرهای دو مجسمه خدای خورشید را با یکدیگر مقایسه کنیم. قرارگاه خاص این مجسمه‌ها در معبد بر ما ناشناخته مانده است. نخست سر خدای خورشید

1. Hippolyte

2. Hora Gallicinii

(= سل) را می‌بینیم که کمی زمخت به نظر می‌رسد. جنس این مجسمه از سرب است و به جای چشم و دهان و اشعه هفتگانه حفره‌هایی روی بدنه آن ساخته شده که هرگاه چراغی پشت سر آن مجسمه قرار گیرد پرتو نور از سوراخ‌ها ساطع می‌شود. اما سر دیگری هم یافته شده که اثری است هنری و از جنس موزائیک مرمرین است.

انواع مختلفی از مرمرهای قیمتی به قطعات بسیار کوچک بریده شده‌اند و روی آن را صیقلی کرده‌اند. این عمل چندین هفته طول می‌کشد که البته حاصل آن سر زیبایی خدائی است که امروز در دست ماست. گونه‌های او به رنگ قرمز لعل فام است و خرمنی از طره‌های گیسوان براق دور سر او را احاطه کرده‌اند. بنابر آنچه گذشت مهری‌ها معبدی در روی تپه آوانتن داشته‌اند که در نوع خود بی‌نظیر بوده و اطلاعاتی به ما داده که از برکت آن کاوش‌های نواحی استی و لندن ممکن گشته است.

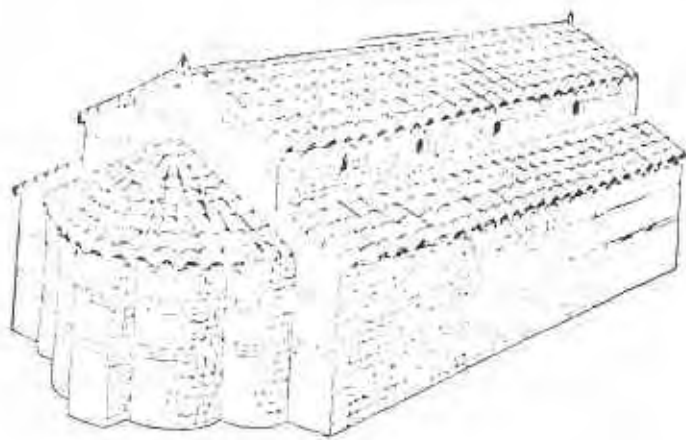
مهرکده‌ای که نزدیک والبروک^۱ در شهر لندن قرار دارد.

چند سال پیش نیست که استاد ژ. بکاتی^۲ کتابی در باب معابد مهری بندر استی نوشته است، این کتاب جزء یک سلسله انتشاراتی است که غرض از آن تفسیر تدریجی کلیه اکتشافات انجام شده در شهر استی واقع در کنار مصب رود تیمر است. این شهر در قرون دوم و سوم مسیحی شکوفان بوده و با این که تمام زوایای آن بر علم باستان‌شناسی گشوده نشده، معذک تاکنون شانزده معبد در آن جا سراغ کرده‌ایم. حال آن که جمعیت آن به پنجاه هزار نفر برآورد شده است. هر چند تعداد معابد یافته شده نسبتاً محدود است، ولی اگر آن را با معابد ایزدان دیگری (که در حاشیه دین رسمی قرار داشتند) که در

1. Wallbrook

2. G. Becatti

استی وجود داشتند، مقایسه کنیم، اهمیت بسیار آن بر ما معلوم خواهد گشت. البته در بندرهائی که تعداد مردم شرقی نژاد زیاد بود، خدایان شرقی بسیار مورد پرستش بودند. بنابراین، هیچ جای شگفتی نخواهد بود اگر بگوئیم که در سال ۱۹۵۴ معبدی در بندر لندن یافته‌اند. هنوز همه ما جمعیتی را که هر روز دور و بر آثار بازیافته در حفاری‌ها گرد می‌آمدند در خاطر داریم.



شکل ۸: بازسازی نمای خارجی معبد لندن

کاوش‌ها درست در وسط شهر لندن نزدیک مانشن‌هوس^۱ انجام می‌گرفت. معبد نزدیک والبروک^۱ قرار گرفته و مطابق سنت مهری در مجاورت آن جویباری وجود داشته است. ولی وضع خاص زمین، چه در لندن و چه در استی، اجازه نمی‌داده که معبد را در زیرزمین بسازند. مهلتی که به باستان‌شناسان برای واری داده بودند بسیار کوتاه بود، و در این مدت معلوم شد که معبد یافته شده ابعاد نسبتاً کوچکی دارد (۷×۱۸ متر) و به مشرق نگاه می‌کند. راهرو مرکزی و نیمکت‌ها در دو طرف راهرو و محراب معبد تصور

1. Mansion House

یک کلیسای کوچک را در ذهن تماشاگر بیدار می‌کند (شکل ۸). این معبد در سال ۱۵۰ مسیحی بنیاد گذارده شده و تا قرن چهارم مورد استفاده بوده است. در عرض این مدت اصلاحاتی در آن شد و سطح راهروی مرکزی را تا کف محراب بالا آوردند و بدین طریق با آن همسطح کردند.

کشف این معبد هیچ گونه تعجبی ایجاد نکرد در سال ۱۸۸۹ در همین محل آثار بسیار مهمی از این دین ایرانی باز یافته شده بود. در میان این آثار نقش برجسته‌ای یافته شد که میتر را در حال ذبح گاو نشان می‌داد. در حالی که دایره‌ای از صور منطقه البروج دور سر او را احاطه کرده بود. در چهار گوشه نقش برجسته دو نیم تنه یکی از ایزد باد و دیگری از ایزد خورشید و یکی هم از خدای ماه در حالی که سوار بر ارا بهائی هستند، دیده می‌شوند.

این نقش برجسته را کهنه سربازی رومی از لشکر دوم ارتش روم به نام اولپیوس سیلونوس^۱ که از شهر اُرائز^۲ یکی از بلاد جنوب فرانسه می‌آمده، وقف معبد کرده است. در حفاری‌هایی که اخیراً انجام شده دست راستی پیدا کرده‌اند که احتمالاً متعلق به میتر است، ولی ابعاد آن به حدی است که نمی‌تواند متعلق به مجسمه‌ای بوده باشد که درون معبد مذکور افراخته بوده است. این کشف باعث شده که فرض کنند معبد دومی در همین ناحیه شهر لندن وجود داشته که بزرگ‌تر از معبد نخستین بوده است. اضافه بر آنچه گذشت بخش فوقانی مجسمه اسانوس را می‌شناختیم، اما روی سر او آن کلاه مخصوصی را که در سنت پریسک داشت، دیگر نمی‌بینیم. بسیار محتمل است که مثل معبد آواتن این تندیس در جلوی شمایل ذبح گاو قرار داشته است.

محل آخرین اکتشافاتی که در درون معبد شده معلوم نیست. سری مجلل از میتر از جنس مرمر به دست آمده، سری از یک بغبانو (آتنا^۳ یا شاید رُما^۴) نیز کشف شده است. تندیس کوچکی هم یافته‌اند که مرکور را در حالت

1. Ulpius Silvanus 2. Orange 3. Athéna
4. Roma

نشسته نشان می‌دهد. قسمت تحتانی یک نقش برجسته که مشعلداری را نشان می‌دهد هم پیدا کرده‌اند.

در یک نقش گروهی با کوس^۱ همراه یک ساتیر^۲ و یک مناد^۳ و سیلن^۴ در حالی که می‌خواهد سوار خر بشود، دیده می‌شوند. نقشی از خدای اسب سوار تراس یافته شده که می‌نمایند برخی از مهری‌های لندن احتمالاً اهل شبه جزیره بالکان بوده‌اند. زیباترین بازمانده‌ای که در اکتشافات لندن به دست آمد، محققاً سر سراپس است از جنس مرمر و در چهارم اکتبر سال ۱۹۵۷ یافته شده است. این کشف دو ماه بعد از یافتن سراپس در سنت پریسک انجام شد و نشان می‌دهد که تا چه اندازه اتفاق در امور باستان‌شناسی باعث می‌شود که دو کشف مقارن یکدیگر انجام گیرند و متمم فایده یکدیگر بشوند. مقایسه این دو سر که یکی از شبه مرمر است و دیگری از مرمر، نتایج بسیار جالبی دارد. در هر دو اثر یک نوع حالت جدی و یک قسم شکوه و مهربانی احساس می‌شود.

اگر ترازنامه کاملی از جمیع آثار باز یافته در معبد لندن ترتیب دهیم، خواهیم دید که اهمیت اساسی این معبد در محل اکتشاف آن است.

این معبد در واقع تنها پرستشگاهی است که در جنوب انگلستان یافته شده است. سایر معابد مهری انگلستان در طول خطوط استحکامات نظامی شمال این کشور، یعنی همان جا که لشکریان رومی خیمه و خرگاه زده بودند، دیده می‌شوند.

اکتشافات درخشانی که در معبد مریدا^۵ در اسپانیا شده است.

مریدا یکی از شهرهای باشکوهی است که در ایالت لوزیتانی^۶ واقع و به

1. Bacchus 2. Satyre 3. Ménade
4. Siléne

۵. Mérida: نام باستانی آن Emerita Augusta است.

6. Lusitanie

سبک رمی ساخته شده است و در زمان ما به علت کاوش‌های باستان‌شناسی که در آن کرده‌اند، اشتهاری عظیم یافته، نمایشخانه‌ای به سبک رمی، یک سیرک و یک آمفی‌تئاتر و چندین معبد در آن وجود دارد. در سال‌های ۱۹۰۲ و ۱۹۱۳ تندیس‌های نسبتاً ممتازی در آن یافتند که احتمالاً متعلق به یک معبد مهری بوده، ولی متأسفانه آگاهی‌های دندانگیری در باب آن‌ها نیافته‌ایم. اگر در این مقال توصیفی از قطعات باز یافته به دست می‌دهیم، به این علت است که میان این آثار و مکشوفات لندن و سنت پریسک و رم، قرابت و مشابهتی وجود دارد. از سنگ نوشته‌ای که در همین حفاری‌ها به دست آمده چنین برمی‌آید که در سال ۱۵۵ مسیحی شخصی به نام گایوس آکیوس هدیکروس^۱ مقام مرشدی یک جماعت مهری را داشته است. همین شخص دو مجسمه وقف معبد کرده: اولی تندیس از مرکور است از جنس مرمر که روی صخره‌ای نشسته و بخشی از این صخره‌ها را روکش پوشانیده‌اند. مرکور به صورت عریان نشان داده شده و پای‌های او بال‌دار است. بر بطنی روی صخره کنده شده و متن مکتوب میان بربط جای گرفته است دومی تندیس‌ای است از اسآتوس که روی دلفین (خوک دریائی) قرار یافته که متأسفانه سر و دستش شکسته و از میان رفته ولی بقایای سبد میوه که نشان نعمت و فراوانی است به وضوح کامل باقی مانده است. پایه دلفین مزین به خطوط موج‌داری است که نماد آب است.

در زمانی که هدیکروس پیرو مرشد این معبد بوده، مردی به نام کایوس کوریوس آویتا^۲ مجسمه‌ای به سبکی بسیار بدیع از میترا در سن و سال شباب وقف معبد کرده است. سازنده این مجسمه دمتریوس^۳ نامی بوده که اسم خود را به حروف یونانی زیر آن ثبت کرده است. این مجسمه مردی را به حالت ایستاده نشان می‌دهد که نیم تنه پرچینی بر تن دارد و به روی آن خرقة‌ای از پارچه سنگین پوشیده است. نزدیک پای چپ مجسمه دلفینی مشاهده می‌شود.

1. Gaius Accius Hedychrus
3. Démétrius . .

2. Caius Curius Avita

مجسمه دیگری به همین سبک یافته شده که در نوع خود شاهکار است، اما معلوم نیست که آن هم به دست دمتریوس ساخته شده یا نه. و آن تندیس است از ایزدی در آغاز جوانی، عریان و به حالت ایستاده، نیم تنه‌ای به سیاق جامه سربازان یونانی که فقط نیمی از بدن آن‌ها را می‌پوشاند، به بر دارد. نزدیک پای راست او ریشه درختی نمایان و شیری در حالت نشسته نقش شده است. احتمال می‌رود که این مجسمه تصویری از میترا باشد.

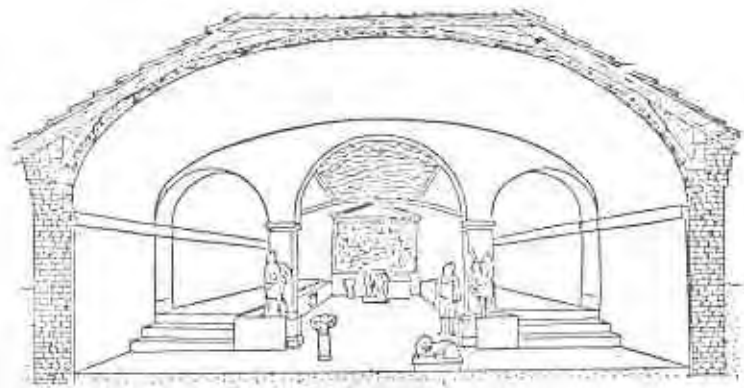
سنگ نوشته‌ای روی قربانگاه مرمرین معبدی یافته شده و معرّف این است که در سال ۱۵۵ مردی به نام مارکوس والرئوس سکوندوس^۱ یکی از صاحب‌منصبان لشکر هفتم ارتش روم، در روز ولادت میترای شکست‌ناپذیر مذبحی را وقف او کرده است. نام فعلی محلی که این معبد یافته شده پلازاد توروس^۲ («میدان گاوان») است. اما میان آثاری که از زیر خاک بیرون کشیده‌اند، نقشی از میترا یافته نشده است. در هر صورت این معبد مملو از مجسمه بوده است. دو تندیس از ونوس، یکی از اسکولاپ^۳ و یکی از نپتون^۴، دو مجسمه از دو زن ایستاده ملبس به پوششی مخصوص و سرانجام سری از سرپیس به دست آمده که خطوط صورتش به آشکاری و صراحت دو سر باز یافته در سنت پریسک و لندن نیست. دو مجسمه از ایزد زمان هم به دست آمده که اولی، مطابق سنت، تصویری است وحشت‌انگیز از این خدا و دیگری نقشی است که در آن کوشش شده تا خدای زمان چهره آرمانی مهربان‌تری بدارد و به همین علت است که ساخت آن را به دمتریوس یونانی نسبت می‌دهند. در این مجسمه خدا به شکل یک جوان ظاهر می‌گردد. چهره‌ای نظیر چهره انسان دارد و روی سینه او نقابی نقش بسته که معرف شیر است و همین نکته به طبع ذهن را متوجه مجسمه دیگری می‌کند که آن هم صورت یک مرد جوان است و در همین معبد یافت شده و شیری نزدیک او نشسته است. این مجسمه اهمیت

1. Marcus Valérius Secundus

2. Plaza de Toros

3. Esculape

4. Neptune



شکل ۹: بازسازی معبد دویچ - آلتن بورگ (اتریش)

قبایل دشمن را پس از جنگ‌های شدیدی که با آن‌ها کرد به شمال رود دانوب راند و در همین لشکرکشی در سال ۱۸۰ در وین رخت از جهان کشید. در سال ۱۹۳ مسیحی سیتیموس سوروس در کارنونتوم امپراتوری یافت و عنوان کلنیا^۱ (مستعمره) به آن داد، به این علت که سنگربندی لشگریان او در کنار این شهر واقع شده بود. در سال ۳۰۸ مسیحی دیوکلسین^۲ جانشینان خود را در شهر کارنونتوم جمع کرد و مجمعی از آنان ترتیب داد و چون به علت سالخوردگی از سلطنت استعفا کرد، می‌خواست در قصری که در ناحیه اسپالاتو^۳ در یوگسلاوی ساخته بود، بقیه عمر را به خرسندی بگذراند. اما مجال استراحت به او ندادند. اگوست^۴ و قیصر^۵ بر سر امپراتوری به جان یکدیگر افتادند و با اینکه امپراتور سالخورده مداخله کرد، مشکل از میان برنخاست. در مجمعی که دیوکلسین در ماه نوامبر ترتیب داده بود، گالریوس ماکسیمیانوس^۶ اگوست مشرقی^۷ و والرئوس لیسینانوس لیسینیوس^۸ (معروف به اگوست مغربی)^۹ و

- | | | |
|------------------|---------------------------------|------------------|
| 1. Colonia | 2. Dioclétien | 3. Spalato |
| 4. Auguste | 5. César | 6. G. Maximianus |
| 7. A. d'orient | 8. Valérius Licinianus Licinius | |
| 9. A. d'occident | | |

خاصی دارد و مجدداً در فصل مربوط به ایزد زمان از آن سخن خواهیم گفت. در این معبد فقط یک نقش برجسته یافت شده که صحنه غیر مألوفی را نشان می‌دهد. سه نفر انسان مقابل میزی دراز کشیده‌اند، روی این میز خوراکی (نان و شاید گوشت) نهاده شده است، و در طرفین آن‌ها دو شیخ دیده می‌شود که ملبس به روپوشی بلند هستند. در سمت چپ این اشخاص انسان دیگری نمودار است که به اینان نزدیک می‌شود و سینی‌ئی در دست دارد که حامل سر گاو است. این نقش معرف این است که در مراسم خوردن طعام مقدس گوشت گاو صرف می‌شده و اگر تولد میترا را هم در همین صحنه مشاهده می‌کنیم معلول اتفاق نیست. چون همین میترا است که گاو را می‌کشد و با گوشت آن طعام مقدس را ترتیب می‌دهد.

مه‌رکده‌ای که در ناحیه دویچ آلتن بورگ^۱ نزدیک وین یافته شده است.

دویچ آلتن بورگ قصبه‌ای است در شرق وین (در ناحیه ویندونا)^۲ و نزدیک مرز مجارستان واقع شده. اشتهار امروزه این منطقه معلول چشمه‌های آب گرم آن است. اما در قرن اول مسیحی، رومیان شهر بزرگی به نام کارنونتوم^۳ در آنجا ساختند. این شهر بر سر دوراهی تجارتنی بسیار مهمی قرار گرفته بود و آن یکی راه آبی دانوب و دیگری جاده موسوم به عنبر بوده که دریای بالتیک را به شبه‌جزیره ایتالیا وصل می‌کرد. کارنونتوم پایتخت ایالت پانونی^۴ شد و چون از این نواحی قبایل مارکومان^۵ و کوآدها^۶ به امپراتوری رم هجوم می‌آوردند، شهر کارنونتوم مرکز تجمع نیروهای نظامی شد که برای رفع تهدید و تهاجم مارکومان‌ها و کوآدها لازم می‌نمود. مارکوس ارلیوس^۷

- | | | |
|----------------------|--------------|--------------|
| 1. Deutsch-Altenburg | 2. Vindobona | 3. Carnuntum |
| 4. Pannonie | 5. Marcomans | 6. Quades |
| 7. M. Aurélius | | |

ما کسی میانوس هرکولیوس که او هم استعفا کرده بود، اما منتظر فرصت بود تا دوباره به صحنه سیاست بیاید، شرکت کرده بودند. در این مجمع از شفاعت و میانجیگری دیوکلئین این نتیجه حاصل شد که ما کسیمیانوس از دعاوی خود دست کشید و قرار شد که دو مدعی سلطنت متفقاً به امور ملک پردازند و از قیصر مستعفی استعانت و کسب نظر کنند. این دو مرد از روی حق شناسی قربانگاه بزرگی وقف میترا کردند که هم اکنون در موزه جالب کارنوتوم جای داده شده است. در متن مندرج بر دیوار مذبح چنین نوشته شده که اینان (اشاره به دو حاکم) به میترای شکست ناپذیر خطاب می کنند، چون او موافق با سلطنت ایشان است، میترا ایزد خورشید است و اینان معبد خدا را مرمت کرده اند.

این مذبح قبل از گرد آمدن سران دولت در معبد وجود داشته است. بعد از پایان مجمع کوشش شد تا متن اصلی که بر روی دیوار منقور بود پاک شود و به جای آن متن فوق الذکر را نوشتند. این امر که این دو فرمانروا متن مزبور را وقف میترا کردند و از ایزد دیگری نامی نبردند، منحصرأ معرف خوش رفتاری این دو پادشاه نسبت به عقاید ساکنان شهر کارنوتوم نیست (و باید دانست که در کارنوتوم لشکر پانزدهم رمی که از شرق بازمی گشت، اطراق کرده بود). بلکه گویای این واقعیت هم است که مناسک و نیایش خورشید شکست ناپذیر با مراسم پرستش^۱ نخص امپراتور مناسبتی تام داشت و به همین دلیل در مرکز آئین رسمی قرار گرفته بود.^۱

حفاری هایی که در سال ۱۸۹۴ شد، وجود این معبد را در قسمت غربی شهر آشکار نمود. (شکل ۹).

این معبد از مهم ترین معابد سه گانه ای است که تا به حال در دویچ آلتن بورگ یافته شده. خود معبد ۲۳ متر طول و هشت متر و نیم پهنا دارد و نقش برجسته ای در آن وجود داشته که متأسفانه تکه تکه شده ولی قطعاتی از آن به دست آمده است. در نتیجه معلوم شده که نقش مزبور ۴ متر عرض و ۳

1 Swoboda, Carnuntum, 64.

متر ارتفاع داشته و سازنده آن تیتوس فلاویوس ویاتور^۱ بوده است. روی کلاه فریجی میترا منافذی دیده می شود که مخصوص دریافت اشعه خورشید بوده است (شکل ۱۰).



شکل ۱۰: بازسازی نقش میترا در معبد دویچ - آلتن بورگ

در این معبد، مذبح دیگری وجود داشته که اصول معماری آن کاملاً بدیع بوده است. تصاویری از خدایان چهارگانه با دو چهار فصل در آن باز یافته شده که از روی بال ها و مشخصاتشان می توان بازشان شناخت. اضافه بر آن، کائولوس^۲ که بادها و فصول زیر فرمان او هستند، در این نقاشی میان بهار و تابستان قرار داده شده است. این مذبح را مردی رمی به نام ماگنیوس^۳ ساخته که به طوری که از لقبش هراکلا^۴ پیدا است نسبت به غیر رمی می رسانده.

1 Titus Flavius Viator 2 Caelus

3. Magnius

4. Heracla

تصاویر کوتس و کوتوپاتس در این معبد هم در مدخل نیمکت‌های جانبی نقاشی شده‌اند (رجوع شود به سنت پریسک) و اضافه بر این دو، نقش بسیار زیبایی هم از میترای جوان دیده می‌شود که از دل یک صخره مخروطی شکل زاده می‌شود. در کنار آن هم درخت بزرگی حک شده و صدفی هم از جنس سنگ سیاه بر روی پایه‌ای نصب گردیده که حکم حوضچه آب را داشته است. به این آثار شیری را هم باید اضافه کرد که میان پاهای خود سر گاوی را گرفته است.

در باره دیگر معابد ناحیه کارنوتوم اطلاعات وافی نداریم، ولی این را می‌دانیم که نزدیک معبد ژوپتر دولیکوس^۱ سوریه‌ای معبدی وجود داشته و پرستشگاه دیگری هم در کنار ساحل شمالی رود دانوب نزدیک یک معدن سنگ برپا بوده است. در معبد اخیر اضافه بر نقوش برجسته میترای، چندین تصویر از مشعلدار، زایش میترای و چند مذبح موقوفه یافته شده است.

این معبد مدتی مدید مورد استفاده بوده و بر سنگ‌نوشته‌ای، داستان تعمیر و مرمت غاری فرو ریخته از کهنگی و فرسودگی که معبد مذکور در آن ساخته شده، آمده است. تولد میترای در این معبد مورد توجه و دقت بسیار قرار گرفته است. چون دینمردی به نام پوبلیوس آئلیوس نیگریوس^۲ مذبحی را در این محل وقف «صخره آفریننده» کرده و غلام زرخریدی به نام ادلکتوس^۳ مذبحی وقف میترای «خدای روشنی آفرین» کرده است.

شخصی موسوم به تیتوس فلاویوس ورکوندوس^۴ فرمانده لشکر چهاردهم پیاده نظام رومی مذبحی مزین به تصاویری از کوتس و کوتوپاتس را وقف میترای کرده است. این شخص یعنی تیتوس فلاویوس ورکوندوس اصلاً از ناحیه ساواریای^۵ مجارستان است و آن شهری است در جنوب کانونتوم کنار بزرگراه یوگسلاوی.

1. Dolichénius

2. Publius Aelius Nigrinus

3. Adlectus

4. Titus Flavius Verecundus

5. Savaria

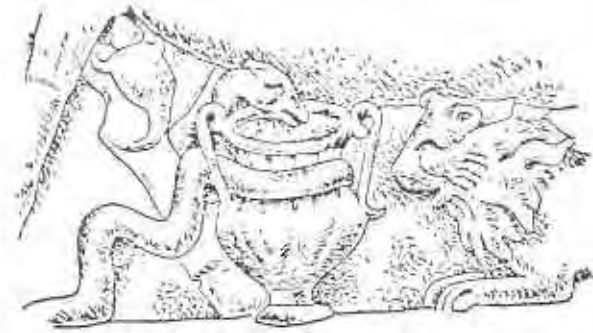
در سطور پیش دیدیم که در معبد بزرگ شیری بوده که سر گاوی را میان پاهای جلو خود گرفته بوده. این نقش بکرآت در معبد کارنوتوم مشاهده شده و در پرستشگاه اخیر هم نمونه‌ای از آن را دیده‌اند. اما در این معبد روی سر شیر سوراخی حلقوی شکل دیده می‌شود. شاید جالب باشد اگر علت وجودی این سوراخ حلقوی را با نکته‌ای از تاریخ شهادت «کوآتروکورناتی»^۱ مقایسه کنیم که برای تکریم آنان کلیسای مجللی در رم ساخته شده است. این کلیسا به چهار سرباز رومی که حاضر به پرستیدن اسکولاپ^۲ نشدند اهداء شده است. اما در روایتی دیگر آمده که کوروناتی‌ها احتمالاً سنگتراشانی بودند از اهالی مملکت پانونی^۳ که پایتختش کارنوتوم بوده و چون مطلقاً قبول نکردند که مجسمه اسکولاپ را بسازند به شهادت رسیدند. در تذکره احوال این چهارتن شهید آمده که شیرهایی می‌ساختند که از دهانشان آب فوران می‌کردند است.^۴ بنابراین، شیر سنگی احتمالاً مرتبط با یک چشمه طبیعی و یا یک منبع مصنوعی بوده است. تا به حال شرح داده‌ایم که نقش‌های برجسته‌ای از میترای یافته شده که در آن شیری با حالت تهدیدآمیز در مقابل ظرفی قرار گرفته است (شکل ۱۱). چه شیر سنگی مذکور در فوق و چه شیر تهدیدگر نقوش گونه‌گون ظاهراً نماد مدلول واحدی هستند. دو عنصر آب و آتش بایکدیگر مبارزه‌ای مستمر و آشتی‌ناپذیر دارند. به این دلیل سالکانی که در مراحل طی طریق به مقام «شیری» رسیده‌اند (شیر: سمبول آتش)، برای شست و شوی بدن خود از آب استفاده نمی‌کنند و به جای آن غسل به کار می‌برند. درنده‌خوئی شیر بیشتر از این جا فهمیده می‌شود که سر گاوی را میان دو پای خود گرفته است. نقش مهمی را که این گروه در نشانه‌ها و نمادهای مربوط به مرگ و مراسم تدفین داشته، محققان به نام فر. دو رویت^۵ به اثبات رسانده است. اگر امروز علم بیشتری به احوال ساکنان کشور رومانی در زمان‌های قبل

1. Quattro Coronati 2. Esculape

3. Pannonie

4. Leones fundentes aquam

5. Fr. de Ruyt



شکل ۱۱: تکه‌ای است از یک نقش برجسته، که شیری را درحالت تهدیدآمیز نزدیک یک طرف نشان می‌دهد

معبد سارمیزگتوزا (رومانی)

از امپراتوری روم داریم آن را مدیون تحقیقات آقای ت. دکوویسوی^۱ استاد دانشگاه کلوز^۲ هستیم. کاوش‌های باستان‌شناسان در جنگل‌های ترانسیلوانی^۳ باعث شده که قلعه‌های نظامی ناحیه داس^۴ کشف شود و در دسترس مورخان قرار گیرد و از این روی باید سپاسگزار آنان بود. بر همین سیاق می‌باید کرده ترایانوس امپراتور روم را تحسین کرد، چون او بود که طی دو لشکرکشی این قلاع پراکنده بر روی ده‌ها تپه را به تصرف خود درآورد و دسبال^۵ پادشاه داس‌ها مجبور شد که از او اطاعت بکند. ترایانوس جنگجویی بوده نامور. تشکیلات نوین ایالت داس ساخته و پرداخته اوست و ستونی که به افتخار او در روم برپا شده از اهم آثاری است که در تکریم او ساخته شده. در غرب قلاع نظامی ناحیه داس در دره هاتگ^۶ همین ترایانوس، مهاجرنشینی به نام اولپیا

1. Daicovicu	2. Cluj	3. Transylvanie
4. Dace	5. Décebal	6. Hatég

ترایانا اگوستا داسیکا^۱ ایجاد کرد که بعدها آدریانوس^۲، نام سارمیزگتوزا^۳ اسم پایتخت سابق ایالت داس را به آن داد. انگیزه این عمل امپراتور رعایت یک سنت سیاسی حکومت روم بوده است. مثلاً در قرن سوم قبل از مسیح، امپراتوران روم شهر فالریئی وترس^۴ (سیوینا کاستلانا)^۵ را که روی بلندی قرار داشت از میان بردند و به جای آن شهری به نام فالریئی نوی^۶ را در دشتی بنا کردند. شهر سارمیزگتوزا دارای حصار عظیمی بوده و ترقی و آبادانی بسیار یافته و شاهد آن بازارمکاره^۷ و آمفی‌تئاتر و سایر ابنیه معروف آن است و در آغاز قرن سوم عنوان مادرشهر (ام‌البلاد)^۸ را به آن داده‌اند و این عنوان را روی ستونی که به دست دو عامل بلدی در یک معبد برپا شده بازمی‌یابیم. این معبد را در سال‌های ۱۸۸۳-۱۸۸۱ از دل خاک بیرون آورده‌اند و بزرگ‌ترین پرستشگاه مهری جهان است. ۲۶ متر طول و ۱۲ متر عرض دارد و از تالار قبه‌مانند وسیعی تشکیل شده که در آن مطابق عرف معماری مهری یک راهرو مرکزی تعبیه شده و در دو طرف آن سکوها یا نیمکت‌ها قرار گرفته‌اند، اما نمازخانه منضم به آن ندارد. در هیچ معبدی این قدر آثار تاریخی یافته نشده است. ده‌ها نقش برجسته به دیوارها آویزان بوده و چندین سکو مخصوص قربانی کردن گاو وقف این معبد شده که اطلاعاتی در باب اعضاء این مجمع دینی می‌دهد. شخصی به نام پرتاس^۹ فرستاده آمپلیاتوس^{۱۰} امپراتور روم برای سلامت پادشاه، ستونی از مرمر وقف این معبد می‌کند که سر آن مزین به سر گاو است. گاو در حال دویدن است و پرنده‌ای را هم می‌بینیم که برگی در منقار دارد. اسم پرتاس منشاء شرقی دارد. به همین علت است که پرتاس میتر را به لقب نابرز^{۱۱} می‌خواند که واژه‌ای است ایرانی و معنای شکست‌ناپذیر و یا

1. Ulpia Traiana Augusta Dacica	2. Adrien
3. Sarmizegetusa	4. Falerii Véteres
5. Civita castellana	6. Falerii Novi
7. Forum	8. Métropole
9. Protas	10. Ampliatius
11. Nabarze	

شکست نیافته را افاده می‌کند. بنده‌ای کارپیون^۱ نام که آزاد شده و از رقیب امپراتور خلاصی یافته، حسابدار این معبد بوده است. والرینوس^۲ نام عضو مدرسه مذهبی منضم به پرستشگاه و در ضمن خادم مراسم دینی امپراتوری بوده است. (در ناحیه سارمیزگتوزا یکی از این خدام امپراتوری^۳ را از زیر خاک به در آورده‌اند.) لنگوس^۴ نام یکی از کارمندان موجب‌گیر این معبد بوده و شخصی به نام سینتوس^۵ هم دستیار حسابدار بوده، سوروس^۶ هم بنده‌ای است آزاد شده به دست امپراتور.

در این پرستشگاه که در سرحد امپراتوری رم قرار داشته همه متدینان به صلح و صفا می‌زیسته‌اند. جالب این جا است که دینمردی هم که در روم باستان از روی پرواز پرندگان تفال می‌کرده، نقش برجسته‌ای از میترا را، به هنگام کشتن گاو، وقف معبد کرده است. کرنلیوس کرنلیانوس^۷ عضو دیگری از این مجمع دینی بوده و این نکته را در باره او می‌دانیم که مدافع حقوق حمل‌کنندگان منبر بوده است. روی سکوی مخصوص قربانی موقوفه معبد که در ۱۸۵۶ باز یافته‌اند عبارت «تقدیم به میترا، خورشید شکست‌ناپذیر» را می‌یابیم. واقف این سکو شخصی است به نام هرمدادیو^۸ که مسلماً یا شرقی و یا یونانی بوده است، چون در کنار واژه اینویکتوس^۹ لاتینی لفظ یونانی آنیستوس^{۱۰} را آورده که هر دو به معنای «شکست‌ناپذیر» است.

در ناحیه کاران‌سیس^{۱۱} (شهری که در قدیم تی‌بیسکوم^{۱۲} نامیده می‌شد.) که در جنوب شهر سارمیزگتوزا و در ساحل رود دانوب واقع شده است، سنگ نوشته‌ای می‌یابیم که به میترا تقدیم گشته و ساخته دست هرمدادیو نامی است که ساکن ایالت داسی بوده. این شخص شاید همان لوسیوس فلاویوس هرمدادیون^{۱۳}

- | | | |
|------------------------------|----------------|----------------------|
| 1. Carpion | 2. Valérien | 3. Aedes Augustalium |
| 4. Longus | 5. Synethus | 6. Sévèrus |
| 7. C. Cornélianus | 8. Hermadio | 9. Invictus |
| 10. Anicetus | 11. Caransebes | 12. Tibiscum |
| 13. Lucius Flavius Hermadion | | |

باشد که تندیس زیبایی از میترا در حال تولد یافتن در رم ساخته است. روی پایه این مجسمه (فعلاً در دوبلن است) نام هرمدادیون دیده می‌شود و بالای آن تاجی از گل و گیاه هست که دوروبر واژه ناما (به معنای نجات) را گرفته است.



شکل ۱۲: میترا در حال کشتن گاو

این نقوش برجسته متعدد که بیشتر به صورت مثله شده به دست ما رسیده خاص نواحی این سوی و آن سوی رود دانوب است و به اشکال مختلف از ذوذنقه‌ای گرفته تا گنبدی و گاهی اوقات حلقوی دیده می‌شود. جنس آن‌ها معمولاً مرمر خاکستری و یا آبی‌رنگ است که در منطقه یافته می‌شود در این نقش‌ها جزئیات حوادث و اتفاقات زندگی میترا تشریح شده است. معمولاً یک نقش برجسته از سه قسمت تشکیل می‌یابد: صحنه قربانی گاو در وسط پرده قرار گرفته و در بخش‌های بالا و پائین آن صحنه‌های دیگری نقاشی شده است. برخی نقوش برجسته مشبک هستند و روی یکی از آن‌ها هنوز بقایای دانه‌های

قرمز رنگ پدیدار است و توجه را به خود جلب می‌کند (شکل ۱۲).
در این صحنه میترا انگار در حال قربانی کردن گاوی است. بدن گاو
مزین به نوار عریضی از پارچه و آمادهٔ قربانی شدن است. ماری میان میترا و
گاو مورد ذبح قرار گرفته که سر را به طرف ناحیه مجروح بدن گاو می‌کشانند.
مشعلداران اینجا و آنجا ایستاده‌اند. ولی مهم‌تر از همه اشخاص حاضر و ناظر،
کوتوپاتس است که در پشت گاو ایستاده و با دست چپ خود دم او را گرفته
است.

دم گاو مرکز نیروئی است سحرآمیز و مشعلدار می‌خواهد از این نیرو
سهمی بیابد.

سرشیر هم به سهولت قابل تشخیص است و در برخی تصاویر در بالای
کوزه‌ای قرار گرفته. در عقب کوتوپاتس میترا دیده می‌شود که گاو را می‌راند.
کوتس در دست راست خود مشعلی فروزان دارد و در عقب او صحنه خروج و
تولد یافتن میترا از دل سنگ نموده شده است.

زیر صحنه ولادت میترا شخصی را می‌بینیم که ملبس به جامهٔ شرقی
است و دست راست را روی شانه چپ گذاشته است. لبه غار به شکل دایره است
و از شاخ و برگ بسیار پوشیده شده و این اشارهٔ رمزآمیزی است به این اصل که
کشتن گاو، باعث وفور نعمت و فراوانی در جهان می‌گردد. حاشیهٔ غار مزین به
تندیس‌های نیم‌تنه از خدای خورشید (سل) و خدای ماه (لونا) و کلاغ (مبشر
میترا) است.

چندین هنرمند تشریک مساعی کردند تا توانستند پارسائی و دینداری
اعضای این جماعت را با بیانی هنرمندانه بنمایانند.

نامدارترین فتوحات میترا

روی دیوار ته هر معبد نقشی از درخشان‌ترین اعمالی که میترا در راه
بشریت انجام داده دیده می‌شود و این عمل درخشان موقوف بر قربانی کردن
گاو است. گاهی اوقات این نقش را در صدر محراب در درون دیوار تهی شده
مقابل در ورودی حک می‌نمایند. چراغ‌های روغنی هم روشنائی داخل معبد
را تأمین می‌کنند. معمولاً پرستشگاه در سمت مشرق ساخته شده تا اولین
پرتوهای خورشید وارد آن شوند. بدین منظور پنجره و یا روزنه‌ای روی سقف
یا گنبد پرستشگاه تعبیه شده که مستقیماً نور خورشید را روی تصاویر میترا
می‌تابانده است. از میان کارهای برجستهٔ میترا بیشتر مراسم قربانی گاو مقدس
نقاشی شده و عملاً در تمام معابد این تصویر دیده می‌شود. گو این که نقش
قربانی گاو بر حسب معابد تغییراتی می‌پذیرد. ولی موضوع اساسی پرده در همه
جا یکی است. یعنی میترا به صورت مردی نیرومند نظیر هرکول نر می و
طراوت جوانی را به حد کمال دارد. با یک حرکت زانو مشغول انداختن گاوی
بر روی زمین است، دست در شاخ و یا در سوراخ‌های بینی حیوان کرده و سر او
را عقب می‌کشد و خنجری در قلب او فرو می‌برد.

عمل قربانی معمولاً در غاری انجام می‌گیرد و گاو پس از تشنج بسیار
جان می‌دهد. در محراب معبد سنت پریسک همین نقش قربانی گاو دیده می‌شود،
ولی روی آن را پوششی از سنگ سیاه کشیده‌اند تا توهم غار را در ذهن نگرنده
ایجاد کند. قسمت فوقانی نقش‌های برجسته هم معمولاً به یک طاقه محذب ختم

می‌شود. هنرمندانی که این نقوش برجسته را به وجود آورده‌اند، توانسته‌اند با استعمال گل و گیاه در چهارچوب این‌ها، تصور غار برای بیننده بیافرینند. غار نماد طاق نیلگون آسمان و به عبارت دیگر کل کائنات است. روی حاشیه غار پیکر ایزد خورشید (سل) و ایزد ماه (لونا) و میان این‌ها تصاویری از خدایان گوناگون سیارات مختلف دیده می‌شود. (نمونه‌ای از این گونه نقش در بولونی^۱ یافته شده است.) سیاره‌ها را به صورت نمادین هفت ردیف متناوب متشکل از مذبح و هفت شمشر که میان آن‌ها گاهی اوقات یک درخت دیده می‌شود هم نمایش داده‌اند (معبد سارمیزگتوزا).

تزیین حاشیه معبد که به وسیله گل و گیاه انجام می‌گیرد، گویای تأثیر شگفت‌انگیز عمل قربانی گاو است. وقتی که گاو به حال تشنج ناشی از احتضار افتاد، خونی که از او برون می‌آید، گندم‌ها را آبیاری و تغذیه می‌کند. دم گاو خواص سحرآمیز دارد و از آن نیز خوشه‌های گندم می‌رویند. یک سگ و یک گاو سربلند می‌کنند تا به محل جراحت گاو برسند و خون جاری را بکنند، عقربی با شاخ‌های خود اعضای تناسلی گاو محتضر را می‌فشد. معنای این صحنه‌ها چیست؟ نوشته‌های باستانی، به غیر از یک مورد، اطلاعات زیادی در این باب به ما نمی‌دهند. آگاهی‌های بیشتر را باید به طریق استنتاج از دل آثار و اطلال باز یافته استخراج کرد.

چه اطلاعاتی که اسناد و مدارک در مورد میترا به ما می‌دهند و چه آگاهی‌هایی که از هویت این خدا در رم داریم هر دو ناقص هستند و همین نقص در اطلاعات باعث اشتباهات بسیار در تعبیر و تفسیر دین مهری شده است. در میان تعبیراتی که غالباً خیال‌بافانه انجام شده، تفسیر پرفسور ف. کومون قانع‌کننده‌تر به نظر می‌رسد و رد کردن آن به موانع بزرگی برمی‌خورد.

آنچه مسلم و متیقن است، این است که فدیه گاو نماد امر آفرینش است. مرگ گاو حیاتی نو می‌آفریند و این نکته در حکم مرکز و قلب کل اسرار و

1. Bologne

رموز عقاید باستانی است و اهم این عقاید مسئله حیات و مرگ و رستاخیز است که مثال بارز آن طبیعت است که سال به سال تازه می‌گردد و زندگی از نو آغاز و خلاصه از مراحل سه‌گانه مزبور عبور می‌کند.

دانه گندم را به زمین می‌سپارند و بعد از چندی خوشه‌زیرین را درو می‌کنند. کرا^۱، آتیس^۲ و آدونیس^۳ همه ناپدید می‌شوند و دوباره حیات می‌یابند. آیا گاو مقدس هم در واقع معرف شخص میترا است که خود را می‌کشد تا مجدداً زنده شود. چنین فرضی را نمی‌شود نکرد، ولی اطلاعاتی که در دست هست، ما را مجاز به تأیید این فرض نمی‌کنند. البته شباهت‌هایی میان آئین قربانی گاو و برخی از بخش‌های کتب مقدس ایران باستان دیده می‌شود. در کتاب «بندھشن» و کتاب «یادگار جاماسپیک» (که شامل پیشگوئی‌های پایان جهان است) آمده که اهورامزدا خدای بزرگ نیکی قبل از آفریدن کیومرث نخستین بشر، گاوی آفرید. لشکریان بدی چون خواستند آفرینش را از میان ببرند، برگاو دست یافتند. اما از مغز گاو انواع گوناگون گاو پدید آمد. در بندھشن همین نکته با تفصیل زیادتر آمده و گفته شده که از مغز گاو مزبور پنجاه و پنج نوع غله و دوازده گونه گیاه طبی پدیدار گشته است.

حال چگونه و به چه حیل‌های می‌توان از اهریمن بدکار به میترا رسید؟ بدبختانه معلومات کافی در دسترس نیست. در بحث‌های بعدی که در باب مسئله آفرینش خواهیم کرد، تأکید لازم در تشریح نتایج نیکوی رسم قربانی گاو خواهد شد.

اهریمن می‌خواست بدی بکند، میترا بدی را به رهایی بشریت تبدیل کرد و از این رو خود را نجات‌دهنده خواند^۴. محتمل است که بقایای این اسطوره - یعنی این که اهریمن به گاوی یک رنگ و بدون لکه حمله کرده باشد -

1. Kor

2. Attis

3. Adonis

۴. به یونانی: Soter

در نقوش عقربی که بیضه گاو را در چنگال خود می فشرد بازمانده باشد. در بندهشن که در بالا سخنش رفت، عقرب و مارمولک و مار و وزغ همچون جانوران بدکار معرفی شده‌اند. این جانوران فرستادگان اهریمن هستند و کسانی که این موجودات را از میان برند، عمل خیر انجام داده‌اند. بدین طریق عقرب با چنگ زدن در بیضه گاو می‌خواهد منی یعنی منبع زاینده‌گی و حیات را از بن درآورد. در کتب مقدس ایران آمده که منی به کره ماه صعود می‌کند و در آن جای از آلودگی پالاییده می‌گردد و چون تصفیه گشت در مراجعت زاینده انواع بی‌شمار جانوران می‌شود.

اما در این داستان سگ و مار چه وظیفه‌ای به عهده دارند؟ دیدیم که ایرانیان مار را همچون جانوری بدکار تصور می‌کنند. اما به عکس سگ، موافق نوشته‌های هرودت، آن قدر نزد ایرانیان محترم است که در عداد انسان به‌شمار می‌آید و موبدان منحصرأ مجاز به کشتن این دو (انسان و سگ) نیستند. با این وصف می‌بینیم که سگ و مار با همدیگر خون گاو را می‌لیسند و چیزی که حاکی از خصومت و نفاق میان این دو جانور باشد به چشم نمی‌خورد.

اما چون در تصاویر دیگر می‌بینیم که سگ همچون یاری باوفا با میترا به شکار می‌رود، امکان این که بخواهد با پلید کردن خون گاو مقدس به عمل آفرینش زیان و صدمه وارد کند کاملاً از میان می‌رود. سگ خون گاو را به این دلیل می‌لیسد که خواص نیکوی آن را جذب بدن خویش کند. همین نکته در باره مار نیز صادق است. در آئین میترا مار جانور بدکاره متعلق به اهریمن نیست. در برخی نقش‌ها مار همراه با میترا دیده می‌شود و در اساطیر یونان مار نماد زمین است. از لیسیدن خون گاو، مار یعنی زمین تمایل خود را مبنی بر آبتن شدن و خیر بشریت را فراهم کردن آشکار می‌کند.

بنابراین، هویت میترا در صحنه قربانی گاو کاملاً معین شده است. مهر آفریننده‌ای است که طبیعت را مجدداً می‌زاید، رهاننده‌ای است که در نظام طبیعت مداخله می‌کند و غرضش از مداخله تأمین خیر و سعادت معنوی برای

آدمیان است. در مورد این مطلب در فصول بعد تأمل بیشتری خواهیم کرد. اما بنابر آنچه گذشت شگفت نیست که مهرپرستان میان آن همه مناسک عبادی به فعل قربانی گاو او آن قدر اهمیت بگذارند و وقتی که استغاثه به درگاه او می‌کنند، از او همچون میترای گاو اوژن یاد نمایند.

اطرافیان میترا

در برخی نقوش مهری در پشت میترا کلاغی دیده می‌شود که روی لبه هلالی غار نشسته است. در اکثر تصاویر بازمانده، پرندۀ مزبور این تصور را برمی‌انگیزد که دارد به سوی خدا پرواز می‌کند و آورندۀ پیامی است که خدا برای شنیدن آن گوش فرا می‌دارد. در بعضی پرده‌ها خدا را بوضوح می‌بینیم که سر را به سوی کلاغ بلند کرده است. باید به یاد آورد که در ادبیات باستانی یونان کلاغ مبشر آپولون^۱ است و به همین علت است که در زاویۀ فوقانی سمت چپ نقوش برجسته تصویر ایزد آپولون دیده می‌شود. در آئین مهری عنوان کلاغ بیاد آورندۀ مراسم قربانی گاو است. سالکی که به مرحلۀ تشرف به اسرار دین رسیده نقابی به صورت می‌زند که شکل کلاغ دارد (شکل ۳۷).

سالک نقابدار در قبال میترا وظیفه‌ای همچون وظیفه کلاغ دارد. سل، ایزد خورشید به کلاغ حکم کرده تا فرمان او را دایره به کشتن گاو مقدس به میترا ابلاغ کند و آن طور که روی نقش‌ها دیده می‌شود غباری از اندوه چهره میترا را فرا گرفته است. چون کشتن گاو شکوهمند دل او را به درد می‌آورد، ولی همچون یک سرباز این فرمان را انجام می‌دهد و در ضمن می‌داند که از مرگ گاو زندگی تازه‌ای خواهد بالید. در چندین شمایل می‌بینیم دور و بر سر سل خدای خورشید را هاله‌ای از انوار^۲ فرا گرفته که یکی از پرتوهای زرین آن

1. Apollon

۲. Eptaktis: دارندۀ هفت پرتو

متوجه میترا است و به سوی او در جهش است و بدین طریق میان میترا و موکل او رابطه‌ای مستقیم پدیدار می‌شود. شگفت آن که از تحقیق در روابط میان خدای خورشید و میترا نهایتاً این نتیجه حاصل می‌شود که سل (خدای خورشید) وابسته و تابع میترا است. از سوی دیگر میترا به خورشید شکست‌ناپذیر معروف است. در اینجا این احتمال پیش می‌آید که ممکن است سل میانجی باشد و در این صورت وظیفه او عبارت است از انتقال احکام اهورامزدا و ژئوس - ژوپیتر^۱ به وسیله گاو. شاید هم در اصل سل مقامی رفیع‌تر از میترا داشته و بعدها شخصیت واحد توانای خورشیدی را به وجود آورده‌اند و در اربابه‌ای خورشید آسا به آسمان صعود کرده‌اند. این مسئله بسیار غامض است و تا به حال راه حل روشنی برای آن پیشنهاد نشده است. الهه ماه هم همچون ایزد خورشید در عمل آفرینش همکاری دارد. روی اربابه‌ای که به وسیله چند گاو نر کشیده می‌شود، گاهی اوقات از یک سو الهه ماه محو می‌شود. از طرف دیگر خدای خورشید در حال راندن اربابه‌ای با اسبان آتشین نمودار می‌گردد. اما بیشتر اوقات بغبانوی ماه به شکل نیم‌تنه نشان داده می‌شود که دهبیمی بر سر دارد و در عقب او هلال ماه هویدا است. ماه نیروی تصفیه‌کننده دارد و این نیرو را به منی گاو منتقل می‌کند. همین ماه است که شب هنگام تأثیر سلامت‌بخش بر نباتات می‌گذارد. تقریباً همیشه در صحنه‌های قربانی گاو مقدس دو شخص دیده می‌شوند که به سبک ایرانی، مثل خود میترا لباس پوشیده‌اند، و این طرف و آن طرف گاو ایستاده‌اند، پای‌ها را روی هم انداخته‌اند و بی‌اعتنائی آنان این تصور را ایجاد می‌کند که گوئی مشارکتی در مراسم قربانی ندارند. گاهی اوقات یکی از این دو شخص دم گاو را به دست دارد، به این دلیل که یا می‌خواهد از نیروی سحرآمیز دم گاو متمتع شود و یا آن که قصد دارد نمو خوشه‌گندم را که در نقش قابل رویت است تسریع کند. در بعضی تصاویر این دو شخص ظاهر چوپان‌ها را دارند و چوبی در دستشان دیده

1. Zéus-Jupiter

به دست نیامده اما ارزش نمادین این دو شخص، آن طور که می توان آن را از آثار موجود استنتاج کرد جای تردید باقی نمی گذارد. گاهی اوقات پائین پای کوتس خروس خروشنده ای دیده می شود. این خروس که یونانیان «پرنده ایزانی» اش نام کرده بودند، اهریمنان بدکار را به آواز خویش می راند. کوتوپاتس اغلب به حالت نشسته ظاهر می شود، دست را متکای سر کرده و غم و اندوه از گونه اش آشکار است. تضاد میان شادمانی کوتس و اندوه کوتوپاتس کاملاً محسوس است. این اختلاف احساس میان دو شخص مزبور حتی در دو محراب که به اسم آن ها در معبد سنت پریسک ساخته شده هویدا است، منتهی در اینجا برای ابلاغ معنی از رنگ کمک گرفته اند. محراب کوتس و خروس او به رنگ نارنجی روشن و محراب کوتوپاتس آبی رنگ است. در برخی نوشته ها از این دو شخص به عنوان دو خدا یاد کرده اند. مؤید این خبر گفته پسودو دنی آرتوپازی^۱ (قرن چهارم بعد از مسیح) است که می گوید دو مشعلدار و میترا خدایان سه گانه (ثلیث) را تشکیل می داده اند. بنا بر آنچه گذشت کوتس معرف خورشید صبحگاهان است، میتراگویای نیمروز است و کوتوپاتس غروب آفتاب را اعلام می کند. از این سه نکته این نتیجه را می توان گرفت که شاید میترا را بخصوص هنگام ظهر پرستش می کرده اند. در هر حال، می دانیم که روز شانزدهم مهرماه روز مهر بوده و به او اختصاص داشته است. قرص خورشید در سه مرحله طلوع و نیمروز و غروب، میترا را مجسم می کند که اعمال و نیرویش را می توان روزانه دید و احساس کرد.

تأثیر عقاید نجومی در دین مهری به حدی بارز است که به موقعیت خورشید نسبت به ستارگان وقع خاصی نهاده می شده. به این علت که وقتی کوتس سرگاو را در بغل دارد، خورشید در برج ثور است و این برج مطابقت دارد با فصل بهار. تصویر عقرب پهلوی کوتوپاتس نشانه ورود خورشید به برج عقرب و آغاز فصل پائیز است. در یک مورد منفرد یعنی در تصویری که در رم

1. Pseudo Denis l' Areopagite



شکل ۱۴: کوتوپاتس مشعلی در دست دارد



شکل ۱۳: چوپان ناظر بر تولد میترا

می شود. می دانیم که چوپانان در تولد میترا حضور داشته اند، ولی در هر صورت این شبانان از همجنسان آتیس^۱ نیستند. یکی از اینان مشعلی به دست دارد و از گونه و دیگری مشعل را راست به دست گرفته و این طرز گرفتن مشعل کنایه از طلوع و غروب خورشید و ماه، یعنی فروغ زاینده و میرنده است و به عبارت دیگر زندگی و مرگ را جلوه گر می کنند.

آن شخصی که مشعل افراخته در دست دارد، زیر تمثال لونا (خدای ماه) و دیگری زیر تمثال سل (خدای خورشید) قرار گرفته است. نام این دو شخص کوتس و کوتوپاتس است که اولی نماد (سمبول) طلوع خورشید و فلق است و دیگری نشانه غروب خورشید و شفق. بر سر اشتقاق این دو نام اتفاق نظر

1. Attis



شکل ۱۵: سرهای سه گانه با کلاه

شکل ۱۶: میترا در حال تولد از یک درخت

فریجی روی درخت کاج

میترا در بطن یک درخت.

یافته شده کوتس و کوتوپاتس نزدیک درخت کاج نشان داده شده اند، درختی که همیشه سرسبز است.

درخت سرو وقف خورشید است. درخت های سرو سه گانه گویای تثلیث میترا هستند. در ناحیه پتو^۱ همین اندیشه در تصویری از درختی سه شاخه دیده می شود. بر سر هر یک از شاخه ها کلاهی فریجی نقش شده است (در ناحیه دیبورگ^۲، شکل شماره ۱۵). نقوش مزبور مرتبط با تصویری از میترای تنها هستند که خود را در شاخ و برگ درختی مخفی کرده است (هدرن هایم^۳، شکل ۱۶). در معبد سنت پریسک اشاره ای به این سه گانگی شده، برای این منوال که مثلث بزرگی از مرمر روی دیوار کنده شده که در مرکز آن کره ای قرار گرفته است. به طور خلاصه این نتیجه را می شود گرفت که دو شخص مشعلدار آن قدر اهمیت دارند که تصویرشان در تمام معابد دیده می شود.

افسانه میترا



زایش شگفت انگیز میترا

در پرستشگاه های مهری روز ۲۵ دسامبر روزی است که تولد خدا و تجلی فروغی نوین را جشن می گیرند. ولادت میترا بسیار شگفت آور است، زیرا نیروئی باطنی و سحرآمیز او را از درون صخره ای به جهان خارج بیرون افکنده است. میترا در این حالت کاملاً عریان است و کلاه فریجی به سر دارد، دستش را بلند کرده و خنجری و مشعلی به آن گرفته است. او زاینده روشنائی^۱ است و از دل سنگی زاده شده^۲ است. صخره ای آبتن شد^۳ و میترا را زائید. به محض این که مهر ولادت یافت آماده کارهای خطیر شد. شمشیرش به کار

۱. genitor luminis: فروغ زا ۲ saxigenus: سگن زاد
۳. petra genitrix: صخره آبتن یا صخره زاینده

1. Petto

2. Dieburg

3. Hederheim



عکس ۴ - نو آموز مشرف به مقام شیری. نقاشی بازیانه در مهرکده واقع
در زیر کلیسای سنت پریسک در رم



عکس ۳ - میترا در رم

کشتن گاو می آید و کمان و ترکشی که به کمر آویخته مهبای شکار و یامعجزنمائی درآیند.

دیدیم که غار مهری نماد چرخ گردون است. صخره هم کنایه از آسمان است که نور بر زمین می باشد. گاهی اوقات در برخی تصاویر شعله هائی از دل سنگ (مثلاً در ناحیه دورا) و حتی از کلاه فریجی بیرون می جهد. گاه گاه روی کلاه فریجی ستاره هائی دیده می شود و مبین این است که کلاه فریجی مثل غار می توان نماد چرخ گردون باشد. در یشت دهم اوستا، یعنی مهریشت، آمده است که دور سر مهر را هاله ای زرین فرا گرفته و بر فراز کوه هرا بزرائیتی^۱ (البرز) می درخشد و از آنجا سرزمین های آریائی را نظاره می کند.



شکل ۱۷: میترا به هنگام تولد کره ای در دست دارد

به موجب فرضیه ای میترا از آمیزش زمین و اهورامزدا به وجود آمده است. این نظر قابل قبول نیست میترا سنگ زاد است و از صخره ای تولد

1 Hara bərəzaiti'

می یابد. در نقشی که در ناحیه سنت اوین^۱ فرانسه یافته شده، چون مهر با قدم های بلند از درون صخره روشن و شعله ور بیرون می آید، آتشین و پرفروغ است. این اعتقاد که ایزد روشنائی (مهر) از دل صخره ای زاده شده، مبتنی بر سستی قدیمی است. شاید این سنت مترتب بر اکتشاف شگفت انگیز بشر اولیه باشد که از اصطکاک دو قطعه سنگ چخماق آتش و روشنائی به دست آورد.

تولد میترا حادثه ای است کیهانی و به هنگام زایش کره ای در یک دست دارد (شکل ۱۷) و دست دیگرش روی منطقه البروج قرار گرفته است. میترا فرمانروای جهان^۲ است و به همین علت نقش خدایان بادهای چهارگانه و نیز عناصر چهارگانه تصویر شده است. در برخی پیکرها چند چوپان به هنگام زایش میترا حضور دارند (شکل ۱۳). اما بیشتر اوقات فقط دو مشعلدار صحنه ولادت او را با تحیری آشکار نظاره می کنند.

روی نقشی برجسته ای که در پتو یافته شده دو مشعلدار به کمک میترا



شکل ۱۸: چوپان هائی چند، میترا را که در حال تولد یافتن است کمک می کنند

1 Saint Aubin

2. Kosmokrator

می‌شتابند (شکل ۱۸). در ناحیه لودویزی^۱ نقشی یافته شده که دو شخص مشعلدار را با لباس‌های شفاف نشان می‌دهد که مشغول بیرون کشیدن ونوس از امواج کف آلود دریا هستند و به قیاس می‌توان گفت که در نقش برجسته پتو آن دو شخص کوتس و کوتوپاتس هستند که به ملامت میترا جوانسال را از زمین بلند می‌کنند. در بخش فوقانی این نقش تصویری از ساتورن دیده می‌شود که ایزد پیروزی بر سرش تاج می‌گذارد و نزدیک او دشنه‌ای قرار گرفته که به میترا خواهد داد. روی پیکری که در ناحیه دورا پیدا شده، ساتورن روی ابر و یا بر فراز قله کوهی پر درخت قرار گرفته است. در دست راست شمشیری کوتاه دارد که نوکش مجهز به چنگک است. روی سر وی شاخه‌ای از درخت زیتون قرار یافته که معنای نمادین آن مترادف تاجی از گل خرزهره است که در نقش باز یافته در پتو، خدای پیروزی^۲ به او تقدیم می‌کند. روی نقش برجسته‌ای که در دیورگک یافته شده، ساتورن بر صخره‌ای نشسته و در تفکراتی عمیق غوطه می‌خورد و در دست راست کاردی دارد (شکل ۴۲). روی نقش برجسته‌ای که در ناحیه نرسا^۳ واقع در مرکز ایتالیا یافته شده، چنگک مزبور بوضوح دیده می‌شود. ساتورن کاردی به میترا می‌دهد تا گاو را بکشد، شاید هم ساتورن چنگک را به این علت می‌گیرد که دروگر ایزدی است.

با این وصف در برخی پیکرها ساتورن دیده نمی‌شود و به جای او خدای امواج اسانوس و یا نپتون در مجلس ولادت میترا حضور می‌یابند. در ناحیه ویرونوم^۴ (اتریش) نقشی یافته شده که روی آن نپتون دیده می‌شود که شاخه‌هایی بر پیشانی دارد و پهلوی او زنش آمفی‌تریت قرار گرفته است. در برخی از پرده‌های نقاشی ولادت میترا چشمه‌آبی هم دیده می‌شود، اما در نقش برجسته‌ای که در موزه فلورانس نگهداری می‌شود فقط اسانوس حضور دارد. در مهرکده دوم هدرن‌هایم روی دیواری منظره ولادت میترا نقش شده و در

1. Ludovisi 2. Victoire 3. Nersae
4. Virunum

اطراف او به ترتیب اسانوس، کوتوپاتس و سلوس^۱ و کوتس دیده می‌شوند. هویت این خدایان در سنگ‌نوشته روی دیوار بوضوح آمده است. وجود این خدایان را در اطراف میترا چگونه باید تعلیل کرد؟ پاسخ این است که این خدایان نیروهای ابتدائی آفرینش هستند، در هنگام تولد میترا (ایزد آفریننده) حاضر و ناظر بوده‌اند و مدام از او حمایت کرده‌اند.

نام ساتورن میوه‌بر^۲ است، میترا هم با کشتن گاو مقدس میوه‌های زمین را به آدمیان خواهد داد. اما میترا می‌تواند با تیر و کمان خود آب از سنگ خارا بدر آورد و چشمه‌ای بسازد که هیچگاه نخشکد^۳. از اینجا علت وجودی حضور ساتورن در مراسم قربانی گاو در نقش سنت پریسک معلوم می‌شود. دینمردان مهری بیشتر دقت خود را به سوی ساتورن و نه به جانب نپتون متوجه کردند. علت این بود که ساتورن که به نام دیگرش کروونوس^۴ خوانده می‌شد، بازروان خدای زمان در نظر ایرانیان و ائون^۵ خدای زمان یونانی قرابت و شباهت داشتند.

پیکره‌هایی از میترا یافته شده که همچون ایزد زمان سال خورشیدی را که بر محور گاهشماری مبنی بر منطقه البروج می‌گردد، نظارت می‌کند. در واقع میترا در عین حال هم ساتورن و هم اسانوس است، منشاء نیروی زاینده‌گی روی زمین است و آب را می‌آفریند. به این علت است که مرشد جماعت مهری نماینده میترا در روی زمین است و ساتورن از او حمایت می‌کند (سنت پریسک). و باز به همین علت است که یکی از علائم مشخص مرشد (پیر) شکل داس است. در کتیبه‌ای نام مرشد آمده و آن مزین به تاجی است که ساتورن از دست ایزد پیروزی (ویکتوآر) گرفته است.

1. Célus 2. Frugifer
3. fons perennis چشمه خنکی ناپذیر
4. Chronos 5. Eon

فقط در آثار باز یافته در نواحی رود رن و دانوب از جدال میترا با گاو مقدس سخن رفته و تصاویری از آن به دست داده شده است. در نقاط دیگر یا به این واقعه اهمیت بسیار نمی‌دادند و یا صحبت از آن را سزاوار نمی‌دانستند. می‌دانیم که قربانی گاو مهم‌ترین رسم دینی در آئین مهری است و مراسم بعدی بدان پیوسته هستند. برجدار سمت راست در محراب معبد سنت پریسک، پیکری از میترا (از جنس شبه‌مرمر) دیده می‌شود که افسار گاوی را در دست گرفته است. نقش برجسته‌ای در معبد نزدیک بازار گاوفروشان^۱ رم یافته شده که در آن میترا گاوی بر دوش حمل می‌کند و به طرف غار روان است. این پرده به احتمال قوی الهام‌بخش شاعر رومی معروف به کمدیانوس^۲ (اواسط قرن سوم بعد از مسیح) شده که در یک قصیده میترا را با مردی شریر، کاکوس نام مقایسه کرده است. هر کول موقعی که در سواحل رود تیبر در حوالی بازار گاوفروشان اشتغال به درست کردن شراب داشته، کاکوس، چهارپایان او را دزدیده است. کمدیانوس کتابی به نام آموزش^۳ دارد و محققى به نام توفل^۴ در باره آن گفته: «این کتاب جو شان از عشق و تعصب نسبت به مسیحیت است. اما در مطابقت تام آن با اصول دین جای تردید هست». ما گفتیم که در یکی از قصاید این کتاب شاعر مقایسه‌ای میان میترا و کاکوس کرده ولی در وصف آن صنعت شعری توشیح را به کار برده است که شرحش در زیر بیاید: دیدیم که لقب میترا شکست‌ناپذیر است و این صفت به لاتینی اینویکتوس می‌شود^۵. هشت مصراع این قصیده به ترتیب با هشت حرف واژه لاتینی مزبور شروع شده به طوری که مجموع حروف آغازین هشت بیت مذکور اینویکتوس خواهد شد. تأمل در این قصیده که در زیر خواهیم دید، نحوه رقابت دو دین مسیحی و مهری را

روشن می‌کند:

«من اعتراض به این ندارم که مهرپرستان تولد خدای شکست‌ناپذیر (یعنی میترا) را از دل یک صخره امری حقیقی بیندارند، ولی آخر وجود صخره نسبت به وجود یافتن میترا مقدم است. از وجود صخره ناگزیر باید به صانع آن پی برد. علاوه بر این نکته، شما میترا را به مثابه یک دزد گاو بر روی سنگ ترسیم می‌کنید. اگر میترا از نژاد خدایان راستین می‌بود، مرتکب سرقت نمی‌شد. پس این خدا ماهیت ناسوتی (خاکی) دارد و خلاصه طرفه معجونى است. اگر کاکوس پسر وولکن^۱ را دزدید، میترا هم چهارپای متعلق به دیگران را در غارها ربود.»

آثاری که در کشورهای مجاور دانوب و ایالات اطراف رود رن یافته شده مملو از تصاویر مشتمل بر توصیف اعمال شگرف میترا است. چنین پیکرهائی در واقع حکم کتابی بر ساخته از تصاویر را دارند که به افتخار میترا نقاشی شده‌اند و حتی گاهی اوقات صورت یک طاق نصرت را پیدا می‌کنند. نقش برجسته‌ای که در نوین‌هایم^۲ آلمان یافته شده، به ترتیب چگونگی قربانی گاوهای را که میترا به دست آورده نشان می‌دهد.

ابتدا می‌بینیم که گاو آرام در علفزار مشغول چرا است (شکل ۱۹)، میترا در می‌رسد و آن را دستگیر می‌کند و بر دوش، همچون شبانی که حامل گوسفندی باشد، می‌برد (شکل ۲۰). چگونگی دست یافتن بر گاو را نقوش برجسته توصیف نمی‌کنند، اما بعید نیست که از کمند^۳ استفاده می‌کرده است. در تصویر بعدی می‌بینیم که گاو خشمگین خود را نیرومندانه از چنگ قید نجات می‌دهد و آزاد می‌شود. با وصف این، میترا استوار می‌ایستد و به گردن جانور می‌چسبد و دوان دوان او را می‌کشاند. سرانجام میترا کوشش آخر را می‌کند و گاو بی‌طاقت را بر زمین می‌افکند و خود در نهایت قدرت راست

1. Forum Boarium 2. Commodianus 3. *Instructiones*
4. W. Teuffel 5. *Invictus*

1. Vulcain

2. Neuenheim

۳. کمند: Taurobolium معنای اصلی این واژه لاتینی عمل «دستگیری گاو» است.



شکل ۲۲. میترا در حالت حمل گاو



شکل ۲۱. میترا سوار بر گاو

نقش برجسته بزرگی در دیبورگ یافته شده که اطلاعات بیشتری در بارهٔ پیکار پر زحمت میترا با گاو به دست می‌دهد (شکل ۲۳). روی غالب نقوشی که در نواحی اطراف رود دانوب پیدا شده‌اند این شکل دیده می‌شود. گاو در درون معبدی روی زمین دراز کشیده، سر در معبد شکل مثلث دارد و مزین به سرهای سه ایزد است که هویتشان نامعلوم مانده. میترا بر بالای صخره‌ای بلند قرار گرفته و در دست راست یک دشنه و تکه پارچه‌ای شاید به رنگ قرمز دارد. دست راستش را بلند کرده و سنگی در آن گرفته می‌خواهد سنگ را بر بام معبد پرتاب کند و گاو را از آنجا براند. برخی نقوش یافته شده در اطراف دانوب، گاو را در زورقی بر فراز ساختمان معبد نشان می‌دهند (شکل ۲۴). شاید این صحنه می‌خواهد گاو را به صورتی نمادین در درون ماه (آسمان) نشان دهد. در آثار مهری اغلب اوقات ماه به صورت زورق نشان داده شده است. اگر گفته پورفیر را باور کنیم، گاو همانند و مترادف ماه است و ماه چنان که می‌دانیم آفریننده است و «زاد و ولد» به فرمان او صورت می‌گیرد. این نظریه شباهت زیادی با تعبیری دارد که لمل^۱ از مراسم قربانی کردن گاو می‌کند و مبتنی بر نوشته‌های کتاب ودا^۲ است.

1. Lommel

2. Veda



شکل ۲۰. میترا در حالت حمل گاو



شکل ۱۹. گاوی است در حال جرا، نکدای از این نقش.

می‌ایستد و پاهای پسین گاو را می‌گیرد و بر روی دوش خود می‌اندازد و کشان‌کشان به طرف غارش می‌برد (شکل ۲۲). در برخی پیکرها میترا سوار بر گاو می‌شود و شاخ‌های او را در دست می‌گیرد و پیروزمندان می‌راند (شکل ۲۱). این داستان ما را به یاد متنی از پورفیر^۱ می‌اندازد که می‌گوید «میترا سوار بر گاو آفرودیت^۲ است، زیرا گاو آفریننده است و میترا مالک آفرینش». در متن یونانی واژه یونانی به صورت دمبورگوس^۳ و همین واژه در جای دیگر به خود میترا اطلاق گردیده است. دیدیم که میترا به چه نحو با کشتن گاو، حیات نوی می‌آفریند. بر حسب برخی فرضیات نجومی برج حمل مفر سیارهٔ ونوس - آفرودیت است، اما رابطه میان این نظریه و صحنه‌ای که میترا سوار گاو می‌شود بر ما پوشیده است، همان طور که اصولاً نمی‌دانیم آیا واقعاً رابطه‌ای وجود داشته است یا نه (شکل ۲۱).

1. Porphyre

2. Aphrodite

3. Demiourgos

سرانجام میترا گاو خسته و کوفته را در حالی که پوزه‌اش در گل ولای زمین کشانده می‌شود، می‌برد. مخالفان دین مهری این عمل میترا را به مثابه چهارپا دزدی می‌نگرند و او را همچون سارقی تصور می‌کنند و از این رو نادانسته با پورفیر همدستان می‌شوند که در کتابش^۱ نظریه‌ای در باب خدای



شکل ۲۳: نقش بازیافته در دیبورگ نموده‌ار نبرد میترا با گاو.

ستور دزد ساخته است. اما چون گاو همانند و مترادف با ماه است و ماه بر عمل زایش حیات در روی زمین نظارت می‌کند، نتیجتاً پورفیر معتقد می‌شود که زندگی از گاوزاده می‌شود و خدای گاو دزد کسی است که در خفا نجوای زندگی را می‌شنود و بر حسب این فرضیه میترا در عمل آفرینش مشارکت و مداخله دارد و حتی آفرینش روان نیز از همکاری او بی‌نیاز نیست. چنین فرضیه‌ای بدون شک ناشی از تفسیر عالمانه همین نقش برجسته‌ای است که در آن میترا گاو را به دوش گرفته است. در چند سنگ‌نوشته و نیز در یک نقش برجسته ناحیه پتو در یوگسلاوی به این صحنه نام عبور خدا^۲ داده شده است. قطعه شعری مربوط به دو‌یست سال بعد از مسیح در مهرکده سنت پریسک رم یافته شده که با اشاره به بار سنگین روی دوش میترا می‌گوید

1. De Antro Nympharum

2. Transitus Dei

گاو جوان را به روی دوش خود حمل کرد. اما این امر که با کشف گاو و کشتن آن میترا فقط می‌خواهد معجزه‌ای کرده باشد، درست نیست. زیرا میترا برای انجام دادن این وظیفه دینی خود، نبردهای بی‌امان و مساعی دشوار کرده است. همان طور که اوریسته^۱ به هرکول فرمان داد تا گراز متعلق به اریمانت^۲ را بگیرد و بر روی دوش حمل کند، میترا هم گاو سنگین وزن را به سوی غار می‌راند. هر یک از پیروان میترا که بخواهند این وظیفه مهم را انجام دهند، باید پشتکار و جدیت بسیار در این مرحله برزخی (عبور) از خود نشان بدهند. هر یک از مریدان از این مرحله «برزخی» عبور خواهد کرد و چون به میترا تاسی می‌کنند نیروی لازم را از وی کسب خواهند کرد.

این احتمال هست که مسئله وجود گاو بر فراز معبد نماد حضور ثور در برج خورشید باشد. حلول خورشید در برج ثور گویای فرا رسیدن بهار است و به همین دلیل است که مراسم قربانی گاو ظاهراً در فصل بهار انجام می‌گرفته است. در این فصل سایر ادیان مبتنی بر طریقت رازمند هم رستاخیز مجدد حیات را جشن می‌گیرند.

معجزه چشمه آب

در کاوش‌های رم مجسمه‌ای یافته شده که ولادت معجزه آسای میترا و بیرون شدن وی از دل سنگ را نشان می‌دهد. این اثر هنری امروزه در مدرسه تربیتی کالج^۳ شهر دوبلن^۴ نگاهداری می‌شود و روی آن کلماتی نوشته شده که بر زبان خود میترا جاری گشته است: «لوسیوس فلاویوس هرمدیون^۵ این تحفه را با خوشحالی به من تقدیم کرد.» هنرمندی که به دستور هرمدیون این اثر را

1. Eurysthée

2. Erymanthe

3. Trinity College

4. Dublin

5. Lucius Flavius Hermadion



شکل ۲۵: نمایش معجزه اب

دیده می‌شود. روی یک سوی جدار یکی از قربانیگاه‌های معبد پتو در یوگسلاوی تصویر بسیار استادانه‌ای دیده می‌شود که در زیر شرحش می‌آید: میترا حالتی ستیزه‌جویانه به خود گرفته و سلاح خود را به طرف صخره نشانه کرده و آب در حال فوران از درون صخره است. در جلوی صخره مردی در انتظار خروج آب و آشامیدن آن است. برطرف دیگر جدار قربانیگاه کمان و ترکش و خنجری نظیر آنچه در معبد دوبلن دیدیم، حک شده است. نکته قابل توجه اینجاست که دو شخص مزبور لباس شرقی بر تن دارند.

آیا این دو شخص همان کوتس و کوتوپاتس هستند که در مراسم تولد میترا حضور داشتند؟ در نقش برجسته بسیگ‌هایم^۱ آلمان دو پرده هست که



شکل ۲۶: میترا مسلح به تیر و کمان

1. Besigheim

ساخته، میترا را به طرزی بسیار بدیع جلوه گر کرده چون میترای مصنوع او در حالتی خلسه‌مانند به نور ساطع از مشعلی که در دست خود اوست نگاه می‌کند. روی این سنگی که میترا از آن درمی‌آید یک خنجر و یک کمان و ترکش (نیردان) حک شده است. میترا با تیر و کمان دو معجزه می‌کند که مشهور است:



شکل ۲۴: گاوی درون زورق بر فراز یک خانه که در آن گاوی هست.

معجزه در آوردن آب و دیگری معجزه شکار. زیرا همه تیرهائی را که میترا در حین شکار می‌اندازد بدون استثناء به هدف می‌خورند.

در رم فقط یک نقش مربوط به معجزه پیدا شده و آن قسمت جانبی تابلویی است که در معبد نزدیک کاخ باربرینی^۱ یافته‌اند. در نقش‌های باز یافته در نقاط دیگر و بخصوص در نواحی اطراف رود دانوب و رود رن بیشتر به وجوهی از زندگی خود میترا و معجزات او توجه شده است. در پرده مزبور میترا با کمان خود یک جدار سنگی را نشانه می‌کند که در مقابل آن مردی در حال سجده کردن است. شخص دیگری هم در این صحنه مشاهده می‌شود که جلوی میترا زانو زده و حالتی استغاثه‌آمیز به خود گرفته است. همین شخص در پرده‌های دیگر دستش را روی شانه راست میترا نهاده است (شکل ۲۵). در نقش برجسته‌ای که در آپولوم^۲ یا آلبا جولیا^۳ در رومانی پیدا شده حالت اخیر

1. Palazzo Barberini

2. Apulum

3. Alba Julia

راجع به موضوع مورد بحث ماست. در پرده اول شخصی مشاهده می شود که با دو دست آب جاری از صخره را می نوشد و میترا مشغول به بیرون کشیدن تیر از ترکش است. در پرده دوم (شکل ۲۶) همین تصویر، منتهی با جزئیات بیشتر نقاشی شده است. در اینجا میترا کمان به دست آماده انداختن تیر است. یکی از دو شخص حاضر در صحنه عازم به رفتن و زانو زدن جلوی میترا است و شخص سوم می کوشد تا با دو دست آب جاری از چشمه را بنوشد.

در هر دو پرده صخره سنگ قویاً شبیه به تکه ای از ابر است. می دانیم که در مراسم دین مهری، صخره سنگ نماد گنبد آسمان است و بنابراین، این طور باید نتیجه گرفت که تیر میترا آب را از آسمان بر زمین جاری می سازد.

حضور شخص استغاثه گر معرف این امر است که معجزه در زمانی صورت بسته که خشکسالی بوده و میترا بشریت را از عطش نجات بخشیده است. این داستان سوره هفدهم سفر خروج تورات را به یاد می آورد که می گوید: «یهوه به موسی گفت، پیران قوم اسرائیل را به دور خود جمع کن و عصایت را نیز به دست گیر و بدان رودخانه ای را بزن و نگاه کن صخره هورب^۱ را خواهیم گرفت و آنگاه تو با عصای خویش بدان خواهی زد و آب فوران خواهد کرد و مردمان از آن خواهند نوشید. موسی همان طور که یهوه فرمان داده بود بکرد و بنی اسرائیل نظاره کردند.»

نقش برجسته ای که در دیبورگ کشف شده از جنس سنگ سیاه شکننده است و میان سایر نقوش اهمیت خاص دارد. در این نقش میترا در کنار قربانگاه ایستاده و لباس شرقی به تن دارد. در دست راست خدنگی و در دست چپ کمانی گرفته (بخش بزرگی از آن ضایع شده است). پائین پای راست او کوزه ای قرار دارد، این تصویر تنها نقشی است که در آن منحصراً معجزه چشمه آب ترسیم شده. در تمام پرده های دیگر معجزه آب فرعی است و در پس صحنه تولد میترا قرار می گیرد. در نقش باز یافته در پتو صحنه معجزه آب

1. Horeb

همراه با صحنه ائتلاف سل و میترا است (شکل ۳۴). به علت این ائتلاف، قربانگاهی که در نقش باز یافته در دیبورگ، میترا پهلوی آن ایستاده اهمیت خاصی دارد، چون احتمالاً میترا ائتلاف با خدای خورشید (سل) را به این منظور کرد که خشکسالی را از کره زمین بدور کند و برای مردمان و گله های چهارپایان آب آسمان فراهم سازد.

گاهی اوقات صخره ای که میترا از آن نشئت یافته، به وسیله چشمه ای آبیاری می شده که «چشمه جاودانی»^۱ نامیده شده است: متنی که اخیراً در کلیسای سنت پریسک یافته اند، معنای وجودی این چشمه را روشن کرده است. در متن باز یافته چنین آمده: «چشمه ای که در دل این صخره قرار دارد ممتلی است از نوشابه ای ایزدی و آن مایه حیات دو برادران است.» مراد از دو برادر اشخاصی هستند که در پرده معجزه آب حضور داشته اند. میترا با معجزه خود این دو شخص را سیراب کرد و به آنان مشروبی ایزدی نوشانید که روانشان را ابدیت بخشید.

بنابراین، آبی که از چشمه فوران می کند در حکم مشروب حیات بخشی است که این دو برادر قبل از دیگران نوشیدند و قوت جان یافتند و سالکان طریق مهری باید بدانان تشبیه کنند. متأسفانه اطلاعات بیشتری در این باب نداریم. آنچه محقق است این است که میان مسیحیان و مهری ها یک مورد تشابه و اشتراک وجود دارد. مسیحیان عادت داشتند روی بدنه تابوت مردگان خویش مجلس معجزه موسی را نقاشی کنند و این امر داستان معجزه چشمه و قوت روحی حاصل از آشامیدن آب آن را به خاطر می آورد.

شکار میترا

حال که افسانه میترا حکم فیلمی راستین را برای ما بینندگان پیدا کرده

1. Fons Perennis



شکل ۲۷: میترا سوار بر اسب
ملح به تیر و کمان.

شکل ۲۸: میترا سوار بر اسب به هنگام
شکار در جنگل سرو.

است، بد نیست که بر سر نقش برجسته بزرگ باز یافته در ناحیه استرבורکن^۱ لختی توقف و تأمل کنیم. در این نقش مجلس طعام مقدس سل و میترا کشیده شده و در قسمت فوقانی آن، پرده دیگری هست که اهمیت بسیار دارد (شکل ۲۷). میترا سوار بر اسب و در حال تیراندازی است. غلامی در عقب او روان است که لباس شرقی به تن دارد و ترکش مولای خود را بر روی شانه راست حمل می‌کند. شیری هم در دنبال اینان می‌آید. جانوری که باید شکار شود روی پرده ترسیم نشده است. در شهر نوین هایم نزدیک معبدی پرده دیگری یافته شده که همین واقعه را شرح می‌کند (شکل ۲۸). میترا در جنگلی از سرو دیده می‌شود که با شتاب بسیار می‌تازد، باد وزان است و دامن روپوش او را بلند کرده. در دست راست کره آسمان را گرفته و با دست چپ افسار اسب را می‌کشد. یک شیر و یک مار همراه او هستند. در پائین نقش برجسته‌ای که در رومانی پیدا شده، همین جانوران دیده می‌شوند و صحنه قربانی گاو ترسیم شده است. شیر و مار نمادهای آتش و خاک و جزء ملازمان میترا شهسوار خورشیدوش هستند.

1 Osterburken

به طوری که ر. دوسو^۱ نشان داده، در شرق خصوصاً در سوریه، نقوشی که میترا را همچون ایزد خورشید نشان می‌دهند، بسیارند. اسب سوار تراکی^۲ (یعنی سل) در کشورهای بالکان مورد پرستش بوده و با آپولن خدای خورشید همسان و یکی تصور شده است. سل در ارابه چهار اسبه خود و سل سوار بر اسب در هر دو حالت معرف تحول روزانه خورشید هستند. در سنگ‌نوشته‌های باز یافته در آسیای صغیر به هلیوس (خدای خورشید) سوارکار اشاره شده است. تحقیق در متون بازمانده نشان می‌دهد که بقایای این سنت تا زمان بعثت دولت بیزنطیه برقرار مانده است. بنابر این، تقریباً محقق شده که سازنده نقش برجسته نوین هایم قصد داشته که میترا را در عین حال همچون خدای خورشید و فرمانروای جهان نشان دهد و کره آسمان که مخصوص اوست کاشف از همین معاست.

معذک اختلافی میان نقش نوین هایم و نقش استرבורکن مشاهده می‌شود. در نقش اخیر که در رنانی پیدا شده میترا به صورت تیرانداز ظاهر می‌شود و به همین دلیل فهم پرده را آسان تر می‌کند. پرده دیبورگ میترا را سوار بر اسب و در حال شکار نشان می‌دهد. سروی در کوهستان دیده می‌شود، و اسبی که میترا بر آن سوار است جنب و جوش بسیار می‌نماید. تیری را که می‌اندازد به قصد از پای در آوردن خرگوشی است که گوش‌های درازش هنوز هم قابل رؤیت است. سه سگ شکاری در اطراف میترا هستند، مشعلداران هر یک روی کوزه‌ای راست ایستاده‌اند. بنابراین، شیر در صحنه حضور ندارد. اما وجود دو مشعل‌دار روی پرده اشاره به نور و آتش است. به جای مار که عنصر خاک را مجسم می‌کند، کوزه‌ای نقاشی کرده‌اند که نماد آب است.

نخستین بار محقق به نام فر. بن^۳ این صحنه را تفسیر کرده و معتقد به رابطه‌ای میان آن و الهه ژرمنی موسوم به وُدان^۴ است. با توجه به این که

1. Dussaud
4. Wodan

2. Thrace

3. Fr. Behn

صحنه‌های شکار میترا فقط در آلمان یافته شده، این محقق معتقد گشته که در آلمان خدایان ایرانی و ژرمنی اختلاط و آمیزش یافته‌اند. طولی نکشید که نادرستی این عقیده به کرسی نشست و حفاری‌هایی که در معبد دورارپوس شد منجر به کشف دو پرده روی دیوارهای نمازخانه گشت. در این دو پرده صحنه شکار میترا نقاشی شده است. بنابراین، این عقیده در شرق و غرب امپراتوری روم مورد قبول واقع گشته و در نقاشی پرده فوق‌الذکر که در اورارپوس یافته شده، سلیقه و سنت هنر شرقی به چشم می‌خورد (شکل ۲۹).



شکل ۲۹: فرسک (دیوارنگاره) دورارپوس، نمودار میترا در نخجیرگاه.

چشم‌انداز این پرده از گیاهان سه شاخه و درخت‌هایی که سر آن‌ها به شکل بادبزن است تشکیل شده. رنگ بکار رفته در این پرده لاجورد است و نقاش آن می‌باید احتمالاً ساکن یکی از شهرهای مجاور شهر پالمیر بوده باشد. میترا در حالی که روبروی خود را نگاه می‌کند سوار بر اسب دیده می‌شود و در حال کشیدن کمان خویش است. اسب در حال تاخت و تاز است، و زین و برگش شکوه بسیار دارد. به یکی از تسمه‌های مربوط به زین و برگ اسب، ترکش میترا بسته شده، درست مثل جامه سواران هنگ تیرانداز همراه میترا در پالمیر. لباس

وی به طرزی زیبا قلابدوزی شده و شیری و ماری همراه میترا هستند، درست نظیر آنچه که در نوین‌هایم^۱ دیده‌ایم. تیرهای رها شده، دو گوزن هلالی شاخ، دو آهو و یک گراز را از پای در آورده است. این جانوران با این که خون از زخمشان جاری است، سرگشته‌وار می‌دوند. هنرمندی در صحنه‌های دیگر به جای مار و گراز، دو شیر بزرگ و کوچک نشانده است. دورا یک اردوگاه مقدم نظامی بود که تیراندازان پالمیر در آنجا منزل کرده بودند و روشن است که این لشکریان می‌خواستند شمایل میترا به صورت نگهدارنده جنگ‌افزار آنان منقوش باشد. اما در این شکارها - اضافه بر حراست سپاهیان - میترا در جستجوی یافتن دشمنان خویش و از میان بردن آن‌هاست.

قبلاً این نکته را در اوستا دیدیم. در اینجا میترا به شکار گراز می‌پردازد. چنان که می‌دانیم گراز را اغلب در راه اهریمن، سرچشمه بدی قربانی می‌کردند.

میان تصاویری که روی قبرها می‌کشیدند، پرده شکار زیاد دیده شده است. این نکته به اثبات رسیده که در عهد باستان شکار را همچون مکتب سرسختی و سخت‌جانی تصور می‌کرده‌اند. پیکار با جانوران وحشی در دیده فلاسفه نشانه فتح جرئت و هوش آدمی و شکست خشونت و توحش بوده است. از سوی دیگر صید حیوانات معنای مذهبی هم داشته و بدون تأییدات خداوندی پیروزی بر جانوران زیانکار ممکن نبوده است. در انجام هر شکار، مراسم قربانی معمول می‌شده و سفره‌ای نذر خدا می‌کرده‌اند و طعام می‌خورده‌اند. دیدیم که در پرده نخجیر باز یافته در استریورکن، بعد از مراسم شکار ضیافتی داده شده است. در شهر سردیکا^۲ (سوفیا) پرده‌ای هست که میترا و سل را بر سر سفره طعام نشان می‌دهد و کوزه‌ای روی زمین نهاده شده است. در سمت راست غاری که در آن مراسم ضیافت انجام می‌شود، شیری مشهود است و در طرف چپ غار سنگ شکاری و گراز به نظر می‌آیند. دو منظره طعام

1. Neuenheim

2. Serdica

و شکار در پشت دو نقش برجسته یافته شده در آلمان (در هدرن‌هایم و روکینگن^۱) دیده می‌شود.

بدون هیچ‌گونه تردید میان دو نقش برجسته مذکور خویشاوندی هست و در بخش فوقانی دو مجلس ضیافت سل و میترا، پرده شکار با تمام جزئیات آن ترسیم شده است. در مرکز پرده باز یافته در هدرن‌هایم انسانی دیده می‌شود که چهره‌اش واضح نیست و چهار سنگ بزرگ شکاری در اطراف او هستند. در قسمت چپ بالای سر سگ‌های شکاری تکه‌ای از پای اسب دیده می‌شود و از آنجا می‌توان نتیجه گرفت که در اصل اسب‌سواری روی پرده منقوش بوده و شخصی که در وسط پرده هست شاید خدمتکار اسب سوار بوده. گاو و گرازی هم خوابیده‌اند و کمی دور تر بره‌ای مشغول چریدن است. زود می‌شود حدس زد که سگ‌های ترسیم شده روی پرده به حیوانات مذکور نظری ندارند و نمی‌توان فهمید که حیوانات فوق شکار شده‌اند یا نه؟ همین‌طور تشخیص این که گاو و گراز هدف تیر قرار گرفته‌اند غیر ممکن است. به خاطر داریم که روی فرسکی که در ناحیه سوئو و توریلیا^۲ روی جدار راست مهرکده سنت پریسک رم نگاشته شده است، گاوی و گرازی و بره‌ای دیده می‌شوند. همین سه جانور را روی حاشیه دهنه غاری که در آن ضیافت داده شده نقش کرده‌اند.

در سال ۱۹۵۰ نقش برجسته‌ای از میترای سوار بر اسب در روکینگن باز یافته شده، دست چپش را بلند کرده و با آن افسار اسب را گرفته (شکل ۳۰) و در اطراف او جانوران مختلفی نظیر سگ و کره‌اسب و گراز و گوزن و گاو دیده می‌شود. به عقیده محقق^۳ به نام آلفولدی^۲ جانوران مذکور واجد معنای خاصی هستند و آن سفر اساطیری خورشید است که همچون یک چابک سوار در ارابه‌ای در تکاپوست. با وصف این، از ظواهر چنان برمی‌آید که با اطلاعات ناکافی موجود نمی‌توان میان صحنه شکار و اسطوره جهانسوزی^۴

رابطه‌ای برقرار کرد.

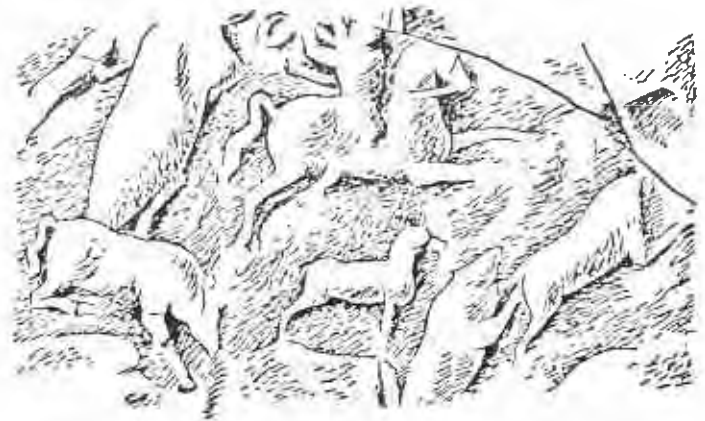
به نظر ما صحنه شکار را باید همچون نمایش نبرد میان میترا و نیروهای شر (وجود گراز در صحنه مزبور قابل توجه است) تصور کرد. اگر در جاهای دیگر (دیورگ و دورا) حیوانات بی‌آزاری چون خرگوش و آهو نقاشی شده‌اند به این دلیل است که نقاش خواسته سعی در منطبق ساختن موضوع نقاشی با وضعیت محلی که تنوع جانوران هم جزء آن است بکند. و اما گاو نر و ماده را به این علت اضافه کرده‌اند که به طریقی دیگر شکار و دستیابی بر آن‌ها را نقش کنند. در صحنه منقوش باز یافته روکینگن می‌بینیم که برای دست یافتن به این چهار پایان از کمند استفاده می‌شود.

صحنه‌های شکاری که مورد بحث قرار گرفت هرودت و منقولاتش را در باب تربیت در ایران باستان به خاطر می‌آورد و نشان می‌دهد که تربیت در ایران باستان از پنج سالگی کودک شروع می‌شده و به بیست سالگی وی ختم می‌گشته است.

این نوع تربیت شامل سه مرحله اساسی بوده است: اسب‌سواری، تیراندازی و پرستش حقیقت. میترا و بعد از او مهرپرستان می‌توانستند در این امور الگوی نوخاستگان و جوانان ایران قرار گیرند. میترا نگاهبان حق و حقیقت است. سوارکار است و تیرانداز، بدی‌ها را با زوبین خود می‌راند و تیرش همیشه به هدف اصابت می‌کند. هرگاه به شکار می‌رود، اوست که غنیمت به چنگ می‌آورد و در نبرد میان خیر و شر پیروزی همیشه با اوست. در دورا نقاشی کوچکی هست که روی تیرکی نشانده شده و دو خدمتکار آن را حمل می‌کنند. موضوع آن شکار گاو است. بعد از این صحنه مرحله پیروزی بر نیروهای بدی است و بعد از آن مجلس میهمانی می‌بینیم که یاران میترا در آن دعوت دارند.

1. Rückingen 2. Suovetaurilia 3. A. Alföldi
4. Conflagration Universelle

مردم عهد باستان ابداً به اعتقادات اصولی و جزمی مقید نبودند و هیچ گونه ضرورتی نمی‌دیدند در این که در آراء دینی خود الفت منطقی به وجود



شکل ۳۰: میترا سوار بر اسب و کمند بر دست.

بیاورند. این نکته را آقای گوتری^۱ در کتابی که در باب خدایان یونان باستان نوشته شرح کرده و ما نیز ضمن مطالبی که ذیلاً در مورد مناسبات میان سل و میترا خواهیم نگاشت واقعیت مذکور در فوق را نشان خواهیم داد. حقیقت این است که از اطلاعات موجود نمی‌توان پیوندی منطقی بین این دو پروردگار یافت و اگر مناسبتی وجود داشته باشد فعلاً بر ما مکتوم است.

حتی خود میترا در سنگ‌نوشته‌های گوناگون به کرات با لقب سل خدای شکست‌ناپذیر^۲ یاد شده و همراه با کوتس و کوتوپاتس مجسم‌کننده طلوع و نیمروز و غروب خورشید است. با این وصف پهلوی میترا ایزد خورشید را

می‌بینیم که سوار بر ارابه آتشین خویش است و تازیانه کشان اسب‌ها را در فضای آسمان به جلو می‌راند. اما میان این خدای زردفام که از تبار آپولون و حامل نور و روشنائی است و میترا می‌باید تشخیص کرد. خدای مزبور معمولاً شنلی فراخ در بر دارد و هیچگاه کلاه فریجی میترا بر سر او دیده نمی‌شود.

در برخی از تصاویری که مراسم قربانی گاو را نشان می‌دهند، از هاله رخشانی که دور و بر سر سل را فرا گرفته، پرتوی می‌جهد. بدون هیچ گونه تردید، این خدا سل است که به میانجیگری کلاغ به میترا ایزد ایزدان فرمان ذبح گاو مقدس را می‌دهد. نتیجه منطقی این می‌شود که سل میانجی میان اهورامزدا (خدای نکوئی) و میترا است و میترا نیز به سهم خود با قربانی کردن گاو مقدس میانجی بین انسان و اهورامزدا می‌شود. پس سل - هلیوس - آپولون موکل مستقیم میترا است و به این عنوان در قربانی گاو شرکت می‌جوید. بنا به ملاحظات مذکور این طور به نظر می‌آید که خدای خورشید بر میترا اولویت دارد و نیروئی بس عظیم‌تر از او در اختیارش است. با این وصف، در برخی از نقوشی که بخصوص در خارج از رم یافته شده خدای خورشید در حالت خضوع و خشوع در مقابل میترا مجسم شده است و این حالت تسلیم و اطاعت محض را خصوصاً در تصاویر یافته شده در کشورهای بالکان بخوبی می‌توان مشاهده کرد. علاوه بر این در بعضی از تصاویر، میترا دست چپ خود را روی سر سل گذارده و دست راست را بلند کرده و در آن شیئی قرار گرفته که متأسفانه شناخت ماهیت آن دشوار است. در برخی از نقاشی‌ها، آن شیئی شبیه به کلاه فریجی است، و در بعضی شباهت به جام (ظرف) شاخ‌مانند دارد. گاهی هم شیئی مزبور تصور تکه‌ای گوشت را در ذهن نگرنده ایجاد می‌کند. در هیچ متنی تفسیر و توجیه این صحنه دیده نشده است. اما تصور این می‌رود که میترا می‌خواهد سل را در آغوش بگیرد (شکل ۳۱). روی یک‌نقش کوچک برجسته که در بوخارست یافته شده میترا را به وضوح می‌بینیم که دارد بر سر سل کلاه فریجی می‌گذارد.

1. Guthrie

2. *deus Sol invictus*



شکل های ۳۱ و ۳۲. میترا در حال تجهیز یک سپاهی (نقش چپ) و سل و میترا (نقش راست)

در تصاویر دیگری هم که یافته شده تصور اتحاد و اتفاق میترا و سل بیش از پیش تأیید می شود. روی نقش برجسته بازیافته در ناحیه نرسا در ایتالیا (شکل ۳۲) تصویر سل عریان دیده می شود که جلو میترا زانو بر زمین زده است. میان این دو خدا مذبح کوچکی مشهود است. سل دست راست را پائین آورده و دشته‌ای بدان گرفته و با دست چپ مچ میترا را فشار می دهد. میترا هم کارد افراخته‌ای در دست راست گرفته است. از این صحنه چنین برمی آید که این دو خدا می خواهند اتحاد و اتفاق خویش را با خون خود ممهور کنند. روی نقش برجسته‌ای در رم این دو خدا در دو سوی معبدی قرار گرفته‌اند. میترا با دست چپ مچ شخصی را که در سمت مقابلش ایستاده می گیرد و با کاردی که در دست دارد، مهبای شکافتن آن می شود تا با خون عقد اتحاد را مسجل کند. روی نقش برجسته ناحیه ویرونوم^۱ اتریش، میترا دست سل را برادروار می فشارد و دوستانه با دست چپ به شانه او می زند (شکل ۳۳). روی نقش برجسته بازیافته در هدرن هایم آلمان میترا دیده می شود که به کمک سل می شتابد و هاله دور سر او را مرمت می کند. روی یک پرده نقاشی که در معبد نزدیک قصر باربرینی در رم یافته شده و نیز در یک نقش برجسته بازیافته در

1. Virunum

ناحیه پتوی یوگسلاوی میترا و سل دیده می شوند که در دو طرف مذبح معبد راست ایستاده‌اند. روی پرده بازیافته در رم میترا و سل سیخ کوتاهی به دست دارند و آن را بالای مذبح پرستشگاه گرفته‌اند. در نقش برجسته (شکل ۳۴) پتو، سل و میترا در حالی دیده می شوند که دست یکدیگر را می فشارند. روی مذبح آتش شعله‌ور است و روی آتش تکه‌های گوشت به سیخ کشیده مشاهده می شود. (این رسم هنوز هم در یوگسلاوی معمول است.) کلاغی هم در همین نقش دیده می شود که می خواهد تکه‌های گوشت را بخورد. روی نقشی که در ناحیه دورا یافته شده در ضیافتی همین کلاغ سیخ کباب را تعارف می کند. با این وصف نقشی که در ناحیه پتو یافته شده، به هیچ وجه نسخه بدل طعام میترا و سل نیست. می دانیم که در این محفل طعام سل و میترا خوراک را برادروار و همچون دو متحد میان خود بخش می کنند. در تصویر یافته شده در قصر باربرینی این صحنه آخری به طور جداگانه نقاشی شده است. بنا بر آنچه گذشت، این صحنه محتملاً مؤید اتفاق و اتحاد میترا و سل است و رسمی است دینی که در پس هر مجلس طعام می آید و بعد از آن میترا سوار بر ارابه سل می شود و به آسمان عروج می کند. پس می بینیم که خصومتی که میان این دو خدای در آغاز سخن وجود داشته که حال از میان رفته و تبدیل به دوستی جاودانی شده است. بر همان سیاقی که میترا بعد از جهان‌گشائی و فتوحات خود سوار بر ارابه سل شده و به آسمان صعود کرده، مهرپرستان هم امیدوار به بازگشت فروغ جاودانی‌اند.

ضیافت و معراج

پس از این که شکار توانفرسای گاو و ذبح هیجان آور آن انجام گرفت، اقامت میترا در کره خاکی به انتها می رسد و در ضیافتی که به عنوان حسن ختام



شکل ۳۳: میترا و سل در کنار قربانگاه
شکل ۳۴: میترا به سوی سل دوان است

برپا می‌شود، سل هم حضور می‌یابد و گوشت چهارپای قربانی شده را صرف می‌کنند. شمایی در ناحیه دورا به دست آمده که دو خدمتکار را در حالی نشان می‌دهد که بر روی شانه‌شان چوب بلندی را حمل می‌کنند و جسد گاو ذبح شده از آن آویخته است. لباس اشخاص مزبور شبیه به لباس مشعلداران است. ضیافت در غاری برپا می‌شود، میترا لباسی به صبغه ایرانی در بر دارد و همراه با سل گاهی نشسته و گاهی دراز کشیده دیده می‌شوند. روابط سل و میترا بسیار دوستانه است، چون در برخی تصاویر میترا در حالی که دستش را بر شانه سل گذاشته دیده می‌شود. ولی اغلب اوقات صحنه فوق معرف عواطف مذهبی بسیار عمیقی است که منشأ آن یک واقعه شورانگیز می‌تواند باشد (شکل ۳۵). دو منظره قربانی گاو و مجلس ضیافت بیش از دیگر مناظر نقاشی شده است. گاهی اوقات پشت و رو، یعنی روی دو طرف یک نقش برجسته به ترتیب مجلس ضیافت و داستان ذبح گاو کنده شده است در این حال،

نقش برجسته از نوع مزبور (یعنی نقش دو رویه) بر روی محور چرخنده‌ای کار گذاشته می‌شده تا در موقع مقتضی و طی مناسک دینی اعمال

برجسته میترا را بنمایاند: برخی اوقات ضیافت مخصوص خدایان ترتیب داده می‌شد و در آن‌گاه تنها میترا و سل حضور می‌یافتند. مهرپرستان در موقع انجام دادن مراسم دینی از اعمال خدایانشان تقلید می‌کردند. از این روست که بعضی نقش‌ها خصیصه اختلاطی پیدا می‌کنند و مهری‌ها که وظیفه خدمتگزاران خدا را انجام می‌دهند، خوراکنان باطعام خدایان مخلوط می‌گردند. در تعدادی از تصاویر باز یافته، مجلس ضیافت صرفاً از خود مهمانان مهرپرست تشکیل می‌شود.

برای این که خوب به جزئیات مراسم دینی که در ضیافت مهری انجام می‌گیرد پی ببریم، دیدار کردن از فرسک با شکوه معبد ست پریسک نهایت لزوم را دارد. در حوالی سال ۲۲۰ پس از مسیح، در عقب سکوی واقع در سمت چپ، روی دیوار یک معبد تصویر زیبایی از مناسک طعام نقش شده است: سل و میترا در غاری که طاقی محدب دارد و پرتو زرین شمع درون آن را روشن کرده، به سبک رمی‌های باستان دراز کشیده‌اند و مقابل آن‌ها میز کوچکی قرار گرفته است. سل جامه‌ای بلند به رنگ سرخ با کمر بندی زرد به بر دارد. در دست چپ کره‌ای گرفته و دست راست را با شوقی قدسی و مذهبی بلند کرده است. پرتو شمع هاله‌ای به دور طره‌های زرد رنگ گچ‌بندان بلند او افکنده، نگاهش بیان نگاه مردمان مجذوب است. میترا در سمت راست سل دراز کشیده و دست راست را روی شانه او قرار داده و پوششی سرخ بر تن و کلاهی فریجی به رنگ ارغوان بر سر دارد و دو پرستار در خدمت‌اند: یکی نوشابه می‌ریزد و دیگری طعام در ظرفی بیضی شکل به دست دارد، خدمتکار دوم نقابی به شکل کلاغ بر چهره دارد و سالک مشرقی است که در مقام کلاغ^۱ قرار دارد.

هشت نوجوان دیگر هم دیده می‌شوند که خدایانی پیش می‌آورند و از قحرای من مکتوب بر سنگ چنین برمی‌آید که در مقام شیران^۲ هستند. برخی از این جوانان نورسته یک قرص نان، یا یک کوزه و برخی از آنان خروس و یا

1 Corax

2. Leones



شکل ۳۵: میترا و سل بهنگام خورش.

دسته‌ای شمع در دست دارند. چنین نقشی از چنین محفل آراسته‌ای در هیچ جا یافته نشده است. دو ایزد به جمع یاران خود پیوسته‌اند و در گفتگویند و مهری‌ها نسبت به دو میهمان بلند مقدار خود خضوع و خشوعی در خور شأن آن‌ها می‌کنند. ایزدان در جریان مناسک حضور دارند و رهروان به آن‌ها اقتدا می‌کنند. مقام میترا و سل را در اینجا پیر (مرشد) و پیک خورشید (تفصیل آن بعداً می‌آید) اشغال کرده‌اند و به‌هنگام مراسم دینی لباسی مشابه جامعه میترا و سل به تن دارند و متّصف به صفات آنان نیز هستند. در معبد سنت پریسک برای این دو شخص سکوئی تعبیه شده که روی آن می‌نشینند و برادر وار در مراسم دینی شرکت می‌جویند. سالکانی که در مقامی نازل تر قرار دارند و بخصوص آنان که در مقام کلاغان هستند خوراک و نوشابه تعارف می‌کنند.

اما مهرپرستان چه می‌خوردند و چه می‌نوشیدند؟ در یک طرف نقش

برجسته باز یافته در هدرن‌هایم سل و میترا در عقب گاو دراز کشیده‌اند (شکل ۳۶). گاهی اوقات این دو خدا و یا مریدان آن‌ها روی پوست گاو خوابیده‌اند و این نکته معرف آن است که می‌خواهند نیروی سحرآمیز گاو مقدس را به خود جذب کنند. در ناحیه کونجیک^۱ کلاخ و شیر نقاب به صورت دارند و طعام و شراب تعارف می‌کنند (شکل ۳۷). روی میز نان و میوه و حتی گاهی اوقات ماهی دیده می‌شود. روی نقش برجسته هدرن‌هایم خدمتکاران را می‌بینیم که ملبس به جامه مشعلداران هستند و سبدهائی از نان و میوه پیشکش می‌آورند. سل خوشه‌ای از انگور را به یک همخوراک تعارف می‌کند و میترا با احترام به آن می‌نگرد.

روی جامی از جنس گل‌رس که در شهر ترو^۲ یافته شده و احتمالاً به هنگام غذا خوردن به کار می‌رفته خادمی دیده می‌شود که نان تعارف می‌کند. در نقش برجسته دورا به سل و میترا گوشت به سیخ کشیده تعارف می‌شود و در معبد آوانتن شیری حامل نان شیرینی است و آن رازیر سرپوشی از شیشه قرار داده است. در مزبله‌های معابد استخوان‌های گاو و خوک و گوسفند و یا ماکیان مشاهده شده است. اما از آنچه رفت می‌توان استنتاج کرد که گوشت گاو را می‌خوردند و خون آن را می‌نوشیدند. اگر به گاو دست نمی‌یافتند و یا بهای آن گران بود به گوشت سایر جانوران خصوصاً چهار پایان کوچک اندام بسنده می‌کردند. گاهی اوقات هم به جای گوشت نان و ماهی می‌خوردند و به جای خون، شراب می‌نوشیدند. ژوستینیوس^۳ یکی از آباء مسیحی صریحاً می‌گوید «این که مهری‌ها در مراسم دینی شان نان و آب صرف کنند، تواز آن آگاهی و یا وسیله‌ای داری که از آن اطلاع یابی.»

می‌بینیم که ژوستینیوس عمداً لفظ آب و نه شراب را به کار می‌برد و حال آنکه ما می‌دانیم استعمال شراب محقق است و اصلاً بحثی در آن وارد نیست. هزینه جماعت مهری روی دیوارهای معبد دورا-روپوش یادداشت

1. Konjic

2. Treves

3. Justinus



شکل ۳۶: میترا و سل در موقع صرف طعام

شده و بخوبی می‌توان مشاهده کرد که هزینه نان و شراب در رأس فهرست مخارج قرار گرفته‌اند. خوشه انگوری را که در دست سل (در ناحیه هدرن‌هایم) می‌بینیم، سندی است که مؤید گفتار ماست (شکل ۳۶). روی نقش برجسته‌ای که در کتوبریگا^۱ (در پرتغال) به دست آمده، خدمتکاری ظرفی را در کوزه بزرگی خالی می‌کند و خادمی دیگر دیده می‌شود که مشعلش را بر زمین انداخته تا بتواند با دو دست سفره نان را به سل تعارف کند؟ فرسک‌های معبد آواتن، مطالب مذکور در سطور پیش را تأیید می‌کنند. تصاویر این پرستشگاه که همه ضیافت میترا را نشان می‌دهند، بیش از دیگر نقوش مورد تهاجم و شتم مسیحیان آخر قرن چهارم واقع شده‌اند. تعصب ویرانگر مسیحیان که متأثر از ایمان مذهبی آن‌ها بوده، بیشتر متوجه فرسک‌های مزبور شده و به دیوار دیگر معبد آسیبی نرسیده است. فهم علت این عناد سهل است. همان طور که ترتولین می‌گوید مجلس ضیافت مربوط به نمایش میترا «تقلیدی ابلیس مآبانه از مراسم او کاربستی^۲ مسیحیان است.»

در کتاب نویسنده مزبور آمده است که مهری‌ها از صحنه رستاخیز هم

1. Caetobriga

2. Eucharistie: عشاء ربانی

تصویری نقاشی کرده‌اند. مهری‌ها سخت معتقد بودند که استعمال گوشت و خون گاو موجب حیاتی نوین می‌شود، درست به همان سیاق که حیاتی نو از خون گاو می‌جهد. گوشت و خون گاو نه تنها نیروی جسمانی می‌دهند بلکه روان را تصفیه می‌کنند و به هنگام رستاخیز در فروغ ابدی اثر مفید دارند. برخی از محققان مثل کریستن سن و لوازی از این ملاحظات نتیجه گرفته‌اند که میترا می‌خواسته با گاو وحدت عرفانی برقرار کند.

میترا گاو را قربانی می‌کند تا رهروانش بتوانند گوشتش را بخورند و خوشش را بنوشند. درست همین مراسم در آئین دیونیزوس^۱ هم مشاهده می‌شود. باید گفت که در هیچ جا متنی در تأیید رأی مزبور یافته نشده و فقط پژوهش‌های آینده می‌تواند صحت نظرات مزبور را به کرسی بنشاند.

ژوستن^۲ می‌نویسد، ضیافت مهری‌ها همراه با آئینی ویژه بوده و محتمل است که میان این ضیافت و «آخرین غذای مسیح» (به فرانسه لاسن^۳) قرابت بسیار وجود داشته باشد. در این باب متنی مربوط به قرون وسطی را



شکل ۳۷: طعام میترا

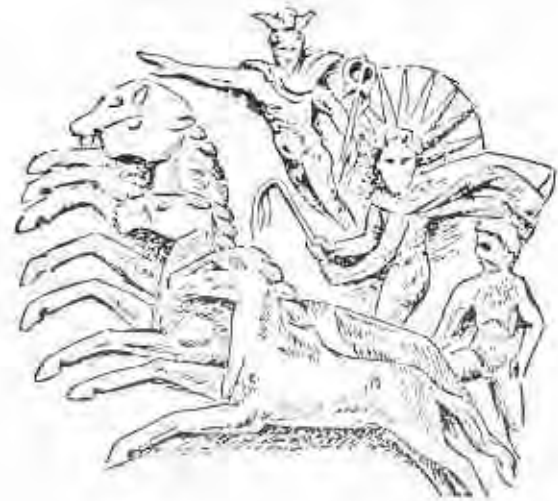
1. Dionysos

2. Justin

3. la Cene

آقای کومون یافته و به چاپ رسانیده که بسیار جالب توجه است. در اینجا حقیقت دین مسیح و زردشت معارض یکدیگر قلمداد شده چون عیسی بدین سیاق با مریدانش سخن گفته است: «هر آن کس که گوشت مرا نخورد و خون مرا به طریقی که او با من ممزوج شود و من با او مخلوط گردم، نیاشامد، به نجات اخروی نخواهد رسید.» و حال آنکه در همان کتاب، مسیح به این نحو با حواریون صحبت می‌دارد:

«کسی که گوشت مرا بخورد و خون مرا بیاشامد، حیات جاودانی خواهد یافت.» این متن ما را به مناقشات میان مهری‌ها و مسیحیان می‌کشاند و با این که متأخر است، گفته‌های ژوستن را تأیید می‌نماید.



شکل ۳۸: معراج میترا سوار بر ارابه خورشید.

بعد از این که میترا معجزاتی کرد، سوار بر گردونه خورشید می‌شود و به آسمان عروج می‌کند. در برخی از نقوش برجسته میترا را می‌بینیم که در عقب

گردونه‌سل - هلیوس خدای خورشید می‌دود (شکل ۴۴). سل راننده گردونه است و چون حرکت اسبان ناشکیبا را مانع می‌شود اینان پای بر زمین می‌کوبند و حال آنکه در نقوش دیگر اسبان را تازیانه می‌زند و به رفتار وادارشان می‌کند. معمولاً هاله‌ای از نور دور سر سل را گرفته و به غیر از پوششی که از وزش باد در اهتزاز است چیز دیگری در بر ندارد.

گاهی اوقات مثلاً روی نقش ویرونوم (شکل ۳۸) هنرمند تصویرگر. حرکت صعودی گردونه را به وضوح ترسیم کرده است. در این نقش هرمس - مرکور^۱ به عنوان مرشد راهنمایی می‌کند، و با بال‌هایی که بر سر دارد و چوبی از درخت غار که دو مار دور آن حلقه زده‌اند، قابل تشخیص است. روی نقوش برجسته باز یافته در سواحل دانوب میترا به آرامی سوار ارابه می‌شود. در اینجا ارابه قصد صعود به آسمان را ندارد و هدفش اقیانوس است که به صورت خدائی با محاسن انبوه، در حالت دراز کشیده، ترسیم شده و نیمه سفلی بدنش ملبس به پوششی است. گاهی اوقات میترا آرنج چپ را روی کوزه‌ای قرار داده و در برخی حالات آب به صورت خطوطی موج نشان داده شده است. در نقش



شکل ۳۹: دور و بر اسانوس را نمف‌ها گرفته‌اند

یگانه‌ای بوده‌اند. وقتی که هنرمندان مسیحی خواستند مسیر سفر روح را به آسمان نقش کنند، موضوع عروج الیا^۱ را به آسمان، که در ارابه‌ای آتشین با اسبانی تیزتک انجام شد، از کتاب سلاطین^۲ اخذ کردند. اگر ترسیم موضوع مزبور از روی تصویر معراج میترا به آسمان در ارابه خورشید تقلید شده احتمالاً بدون غرض و علت نبوده است. در این تصویر اردن^۳ به جای اسانوس نقاشی شده است.

برجسته دیبورگ دورو بر اسانوس نمف^۱ هائی ترسیم شده‌اند. میترا در اینجا به صورت اسطوره فائتون^۲ در آمده و از هلیوس تقاضای بعاریت گرفتن گردونه خورشیدی اش را می‌کند (شکل ۶۷).



شکل ۴۱: سیمای ساتورن روی فرسک
باز یافته در دورا



شکل ۴۰: کروئوس - ساتورن در حال تفویض
قدرت به ژوپیترا

روی سر اسانوس تکه پارچه‌ای لچک مانند دیده می‌شود که در باد موج می‌زند. بنابر این، میان این شخص و تصویر بزرگ دراز کشیده‌ای که در نماز خانه معبد سنت پریسک لچکی بر سر داشت، قرابتی وجود دارد.

روی نقوش برجسته باز یافته در سواحل دانوب ماری دور بدن اسانوس پیچیده و سرش را به سوی اسب‌ها دراز کرده و حالتی تهدید آمیز نسبت به آن‌ها دارد. پس در خدای امواج (اسانوس) مشخصات ایزد زمان و ایزد آسمان جمع آمده و این اختلاط بدون شك مربوط به زمانی است که این دو خدا ایزد

1 Elie

2. Le Livre des Rois

3 Jourdain نام رودی است در فلسطین که عیسی در آن غسل تعمید یافته است.

1. Nymphe

2 Pphaeton

تصاویر مختلفی از کروئوس ساتورن در دست داریم که قدرت ایزدی خود را به جانشینش ژوپتر تقدیم می‌کند (شکل ۴۰) آذرخش و عصا به او هدیه می‌نماید.

این صحنه نزدیک قربانگاہی وقوع می‌یابد، گوئی که این دو خدا می‌خواهند امر انتقال قدرت را موافق اصول شرع انجام دهند و قربانی کنند. عصر طلائی^۱ که شاعران و نویسندگان به نظم و به نثر آنقدر درباره‌اش قلم فرسوده‌اند به انجام رسیده، ولی بعد از چند دوره معین و معلوم دوباره ظاهر خواهد شد.



شکل ۴۳: ساتورن بر ارنج خویش تکیه زده و آذرخش بدست دارد

شکل ۴۲: ساتورن روی صخره‌ای نشسته و کاردی بدست دارد

روی نقش برجسته‌ای که در استر بورکن یافته شده، در وسط دایره‌ای از گل و گیاه ظاهراً نقش اساطیری کائوس^۲ - هرج و مرج آغازین قبل از خلقت - دیده می‌شود و بعد از آن فرمانروائی ساتورن شروع می‌گردد.

در تمام دورانی که ژوپتر حکومت می‌کند و در همان احوالی که به

میترا و ایزدان همراه او

در آئین مهری دو نیروی اصلی در کشمکش مستمر هستند. اهورامزدا فرمانروای خطه برین روشنائی و اهریمن حاکم بر جهان ظلمات است. بر فراز این دو خدا زروان قرار گرفته که ایزد زمان است. اهورامزدا و اهریمن چنان از زروان اطاعت می‌کنند که گوئی او خدای تقدیر (قضا)^۱ است. برخی اوقات زروان مثل میترا با چهره‌ای برنا جلوه گر می‌شود و غرض از آن نشان دادن میترای جوان است همچون خدای جدید زمان یا کروئوس - ساتورن جدید. اما از سوی دیگر پلوتارک^۲ صفت میانجی (در یونان: مسیتس)^۳ به میترا می‌دهد و روی این اصل او میانجی دو جهان روشنائی و تاریکی و یانیکی و بدی است. چنین صفتی که به میترا نسبت داده شده، در برخی فرقه‌های گنوستیک^۴ (غنوسی) به روح داده شده است. میترا دوشادوش لشکر خیر نبرد می‌کند و او را در پیروز شدن بر نیروهای شریاری می‌دهد. تا موقعی که چنین ظفیری رخ نداده میترا همچون رابطی میان فروغ محض و انسان مقید به مادیات حیات خاک‌کی است. کل این نظریه منشاء ایرانی دارد و چنین نوع جهان بینی را موبدان در مناسک رمزی مذهب خود متجلی ساخته‌اند. در جنب این چند خدا شخصیت‌های سنتی دیگر نیز می‌یابیم که افسانه‌ای هستند و از اساطیر یونانی و رومی به عاریت گرفته شده‌اند.

1. Fatum
2. Plutarque
3. Mesites
4. Gnostique عرفانی:

1. aurea aetas

2. Chaos



شکل ۴۴: این نقش شاید میترا را بنماید که در مقابل ساتورن دیده می‌شود

جای خود بنشانند. منظره جنگ با غولان را به کرات در شمایل‌های میترا می‌بینیم، جنگی شدید در می‌گیرد، و میترا پدر بشریت آذرخش‌هایی را که در دست گرفته بر سر و روی غولان سرکش می‌اندازد و غول‌ها وحشت افزاینده و پاهایشان به مارهایی ختم می‌شوند و چون می‌خواهند صخره‌ای بلند را برکنند و بر سر ژوپتر بزنند ژوپتر بر آنها پیروزی می‌یابد و غولان خسته و کوفته در دوزخ سقوط می‌کنند. تصویری با تفصیل مذکور را در شمایل باز یافته در ناحیه دورا دیده‌اند (شکل ۴۵). در مهرکده سنت پریسک هم مجسمه کوچکی از یک غول به دست آمده که از جنس مرمر بنفش است و رنگ تیره آن نماینده جهان تاریکی است. واضح است که مهری‌ها مبارزه با غولان را همچون نبرد اهورا

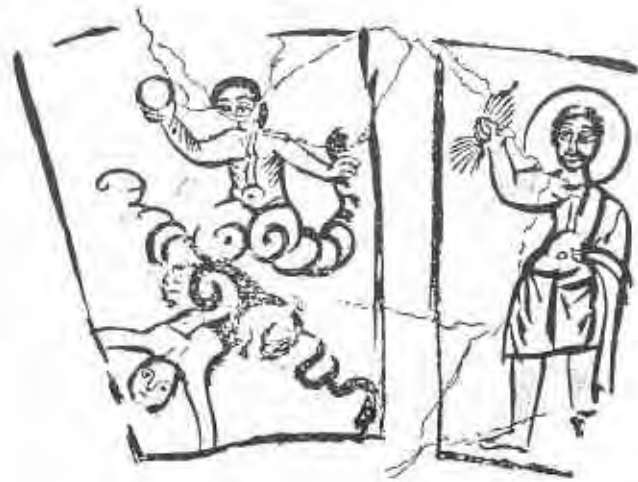
وضوح و وظایف مربوط به اهورامزدا را او انجام می‌دهد، حضور ساتورن در افسانه میترا ادامه می‌یابد. در نقشی که در دورا یافته شده ساتورن با جلالتی تمام دیده می‌شود که عصائی در دست و چهار قدی بر سر دارد. در نقش برجسته نوین هایم ساتورن را می‌بینیم که روی آرنج خود تکیه زده و آذرخشی یا شیشی به شکل آذرخش آسمان (شکل ۴۳) به دست دارد، در حالی که در تصویر باز یافته در دیبورگ ساتورن روی صخره‌ای نشسته و کاردی به دست دارد (شکل ۴۲).

در برخی تصاویر روابط میان ساتورن و ایزد برنای روشنائی به وضوح نمایش داده شده است. گاهی اوقات ساتورن در حال اهدای خنجری یا داسی قلاب‌دار به میترا دیده می‌شود. در برخی موارد ساتورن را در موقع قربانی کردن گاو یعنی موقعی که معجزه توالد مجدد طبیعت انجام می‌گیرد دیده می‌شود. بنابر آنچه گذشت تعجبی ندارد اگر حمایت از پیر یعنی مرشد مناسک که به هنگام غیبت میترا جانشین وی می‌شود به ستاره کیوان (ساتورن) واگذار شده باشد.

نقش برجسته باز یافته در پتوژ^۱ (واقع در یوگسلاوی) را می‌توان به چند نحو تعبیر کرد (شکل ۴۴). ایزدی را می‌بینیم که روی صخره‌ای نشسته و فقط بخشی از بدنش را پارچه‌ای پوشانیده است. در دست چپ عصائی بلند دارد. در برابر او جوانی راست ایستاده و با آزر می‌بسیار دست را به دهان برده است. زیاد بعید نیست که مراد از مرد جوان خود میترا باشد که جلوی ساتورن ایستاده، اما به همان اندازه هم امکان هست که غرض از شخص مزبور فائتون جوان باشد که از پدرش هلیوس تقاضای به امانت گرفتن گردونه‌اش را می‌کند. می‌توان مقایسه بسیار جالب توجهی میان نقش مزبور و نقش بزرگ باز یافته در دیبورگ (شکل ۶۷) کرد.

ژوپتر در دوران پادشاهی خویش مجبور شد که غولان سرکش را به

1. Ptuj



شکل ۴۵: فرسک (دیوار نگاره) دورا ژوپیترا در حال نبرد با غولان

مزدا با یاران ظلمت می‌بینند. حتی خود میترا هم اقدام به قلع و قمع غولان می‌کند و از اینرو نام او در نوشته‌ها در کنار نام ژوپیترا همچون مغلوب کننده غولان دیده می‌شود. در همین جاست که مهر پرستان می‌خواسته‌اند در واقع پلی میان اساطیر باستانی یونان و روم و افسانه‌های ایرانی بزنند. پیروان طریقه غنوسی^۱ و مانوی‌ها داستان مبارزه نیروهای روشنائی و تاریکی را اقتباس کرده‌اند و این معنی در کتاب بندهشن آمده است.

اما ژوپیترا در عین حال پادشاه مقتدر المپ و خدای آسمان است و این خود معنای نمادین علامتی را که روی نقش برجسته هدرن‌هایم آلمان کنده شده هویدا می‌سازد. آن علامت عبارت از کره‌ای است مزین به هفت سیاره و دو حلقه منطقه البروج. در رأس آن‌ها عقاب‌ی دیده می‌شود که بال‌ها را گسترده و در چنگال‌های خود صاعقه‌ای (= آذرخش) می‌فشارد. خصوصاً نقش‌های برجسته‌ای

1. Lagnose

که در آلمان یافته شده ژوپیترا را در حالی نشان می‌دهند که خدایان المپ در دو گروه در چپ و راست او ایستاده‌اند و او فرمان می‌راند. فرانتس کومون معتقد بود که رابطه‌ای میان هر یک از ایزدان مزبور و ایزد مناسب آن در اساطیر وجود دارد. وجود چنین رابطه‌ای را نمی‌توان کاملاً نفی کرد، ولی این سؤال مطرح می‌شود که آیا اندیشه رابطه میان خدایان المپ و خدایان ایرانی، به این حدت عقاید مهری‌ها را متأثر کرده است؟ اطلاعاتی را که از راه تحقیق در مهرکده‌های موقوفه میترا به دست آورده‌ایم نا کافی هستند و نمی‌توانیم اعتقاد مهری‌ها را به چنین رابطه‌ای به وضوح نشان بدهیم. بیشتر این طور به نظر می‌رسد که خدایان المپ به طور دسته جمعی در مراسم نیایش مهری پذیرفته شده‌اند و علت آن راهم باید در اقتباس عقاید یونانی ساری در آن زمان جستجو کرد.

در واقع، فقط به این دلیل که نقش‌ها و مجسمه‌هایی از خدایان گوناگون به صورت جدا یافته شده است، می‌توان علت آن را جستجو نمود. مثلاً چون در هیچ جا به صورت جدا تصویری از ژونون - هرا^۱ یافته نشده است، آیا می‌شود وجود هرا زوجه ژئوس^۲ را که در میان خدایان دیگر نقاشی شده با تشبیه کردنش (و یا یکی دانستنش) با سپنتا آرمائیتی^۳ و یا زمین توجیه کرد؟ بر همین منوال خواهد بود اگر بخواهیم از مسئله فوق توجیه فلسفی‌ای کنیم که مبتنی بر شباهت صوری لفظ هرا با لفظ آئر^۴ (هوا) است. اما برخلاف مطالب پیشین علتی که باعث شده تا خدائی چون آپولون مقامی منبع در دین میترا به دست آورد کاملاً واضح است. در واقع این آپولون، پیشوای موزها^۵ فرشته الهام بخش و (دختران ژئوس - ژوپیترا) خدای هنر و حامی موسیقی نیست که مردم تقدیسش می‌کنند. ستایش او معلول ماهیت اوست که ایزد خورشید است. در کتیبه‌ها نام آپولون و میترا متفقاً آمده است. در افسانه‌ها، هلیوس که میترا آنقدر به او شباهت دارد، گاهی اوقات مشخصاتش نظیر آن آپولون می‌شود.

1. Junon - Hera

2. Zeus

3. Spenta - Armaiti

4. Aer

5. Musagete (Muse)

پیوندهای میان میترا و آپولن آنقدر نیرومند است که در زمانی که در قسمت جنوبی ناحیه گل^۱ مردم اعتقاد به نیروی درمان کننده آپولن داشتند. مهری ها از آن اقتباس کردند و همین نیروی معالجه کننده را به میترا نسبت دادند.

مجسمه ای از ایزد زمان در اُستی یافته شده که رویش علائم مشخص وولکن^۲ (خدای آتش) یعنی چکش و انبر دیده می شود. در اینجا خلط مبحثی شده زیرا که ائون درست مثل وولکن مجسم کننده عنصر آتش است. بنابراین آنچه گذشت، نیازی به سنجش و مقایسه وولکن و آتر ایزد ایرانی نیست.

خدایانی نظیر دیان^۳ (آرتمیس^۴ = لونا^۵ = ماه)، آپولن (هلیوس - سل = خورشید)، مارس، مرکور، ژوپیتر، ونوس و ساتورن مجسم کننده ستارگان هستند و در عین حال از سالکان مراحل هفتگانه (توصیفش خواهد آمد) حمایت می کنند و ایزدان موکل هفت روز هفته هستند. بخصوص در آلمان و فرانسه است که ما مجسمه ای از هرمس - مرکور به صورت جدا در مهرکده ها می یابیم. مرکور به نزدیک طوایف گل اعتبار تام داشت و خدای تجارت و نعمت بود. مهری ها غالباً میترا را با مرکور مقایسه می کنند و خصوصیات مشابه این دو خدا را بازگو می نمایند. این دو ایزد در واقع راهنمای مسافران هستند و هم اینانند که راه سفر به ابدیت را به ما می نمایند.

در سال ۱۵۵ مسیحی پیشوای جماعت مهری ناحیه میریدا در اسپانیا هدیکروس^۶ نام دستور داد مجسمه با شکوهی از مرکور بساختند. در اینجا مرکور دوبال به پاهایش دارد، روی صخره ای نشسته و جامه ای شکیل در بر کرده، دست چپش روی بربطی است که خود مخترع آن است. در مهرکده استوکشتات^۷ آلمان مجسمه ای از هرمس - مرکور یافته اند که دیونیزوس (در سن کودکی) را در آغوش دارد.

این مجسمه بی اختیار انسان را به یاد پیکر تراش مشهور یونانی

- | | | |
|---------------|------------|--------------|
| 1. Gaüie | 2. Vulcain | 3. Diane |
| 4. Artémis | 5. Luna | 6. Hédychrus |
| 7. Stockstadt | | |



شکل ۴۶: عقیابی است روی کره خاک و آن نماد قدرت ژوپیتر است

پراکزیتل^۱ می اندازد. این نکته را باید اضافه کرد که دیونیزوس یا باکوس^۲ خدای شراب است و در تمام نقاطی که تمدن یونانی و رومی رسوخ یافته این خدا مورد پرستش بوده و تأثیری عظیم در امپراتوری رم کرده است. به این نحو است که در آستانه مهرکده پتوز (در یوگسلاوی) نشانه ای مربوط به دیونیزوس دیده می شود و آن متوقف است بر یک کوزه دو دسته که دور و برش را شاخه هائی از مو فرا گرفته (موتیف دیونیزوس) و پلنگی پای پیشین را روی لبه آن قرار داده است (شکل ۴۷). در آئین پرستش دیونیزوس، پرستندگان مستی می کردند و در خلسه فرو می رفتند و از خود بیخود می شدند و آنگاه خود را با کانت^۳ یا مناد^۴ می پنداشتند و گمان می کردند که راه تصرف دیونیزوس خوردن گوشت بز است و نوشیدن خون آن. چون گروهی از اینان به جنون جمعی دچار می شدند بز نری را می گرفتند و زنده اش از هم می دریدند.

- | | | |
|--------------|------------|--------------|
| 1. Praxitéle | 2. Bacchus | 3. Bacchante |
| 4. Menade | | |

مهری‌ها در مراسم خود محتاط‌تر و جدی‌تر بودند و فقط در گساردن شراب با پیروان دیونیزوس شباهت داشتند. ناگفته نماند که در مراسم دینی می‌همچون توشه متبرکی بود که هر انسانی می‌بایست برای سفر روز آخرت همراه می‌داشت.

اما به جمع خدایان مهری، خدایان بلاد مشرق نیز به اقتضای اوضاع و احوال ملحق شده‌اند. از این روست که در مهرابه کونیگسهوفن^۱ کتیبه‌ای یافته‌اند که حکم نذر را دارد و به آتیس^۲ دلداده سبیل هدیه شده است. گاهی اوقات هم پرستش میترا در مجاورت معبدی انجام می‌شد که به افتخار سبیل الهه فریجی برپا بود. پرستش این الهه در رم در سال ۲۰۴ قبل از مسیح شیوع رسمی داشت.

سبیل اصلاً در شهر تروآ بود و در سنت است که اسلاف آنه^۳ تروائی و پسرش ژولیوس در واقع اجداد بعید رومی‌ها و بخصوص خانواده ژولیا



شکل ۴۷: نقش دیونیزوس روی ستون يك معبد مهری

1. Königshöfen 2. Attis 3. Enèe

بوده‌اند. نقوش برجسته‌ای در معبد ژوپیتر دولیکنوس^۱ سوری واقع در ناحیه آواتن یافته‌اند که وقف میترا است. میان تصاویری که نشان دهنده افسانه میترا هستند، نقش غریبی از اطلس می‌بینیم که بندرت نظیر آن را دیده‌ایم. روی یکی از نقوش برجسته استرپورکن (شکل ۴۸) اطلس را می‌بینیم. در حالی که شبح زنی پهلویش دراز کشیده و این شبح احتمالاً تلوس^۲ خدای زمین است. در نوین‌هایم اطلس زانو بر زمین زده و بار سنگین آسمان را بردوش دارد (شکل ۴۹).

در همین زمینه نقشی در مهرکده باربرینی در رم یافته شده است. در اینجا هم اطلس یک زانوی خود را بر زمین گذاشته، ولی به کمک دست چپ به زمین تکیه کرده است، در حالی که دست راست را بلند کرده و گنبد آسمان را می‌ساید. در چپ و راست او درخت سروی دیده می‌شود. این اطلس به این اعتبار که حامل آسمان است خدائی است یونانی و درین نقوش آن را می‌بایم، ولی از جهات دیگر اختلاف زیاد با آن دارد، چون جامه او نظیر لباس



شکل ۴۸: اطلس و درکنار او نیمرخ زن

مانند که شاید الهه زمین باشد شکل ۴۹: اطلس به هنگام حمل فلک گردون.

1. Dolichenus 2. Tellus



عکس ۸ - طاقچه مخصوص مراسم عبادی درمهرابه دورا اربوس



عکسهای ۵ و ۶ و ۷. بالا سمت چپ: سل (ایزد خورشید)، لوح سری از مهرکده
سنت پریسک، بالا سمت راست: سل، کنده گری روی مرمر از مهرکده سنت پریسک.
پائین: میترا در حال قربانی کردن گاو، از یک نقش برجسته بازیافته در دورا اربوس

میتراست. و کلاهی فریجی بر سر دارد. عملاً مراد از این نقش اطلس خود میترا است که بار گنبد آسمان را به دوش گرفته و می‌دانیم که میترا به هنگام تولد حامل کرهٔ خاک بود و از این رو فرمانروای عالم و بادست دیگرش حلقه منطقه البروج را نگه می‌داشته (نقش باز یافته در ترو). فرانتس کومون معتقد است که اطلس دین مهری و اطلس دین مانوی یکی است و این عقیده بنا بر آنچه گذشت احتمال صحیحش کم است. در نوشته‌های سنت اگوستین^۱ آمده که در دین مانوی، اطلس «آن شخصی است که جهان را به روی شانه‌ها حمل می‌کند و با دو دست زیر آن را می‌گیرد، در حالی که یکی از زانوان را روی زمین تکیه داده است.»^۲ بنا بر این به عقیده مانوی‌ها اطلس حامل زمین است و حال آن که میترای فروغمند^۳ بار آسمان پر فروغ را بر عهده دارد. به این جهات دین مهری به احتمال قوی مفهوم اطلس را از اساطیر یونانی اقتباس کرده، چون اطلس بهتر می‌تواند باری را که میترا باید به دوش بکشد، بیان کند و قدرت میترا به این دلیل فزونی می‌یابد.

چنانکه دیده شد آئین مهری خدایان بسیار را از ادیان دیگر اقتباس و داخل در مسلک خود کرده است. در توجیه این نکته باید گفت که از طرفی حیات طولانی دین مهری باعث درآمدن و در آمیختن خدایان بیگانه در بطن آن شده و از جانب دیگر خود پیروان میترا عالماً و عامداً از امر تصرف در خدایان مذاهب دیگر استقبال کرده‌اند تا دینی دنیاگیر و جهانشمول بسازند.

1. Saint - Augustin

2. Contra Faustum xv,6.

3. Splenditenes: لقب لائینی میترا

ایزد زمان بیکران

در مهرکده‌های گونه‌گونی که وقف میترا شده است، نقش موجود دیو آسای شگفت‌انگیزی دیده می‌شود.^۱ این مخلوق عجیب و غریب بدنی به شکل انسان دارد که به دور آن ماری حلقه زده و سرش بشکل شیراست.

روی هیچکدام از تصاویر مزبور نوشته‌ای دیده نشده که شناساننده این موجود باشد. برخی فرضیه‌هایی که تا به حال داده شده او را اهریمن خدای بدی خوانده است. نخستین بار پرفسور زینر^۲ استاد دانشگاه اکسفورد نظریه‌ای داده و ایران شناس بلژیکی دوشن گیمن^۳ باشک و تردید آن را قبول کرده است. البته مدارکی در دست هست که نشان می‌دهند در برخی مهرکده‌ها سنگ نبشته‌هایی وقف اهریمن شده است.

سه سنگ نوشته را خوب می‌شناسیم که در رم و انگلستان و اتریش یافته شده‌اند. در این کتیبه‌ها مهری‌ها دعا کرده‌اند تا نیروی شر را تسکین و تقلیل بخشند و اثرات الم آور آن را از خود دور کنند. اما ناگفته نماند که مهری‌هایی که به جای سر سپردن به میترا مستقیماً به دامن اهریمن دست یازیده‌اند مردمانی آب دیده و مجرب در امر دین خودشان بوده‌اند و ضمناً می‌دانسته‌اند که میترا یقیناً و ناگزیر پیروزی نهائی بر شر خواهد یافت. به عقیده ما به افتخار اهریمن قربانیگاه ساختن و وقف او کردن آن هم در کلیسا امری است غیر قابل تصور.

1. *Monstruosum potentum* (به بیان Jérôme فرمانروای غول‌پیکر)

2. R. Zaehner

3. Duchesne - Guillemin

پیشینیان در این باب طوری دیگر قضاوت می‌کردند و برخی اوقات به قصد ارضای خاطر اهریمن، گراز قربانی او می‌کردند.

دلایل مختلف مرا از قبول کردن این تفسیر جدید باز می‌دارد. یکی از ایرادات وارد این است: میان نظریه مذکور در فوق و اطلاعاتی که از ماهیت فلسفی فرقه‌های عرفانی و هرمسی^۱ سری دینی در دست هست تناقص وجود دارد. در مخطوطات مربوط به این فرقه - چه آن‌ها که روی کاغذ آمده و در تسخیر ارواح به کار می‌رفته و چه آن‌ها که روی قطعات سنگ نمک کنده شده. گاهی اوقات شکل خدائی شبیه آنچه از آن سخن رفت، دیده می‌شود. نام این خدا ائون بوده و بنابر این ایزد زمان است.

تعمق در این شکل اسرار آمیز ما را به این عقیده می‌کشاند که تفسیر پیشین فرانتس کومون صحیح است.

بنابر آنچه گفته شد، آن کس که سری همچون سر شیر دارد، خدای زمان است که در کتب یونانی به صورت ائون آمده و در ادبیات پهلوی به صورت زروان.

در نوشته‌های پهلوی مربوط به زروان سه عقیده گوناگون در باب او عنوان شده است و باید درست میان آن‌ها تشخیص کرد. مطابق نوشته‌های خود زردشت زروان آفریده اهورا مزدا خدای نیکوئی است. برحسب نظریه‌ای دیگر دو اصل کلی در جهان هست که خیر و شر نامیده می‌شود. در نظریه دیگر مذهبی دیگر مربوط به دوران ساسانی، زروان بیکران خدای زمان بی نهایت، علت فاعلی و منشأ کون و مکان است. اهورامزدا و اهریمن از او نشئت می‌یابند و متقارن او هستند. رهروان این مذهب زروان پرستان خوانده می‌شوند. مفهوم زروان بعد از این که از عوامل خارجی دیگر متأثر گشت وارد دین مهری شد. بنابر این، شخصی که سری به شکل شیر دارد کسی بجز زروان نیست که یونانیان به علت شباهت لفظی اش معادل واژه کروئوس (زمان) زبان یونانی پنداشتند و

1 Hermétique

رومی‌ها همان را ساتورن خواندند.

شکلی که از این خدای برجای مانده همیشه او را در هیئت قدس آمیز می‌نماید و معمولاً پاهایش کشیده و بهم چسبیده‌اند. گاهی اوقات هم به صورت کاملاً عریان ترسیم شده، از این رو می‌شود جنسیت مذکر او را تشخیص کرد. با این وصف اغلب اوقات زروان ملبس به لنگی است و یا حلقه‌هایی به صورت مار دوروبر تن او پیچیده شده‌اند. این طور به نظر می‌رسد که نقاش این شکل عامداً قصد داشته جنسیت زروان را مبهم و مظنون نشان دهد. حتی گاهی اوقات غرض این بوده که خدا را هرمافرودیت بنمایانند و بگویند که توالد و



شکل ۵۰: زروان در حالی که ماری به دور بدنش پیچیده

تناسل او بدون مداخله عنصر نر انجام می‌گرفته است (شکل ۵۰). میان حلقات مار که چنبره زده و معمولاً به تعداد هفت است و این رقم معلول اتفاق نیست، گاهی علائم مخصوص منطقه البروج دیده می‌شود. شکل وحشتناک مورد بحث سری به شکل شیر دارد و یال‌های او از پشتش آویزان است، دهانی گشاد دارد که باز است و دندان‌های پیشین تهدید آمیزش را نشان می‌دهد. زمانی که تصویر فوق تازه از زیر دست نقاش بیرون آمده بوده بیننده را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌داده، چون دهانی سرخ رنگ داشته که درون آن پیدا بوده است.

تندیسه‌ای از زروان در شهر صیدا در افریقا کشف شده که حفره‌ای در سردارد و احتمالاً این حفره محل گذاشتن آتش فروزان بوده است. غرض از خلق چنین منظره‌ای این بوده که نشان دهند از سر مجسمه شعله بیرون می‌آمده است. و این خودخوف احترام آمیز پیروان را نسبت به زروان بیشتر می‌کرده و نیز شکل دیگری از زروان در دست هست: در حالی که دو مشعل به دست دارد و شعله‌ای دراز گونه از دهانش خارج می‌شود. در دو طرف زروان قربانیکگاهی قرار گرفته که در آن آتش فروزان است. شعله‌ای که از دهان زروان بیرون می‌آید، با آتش فروزان دوروبر او می‌آمیزد و یکی می‌شود. نویسنده‌ای گمنام در ساله‌ای که در باب ساتورن نوشته می‌گوید که این خدا به علت گرمای سوزانش یک بار به صورت شیری با دهان باز متجلی می‌شود و یک بار به علت سرمای یخبندان در هیئت ماری لغزان متظاهر می‌گردد.

گاهی اوقات زروان کلیدی در هر یک از دست‌هایش دارد. در اینجا باید میان زروان و ایزد ژانوس^۱ مقایسه‌ای کرد، چون ژانوس حافظ یانو^۲ کلیددار درهای دوزخ است. مناسباتی میان زروان و سراپیس خدای مردگان در مصر وجود دارد. علاوه بر این روابطی میان زروان و خدایان سوری هم دیده می‌شود، در حالی که ماری دور بدن آنان حلقه زده است.

حال موقع آن رسیده که از آنچه گذشت اخذ نتیجه گیری کنیم. مشابهت

1. Janus

2. Janua

میان زروان از جهتی و کرونوس و ساتورن از جهت دیگر معرف تأثیرات خدایان یونانی و رومی است. شباهت بین زروان و ژانوس کلیددار معلول تأثیرات رومی است، به دلیل شباهتی که میان زروان و سراپیس و سایر خدایان مصری موجود است، می‌توان به تأثیر خدایان مصر بر روی زروان معتقد گشت. اضافه بر این، خویشاوندی میان زروان و خدای سوریه موسوم به آتارگاتیس^۱ آشکار است. اما بحث در مسئله شخصیت و هویت زروان تبدیل به مشکلی لا ینحل خواهد شد، اگر این نکته را در نظر نگیریم که مهر پرستان و مردم معاصر اینان در آن زمان‌های باستانی - سیاق تفکر خود را مقید به اطاعت و متابعت از شریعت و سنت موضوعه نمی‌ساختند، بلکه بر حسب مقتضیات زمان و تمایلات شخصی اکتفا به روشن کردن برخی جوانب خدا و شریعت وی می‌کردند و مثال این امر کمی شبیه مثال برخی کنسرتوها است که برای پیانو و یا ویولن نوشته شده‌اند، اما نواختن بعضی از تکه‌های آن را به ذوق و سلیقه نوازنده (تکنواز) واگذار کرده‌اند. بنابر آنچه گذشت، اگر میان مطالبی که در زیر مورد بحث قرار خواهیم داد، بخواهیم مطابقت یا مخرج مشترکی بیابیم، فعلی سخت عبث انجام داده‌ایم.

کرونوس - ساتورن

همیشه ماری به دور تن ایزد پیچیده، گاهی هم علائم منطقه البروج بدن او را تزئین می‌کنند. دو جفت بال دارد که جفت نخست به سوی بالا و دیگری به سمت پائین متوجه است (شکل ۵۰). در تابلوئی که در مهرکده باربرینی یافته شده خدا روی کره زمین ایستاده که نمونه‌های آن بسیار دیده شده است. اما نقش مزبور خصوصیتی دارد و آن این است که نشانه‌های منطقه البروج طاق غار

1. Atargatis

را هم مزین کرده و در همین غار بوده که مراسم قربانی گاو انجام شده است. این نکته محرز است که هفت حلقه مار مربوط به کروات هفتگانه است. بدن مار اشاره‌ای است به حرکت خورشید و گذر آن از مراحل گوناگون منطقه البروج. بنابر آنچه گذشت در واقع کرونوس بسیاری از صفات خورشید را هم داراست. چون خورشید با حرکت انتقالی خود، گذشت زمان را می‌رساند. پس خورشید همچون فرماندهی است در منطقه البروج و از این رو با کرونوس خدای زمان ماهیت واحدی قلمداد می‌شود. اما کرونوس حاکم بر باد هم است و چهار بال آن در حکم نماد باد است. بنابر این زروان درست مثل سل خدای خورشید و کرونوس فرمانروای بر فصول است.

کرونوس از این نظر کائولوس خدای آسمان را به یاد ما می‌آورد. صورت این ایزد میان ایزدان با دو فصول روی قربانگاه واقع در معبد کارنوتوم تصویر شده است. این خدا به شکل شیر است و دهان باز درنده‌ای دارد آرنوبیوس^۱ در ۲۹۵ بعد از مسیح در نوشته‌ای^۲ اشاره‌ای به این امر می‌کند و می‌گوید: «میان خدایان شما خدائی را می‌بینم که سرش صورت شیری غرنده را دارد که با سرنج سرخ فام نقاشی شده است.» مجسمه‌ای در کاستل گاندولفو (شکل ۵۱) یافته شده که کله چندین شیر روی شکم و زانوهای آن حجاری شده است. محتمل است که شیر نماد آتش سوزان و سه شیر دیگر گویای ماهیت سه گانه ایزد خورشید باشد. آرنوبیوس به این خدا صفت میوه بر^۳ می‌دهد که ممکن است اشاره‌ای به اتحاد کرونوس و ساتورن رم باشد.

کله شیری که روی شکم مجسمه کاستل گاندولفو نقش بسته به خاطر آورنده مجسمه یافته شده در مریدا است. در اینجا کله شیری روی سینه خدا دیده می‌شود، ولی چهره او در اینجا به وحشتناکی سیمایش در مجسمه‌های یافته شده در نواحی دیگر نیست. در این محل انسانی جوانسال

1 Arnobius
3 Frugifer

2. *Adversus Natione* (VI, 10)

مجسم کننده خدا است.

بدون هیچگونه تردید زروان و میترا در این جا یکی شده‌اند. مجسمه دیگری در مریدا یافته شده که میترا را ایستاده نشان می‌دهد، در حالی که شیری پهلوی او نشسته است.



شکل ۵۱: تندیس ایزد زمان باز یافته در کاستل گاندولفو

بدون شک نماد آتش مربوط به شخص ایزد زروان - کرونوس است. در مراسم دینی مهری آتش خاص سالکان مهری است که به مقام شیری رسیده‌اند و نشانه مشخص آنان بیلچه‌ای است که به وسیله آن آتش را جابه جا می‌کنند. ناگفته نماند که مجسمه‌ای از ایزد زمان در استراسبورگ یافته شده که

بیلچه‌ای (از نوع آنچه مذکور افتاد) در دست دارد. در واقع، آتش کنایه‌ای است به این امر که در آخر زمان آتش جهان را خواهد سوزانید. خدائی که سرش به شکل شیر است در واقع زمان است که همه چیز را می‌درد و از میان می‌برد.

اعتقادات جاری در سوریه

در شهر هیروپولیس^۱ سوریه الهه آتارگاتیس را مردم می‌پرستیدند و تصاویری که از او به عنوان ایزد زمان برجای مانده او در هیئت قدسی نشان می‌دهد و ماری هم به دور بدنش پیچیده است.

از مقوله مجسمه‌هایی که تاکنون شناخته‌ایم تندیس‌های در مهرکده سوری ژانیکول^۲ رم یافته شده است. این مجسمه از جنس برنج است و صورت مومیائی را به خاطر می‌آورد. اما از خطوط چهره‌اش شادابی و جوانی خوانده می‌شود. دور بدنش ماری حلقه زده که سرش را روی سر خدا نهاده است. این مجسمه را محققى به نام گوکلر^۳ در محلی به شکل هشت ضلعی یافته است. ریخت این محل هشت ضلعی محتملاً مفهومی نمادین و رمزی دارد. گوکلر با استناد به متنی از ماکروبیوس^۴ مربوط به پنج قرن بعد از میلاد، معتقد بود که این مجسمه از آتارگاتیس است. (متن مورد اشاره کتاب ساتورنالیای^۵ ماکروبیوس است.) در این کتاب مؤلف از دو مجسمه یاد می‌کند که در طرفین ایزد خورشید قرار گرفته‌اند. این دو مجسمه که در شهر هیروپولیس سوریه یافته شده‌اند، الهه‌های مؤنث بوده‌اند و ماری به دور تن آنان حلقه زده بوده است. در این باب ماکروبیوس می‌نویسد که «تصویر مار معرف مسیر منحنی ستاره است.» مراد از ستاره البته خورشید است و به همین علت است که گوکلر ظاهراً اشتباه کرده،

1. Hiéropolis 2. Janicule 3. Gauckler
4. Macrobius 5. Saturnalia

چون مجسمه‌ای که در معبد رم یافته شده از جنس مذکر است. تفسیر دیگری از این مجسمه‌ها شده که موافق آن دیونیزوس - آدونیس^۱ خدای سوریه است. این خدا مانند پدرش هداد^۲ همان مشخصات ایزد خورشید را داشت.

تصویرات اورفه‌ای^۳

در تمثالی که نشان دهنده آئین تولد میترا است و در ناحیه ترو به دست آمده پیوندی میان زایش میترا و کروئوس ساتورن دیده می‌شود. در این تصویر میترا حلقه منطقه البروج را در دست دارد و بادهای چهارگانه دورا دور او قرار گرفته‌اند. میترا ایزد برنا در حال تولد یافتن و خروج از دل صخره است و دور بدن او ماری حلقه زده است. قاعده اساسی در تصاویر مهری این است که معمولاً پاهای میترا بهم جفت شده و به بدنه صخره چسبیده‌اند. اما نقش برجسته‌ای در ناحیه مُدن^۴ یافته شده که ایزد زمان را نشان می‌دهد و از قاعده کلی مذکور در فوق منحرف شده است. وجود این استثناء نظر فرانتس کومون را به خود جلب کرده و هم او توجیه فراست آمیزی از آن کرده است. نقش مورد بحث اصلاً اهدائی مردی به نام فلیکس^۵ و زوجه‌اش موسوم به افروزین^۶ بوده و بعدها خواهیم دید که این فلیکس از رهروان يك نحله ارفی بوده و سپس به دین مهری مشرف می‌گردد و در آن به مرتبه پیشوائی می‌رسد و نقش مذکور را وقف میترا می‌کند و چون زوجه‌اش به علت زن بودن نمی‌توانسته در مراسم مهرپرستی که منحصرأ مردانه است شرکت کند، اسمش را از روی نقش پاك می‌کند. با وصف این، با دقت و صرف وقت هنوز می‌توان بسختی نام افروزین را خواند.

1. Dionysos - Adonis 2. Hadad 3. Orphique
4. Modéne 5. Félix 6. Ephrosyne

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که نقشی را که فلیکس نخست وقف اورفه کرده و پیرو آئین او هم بوده چگونه توانسته همان نقش را وقف میترا بکند. نقش برجسته مزبور نوجوانی را نشان می‌دهد که ایستاد و عریان است و شانه‌هایش بال دارد. آذرخشی به دست راست گرفته و در دست چپ عصائی بلند دارد. در عقب او هم هلال ماه دیده می‌شود. پاهای او به شکل سم اسب است که روی شعله‌های مخروطی شکل آتش قرار گرفته. نیمه فوقانی شعله حتی از سرجوان مزبور (میترا) هم تجاوز می‌کند. ماری به دور او حلقه زده و سرش را روی قسمت فوقانی مخروط قرار داده است. روی سینه میترا سر یک شیر دیده می‌شود و در دو طرف او سر یک بره و یک بز ملاحظه می‌شود. دور این تصویر جالب توجه را نوار بیضی شکلی فرا گرفته که روی آن علائم دوازده گانه منطقه البروج نقاشی شده است. در چهار گوشه این نقش برجسته خداوندان چهارگانه باد دیده می‌شوند. شباهت بسیار میان این نقش و مجسمه باز یافته در مریدای اسپانیا زود به چشم می‌خورد. در آنجا هم همین نوجوان را می‌بینیم که روی سینه‌اش ماری و کله شیری نقاشی شده است.

با وصف این، میان این دو نقش - در آنچه که مربوط می‌شود به پاهای به شکل سم اسب و مخروط شعله - هیچ شباهتی دیده نمی‌شود.

پاهای به شکل سم نام الهه پان^۱ را به خاطر می‌آورد که لفظاً به معنای جهان است. تشابه صوری میان دو واژه پان و فانس^۲ که به معنای شعاع خورشید است، باعث شد که این دو واژه را یکی تصور کنند. لفظ فانس مزبور با میترا یکی دانسته شد. و اوست که در دین اورفه ایزد برنای روشنائی است و از یک تخم زاده می‌شود. از اجتماع دو نیمه مخروط تخمی به وجود می‌آید و از درون آن خدا ظاهر می‌گردد. این تخم مخلوق زمان است و به این علت میان کروئوس و فرزندش - که او هم خدای زمان بود - شباهت کلی دیده می‌شود. آن‌طور که از برخی نوشته‌های باز یافته بر می‌آید فانس بال‌های زرین داشته و

1. Pan

2. Phanés

همچون زئوس آذرخش و عصا در دو دست می‌گرفته است. علائم منطقه البروج و مار از منسوبات زئوس هستند و حرکت سالیانه خورشید را به خاطر می‌آورند و خورشید و بزبره نشان دهنده تأثیر بارز ستاره شناسی هستند.

این نکته را نیز باید به خاطر داشت که معاونت و دستیاری متقابل اورفه و میترا فقط محدود به رم نمانده است. در ناحیه هوستندز^۱ (بورکوویکیوم^۲ سابق) انگلستان معبدی کشف شده که متعلق به قرن سوم مسیحی است. در این مهرکده نقش برجسته‌ای یافته‌اند که میترا را در حال تولد یافتن از یک تخم نشان می‌دهد. دور بر تخم هم علائم منطقه البروج حجاری شده است. درست مثل فانس، میترائی که در مهرکده واقع در شمال انگلستان یافته شده و شباهت‌هایی با کروئوس دارد. میترائی که در ناحیه سارمیز گتوزا یافته شده به «زاینده فروغ^۳» (= نوربخش) ملقب بوده و میترائی که در ناحیه هوستندز یافته‌اند جاویدان نام داشته که مترادف با واژه لاتینی سکولوم^۴ = آیون^۵ (یونانی) = ائووم^۶ (لاتینی) و به معنای قرن بوده است. بنابر آنچه گذشت، میترای جوان در واقع جانشین ساتورن است. جشنهایی که به افتخار ساتورن در رم گرفته می‌شد روز ۲۴ دسامبر پایان می‌یافت. روز ۲۵ دسامبر میترای نوجوان، یا ساتورن نوخاسته، همچون خدای فروغ از دل صخره زائیده می‌شد. به این جهت است که «پیر» یا مرشد نماینده این جهانی میترا تحت حمایت سیاره ساتورن قرار داده شده است.

تأثیر عقاید مصری

در اسکندریه خدای زمان را به نام یونانی آن ائون (ائووم در لاتینی) می‌نامیدند، به طوری که اپیفانیوس^۷ می‌نویسد: میان این خدا و الهه موسوم به

1. Housesteads

2. Burcovicium

3. genitor luminis

4. Saeculum

5. Aion

6. Aevum

7. Epiphanius

کور^۱ خویشاوندی وجود داشته و شب‌های پنجم و ششم ماه دسامبر موقعی که نخستین بانگ خروس‌ها برمی‌خاسته، مؤمنان باشکوهی تمام از زیر زمینی که در واقع معبد کور بوده، مجسمه‌ای از ائون را بیرون می‌کشیدند و هفت بار دور پرستشگاه طوافش می‌دادند. در موقع طواف مشعل‌ها روشن بوده و نی و طبل نواخته می‌شده است. وقتی که این تشریفات انجام می‌یافت، خدا به جایگاه اصلیش عودت داده می‌شد. به نظر ایفانیوس معنای این همه تشریفات تذکر این نکته بوده که کور در آن شب ائون را می‌زائیده است. چنین اعتقادی در باب نحوه زایش خدای زمان شبیه به اعتقاد مستتر در نقش برجسته مَدَن است که پیشتر ذکر آن رفت.

با این وصف باید دانست که تمثالی که از خدای مصر برجای مانده با نقشی که در مَدَن دیده شد، اختلاف اساسی دارد. خدای مصر در حالت نشسته تصویر شده و کاملاً عریان است، سر و دست و زانوانش پوشیده از مهرهای زرین است. مع ذلك مجسمه‌ای در خیابان زاناردلی^۲ پائین معبد آواتن رم یافته شده که شبیه به ائون خدای مصر است. مجسمه باز یافته روی پایه‌ای مرمین قرار داده شده و لنگی در بر دارد. ماری به دور بدن او حلقه زده و سرش را روی سر او قرار داده است. دو دست را راست در امتداد بدن نگاهداشته و به آن‌ها آنخ^۳، نشانه حیات را گرفته است. سر این مجسمه از میان رفته است، اما از دو نواری که به قصد تزئین به تن او آویخته‌اند، می‌توان این نتیجه را استخراج کرد که بر سر او کلاه مخصوص مصریان باستان موسوم به کلافت^۴ بوده است. پهلوی خدای الهه‌ای ایستاده که قدی کوتاه‌تر از خدا دارد. لباس بلندی به تن او دیده می‌شود و روی این لباس جبهه‌ای دیده می‌شود که شرابهائی از آن آویزان است. عودی هم احتمالاً در دست چپ داشته که به خاطر آورنده الهه‌ایزبس است. تا به اینجا هر چه دیدیم یاد آور اساطیر مصری بود. اما در قصر

1. Kore
4. Kluft

2. Zanardelli

3. Ankh

تابستانی پاپ در کاستل گاندولفو یعنی در همان جایی که در روزگار باستان دومیتیانوس^۱ امپراتور رم قصری برای خویش ساخته بود، مجسمه‌ای یافته شده که آئین مهری را متذکر می‌شود. این مجسمه عبارت است از کروئوس به حالت ایستاده که سری به شکل شیر دارد و یک جفت بال به شانه‌هایش چسبیده، درست مثل مجسمه ائون اسکندریه که در خیابان زاناردلی یافته شده است. این کروئوس هم لنگی کوتاه بر تن انداخته و استثنائاً چهار بازو دارد. چشمی روی سینه او نقاشی شده و روی زانو و شکم او تصاویری از شیرهائی مهیب ترسیم شده است. برخلاف رویه معتاد، مار دور بدن او حلقه زده اما دوماً در دو سمت چپ و راست وی، یکی از بدنه درخت و دیگری از پایه‌های چهار پایه‌ای که پشت خدا قرار گرفته بالا می‌روند. سگ سه سری پائین پای چپ کروئوس مشاهده می‌شود، در حالی که روی تنه درخت یک ازدها و سر یک شیر نقش بسته است. در این مجسمه برخی مشخصات ائون، مثلاً سر شیر و چشم منقوش بر روی سینه، به آن گونه که در آئین میترا آمده، دیده می‌شود. اما در باب شیر و ازدها باید گفت که این دو احتمالاً نمادهای تضادی هستند که میان آب و آتش وجود دارد. چهار بال و چهار دست کنایه‌ای از جهات چهارگانه وزش باد هستند.

پروفور پتازونی^۲ ثابت کرده که وجود سگ سه سر معروف خویشاوندی این خدا است با سراپیس مصری، خدای باروری و مرگ. ماکروبیوس که نویسنده کتاب ساتورنالیاست و تألیفش سخت صبغه التقاطی دارد و در پایان قرن چهارم به اتمامش رسانیده، می‌گوید که کله شیر نماینده زمان حال، کله گرگ نماینده گذشته و کله سگ نمودار آینده است. باین وصف، سگ نگهبان (سر بر^۳) معمولاً سه تا کله دارد، ولی مجسمه کاستل گاندولفو سه کله متفاوت را نشان می‌دهد که شباهت دارند با آنچه ما کروب از آن سخن می‌رانند. مجسمه کاستل گاندولفو با آنویس^۴ سگ سیما، ایزد مصری

1. Domitien
4. Anubis

2. R. Pettazzoni

3. Cerbère

بعدی شود و به همین جهت «نوآموزان» موظف بودند. به مرشد و پیر جماعت مراجعه کنند.

با این وصف ماهیت تعلیمات مذکور بر ما روشن نیست. معلوم نیست که به نوآموز اساطیر مربوط به منشأ عالم، آفرینش کره زمین و خلق بشر را یاد می‌دادند و یا سرودهای مقدس یا نغمه‌های لطیف و یا اصطلاحات مربوط به آئین را به او می‌آموختند. با توجه به اهمیتی که در دین مهری به حفظ اسرار داده می‌شد، بعید می‌نماید که همه مطالب مذکور را به نوآموزان تازه وارد تعلیم می‌دادند. با این وصف می‌توان قبول کرد که مبادی و اصولی که افشای آن‌ها بدون ضرر می‌نمود، به طریق کم و بیش رسمی به پیروان تازه وارد تعلیم داده می‌شد. اسراری که در مخفی نگاهداشتن آن‌ها کوشش می‌شد بیشتر مربوط به مراسم و مناسک مذهبی بوده است.

در این باب نولان^۱ یکی از آباء مسیحی که مطالعات عمیقی در باب آثار باز یافته در مهرکده زیر کلیسای سن کلیمان^۲ رم کرده معتقد به وجود مدارسی در آئین میترا شده است. این مهرکده در اعماق زیر زمین ساخته شده و در یکی از اتاقهای يك خانه بزرگ که به سبک رومی برگشته، تعبیه شده است. پهلوی راهروی این معبد اتاقکی یافته شده که هفت محراب دارد و برخی تصاویر دیواری هم روی جدارهای آن نقش شده است. نکته‌ای که در اینجا اهمیت خاصی از نظر باستان شناسی دارد، این است که در طول سه تا از دیوارها صقه‌هایی از جنس سنگ و گل ساخته شده است. اگر فرضیه نولان را قبول کنیم، هفت محراب کنایه نیایش کرات هفتگانه است و صقه‌ها به کار این می‌آمده که نوآموزان بر روی آن‌ها بنشینند و تعلیماتی فراگیرند و به عبارت دیگر از آن‌ها به عنوان نیمکت استفاده می‌شده است. در اینجا باید توضیح داد که تصاویر منقوش بر دیوار کوچک‌ترین رابطه‌ای با مراسم دین مهری ندارند. اتاق مورد بحث بوسیله دری به راهروی معبد متصل شده است، اما اگر قبول

تشریف به مناسک و آداب و اسرار

نوجه‌ای که از راه می‌رسید و می‌خواست به جماعت مهری بپیوندد ناگزیر از مراعات مراسم تشریف بود. نظیر این مراسم را نزد قبایل بدوی استرالیا و افریقا و امریکا باز یافته‌اند. از نظر قبایل وحشی مزبور ورود به سلك متدینان باید در حوالی سن بلوغ انجام گیرد و آن خود مستلزم آمادگی قبلی و گذراندن امتحانات مشکل است. توفیق در امتحان نمودار جرئت و جسارت و نیروی شخص تازه وارد است. داوطلب چون آمادگی خود را برای گذراندن امتحان اعلام کرد، بدون کوچک‌ترین ترحم از مادر خود جدا کرده می‌شود و مجبور می‌کنند تا مستقلاً زندگی کنند. خلاصه در عنفوان جوانی مردی می‌شود که حقوقی نظیر حقوق سایر همدینان خود دارد و البته به همان اندازه هم بار مسئولیت به گردن او خواهد افتاد. بعد از این مراسم که شاید بتوان مجازاً «غسل تعمید» ش نامید، تازه وارد عضو «انجمن» می‌شود و متقبل می‌گردد که اسرار جمع را با ناآشنایان عموماً و بر زنان خصوصاً فاش نکند.

«آموختگان» همچون اعضای یک خانواده بزرگ هستند که در اوقات عسرت به مساعدت یکدیگر می‌شتابند و به خدائی که قیم آن‌ها چه در حیات خاکی و چه بعد از مرگ در جهان باقی است ایمانی راسخ دارند. (البته این نکته در ادیان مصداق دارد که معتقد به حیات باقی هستند.) آنطور که از ظواهر بر می‌آید، داوطلبی که می‌خواسته وارد جمع مهرپرستان بشود، می‌بایست مدت زمانی «نوآموز» بشود و تعلیمات خاصی را فراگیرد تا آماده مراسم بزرگ

1. R. P. Nolan

2. Saint - Clement

کنیم که این اتاق مورد استفاده مراسم دینی قرار می‌گرفته، نسبت «حجره درس» به آن دادن مشکل می‌شود. این احتمال می‌رود که اتاق پیش گفته محل تجمع مهرپرستان بوده بدون اینکه در آن درس و بحثی تعلیم داده شود. بنابر آنچه گذشت، می‌بینیم که منابع باستان شناسی و مدارک موجود نمی‌توانند اطلاعاتی در باب نحوه و ماهیت تعلیمات ابتدائی نوآموزان به ما بدهند. خوشبختانه در مورد مراسم تشریف و تعالیم اساسی دین مهر اطلاعات وافی داریم و اسرارش بر ما فاش گردیده است. مدرک منبع اطلاع ما دست نوشته‌ای است که در موزه فلورانس محفوظ مانده و ترجمه‌اش این است: «به نام خدائی که زمین را از آسمان، روشنائی را از تاریکی، روز را از شب، جهان را از آشوب، زندگی را از مرگ، نور را از ظلمات و کون را از فساد جدا کرده، با ایمان و ایقانی راسخ سوگند یاد می‌کنم که اسراری را که مرشدان پرهیزگار من سراپیون^۱ و کا (مریون؟)^۲ و همدینان و برادران من بر من فاش کردند، برملا نکنم. خدایا وفاداری مرا به سوگند خویش با رحمت خودت بیامیز و لغزش مرا لعنت فرما.»

قبل از شرکت در مراسم باشکوه دینی، نوآموز می‌بایست سوگند^۳ یاد کند که هیچیک از اسرار را افشا نخواهد نمود. در نسخه خطی مذکور در فوق آمده است که تعلیم مراسم و اسرار به نوآموز توسط دو عضو بلند پایه جماعت مهری یعنی مرشد (= پیر) و منادی انجام خواهد گرفت. بعد از اینکه مراسم پایان یافت، نوآموز به عنوان «برادر» سایر رازآموختگان تلقی خواهد شد و همچون سایر همدینان شأن فرزندی مرشد را خواهد یافت و چنان که در متن نسخه خطی آمده مرشد دست‌های وی را ممهور خواهد کرد و خال خواهد کوبید تا هویتش معلوم باشد.

با وصف این، روی پیشانی هم خالکوبی می‌شده و مؤید این نکته تصاویری است که برجای مانده و جای مهر بوضوح نمایان است. تصاویری که

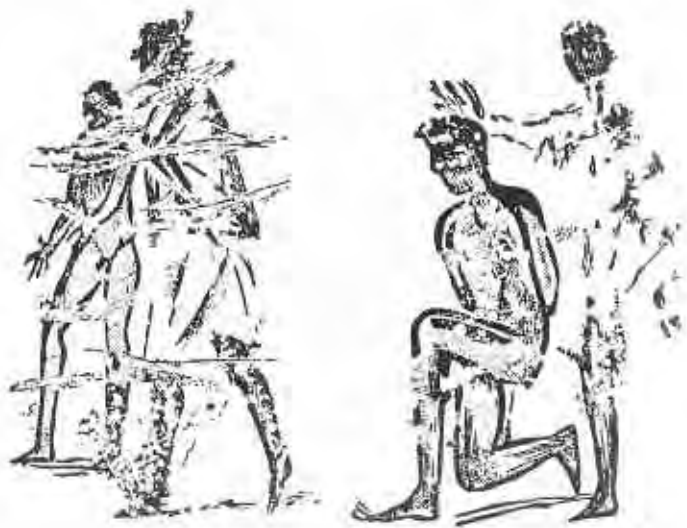
1. Serapion

2. Ka(merion?)

3. Sacramentum

از برخی امپراتوران رم نیز مانده حاکی از همین رسم است (به کتاب تر تولین^۱ مراجعه شود).

قبل از اینکه مراسم خالکوبی انجام گیرد، نوآموز باید مورد آزمایش‌های دشوار قرار می‌گرفت چند تکه نقاشی در یکی از غارهای ناحیه کاپو^۲ یافته شده که بخوبی نشان دهنده وحشت نوآموز تازه - وارد است.



شکل‌های ۵۲ و ۵۳: دو نقش از صحنه تشریف به مناسک مذهبی.

به طوری که در شکل ۵۲ دیده می‌شود، دینمرد مهرپرستان لباس سفیدی بر تن دارد که حاشیه آن سرخ رنگ است. در جلوی او نوچه‌ای کاملاً عریان روان است. چشمان نوآموز با نواری بسته شده و معنای آن این است که هنوز ناتوان از تشخیص اسرار دینی است. همین نوآموز به آهستگی و با تردید در حالی که کورمال می‌کند و فضا را می‌خواهد لمس کند پیش می‌رود و

1. Tertullien

2. Capoue

نمی‌داند که دینمرد راهنما او را به کجا هدایت می‌کند. در تصویری دیگر نوآموز را می‌بینیم که مقابل دینمرد مرشد خود با چشمان بسته قرار گرفته خاضعانه دست‌ها را به هم چسبانده و به زحمت صدای رهبر معنوی را می‌شنود که حامل شمشیر و یا عصائی است. در تصویری دیگر نوآموز را می‌بینیم که زانوئی را بر زمین نهاده و در کنارش شمشیری قرار گرفته، مرشد در عقب وی



شکل ۵۴: تشریف به رموز

ایستاده و دستانش را روی سر او نهاده است (شکل ۵۳). اشخاص دیگری نیز دیده می‌شوند که در مراسم شرکت دارند، اما وظیفه آن‌ها در این مجلس بر ما پوشیده است. در جای دیگری نوآموز را می‌بینیم که کوفته و درمانده همچون نعشی روی زمین قرار گرفته اما بزودی زنده شده حیات جدیدی را تجربه خواهد کرد.

ظاهراً رسم دیگری که انجام دادن آن وظیفه مرشد است، این است که می‌باید نوآموز را با فشاری که روی شانه‌هایش وارد می‌آورد، به جلو بیندازد. نوآموز قبل از اینکه در اثر فشار بر زمین بیفتد شخص ثالثی آغوش خود را باز می‌کند و او را می‌گیرد و نجاتش می‌دهد. در تصویری دیگر دینمرد مذکور را

می‌بینیم (از رنگ سرخ لباس او پی به ماهیتش برده‌ایم) در حالی که مشغول انجام دادن رسم دینی مخصوصی است و تفسیر و تأویل آن بر ما مشکل می‌نماید. در دست او شمشیر یا عصائی است و پهلوی آن شیئی مدور دیده می‌شود (شاید قرصی نان و یا تاجی باشد) که روی زمین مقابل نوآموز نهاده شده است. نوچه زانو بر زمین زده و دست‌ها را زیر چانه بهم چسبانده است، مرشد در پس او قرار گرفته و با پای خود به پای او فشار می‌آورد (شکل ۵۴).

پدر یا مرشد در پشت نوچه با شمشیر خود چه می‌کند؟ متنی مربوط به قرن چهارم بعد از مسیح اطلاعاتی در این باب به ما می‌دهد.

نویسنده متن مزبور بعد از این که انزجار خود را از عدم مخالفت نوچه‌ها نسبت به بستن چشم‌هایشان ابراز می‌کند، چنین می‌گوید: «میچ دو دست برخی از این نوچه‌ها را با روده مرغ می‌بندند و سپس آن‌ها را به میان برکه‌های آب پرتاب می‌کنند شخصی به آنان نزدیک می‌شود و به ضرب شمشیر روده مرغ را می‌برد و به همین دلیل نام آزادکننده به او اطلاق می‌شود.»

اضافه بر تصاویری که در کاپو یافته شده، منابع دیگری وجود دارند که از امتحانات گونه‌گون مربوط به ورود به سلك مهری‌ها سخن می‌رانند. سويداس^۱ که در قرن نهم مسیحی لغت نامه‌ای نوشته و به یادگار گذارده، ذیل واژه «میترا» می‌گوید: «هیچکس نمی‌تواند بر اسرار دین مهر آگاهی یابد مگر به شرطی که يك سلسله امتحان بگذارند و ورع و تقوای خود را بنمایاند و از بوت‌ه آزمایش سر بلند بیرون آید.» در این مورد داستان‌های وحشت‌انگیزی به دو امپراتور رم کمد^۲ و ژولیانوس^۳ (قرن چهارم بعد از مسیح) نسبت می‌دهند. گرگوار دو نازیانز^۴ (قرن چهارم مسیحی) برضد ژولیانوس خطبه‌ای ایراد کرده و در آن ژولیانوس را به این علت که «به مناسک مهرپرستان و مهر آتشین زدن بر بدن نوآموختگان» احترام می‌گذارد، سرزنش کرده است.

1. Suidas 2. Commode 3. Julien
4. Gregoire de Nazianze

راهبی به نام نونوس^۱ که در قرن ششم و هفتم مسیحی می‌زیسته در باب «مسئله گذراندن امتحانات گوناگون در دین مهری» که گرگوار از آن سخن گفته بود. چیزهایی نوشته ولی بیشتر آن‌ها خیال‌بافی و از حقیقت به دور است. به گفته او «در دین مهری، نوآموختگان بعد از توفیق در یک سلسله امتحانات به اسرار مناسک مهری متشرف می‌شوند. امتحانات نخستین ساده و آسان و امتحانات بعدی رفته رفته مشکل‌تر می‌شده است. مثلاً مدت پنجاه روز نوآموز را در گرسنگی نگاه می‌داشتند و بدین طریق نیروی مقاومت او را می‌آموزد بعد از آن نوآموزان امتحانات در انگیزتری را می‌بایست تحمل می‌کردند. بدن آن‌ها را سخت می‌خراشیدند و در همین حال مدت بیست روز آن‌ها را در برف (آب یخ‌زده) باقی می‌گذارند. فقط بعد از گذشتن از چنین مراحل بود که نوآموختگان به اسرار ژرف دین مهری واقف می‌شدند.»

اسقف شهر اورشلیم موسوم به کزم^۲ که در حوالی قرن هشتم مسیحی می‌زیسته، از صحنه‌های وحشت‌انگیزتری حکایت می‌کند. موافق نوشته‌های او، نوآموز می‌بایست در هشتاد امتحان موفق می‌شده و میان این هشتاد امتحان، به غیر از آزمایش‌هایی که سخن از آن رفت، امتحاناتی نظیر «شناکردن به مدت چند روز، خود را در آتش انداختن و زندگی در تنهایی و گرسنگی» وجود داشته است. از مطالعه نوشته‌های نویسندگان مذکور احساس می‌شود که اینان اطلاعاتی در باب مهر یافته بوده‌اند، اما نتوانسته‌اند آن‌ها را به درستی تفسیر و توجیه کنند. محقق سوئدی موسوم به ادسمن^۳ در کتابی که پرداخته، اثبات کرده که داغ کردن و استعمال مهر آتشین در دین مهری وجود داشته و برخی از نوآموزان این امتحان را گذرانده‌اند. اما در هر حال به هنگام تفسیر متون می‌باید نهایت احتیاط را مرعی داشت. آن قدر هست که میان رسم داغ کردن نوآموزان و مهرکده کاروبورگ^۴ انگلستان روابطی پیدا شده است. در سال

۱۹۴۹ کاوشگرانی که در معبد مزبور حفاری می‌کردند، نزدیک یک آتشگاه در قسمت جنوبی معبد، به گودال نسبتاً درازی برخورد کردند که شباهت بسیار با یک قبر داشت. اگر این فرض را قبول کنیم که به کمک سنگ‌های یکپارچه مسطح روی این گودال را می‌پوشانیدند، مردی که مجبور به خوابیدن در این گودال می‌شده می‌توانسته این عذاب را در آنجا تحمل کند که نخست گودال را شدیداً گرم کنند و ناگهان به سرد کردن آن پردازند. در مجاورت این گودال نیمکت کوچکی دیده می‌شود. شیوه ساختمان داخلی این معبد بی‌شباهت با شبستان جنبی معبد سنت پریسک نیست. اما نحوه ساختمان معبد سنت پریسک را فقط به کمک متنی که روی جدار کاسه‌ای که از درون گودالی، نظیر گودال مذکور در فوق ولی عریض‌تر از آن یافته شده می‌توان تفسیر کرد. این گودال گنجایش دربر گرفتن یک انسان در حالت دراز کشیده را دارد، اما در کاروبورگ در همان اتاقی که از آن سخن رفت، بیلچه‌ای هم پیدا شده که مخصوص بهم زدن آتش است. به همین دلیل این احتمال پیش می‌آید که اتاق مزبور مخصوص داغ کردن نوآموزان بوده است. این نکته را هم ناگفته نگذاریم که بیلچه باز یافته در اتاق نمودار یکی از صفات منسوب به شیر، و خود شیر نماد آتش است. شاید هم گودال مزبور به کار تظاهر به مرگ و تمرین تدفین مرده و رستاخیز مجدد او می‌خورده است. مطابق این فرضیه، ماهیت مرد خسته و کوفته‌ای که روی تصویرهای باز یافته در کاپو دیده می‌شود و در متن مشکوکی که لامپریدیوس^۱ در باب کمد امپراتور رم نوشته توجیه‌پذیر خواهند شد. در این متن چنین آمده است که کمد «با وارد کردن قتل نفس در جزء مراسم دین مهری مذهب مهری را آلوده کرد، چون عادت بر این بوده که گفتن و الفاظ کردن تقلید از یک چیز (مثلاً قتل نفس و تدفین) در دل بیننده وحشت بیفکنند.» در گودالی که در ناحیه کاروبورگ پیدا شده مقادیری استخوان گوسفند و بز هم دیده‌اند و این خود به خاطر آورنده موقعیت و

1. Nonnus
4. Carrawburgh

2. Cosme

3. Edsman

1. Lampridius

وضعیت مهرکده (البته معلوم نیست که واقعاً مهرکده بوده است) دل تره‌ناوات^۱ واقع در ناحیه اُستی است که در راهروی مرکزیش بنائی دیده می‌شود که شبیه قبر است و مجاور آن روی یک کاشی تصویری از یک خوک دیده می‌شود. این است که به علت عدم اطمینان در مسائل مزبور باید با حزم و احتیاط بسیار سخن گفت. اما اطلاعاتی که از حفاری‌ها مستفاد می‌شود، یقین‌انگیز نیستند و به متون موجود هم نمی‌توان کاملاً اعتماد کرد. بنابراین، باید به فرضیه پناه برد و دست توسل به نیروی تخیل دراز کرد.

بعد از انجام دادن فرایضی نظیر غسل و تطهیر و مدتی روزه گرفتن و اسساک کردن نوآموز به پایان محنت امتحانات خود می‌رسد. می‌دانیم که تا به حال نوآموز سوگند یاد کرده مُهری آتشین بر روی دستان یا پیشانی‌ش خورده و دست راست^۲ مرشد را فشرده است. امر فشردن دست راست مرشد (پیر) نوآموز را به مقام هم‌سلکی^۳ پدر می‌رساند و امر سوگند یاد کردن باعث می‌شود که نوآموز در سلک مردان خدا درآید. در این باب بهتر آن است که متن بسیار جالب توجهی را که در میدانی در رم موسوم به شان دومارس^۴ زیر ساختمانی که امروز موسوم به «اداره مُهرداری پاپ»^۵ است، یافته شده نقل کنیم. روی دیوارهای نمازخانه این معبد تصاویری از ستارگان و هلال‌های کوچک ماه دیده می‌شود. در اواسط قرن سوم مسیحی در درون این نمازخانه مراسم مذهبی مهری انجام می‌گرفته است. بانی این مهرکده شخصی موسوم به پروفیکتیوس^۶ بوده که خود رتبه پدر مقدس داشته و روز گشایش معبد فوق اشعار ذیل را سروده است:

«این محل سعادت‌بخش و مقدس و جایگاه پارسایان و نفع آن عام است.

سفارش بنای آن را میترا به پروفیکتیوس پدر اسرار و رموز دین کرده

1. delle tre navate 2. *Junctio dextrarum* 3. *Sundexioi*
4. Champs de Mars 5. Cancellaria 6. *Proficientius*

است تا برای مراسم مذهبی غاری حفر کند. پروفیکتیوس با ایمان بسیار کار می‌کند و وظیفه خود را انجام می‌دهد. اجرای این وظیفه در مذاق او مطبوع است، چون میترا همراه اوست. پروفیکتیوس امیدوار است که نوآموختگان به عهد و میثاق و نذر و نیاز خود پیوسته وفادار بمانند. گوینده این اشعار پروفیکتیوس رتبه پدر شایسته مهرپرستان را دارد.»

در اینجا باید توضیح داد که بر روی سنگ‌نوشته حامل شعر مزبور دو برگ خرما دیده می‌شود. نظیر متن مزبور را در معبد سن‌کلیمان یافته‌اند و نویسنده آن باز یکی از پدران دین مهری است. روی متن سن‌کلیمان چرخ خورشید و برگ نخل دیده می‌شود که نماد خورشید شکست‌ناپذیر است. این را هم بگوئیم که فرمان ساختن معبد را پروفیکتیوس در خواب از میترا دریافت کرد. در اینجا سئوالی پیش می‌آید و آن این است که در جمله «... اجرای این وظیفه در مذاق او مطبوع است» (البته در متن لاتینی آن) فاعل مجهول است. یعنی معلوم نیست که پروفیکتیوس این وظیفه مطبوع را انجام می‌دهد و یا این میترا است که با حق‌شناسی از کار پروفیکتیوس به او پاداش می‌دهد.

آنچه در منظومه فوق جالب توجه است مصراع هفتم است که می‌گوید: «نوآموختگان هم مسلکان من هستند.» این جمله به کرات در مهرکده‌های دورارپوس دیده می‌شود و این نتیجه از آن استخراج می‌گردد که اصطلاح «هم‌سلک» چه در غرب و چه در شرق در هر دو منطقه مستعمل بوده است. اما اصطلاح مزبور به شکل دیگری در نوشته‌های فیرمیکوس ماترنوس^۱ ستایشگر دین مسیحی (اواسط قرن چهارم بعد از مسیح) هم دیده می‌شود که می‌گوید: «نوآموخته هم‌سلک پدر بزرگوار در مراسم دزدی گاو شرکت می‌کند.» آن کسی که گاو را دزدیده میترا بوده است و هم اوست که چون با ایزد خورشید پیمان بست، به نشانه وثیقه دست راست او رافشرد. نوآموخته‌ای که در مراسم

1. Maternus Firmicus

دین مهری شرکت می‌کند، در واقع از حرکات مبتدا تقلید می‌نماید، چون با بلند کردن دست راست، که خود عادتش است ایرانی (بنا بر نوشته دیودور^۱) در واقع قراردادی می‌بندد و سوگند خویش را تأیید می‌کند. متنی که در زیر عمارت مَهرداری پاپ در رم یافته شده، متذکر می‌شود که نوآموزختگان با بلند کردن دست راست خود، با شوق و شعف، قسم یاد می‌کنند. سوگندی که در حیات خاکی معتبر است، در حیات باقی هم خواهد ماند و اثرش حفظ خواهد شد.

درجات هفتگانه تشرّف

بعد از آنچه ذکرش رفت، این سؤال پیش می‌آید: نوآموزخته تازه واردی که بعد از توفیق در امتحانات گوناگون و یاد کردن سوگند به محفل مهری‌ها وارد شده است، آیا در تمام مدت عمر عضو ساده این جمع باقی می‌ماند و یا به مناصب عالی تری در هرم اداره امور نیایش ارتقاء می‌یابد؟ قدر مسلم این است که طبقه متوسط مهری‌ها در سلسله مراتب شعائر و مراسم دین ترفیع رتبه نمی‌یافتند و علتش هم این بود که اینان یا جدیت بسیار در راه خدمت به پروردگار خود به خرج نمی‌دادند و یا این که معلومات لازم و وفا نداشتند و یا ثروت کافی در اختیارشان نبود تا از مراحل هفتگانه عبور کنند و به درجه پیران (مرشد مرشدان) تعالی یابند، اما کسی که موفق به کسب معلوماتی در زمینه الهیات و نجوم و علم رمل و طالع می‌شد که در مراسم نیایش ایزد نهایت ضرورت را داشت یا به عبارت دیگر کسی که واجد شرایط لازم می‌گشت، می‌توانست متدرجاً و متوالیاً به درجات کلاغ^۱، همسر^۲، سرباز^۳، شیر^۴، پارس^۵، پیک خورشید^۶، پیر^۷ برسد:

منبع اطلاعات مزبور دینمردی (کشیش) است مسیحی که در قرون چهارم و پنجم مسیحی می‌زیسته و از آباء کلیسای عیسوی بوده و ژرّم^۸ نام داشته است. صحت این اطلاعات را سنگ‌نوشته‌ها و کشفیات مهمی که در

- | | | |
|----------|------------|----------------|
| 1. Corax | 2. Nymphus | 3. Miles |
| 4. Leo | 5. Perses | 6. Heliodromus |
| 7. Pater | 8. Jérôme | |

1. Diodore XVI,43

شرق و غرب شده، تأیید کرده است. آنچه از آثار و مدارک باز یافته برمی آید دلیل این است که سلسله مراتبی مبتنی بر هفت مقام در تمام امپراتوری روم جاری و معمول بوده است. از همان آغاز تحقیق در مراحل هفتگانه فوق، نکته‌ای باعث تعجب می‌شود و آن این است که زبان مورد استعمال مهری‌ها زبان یونانی است، چه در مراسم دینی و چه در نامگذاری مقام‌های هفتگانه. این نکته را هم تذکر بدیم که نام مقام موسوم به «پارسی» اشاره واضحی است به منشاء خارجی دین میترا. القاب کلاغ و شیر منشاء بسیار قدیم تری دارند و حتی در تمدن یونان نیز دیده نمی‌شوند و قبایل بدوی عصر ما هم از آن بی‌خبرند. صاحبان این مناصب معمولاً تغییر شکل و لباس می‌دهند و تصاویری هم که از آن‌ها بر جای مانده در واقع تصویر شکل «تغییر یافته» آن‌هاست. شخصی به نام آگوستن دروغین^۱ توصیفی از اینان کرده که بسیار جالب توجه است. بنا بر گفته او برخی از این بلند پایگان دین مهری مثل کلاغ پر و بال می‌زنند و از صدای آن تقلید می‌کنند و بعضی دیگر درست مثل شیر می‌غرند. دو کتیبه در رم یافته شده که از لقب و منصب دیگری به نام کریفیوس^۲ نام می‌برد. کتیبه اول مربوط به سال ۳۵۸ پس از مسیح است و دیگری متعلق به سال ۳۶۲. هر دو کتیبه مشعر بر این هستند که نونیوس و یکتور الیمپیوس^۳ و اریلیوس و یکتور اوگنتیوس^۴ که هر دو از پیران دین مهری هستند، به برخی از اعضای جماعت مهری، ترفیع رتبه خاصی داده‌اند. غرض از این رتبه خاص مقام کریفیوس است که ذکرش بیاید. این دو کتیبه اهمیت اساسی دارند، چون تنها مدارکی هستند که از رتبه و لقب مزبور نام می‌برند؛ و اکتشافات دیگری نشده تا وجود آن را تأیید بکند. عنوان کریفیوس (به صیغه جمع در لاتین کریفی‌ای)^۵ باعث تفاسیر متعدد شده است. برخی کریفیوس را به معنای کرکس گرفته‌اند (در یونانی گروپس^۶) و

1. Pseudo - Augustin 2. Cryfios یا Chryfios

3. Nonius Victor Olympius

4. Aurèlius Victor Augentius

6. Grups

5. Cryfii

یکی از مقام‌ها به شمارش می‌آورند، دسته دیگر مفسران لفظ فوق را یونانی و به معنای مخفی و پوشیده می‌دانند. تفسیر اول از نظر علم ریشه‌شناسی (= اشتقاق) غلط است. دسته دوم دلیلی در تأیید مدعای خود دارند و آن این است که دارنده منصب نفوس (= همسر) روی یکی از شمایل‌های کلیسای سنت پریسک تصویر شده و حجابی بر تن دارد، و این تصور را در بیننده ایجاد می‌کند که همچون یک همسر با میترا یکی خواهد شد و ازدواجی عرفانی میان آنان برپا خواهد گشت.

اخیراً پرفسور ت. و. فلنگراف مقاله‌ای نوشته و این مسئله را به نحو تازه‌ای مطرح کرده و میان دو لفظ نمفی‌ای^۱ و کریفی‌ای تشخیص قاطع نموده است. به عقیده او نفوس‌ها همسران میتراوند و کریفیوس‌ها مهری‌هایی هستند مستور و مخفی که به علت تازه کار و جوان بودن و نه به دلیل عضویت سرّی در محافل مهری هنوز حق شرکت در مراسم محرمانه دین مهر را ندارند. نظیر این رسم را در عرف کروپتوی‌های^۲ (مستوران) اسپارت می‌بینیم که مجاز به راه یافتن در مراسم دینی نبوده‌اند. بنابراین «مستوران» کسانی هستند که هنوز رسماً وارد مجمع مهری‌ها نشده‌اند، ولی در کتیبه دورارپوس از اینان همچون چشم‌امید^۳ جماعت مهری یاد شده است. عرف بر این بوده که «پیران» (پدران) مهری جشن مجللی ترتیب می‌داده‌اند و نوجوانان تازه‌وارد را به پیشگاه میترا معرفی می‌کرده‌اند. مدارک مربوط به زمان مورد نظر نشان می‌دهند که این کریفی‌ها (مستوران) از نوجوانان نوحاسته تشکیل می‌شده و گاهی به کودکان هم اجازه شرکت در نیایش را می‌داده‌اند.

پورفریوس (نویسنده قرن سوم مسیحی) مدعی است که سه مقام نخستین (از مناصب هفتگانه) از خدمتگزاران^۴ ترکیب یافته و فقط مترفران رده‌های عالی سلسله‌مراتب در مراسم شرکت می‌جستند. از گفته نویسنده

1. Nymphii (Nymphus جمع از صیغه جمع است)

2. Kruptoi

۳. Elpides: واژه یونانی به معنای امید به صیغه جمع است.

4. Uperetountes

مزبور چنین برمی آید که این محتشمان مهری در مراسم طعام مقدس و دسته جمعی شرکت می کردند و اشخاص متعلق به درجات پائین وظیفه خدمتگزاری را متقبل می شدند. گفته های پورفیریوس با اطلاعات بازیافته در کاوش های باستان شناسی مطابقت نمی کند. قربانگاهی در مهرکده واقع در ناحیه پتو (یوگسلاوی) (شکل ۳۴) یافته شده که در دو طرف آن سل و میترا قرار گرفته اند و سیخی به دست دارند که تکه های گوشت به آن چسبیده، و شکل کلاغی که پروازکنان به سوی طعام می رود، کشیده شده است. چون در مراسم دین مهری دارنده درجه کلاغ تقلید این پرنده را درمی آورد، به این دلیل کلاغ هم در تصویر مجلس طعام دیده می شود. عکس این منظره را در ناحیه دورا می بینیم که کلاغ سیخ گوشت را به میترا و سل که در ضیافتی حضور دارند تعارف می کند. بنابراین، کلاغ در اینجا واقعاً وظیفه خدمتکار را به عهده دارد. نقش برجسته یافته شده در ناحیه کونجیک (شکل ۳۸) و نقش های دیواری سنت پریسک مربوط به مجلس ضیافت هم کلاغ را همچون خدمتکار ترسیم کرده اند. این نقوش دیواری روی دیوار سمت چپ مهرکده قرار گرفته اند. نتیجه ای که از آن می توان گرفت، این است که کلاغ بهترین خدمتگزار است، اما در عین حال می تواند در مراسم هم شرکت کند. عکس این نکته هم در مورد کسانی که در مراسم شرکت می کنند صادق است. روی قشرهای فوقانی و تحتانی نقوش دیواری سنت پریسک، دسته ای کم و بیش منحصرأً متشکل از شیران دیده می شود که پیشکش به دست به سوی میترا روانند و بنابراین موظف به خدمتکاری هستند. مؤید این نکته مطلب کتیبه ای است که در شبستان مهرکده مشرف بر رود آواتن آمده: «ونوستوس^۱ دینمرد و پیر آئین مهر و بندگان خدا» که در میان آنان شیران هم به چشم می خورند، این کتیبه را وقف میترا کرده اند و مؤید آن کتیبه دیگری است که در همین معبد یافته شده است. مثال این امر در کلیسای کاتولیک هم هست که گاهی دینمردان وظایف

1. Venustus

روحانیان دون پایه تر (مثل مقام شماس)^۱ و حتی هر آدم^۲ تعمید یافته بالاتر از هفت سال هم آن را انجام می دهند.

کاوش هایی که اخیراً انجام گرفته، ماهیت مناسک مهری را روشن تر کرده است. در این باب خصوصاً مهرکده های اُستی و سنت پریسک گرانبهارترین اطلاعات را فراهم آورده اند.



شکل ۵۵

در ناحیه اُستی علائم مشخص هر درجه (منصب) روی موزائیک نقش شده است. در مهرکده سنت پریسک صاحبان درجات مختلف دیده می شوند و مشخصات ویژه آن ها هم ترسیم شده است. میان این اسناد منقوش و اطلاعات کتبی نادری که در دست هست، می باید رابطه ایجاد کرد تا حقیقت امر بهتر روشن گردد.

کلاغ

در اسطوره قربانی گاو، کلاغ همچون منادی است؛ مبشر اوست و پیام پروردگار را همو به میترا می رساند و در واقع نقش مرکور را دارد که پیک خدایان بوده است. به همین علت علامت مخصوص او چوبی^۳ است که به دور آن دو مار چنبره زده اند و این چوب همان عصای سحرانگیز هرمس - مرکور

1. Diacre

2 Metexon

3 le Caducée

است. روی موزائیک باز یافته فنجانی هم دیده می شود.

در مهرکده سنت پریسک صفی از اصحاب هفت درجه مختلف دیده می شود، اما متأسفانه در ردیف حاضران، شکل کلاغ محو شده و فقط آثار آن بر جای مانده و این جمله را می توان خواند: «درود بر کلاغ باد که مرکور حافظ اوست.» ناگفته نماند که کلاغ نماد هوا هم هست و متشرفان درجه کلاغ مجبور به انجام دادن مناسک تشریف متعلق به این عنصر هم بوده اند.



شکل ۵۶

نام لاتینی این مراسم کُروینا^۱ یا کروسیناساکرا^۲ است. بعد از انجام دادن این مراسم، تازه وارد ملقب به «کلاغ مقدس»^۳ می شود. صفت «مقدس» به ارباب سایر مدارج دین مهری هم اطلاق می شود، بخصوص به پیر یا پدر که مرشد جماعت است. کلاغ به هنگام اجرای وظایف مربوط به منصب خود، نقاب کلاغ به صورت می زند (شکل ۳۷).

همسر

یک فرسک موجود در معبد سنت پریسک شکل نمفوس یا همسری را

نشان می دهد که با تکه پارچه ای سر و روی خود را پوشانده و در کتیبه ای بالای سر او نوشته اند که نمفوس تحت حمایت ستاره ونوس قرار دارد.

بدبختانه تشخیص این که نیمرخ منقوش در مهرکده اُستی که آینه ای به دست دارد متعلق است به آفرودیت^۱ یا نمفوس غیر ممکن می نماید. در پرستشگاه دورا رپوس شانزده نمفوس یافته اند. این همسران که از جنس مذکر هستند (چون می دانیم که زنان حق شرکت در نیایش را ندارند) به دستیاری پدر به عقد میترا در می آیند. آن طور که از ظواهر بر می آید این ازدواج اگر چه صبغه و ماهیت عرفانی دارد، اما مانع همسری واقعی نمی شود.

در مراسم تشریف به اسرار امر فشردن دست راست به علامت وفاداری، نقش مهمی را به عهده دارد. این رسم چه نزد ایرانیان و چه نزد رومی ها جاری بوده و گاهی اوقات تصویری از آن را روی مقابر یا ضریح های رومی می بینیم. نوشته ای که از مورخی به نام فیرمیکوس ماترنوس به جای مانده، از نظر امر مذکور در فوق جالب توجه است. اما متأسفانه سطری که مشتمل بر اطلاعاتی در باب میترا است خوانا نیست. اگر واژه نخستین آن جمله را آیده^۲ بخوانیم معنای آن این خواهد شد: «نمفوس بخوان.» ولی اگر واژه مزبور را آیده^۳ بخوانیم معنای زیر مستفاد می شود: «نگاه کن، نمفوس. درود بر تو باد ای نمفوس درود بر فروغ نو.»

مؤید تفسیر اخیر لفظ چارقند بزرگ (ولوم^۴) است که رومی ها در مراسم ازدواج سر و گیسوان را بدان می پوشانیدند. برخی محققان فرض کرده اند که همسر در هنگام مخصوص رو بند یا چارقند را به کنار می زده تا رخسار خویش را به جمع مهرپرستان بنماید. به قول آپوله^۵ مراسمی نظیر رسم مزبور برای ایزیس اجرا می شده است. در این صورت واژه آیده (آواز می خواند) مبین این خواهد بود که به مناسبت شب زفاف نمفوس سرودی

1. Aphrodite 2. aidé 3. Ide
4. Flammeum u Velum 5. Apulée

1. Corvina 2. Coracina sacra 3. Ieros Korax



شکل ۵۷

می خوانده است.

موزائیکی در ناحیه اُستی پیدا شده که آسیب زمان دیده و معرّف این است که علامت ممیز همسر مشعل و چراغ بوده است. مشعل چراغ شب زفاف است و آن خود نماد فروغ نوین^۱ است که پیوند استوارتری با ایزد خورشید یعنی میترا دارد. بعید نیست که بعد از این که همسر بر اسرار دین وقوف می یافت، معبد را چراغانی می کردند. البته چنین ادعائی را نمی توان اثبات کرد، ولی به نظر من با توجه به این که همسر قبل از اجرا کردن مراسم دین مجبور به تزکیه روح و جسم بوده (در این مورد تابلو موزه واتیکان موسوم به نوتسه آلدوبراندینی^۲ دیده شود) نمفوس نمودار عنصر آب است.

سرباز

میترا خدائی است شکست ناپذیر و در اوستا آمده است که میترا در میدان نبرد باعث پیروزی یاران خود می گردد. اوست که در راه چیرگی بر شر پیکار می کند و هم اوست که همچون دستیار ایزد نیکو فاتح خواهد گشت.

1. Neon Phos

2. Notze Aldobrandini

واقع این است که هر یک از پیروانی که متشرف به اسرار می شوند در جرگه رزمندگان^۱ راه ایزد وارد می گردند، اما تشرف خاص به درجه «سرباز»^۲ و اجرا کردن مراسم تحلیف، عضویت متشرف را برای همیشه مسجل می کند و رسمیت می بخشد. تصویری که مهری ها از سرباز داشتند، تصویری واقع بینانه بود. سربازی که در مهرکده سنت پریسک نقاشی شده لباس قهوه ای رنگ بر تن دارد و روی شانه چپ توبره ای نهاده شده است. توبره و نیزه و کلاه خود علائم ممیز سرباز هستند و منقوش بر روی کاشی بی دیده می شوند که در ناحیه اُستی یافته شده است. سرباز تحت حمایت مارس خدای پرخاشجو قرار گرفته است. در برخی متون آمده که مارس وارسته و پارسا و درستکار بوده است.

کلاغ و نمفوس نشان دهنده آب و باد هستند، سرباز معرف عنصر خاک است و شیرگویای عنصر آتش. با این وصف در این که آیا سرباز بوسیله عنصر زمین غسل تعمید می یافته سند قطعی در دست نیست و حکم نمی توان کرد. اما در آنچه مربوط به تشرف سرباز است به مراسم و آئین مرحله سربازی. ترتولین حکایت ابهام داری از خود به جای گذاشته و می گوید که «میترا بر پیشانی سربازان خود مهر می زند». اگر غرض ترتولین از واژه سرباز همه جماعت مهرپرست نباشد می توان از جمله مذکور چنین نتیجه گرفت که کسانی که به رتبه سربازی ارتقاء می یافتند مهر بر پیشانی آنان زده می شد. در جای دیگر نیز ترتولین از مراسم تشرف به رموز منصب سربازی یاد می کند و چنین می نویسد: «مراسم مخصوص در غاری انجام می گیرد که ظلمات مطلق است، سربازان در این غار می ایستند، از نوک شمشیری تاجی آویخته اند و این تاج باید به سر یک یک سربازان گذاشته شود. اما عرف بر این است که این سربازان با دست خویش تاج را پس می زنند و آن را روی شانه خود می لغزانند و بدین طریق اعلام می کنند که در واقع میترا تاج سر آنها است. بعد از این مراسم دیگر مراسم تاجگذاری تکرار نمی شود و اگر روزگاری از این سربازان تقاضا شد که

1. Militia

2. Miles

سوگند نظامی یاد کنند، اینان می توانند مراسم فوق را به مثابه مدرک ارائه کنند و از تحلیف مجدد بی نیاز گردند. به محض این که مردی مهرپرست تاج را پس فرستاد و به الوهیت صاحب تاج (میترا) ایمان آورد، به درجه سربازی میترا ارتقاء می یابد.»



شکل ۵۸

چنان که دیده می شود مراسم و شرایط درست نظیر شرایط امروزی ارتش است. تاج افتخار به سربازی داده می شود که یا جان هم میهن خود را نجات داده و یا به هنگام یورش اولین کسی بوده که قلعه ای را تسخیر کرده و یا سنگر دشمن را فتح کرده باشد. درست همین نحو تکریم و تجلیل نسبت به سرباز مهتری در موقع تشرف به اسرار دین اعمال می شود. دیدیم که تاج را از نوک شمشیر می آویختند و به سرباز پیشکش می کردند. ترتولین معتقد است که چنین طرز اعطای تاج در واقع آخرین امتحانی بوده که سرباز می گذرانیده و جرئت و شهامت او به اثبات می رسیده و این خود به قول ترتولین نوعی تقلید شهادت است. در پائین پای سرباز منقوش بر دیوار معبد کاپو (شکل ۵۳) شیء دیده می شود و هیچ بعید نیست که شیء مزبور شمشیری باشد که ترتولین از آن یاد می کند. در هر حال، این نکته محقق است که سرباز از گرفتن تاج ابا می کند و این کلمات فروتنانه را بر زبان جاری می سازد: «فقط میترا تاج سر من است.»

«تاج من متعلق به خدای من است.» درست مثل میترا، سرباز یوغ را به دست و بارش را به دوش گرفته و با انضباطی مطلق و آماده نبرد با نیروهای دشمن است. در دیوار نگاره (فرسک) سنت پریسک سرباز دنباله جامه مردی را گرفته که در جلوی او روان است.

شیر

شیر جامه ای بلند به رنگ ارغوان به تن دارد و ترتولین در باب او گفته که طبیعتش خشک و سوزان است. نماد ویژه او ییلچه ای است که به کار جابه جا کردن آتش می خورد و به همین علت است که به نظر من نقش کسی که روی سنگ فرش موزائیک مهرکده معبد سبیل در اُستی دیده می شود، شکل یک شیر است. در کاوش های پرستشگاه های هدرن هایم و کاروبورگ یک ییلچه نظیر آنچه شرحش رفت، یافته شده است. در مهرکده فلی سیمو واقع در اُستی روی یک موزائیک نقش یک ییلچه یافته اند که نشانه ممیز شیر است و روی همین موزائیک نوعی چنگ هم دیده می شود. این آلت موسیقی از مراسم دینی ایزیس و آذرخش ژوپتر تقلید و اقتباس شده است. ناگفته نماند که نگهدار و محافظ خاص شیر ژوپتر است.

آتش نماد شیر است و به هنگام اجرای مراسم دینی خاص این رتبه از آن یاد خواهد شد. پورفیر در این باب می گوید: «موقع تشرف به آئین به قصد تغسیل و به جای آب غسل بر روی دستان شیر می ریزند و این نکته حاکی از این است که دست شیر باید پاکیزه از هرگونه پلیدی و شر و جنایت باشد؛ طهارتی که در شأن رهرو متشرف است. دست او را با عسل می شویند چون آتش که عنصری است پاک کننده، دشمن آب هم است. بر همین منوال زبان شیر را با عسل می شویند و بدین طریق آن را از هرگونه گناه مبری می کنند.»

به موجب این نماد اغلب تصویر شیر را در وضعی خصمانه نزدیک یا روی یک کوزه می‌بینیم (شکل ۵۹). در کتیبه‌ای که در ناحیه استکلن^۱ در بلغارستان یافته شده حتی از شیری نام برده‌اند که ملیکریستوس^۲ نام دارد و مراد از این لفظ «کسی است که با عسل تدهین یافته باشد». مطابق نقوش برجسته‌ای که به جای مانده، روابط شیر و میترا بسیار صمیمانه است و با سنگ و مار همراهان میترا را در شکار تشکیل می‌دهد. در مهرکده سنت پریسک دو ردیف شیر دیده می‌شوند که هدایایی به خدمت خدا می‌آورند و در نقش کونجیک (یوگسلاوی) (شکل ۳۷) یک مهرپرست دیده می‌شود که درجه شیری و نقاب شیر بر چهره دارد.

شیران در دین میترا مقامی ممتاز دارند و به این دلیل است که در یکی از تصاویر سنت پریسک، موکبی متشکل از هفت ردیف متشرفان نقاشی شده و در آن ردیف سربازان به ردیف شیران سخت حرمت می‌کنند. نقش شیر در این



شکل ۵۹: کونس و شیری روی یک ظرف (مخصوص آمیختن آب با شراب)

شکل به طرزی فراموش نشدنی تصویر شده، چشمانی سیاه دارد و غرور از قامت او هویدا است. به جامه او دنباله ارغوانی رنگ تندی دوخته شده است. چون شیر نماد (سمبول) آتش است، احتمال می‌رود غسل تعمید او هم به کمک شعله فروزان انجام بگیرد. مؤید فرض مزبور اشتراک یک واژه است در کتیبه مهرکده دورا و متنی از پورفیر.

پورفیر از «دم و نفسی صحبت می‌دارد که سوزان و همچون حمامی از تقدس است که حتی مغان نیز باید در آن استحمام کنند.» نکته قابل توجه این است که اصطلاح نفس یا دم (در یونانی = آستما^۱) را دیوکریستوم در داستان فائتون به قصد توصیف دم سوزان اسب گردونه خورشید به کار برده است. دم سوزان این اسب، اسبان دیگر این ارابه را نیز تهییج می‌کند و به تیزروی وامی دارد.

اما از این همه مناسک آتش که چیزی در باب آن نمی‌دانیم می‌توان نتیجه گرفت که غرض از آتش در دین میترا کنایه زدن به آتش سوزی جهان در روز آخرت است. در انجامین روز جهان، رودخانه‌ای آتشیار جهان را به سوختن خواهد کشانید. نادرستان در این آتش از میان خواهند رفت و درستکاران در این رود آتش حمام پاک کننده^۲ خواهند یافت. دو متنی که روی قشر زیرین فرسک‌های مهرکده سنت پریسک نوشته شده روابط میان شیر و میترا و آتش سوزی جهان را روشن می‌کند.

در این دو متن، مهری‌ها به دارگاه پدر یعنی میترا نماز می‌گزارند و از او تمنا می‌کنند که شیران بخورسوز را در کنف حمایت خود بگیرد. همین شیران هستند که بدان‌ها بخور می‌دهیم تا با سوختن آن ما را بسوزند.

نیروی پاک کننده‌ای که در دین میترا به آتش نسبت داده می‌شود، در واقع تجدیدکننده صفات مقام شیر است که از آن موجودی مقدس می‌سازد. در چنین موقعیتی شیر همچون ژوپیترا، غول‌ها را با آذرخش خود می‌کوبد و با

1 Asthma

2 Niptron

1 Steklen

2. Melichristus



شکل ۶۰

میترا بدخواهان را به عقوبت می‌رساند. آتش، شیر را با میترا و خورشید مربوط می‌سازد و اینان با ارباب خورشید ارتباط می‌یابند.

بنابراین جای تعجب نخواهد بود اگر می‌بینیم نقشی دیواری در رم یافته شده که ایزد زمان را در حالی نشان می‌دهد که دم آتشین از سینه خارج می‌کند و یا مجسمه‌ای هم از ائون در شهر صیدا از بلاد افریقا یافته شده که در پس سر او سوراخی دیده می‌شود و به این کار می‌آید که در برخی مراسم دینی در درون آن آتش می‌افروخته‌اند.

در برخی معابد مجسمه شیرهایی دیده می‌شود که شباهت تامی با گوربانان (مستحفظین قبور) دارند.

درست مثل مناصب دیگر، شیر هم روابط خاصی با میترا و لونا دارد که آنرا به وضوح در مقام «پارسی» خواهیم دید.

پارسی

در فرسک‌های سنت پریسک پارسی را می‌بینیم که جامه‌ای به رنگ

خاکستری دربردارد و ایزد قیم او ماه است. همان‌طور که در باب شیر مشاهده کردیم، وقتی که به پارسی درجه خاص او اعطا می‌شود، دستانش را با غسل تطهیر می‌کنند، اما پرفیر همین رسم را با اندک اختلافی بیان می‌دارد و چنین می‌گوید: «علت تطهیر دستان پارسی با غسل این است که غسل نگهدارنده میوه‌ها است.» مراد از غسل در اینجا البته عنصری است که حفاظت از مرگ و میر می‌کند. این نکته را هم نباید فراموش کرد که در قدیم غسل به جای شکر به کار می‌رفت و هرودوت در کتاب (I، ۱۹۸) اشاره‌ای به خاصیت نگهدارنده غسل نموده است. پارسیان باستان تصور می‌کردند که غسل از ماه درمی‌آمده و منی گاوی را که میترا قربانی کرده در ماه جمع می‌شده و در همان جا تطهیر می‌یافته و گیاهان و میوه‌های جدیدی به بار می‌آورده است. به همین دلیل است که ماه همچون نگهدارنده میوه‌ها قلمداد شده و پارسی نماد آن است. از سوی دیگر، پارسی مناسبات خاصی با میترا دارد. نشانه‌ی ممیز وی داس است. در نقوش



شکل ۶۱: میترا، دروگر ایزدی

دیواری سنت پریسک پارسی را می‌بینیم در حالی که شاخه‌هایی بلند و شاید خوشه‌هایی چند با یک داس به دست دارد. اما داس از متسبات ساتورن هم است و بر نقش دیواری دیبورگ میترا همچون ساتورن جدید دیده می‌شود. او دروگری است ایزدی (شکل ۶۱) که خرمن را به خانه می‌برد. خرمنی که حاصل مغز و خون گاو قربانی شده است. از این نظر، بنابر آنچه مذکور افتاد، پارسی از مریدان با وفای خدای خویش است.

پیک خورشید

چنان‌که از نام هلیودروموس پیداست، وظیفه این صاحب منصب در مراسم دین مهری نمایندگی خدای هلیوس - سل است در روی زمین و تحت حمایت وی قرار دارد.



شکل ۶۲

علائم مشخص او چنان‌که در اُستی آمده، تازیانه و هاله و مشعل است و چنان‌که در سنت پریسک دیده شد، کره خاک و هاله پرتوافکن است. در مهرکده‌ای نزدیک گرمابه‌های کاراکالا واقع در رم، شخصی را می‌بینیم که جامه‌ای به سبک شرقیان پوشیده و کره‌ای به دست دارد و احتمالاً مبشر خورشید است. هلیودروم عبارت از خورشید است که سوار بر ارابه خویش

آسمان را هر روز طی می‌کند و اسبان را می‌تازاند. روزی وی دستور قربانی کردن گاو را داد و کلاغ دستور را به میترا ابلاغ کرد، هلیودروموس پیمانی با میترا بست و به همین مناسبت او را در آغوش کشید و پیش از عروج به آسمان در ضیافتی به همراهی میترا شرکت کرد.



شکل ۳۶

بعید نیست که برخی مراسم متعارف در مهرکده کاراکالا تکرار همین مراسم نباشد. در هر صورت ما فقط در آنچه که مربوط به نقاشی تشریفات دینی معمول در معبد سنت پریسک می‌شود، اطمینان تام داریم. روی دیوار سمت راست این پرستشگاه هلیودروموس دیده می‌شود که در میان جماعت مهری قرار گرفته است. جامه‌ای سرخ به تن دارد و کمربندی زرد روی آن بسته و کره‌ای به رنگ آبی در دست دارد. دست راست خویش را بلند کرده و با آن به پیر سلام می‌کند. خود پیر هم روی تختی نشسته و جامه‌ای و کلاه‌ی فریجی به رنگ ارغوان دارد.

روی دیوار چپ سل و میترا دیده می‌شوند، در حالی که مشغول صرف طعام مقدس هستند. جامه ایزد خورشید و علائم ممیز او درست نظیر آن هلیودروموس است. در مهرکده سنت پریسک روی دیوار سمت راست تصویری از هلیودروموس کشیده‌اند که البته شکوهش بسیار نیست. در دست او

عصای نازکی دیده می‌شود، سرش مزین به هاله‌ای آبی‌رنگ است و به طرف درختی روان است که شاخه‌هایش پر برگ است و نزدیک آن‌ها مردی ایستاده که جامه‌ای مندرس به تن دارد. محتمل است که این شخص قصد چیدن میوه‌ها را داشته باشد. اگر این ظن صحیح باشد، مرد مزبور «پارسی» است.

پیر

پیر عالی‌ترین درجه در آئین میترا و نماینده او در روی زمین است و از این رو جامه‌اش نظیر جامه خود میترا است. این صاحب منصب پیر مریدان است و مریدان، خود یکدیگر را به نام برادر صدا می‌کنند. پیر مدافع منافع جماعت مهری است. آموزگار مقدس^۱ اوست و هم اوست حکیم انسان‌پروری که علامت فرزانش حلقه و عصای وی است. موبد و دانای بزرگ و دینمرد بزرگوار^۲ هموست و شرعاً از سوی متشرفان به اسرار آئین به این سمت گزیده می‌شود و امور مربوط به تشریف به مناسک را راهبری می‌کند. پدر مسئول انتخاب اعضای جدید است و هم اوست که به کار آشنا ساختن نودینان به رموز درجات مختلف دین می‌پردازد.

در دوران پوس ظاهراً قبل از مقام پیر، منصبی به نام آنتی‌پاتروس^۳ (اشتقاقاً: مقام قبل از مقام پاتر: پیر) وجود داشته که مرحله ماقبل ارشاد بوده است. در رم هم منصب پیر رموز^۴ و پیرمغان^۵ وجود داشته است. پیر مغان (پدر پدران) در واقع عالی‌ترین درجه روحانی را داشته، چون در سنگ‌نوشته‌ای چنین آمده: «پدر پدران ده صاحب منصب درجه اول.» او در واقع مجسم‌کننده عالی‌ترین درجه تقوی و پرهیزگاری است و القاب او هم به ترتیب متقی^۶، به

1. Magister Sacrorum 2. Summus Pontifex 3. Antipatros
4. Pater Sacrorum 5. Pater Patrum 6. Pius

اعلی‌درجه متقی^۱ یا مقدس^۲ است. در هر حال اوست که عالی‌ترین مقام^۳ را در سلسله مراتب آئین مهری به عهده دارد. پیر در عین حال صلاحیت کامل در زمینه ستاره‌شناسی دارد و چنین امری باعث تعجب نخواهد شد وقتی می‌بینیم که تمام آئین مهرپرستی مملو از اخترشناسی است و نمونه آن قرار دادن هفت مقام سیر و سلوک و تشریف تحت حمایت هفت ستاره است. قیم پیر ساتورن است و تصویری از او در سنت پریسک یافته شده که روی آن این عبارت مقور است: «درود بر شما ای پدران شرق و غرب که تحت حمایت ساتورن قرار دارید.» در ناحیه اُستی، علائم بازشناساننده پیر عبارتند از: داس ساتورن، کلاه فریجی میترا، یک عصا و یک حلقه که نشانه فرزاندگی او هستند.

1. Pientissimus 2. Sanctus 3. Dignissimus



عکس ۱۱- میترا به شکل خدای زمان، مجسمه بازیافته در ناحیه
مریدا در اسپانیا

عکس ۱۲- میترا به شکل خدای زمان، نقش برجسته بازیافته در مدنا



عکس ۱۰- میترا لوح برنجی، بوداپست.



عکس ۹- نقش برجسته مرمرین، بازیافته در رومانی در ۱۹۵۸

ستارگان و عناصر چهارگانه

گات‌ها یعنی باستانی‌ترین سرودهای اوستا مشتمل بر پاک‌ترین عقاید زرتشت هستند. در این سرودها هیچ اشاره‌ای به ستارگان نشده است. در مقابل، در بخش‌های متأخرتر اوستا اطلاعات مربوط به ستاره‌شناسی جابه‌جا یافته می‌شود و بر اساس این داده‌ها است که می‌دانیم امشاسپندان هفتگانه که در حکم دستیاران اورمزد هستند، همانند هفت سیاره قلمداد شده‌اند. تأثیر معتقدات نجومی بر دین ناشی از تأثیر افکار کاهنان کلدانی است. آئین کلدانی - از راه‌های گوناگون - آن قدر در جهان اطراف یونان (یونان بعد از اسکندر) نفوذ کرد که طبیعتاً اثراتی از آن را در دین مهری نیز می‌توان مشاهده نمود.

در امپراتوری روم، در برخی محافل فرهیخته، نجوم موضوع بحث و فحص مردمان بود. اما اخترشناسی که به قول فرانتس کومون، «خواهر نامشروع» نجوم است، آلوده به جبری‌گری بود و تمام طبقات مردم بدان معتقد بودند. دو نوشته در رم یافته‌اند که به طور قطع کار مهرپرستان بلندپایه آن شهر است و این دو نوشته به حد کفایت شاهد تأثیر اخترشناسی در دین مهری هستند. اولین نوشته متعلق به تاریخ ۳۸۲ بعد از مسیح است و در میدان سان سیلوسترو^۱، محلی که اورلیانوس^۲ معبد عظیمی به افتخار خورشید افراخته بود، یافته شده است.

معبد مورد بحث هفت محراب داشته که چهارتای آن مربع و سه تای

1. Piazza San Silvestro

2. Aurélianus

آن به شکل نیمدایره بوده است. متن باز یافته به قرار زیر است:

«اندکی پیش از این، ویکتور (جد نوادگان خود) که خود را پیشکش آسمان و ستارگان کرده، با هزینه بسیار معبدی به افتخار خورشید برافراشت. نوه‌اش که همنام پدر بزرگ خویش است و تقوایش بیش از او، غاری بر ساخت. اما رم به داد و دهش تو اعتنا نمی‌کند. مال و منال صرف هدف‌های پرهیزگارانۀ کردن، فقط بخشنده متقی را فخر می‌بخشد. پس چه کسی غنی‌تر از این وارث صرفه‌جوست؟ چه کسی ثروتش را با ساکنان آسمان بخش می‌کند؟»



شکل ۵۹

تامزیوس اوگنتیوس^۱ معبد را بساخت و غار را به هزینه خود مرمت کرد. در سال ۳۸۲ گراسیانوس^۲ امپراتور روم فرمانی صادر کرده و طی آن نفقه‌ای را که تا آن وقت وقف ساختن و محافظت ابنیه دین رسمی می‌شد لغو

1. Tamesius Augentius 2. Gratien

بر دیوارهٔ جانبی یک محراب پرستشگاه سنت پریسک نوشته‌ای نقر شده که معنای آن چنین است: یکی از اعضای جمع مهری به هنگام طلوع آفتاب در روز ۲۰ نوامبر یعنی روز ساتورن به آئین دین تشریف یافت. این نوشته به شکل جدول نجومی (زایچه) است. خورشید و ماه به غیر از وظیفه‌ای که در موقع ذبح گاو به آنان محول گشته، سمتی هم در مراتب سیارات هفتگانه دارند. روی حاشیه نقش برجسته‌ای که در بولونیا یافته شده، سیارات هفتگانه دیده می‌شوند که ژوپیتر در مرکز آن‌ها قرار گرفته و به همین مناسبت سبدی روی سر دارد. در این نقش ژوپیتر همسان سرپیس قلمداد و با او متشابه می‌گردد. چنین تشابهاتی را در مهرکده‌های واقع در گرمابه‌های کاراکالا در رم می‌توان دید. در این اماکن زئوس، هلیوس و سرپیس یکجاگرد آورده شده‌اند و به یک نام نامیده می‌شوند. روی نقش برجسته بولونیا سیارات هفتگانه به ترتیب روزهای هفته نقر گردیده‌اند.



شکل ۶۰

نظیر ترتیب مذکور در فوق را باز هم می‌توان یافت؛ مثلاً در ناحیه بریژیو^۱ در مجارستان اخیراً لوحهٔ زیبایی از جنس برنز یافته‌اند. ولی در حالی

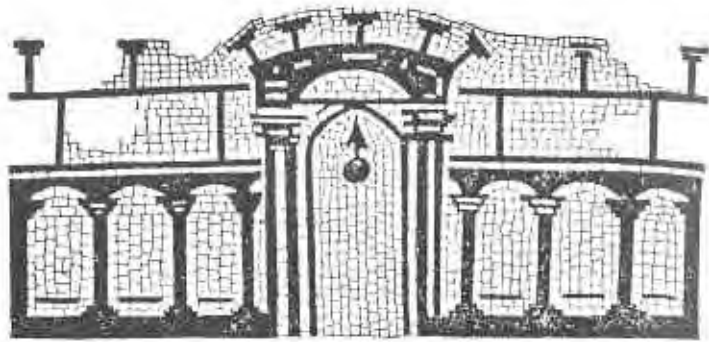
1. Brigétio

کرده بود. به این علت است که او گنتیوس جمله «روم به داد و دهش تو اعتنا نمی‌کند» را در منظومه خود آورده و معرف نوعی اعتراض او به فرمان مذکور است. او گنتیوس در منظومه‌اش از ویکتور پدر بزرگش هم یاد می‌کند. ویکتور مورد بحث شخصی است به نام نونیوس ویکتور او لیمپیوس که به دلیل نذر و نیازهایش در سال‌های ۳۶۲-۳۵۷ معروف ماست. او «پدر پدران است و در زمان ارشاد وی، چندین تن از صاحب‌منصبان مهری، به رموز دین تشریف یافتند. چنان‌که از منظومه مذکور برمی‌آید، اوست که بنیادگذار مهرکده‌ای بوده و آن را به آسمان و ستارگان هدیه کرده است. نوشته دیگری هم در دست است که مربوط به سال ۳۷۷ مسیحی است و مردی به نام روفوس کیونیوس^۱ آن را بر ساخته. این شخص صاحب مناصب گوناگون مذهبی بوده و زمانی رهبر رسمی مذهب و دینمرد آئین مهری گردیده است و چون مقام رهبری یافته فخر زندگی کردن در قصر رگیا^۲ را که واقع در بازار رومانوم^۳ است - نزدیک معبد وستا^۴ - دریافته است. منظومهٔ چنین است:

«در خانه‌ای اصیل و مشهور زاده شد، رهبر دین بود و مقرش کاخ سعادت‌آمیز رگیا، همان جا که از آتش مقدس وستا هم نگهداری می‌شود. اوست فالزن و گرامی پرستنده دیان^۵ سه رخساره. اوست دینمرد بابلی زاده معبد ایرانی میترا. اوست پیشوای عارف آئین سترگ میترا.»

نکته‌ای که در اینجا بسیار شگفت‌آور به نظر می‌رسد، این است که در اواخر قرن چهارم مسیحی یعنی در همان اوانی که آئین میترا رو به تزلزل می‌گذارد، روفوس سنن بابلی را حفظ می‌کند. ولی در صفحات پیشین دیده‌ایم که بابل به میانجیگری مغان، عقاید خاص خود را بر آئین مهری تحمیل کرد و مؤید این گفته نقشی است که در حوالی شهرکنستانس^۶ یافته شده و در آن نیکومد^۷ دیده می‌شود که در حال اشاره کردن به رود فرات است.

1. Rufus Caeionius 2. Regia 3. Forum Romanum
4. Vesta 5. Diane 6. Constance
7. Nicomède



شکل ۶۴: موزائیک درهای هفتگانه واقع در شهر اُستی

نردبام درهای هفتگانه بالا می‌رود.

روح انسانی از هر ستاره صفتی اخذ و در هنگام مرگ رهایش می‌کرده

است

در آئین مهری رقم هفت اهمیت اساسی دارد. روی برخی نقوش برجسته یافته شده در اطراف رود دانوب هفت سرو (درخت خورشیدنما) می‌بینیم که به طور متناوب با هفت خنجر جمع آمده‌اند. در بالای نقش برجسته کلاهی فریجی دیده می‌شود. در مهرکده ناحیه دورا، هفت پله می‌بینیم که به محرابی مخصوص منتهی می‌شوند.

یک نقش برجسته در شهر مانهایم آلمان هست که آثار ابتدائی بودن و قدمت بسیار از سر و روی آن هویدا است. روی آن هفت مذبح نقاشی شده (شکل ۶۵) که همگی در یک ردیف قرار گرفته‌اند، زیر مذبح‌ها کوزه بزرگی تصویر شده که ماری تنومند می‌خواهد سر خود را درون آن فرو برد. در پهلوی آن مذبح کوچک دیگری هست که روبه رویش دینمرد یا شاید پیری ایستاده است. جامی در دست دارد و می‌خواهد مایع درون ظرف را به کار مراسم دین بزند. پهلوی او هم سگی ایستاده که همراه و همشین وفادار می‌ترا

که روی نقش برجسته بولونیا، هفته با روز یکشنبه، یعنی روز خورشید آغاز می‌گردد، در نقش برجسته بریژتو ساتورن نفر اول ردیف است. وقتی که در مراسم نیایش، سیارات به مثابه محافظان ردیف‌های گوناگون ظاهر می‌گردند، نظام ردیف‌ها به این قرار مقرر می‌شود: ساتورن، خورشید، ماه، ژوپیتر، مریخ (مارس)، ونوس و مرکور. و از این نظام و توالی می‌توان استنتاج کرد که رابطه میان درجات تشرف و سیارات بعدها وضع شده و متأخر است.

بر حسب فرضیه‌ای که سلسوس^۱ ساخته و رقیبش اُریژن^۲ نقل کرده، هر سیاره‌ای وابسته به یک فلز است؛ مثلاً زر وابسته است به خورشید و مجموع سیارات نوعی نردبام تشکیل می‌دهند که مقابل هر پله آن دری باز می‌شود. در رأس این درها، در هشتمی قرار گرفته که نماد (سمبول) ستارگان ثابت است. روی موزائیک مرکزی مهرکده هفت سپهر اُستی، هفت در به شکل نیمدایره نفر گردیده که همه محیط راهرو مرکزی را اشغال کرده است. در جلوی نیمکت‌ها سیارات مشاهده می‌شوند، در حالی که روی حواشی آن‌ها نشانه‌های منطقه البروج می‌درخشند. در مهرکده فلی‌سی‌سی موس سطح موزائیک شده راهروی مرکزی هفت در را نشان می‌دهد که معرف هفت مقام هستند. در بخش هشتمی از آن ظرفی می‌بینیم که محصور از خار و خاشاک است، اما در آنچه که مربوط به آئین سلسوس می‌شود، معبد «هفت در» واقع در اُستی، بسیار شایان توجه است. در عقب مدخل حرم معبد اُستی شکل دری بزرگ نقش شده از جنس موزائیک که حاشیه مرکزی آن به رنگ سیاه و سفید است. سردر آن مزین به نقوش به شکل پتک دوسویه و در طرفین آن سه در کوچک تصویر شده است. مشعلی هم از طاق‌دیس در اصلی آویخته است (شکل ۶۴). در اینجا نیز سیارات هفتگانه نقاشی شده‌اند.

چنان که دیدیم مراد از هر یک از این حالات نشان دادن تمثیلی روح انسانی است که به اعتباری در وقت تولد و به اعتبار دیگر در موقع مرگ از

1. Celsus

2. Origène

است. روی زمین کاشیکاری شده مهرکده هفت در اُستی نیز کوزه‌ای دیده می‌شود که ماری در حال خروج از صخره، خود را به سوی آن می‌کشد و در سوی دیگر آن کلاغ یا عقابی می‌بینیم که روی آذرخش آشیانه کرده است. گاهی اوقات شیری هم دیده می‌شود که برخاشجویان پهلوی کوزه‌ای ایستاده و پهلوی کوزه هم ماری غنوده است (شکل ۵۹). نقش برجسته‌ای در ترو یافته شده که ولادت میترا را نشان می‌دهد و روی آن کوزه و مار و شیر و پرنده و آذرخش یکجا دیده می‌شوند. ظرفی از خاک رس یافته‌اند که روی آن نقشی از ضیافت خدایان دیده می‌شود و شیر و ظرف (که ماری متوجه آن است) و کلاغ و خروس نمایانند. مجموعه این چهار تا احتمالاً نمادهای (سمبول) عناصر



شکل ۶۵: مرید مهري در مقابل قربانگاه

چهارگانه آب (ظرف)، آتش (شیر)، زمین (مار) و هوا (پرنده) هستند. می‌دانیم که این عناصر چهارگانه نزد مغان در ایران باستان آن قدر مورد احترام بوده‌اند که نهایت دقت می‌شده تا به بلیدی آلوده نگردند. در آئین میترا مقامی مهم به این چهار عنصر تفویض شده بود. حتی هیچ بعید نیست که مهري‌ها همان طور که به طریق نمادین (یعنی به طریق سمبولیک) از ابواب هفتگانه سیارات عبور کرده، از چهار عنصر هم گذر کرده باشند.

در آغاز حیات، جهان به هفت دوره بزرگ تقسیم گشته بود و هر کدام از این دوره‌ها مطابقت داشت با تأثیر عظیم یکی از سیارات مشخص. بعدها تحت تأثیر علائم دوازده گانه منطقه البروج، مهرپرستان ناگزیر از قبول کردن دوره‌های دوازده گانه شدند. روی نقش دیواری یا نقوش برجسته مهري بارها به تصاویر بروج دوازده گانه منطقه البروج برخوردیم. درست مثل نقوش فلکی علائم منطقه البروج هم گاهی اوقات روی حاشیه غارهای مهري دیده می‌شود؛ غارهایی که درون آن‌ها قربانی گاو صورت می‌گرفته است. در نقوش قدیمی دوازده برج را دایره وار ترسیم می‌کردند که در مرکز آن گاهی میترا به عنوان محافظ قرار داشت و گاهی اصلاً غایب بود. پس می‌بینیم که نقوش باز یافته در ترو و لندن مربوط به زایش میترا هستند. در نقاط دیگر نقوشی یافته‌اند که در آن‌ها دایره‌ای از بروج دور میترا کشیده شده و میترا به صورت خدای زمان ظاهر گردیده است. (عکس ۱۲ در مدنا) محراب نمازخانه جنبی مرکزی معبد سنت پریسک مزین به دایره بزرگی است به رنگ آبی، که علائم منطقه البروج از جنس مرمر نما بر آن منقوش است. در نقوشی که خدای زمان ظاهر است، مسیر خورشید در طول منطقه البروج دیده می‌شود.

همان طور که در مورد سیارات دیدیم، در اینجا هم توالی خانه‌های منطقه البروج به طور منظم رعایت نشده است.

نقش برجسته‌ای در ناحیه اپولوم^۱ (آلباژولیا در رومانی) یافته‌اند که هدیه یکی از سربازان هنگ سیزدهم سپاه روم به مهرکده واقع در محل مذکور بوده است. روی لبه فوقانی این نقش برجسته اشاره‌ای مبهم به ستارگان شده است. روی این نقش گاوی می‌بینیم درون یک زورق و جلوی آن گاو کوچک تری مشاهده می‌شود که در خانه‌ای محصور است. دو بزغاله (حمل) هم دیده می‌شود که روی زمین دراز کشیده‌اند و بزى هم پدیدار است که در حال جست و خیز به سوی یکی از همراهان میترا است. برادر میترا مثل خود میترا

1 Apulum

ملیس به جامه شرقی است و جلوی تختی ایستاده که روی آن ساتورن یا ژوپتر خوابیده است (شکل ۶۶). روی نقش زیبایی از مرمر که در شهر صیدای سوریه یافته شده، فصول چهارگانه منضم به علائم دوازده گانه منطقه البروج ترسیم گشته. این فصول به شکل کودکان نقش شده‌اند.

نقش نمایگر فصل زمستان کلاه دارد و علامت مشخص آن اردک است. پائیز را تاجی است از گل و گیاه و پهلوی آن سبزی از میوه نهاده شده. بهار را به وسیله سبزی از گل نمایانده‌اند. پهلوی تابستان هم تاجی از خوشه دیده می‌شود و دسته‌ای گندم. روی نقش برجسته‌ای از جنس برنج که در بریژیو یافته شده، فصول به وسیله چهار شیء مدور در چهار گوشه تصویر نموده شده‌اند. بهار را همچون مردی جوانسال رسم کرده‌اند، تابستان را با صورت زن نموده‌اند، پائیز را به شکل مردی پخته و سرد و گرم چشیده نمایش داده‌اند و زمستان را از ورای زنی لباس پوشیده می‌بینیم. اضافه بر سیارات، ستارگانی را هم می‌بینیم که روی نقش برجسته منقوشند، و زیر صحنه قربانی گاو، شیر و مار و ظرف، آشکارا مشخص هستند (شکل ۱۱).

روی بسیاری از نقوش که صحنه قربانی گاو یا تولد میترا نموده شده، چهار گوشه آن مزین به تصاویر خدایان باد است. خدایان مذکور در گیسوان خویش بال و پر دارند و گونه‌های متورم آنان معرف دمیدن اینان بر روی باد است. در مذبح مهرکده شماره سه کارنوتوم خدایان باد و فصول دور یکدیگر جمع شده‌اند. بخش قدیمی نقش مذکور خدای آسمان (کائوس) را نشان می‌دهد که محاسن انبوه دارد و بهار و تابستان که به شکل دو مرد جوانسال، یکی مزین به تاج گل و دیگری آراسته به خوشه گندم هستند، همراه اویند. روی بخش راست مذبح مزبور سالخورده مردی می‌بینیم با ریش بسیار که ایستاده و روپوشی دارد دراز که روی سرش کشیده و این پیرمرد نماینده زمستان است. پهلوی او خدای باد (اوسترا^۱) دیده می‌شود که مشغول دمیدن در شاخی است.

1. Auster

این خدا به شکل جوانی عربان منقوش گشته که بال و پر در گیسوان دارد. بخش چپ پائیز را نشان می‌دهد که معرف آن خوشه‌های انگوری است که سر پیرمرد را مزین کرده و همراه پیرمرد، فاوونیوس^۱ باد شرطه دیده می‌شود. دو ایزد دیگر باد اوروس^۲ و سپتانتریو^۳ روی بخش خلفی مذبح نقش بسته‌اند.

هرودوت (۱، ۱۳۱) می‌گوید که در قرن پنجم قبل از مسیح ایرانی‌ها به خورشید و ماه و زمین و آب و باد پیشکش می‌داده‌اند. مطالب منقول هرودت بعدها مورد تأیید استرابون^۴ قرار گرفت و در آنچه که مربوط به آئین میترا می‌شود، یکسره واقعیت دارد. مهرپرستان معتقد بودند که روح انسانی می‌تواند از سیارات هفتگانه عبور کند و همین طور می‌پنداشتند که ایزدان باد قادر به تسهیل یا ممانعت از این عبور و انتقال هستند. به این علت است که می‌بینیم در برخی نقوش، گاهی خدایان باد به طرف بالا می‌دمند و گاهی به سوی پائین. چنان که دیده می‌شود عقاید نجومی مهری‌ها در عقاید مربوط به عالم علوی آنان سخت مؤثر بوده است.



شکل ۶۶: نقش ابدالی به همراه خدایان باد و ژوپتر است. صحنه قربانی گاو

1. Favonius

2. Eurus

3. Septentrio

4. Strabon

مسئله زن

تحقیق در آئین میترا مسئله‌ای را مطرح می‌کند که مربوط به زنان است و آن این است که آیا نمایندگان جنس ضعیف می‌توانستند به فضیلت تشریف به اسرار دین نایل گردند؟ طرح کردن چنین مسئله‌ای برای ما غربی‌ها که عادت به تساوی حقوق و امتیازات زن و مرد داریم ممکن است عجیب جلوه کند و در این که خدائی منحصرأ به مخلوق مذکرش التفات کند و زنان را مطرود، ظلمی عظیم می‌بینیم. اما این نکته را بر فور تذکر بدهیم که طرد یکی از اجناس دوگانه بشر در آئین میترا انحصاری مهرپرستان نیست، چون مثلاً اگر در آئین الوزیس^۱ و سی‌بل و دیونیزوس نریته و مادینه هر دو می‌توانند به رموز دین واقف گردند. برعکس در برخی مسلک‌ها نظیر آئین بُنا^۲ مردان یکسره مطرودند و فقط زنان حق شرکت در آن را دارند. پورفیریوس در یکی از صفحات بسیار مشکل کتاب خود موسوم به در باب امساک^۳ می‌گوید: سالکانی که در مراسم دین مهری شرکت می‌کنند شیر نام دارند و زنان به گفتار موسومند. این نکته را هم باید اضافه کرد که صفحه محتوی بر مطالب مذکور ابهام بسیار دارد. چون قطع نظر از این که در متن منقول به مرور ایام آشکارا دخل و تصرف شده و مورد اطمینان تام نمی‌تواند قرار گیرد، در هیچ سنگ نوشته و نقش برجسته‌ای نیامده که یکی از مراحل تشریف مرحله گفتاران است. در حالی که مسئله مدارج تشریف یکی از مسائل دین مهری است و در باب آن اسناد و

1. Eleusis

2. Bona Dea

3. De Abstinencia

مدارک کافی و کامل در دست هست و شک و شبهه‌ای در آن باقی نمی‌ماند. اما ایراد وارد باقی می‌ماند. اگر لفظ هی‌آینا^۱ (گفتار) به واژه لآینا^۲ (ماده شیر) بدل شده باشد، ما نام شیر ماده را در هیچ یک از مراحل گوناگون سلوک مهرپرستان پیدا نمی‌کنیم. لفظ «شیرزن» را یک بار، آن هم در شرایط مخصوص می‌یابیم. در دهکده گیگاریش^۳ در هفت کیلومتری غرب طرابلس دو گورستان یافتند که در پهلوی یکدیگر درون صخره‌ای حفر شده بودند. جدارهای این دو گور اتاق مانند با سلیقه نقاشی شده‌اند و دارای محلی محراب‌مانند هستند که در آن قبر واقعی قرار گرفته است.

به وضوح پیدا است که گور مذکور مدفن یک زن و شوهر است و در مندرجات روی سنگ قبر آمده که نام زن آئلیا آریزوت^۴ و نام شوی آئلیوس ماگنوس^۵ است. روی سرپوش تابوت تصریح شده که شوهر لئو^۶ (شیر) بوده و همسرش لئا^۷ (شیرزن) و این نکته را وجود دو شیر نر و ماده منقوش تأیید کرده است. بنابر آنچه گذشت آیا می‌توان نتیجه گرفت که قبر مزبور متعلق به یکی از مهری‌ها است که در سلسله مراتب مقام شیر را داشته است؟ کوچکترین رد پائی از وجود آئین میترا در ناحیه گیگاریش به دست نیامده و یافتن مقبره مذکور به هیچ وجه ما را مجاز به نتیجه‌گیری نمی‌کند.

شاید نقش آدم نزدیک نوشته‌های دیواری مربوط به مردی می‌شود که مشعل در دست دارد و می‌دود. چنین آدمی را در صف شیران منقوش در سنت پریسک رم می‌بینیم.

اگر مرد مورد بحث یکی از شیرمردان میترا است، بدون خطر لغزش می‌توان قبول کرد که زنش هم درجه شیرزنی را داشته و البته چنین وضعی در دین میترا حالتی استثنائی و جماعت این شهر ائاً اولین جماعتی است در غرب

1. Hyaina

2. Leaina

۳. Guiogariche در عهد باستان این شهر به oea موسوم بوده است.

4. Aelia Arisuth

5. Aelius Magnus

6. Leo

7. Lea

که زنان را در جرگه خود راه داده است. در تمام اسناد موجود دیگر فقط صحبت از مردان است و زنان را در مراسم راهی نیست. اگر بر حسب تصادف در سنگ نوشته‌ای نام زنی هم آمده، عنوان و منصب او یاد نگردیده است و به طور کلی این تصور اساسی برای محقق پیش می‌آید که آئین میترا بیشتر برای مردان ساخته شده بود تا برای زنان. بر این سیاق دین مهری مفهوم باستانی کلان^۱ (قبیله) را حفظ کرده بود که غرض از آن حفاظت اسرار و انتقال انحصاری آن به گوش مردان قبیله بود، مردی که همچون رئیس خانواده نماینده خانواده هم هست. به این مردان لقب مردان مقدس^۲ داده می‌شد. ترتولین رومی نوشته که دینمرد اصلی اینان فقط یک بار می‌توانست ازدواج کند. نکات مذکور یادآور مفهوم کاست‌های سربسته مغان است و رهنمودهایی که اوستا بخصوص به رئیس خانواده داده. در یشت (X ۱۸) آمده: «اگر رئیس خانواده‌ای یا دارنده کاخی، یا صاحب ایالتی و یا رئیس کشوری به میترا دروغ بگوید، میترا خشمناک و آزرده می‌گردد و خانه و قصر و ایالت و کشور را تکه تکه می‌کند.» در ادامه همین مطلب ترتولین در جای دیگری از کتابش دقت را به این نکته معطوف می‌کند که در آئین میترا مردان و زنان^۳ بر حسب سنت جاری از آمیزش خودداری می‌کردند و از معاشقه جسمانی احتراز می‌نمودند. البته زنان هم به طریق مذکور مجاز به وقف خویشان در راه میترا بودند، ولی در مراسم دین مجاز به شرکت در مناسک سری نبودند. این ویژگی دین مهری را فقط ترتولین مورخ (که در سال ۲۰۰ مسیحی می‌زیست) نقل کرده است. استاد ت. و. فلگراف در این مورد این پرسش را مطرح کرده که اگر برخی درجه‌داران مهری نظیر نمفوس‌ها که با میترا از طریق ازدواج عرفانی مربوط شده بودند، آیا اجازه ازدواج جسمانی هم داشته‌اند یا نه؟ اگر جواب منفی باشد، نمفوس‌هایی که ترفیع مقام نیافته بودند، جزء پرهیزکاران (یعنی آمیزش جسمانی نمی‌کردند) به شمار می‌آمدند و به نظر من مشکل فوق

1. Clan

2. Virisacрати

3. Virgines

می‌تواند تا حدودی حل گردد. از لحاظ مذکور این نکته جالب توجه است که در ناحیه دورا اکثریت مشرفان از نمفوس‌ها هستند و در سنت پریسک اکثریت پرهیزکاران قلمداد شده‌اند. اضافه بر این ترفیع به مناصب عالی‌تر در سلسله مراتب تشرف نسخ تشرفات مسبوق به قبل نیست، و از این لحاظ اسناد مربوط به خانواده کامنیوس^۱ بسیار جالب توجه است. دو کتیبه در شهر رم در محل معبد سی‌بل در واتیکان یافته‌اند که یکی از آن‌ها در تاریخ ۱۹ ژوئیه سال ۳۴۷ مسیحی تحریر شده و از طرف شخصی به نام آلتینیوس کیونیوس ژولیانیوس وقف آن بقعه مقدس شده است. این شخص، میان وظایف دینی دیگر، مناصب پیر^۲، معلم^۳ و منادی مقدس^۴ را نیز در مراسم دین مهری داشته است. نکته تعجب‌آور این است که مرد مزبور با اینکه صاحب مهم‌ترین مناصب دین بوده، با این وصف به سمت منادی بودنش هم اشاره می‌کند؛ در حالی که این منصب دون پایه و متعلق به کلاغ است. در باب کامنیوس مذکور این را هم می‌دانیم که در ۳۸۵ بعد از مسیح (پیر پیران) بوده و موقعی که در آنتیوم^۵ به بخشایش ایزدی پیوسته، باز هم صاحب منصب مزبور بوده است. همسرش بعد از فوت شوی، متن زیر را که بخشی از منظومه‌ای بزرگ‌تر است، روی سنگ گورش

نویسند:

«کودکان خردسالت برگور تو ضجه می‌کنند و همسر مهربانت اندوهبار از غیبت وجود تسلی بخش، همچون یتیمی تنها در بستر عفاف می‌خسبد.»
چرا کامنیوس در زمانی که منصب نمفوس داشت و از مقام کلاغ به منصب «پیر پیران» ترفیع می‌یافت، ازدواج نکرد؟ محقق است که رهروان پرهیزگار عالمی و عامداً از ازدواج پرهیز می‌کردند، حتی اگر ترتولین نوشته که بنا به فرمان میترا «پیر» نمی‌توانست بیش از یک بار ازدواج کند.

1. Kaménius

2. Pater

3. Magister

4. Hieroceryx

5. Antium

به خدای شکست‌ناپذیر خورشید (میترا) هدیه شده که ژولیانس سخت بدان گرویده بود. در این معبد اضافه بر مذبح و نقوش برجسته‌ای که وقف آن شده، تابوتی یافتند که پر از استخوان‌های انسان بود.

از این اکتشافات و منقولات حیرت‌انگیز، نویسنده مقاله مذکور این طور استنتاج می‌کند که ژولیانس شهزاده جوانسال روزی به هنگام لشکرکشی برضد دایش قسطنطین از محل مزبور می‌گذشت و انسانی قربانی بکرد. استخوان‌های مرد مقتول که تا به امروز مانده گواه وحشتناک این حادثه است. اما این هم هست که نزدیک مدخل مهرکده سن کلمان رم دو آخور از جنس قلوه سنگ یافته‌اند که ریخت تابوت دارد. این کشف اهمیت اکتشاف زاربورگ را ندارد. کشفی که در زاربورگ شد این بود که در ته مهرکده نقش برجسته‌ای از میترای گاوکش یافتند که روی آن جسد مردی سی تا چهل ساله قرار داده شده بود. صورتش متوجه زمین و میچ دستانش به وسیله زنجیری آهنین بسته شده بود. بر این حساب اگر قتل مذکور واقعاً نوعی قربانی بوده و در راه میترا شده، ناگزیر تاریخ آن متعلق به قرن‌ها قبل از ممنوعیت قربانی انسان به وسیله تیریوس امپراتور روم است که بخصوص نظرش متوجه قربانی کردن کودکان در مراسم دینی مربوط به ساتورن در افریقا بوده است (ترتولین). آدریانوس امپراتور هم در امر ممنوع ساختن قربانی مداخله کرده و این نکته را پالاس متخصص و متدین به دین میترا ذکر کرده و شاید غرض او از درج این مطلب مبری کردن خدای ایران از این گونه اتهامات بوده است. سرانجام ممنوعیت قربانی رسماً در کتاب قوانین از رساله پولوس^۱ مسجل گشت. ولی در آنچه که مربوط به ژولیانس می‌شود، احتمال این که این شاهزاده قانون ممنوعیت را نقض کرده باشد بسیار کم است. چون بنا به گفته پالاس اعتقاد به امتناع از قربانی دادن کاملاً متوافق با احترام عمیق ژولیانس نسبت به خورشید شکست‌ناپذیر بوده است.

آئین میترا و قربانی آدمیزاد

هرودوت می‌گوید: یکی از عادات ایرانیان باستان این بوده که به عنوان سپاسگزاری از ایزدان ساکن زیر زمین انسان‌های زنده را در خاک دفن کنند. گویا زوجه خشایارشا، آمستریس^۱ هم دوبار هفت نوجوان نجیب‌زاده ایرانی را به طریق مذکور کشته است. برای بعضی این سؤال مطرح شده است که اگر این عادت پیش ایرانیان وجود داشته آیا در آئین میترا هم به آن عمل می‌شده است. برخی نوشته‌های باستانی و بعضی اکتشافات ظاهراً عقیده مذکور را تأیید می‌کنند. از این نوع اسنادند نوشته‌های لامپریدیوس^۲ در کتابی که در تذکره احوال کمد امپراتور رم (۱۸۰-۱۹۱) نوشته می‌گوید: امپراتور مذکور مرتکب قتل شده و با این جنایت مناسک مهری را آلوده کرده است. دو قرن بعد مردی سقراط نام (قرن چهارم و پنجم مسیحی) که مورخ کلیسا بوده نوشته که همزمان با مناسک مهری «یونانیان مردانی چند را بکشتند.» اخیراً دانشمند مجار ماسالسکی^۳ آن قتل را که مورخان قدیم به کمد نسبت داده بودند، به امپراتور ژولیانس منسوب کرده است.

در اطراف جاده سابق شهر سوپرون^۴ به پترونیل^۵ نزدیک قصبه فستوراکس^۶ در مجارستان از درون معبدی مقداری اشیاء عتیقه یافتند و دانشمند مذکور طی مقاله‌ای به مناسبت کشف مذکور نوشت: پرستشگاه مزبور

1. Amestris

2. Lampridius

3. Massalsky

4. Sopron

5. Pètronelle

6. Festôrakes

1. Paulus, V, 23,16

در مورد کُمد باید قبول کرد که بر فرض این هم که نقل قول لامپریدیوس صحیح باشد (چون همیشه این طور نیست) و کمد مرتکب قتل نفس شده باشد، خود لامپریدیوس می‌گوید: «در دین مهری متدینان عادت به تفوه به قربانی و یا تظاهر بدان را داشتند، چون غرض آن‌ها ایجاد وحشت بیهوده‌ای بود.» این سنت که نقوش دیواری کاپو ظاهراً مؤید آن است، شاید خاطره‌ای است از قربانی مذهبی که احتمالاً در شرق معمول بوده و در غرب بعد از انتشار مسلک مهری منسوخ گردیده است.

این نکته را نباید فراموش کرد که یونانیان و رومی‌ها قربانی کردن انسان را به مثابه اعمال نفرت‌انگیز و ناشایست برای انسان متمدن تصور می‌کردند و از طرف دیگر برای از سکه انداختن یک مذهب طریق بهتری از متهم کردن رهروان آن به قتل نفس یافته نمی‌شد. این بود که اتهام قتل نفس، حربه‌ای بود که مدام به آن توسل می‌جستند و البته سخت مؤثر می‌افتاد.

این شد که مهرپرستان نظیر همین اتهامات را به مسیحیان زدند. از آن چه گذشت این نتیجه را می‌شود گرفت که وجود تابوت در مهرکده فستورا کس به این علت است که معبد درون صخره‌ای تراشیده شده و چون دیگر به عنوان پرستشگاه از آن استفاده نکردند به مقبره‌ای بس مناسب برای ساکنان حول وحوش تبدیل شده است. قرائن و امارات بازیافته در زاربورگ معرف این است که جسد موجود در مهرکده مزبور در واقع متعلق به زمانی است که بعد از آن مهری‌ها این معبد را رها کرده‌اند و دیگر مراسم دینی در آن انجام نداده‌اند. قتل مرد بازیافته در آن پرستشگاه احتمالاً مولود انتقام‌جویی شخص دیگری بوده است. مطابق معتقدات ایرانیان باستان، جسد انسان معبد را الی‌الابد پلید و غیرقابل استفاده می‌ساخته و این خود یقیناً هدف دشمنان دین مهری بوده است.

سرودهای مقدس

هرودوت «پدر تاریخ» به این طریق مراسم قربانی نزد ایرانیان را توصیف می‌کند: «به هنگام فدیّه، یک پارسی نمی‌تواند فقط برای خویشتن لطف خداوندی را مسئلت کند، از این رو باید آرزویش نفع عام داشته باشد. در حین مراسم، پارسی متدین حیوان قربانی شده را پاره می‌کند، چیزی تخت مانند از علف‌های تازه و شبدر می‌سازد و روی آن گوشت جانور را قرار می‌دهد. چون همه چیز بر منوال مذکور قرار یافت، موبدی نزدیک می‌شود و سرود چگونگی زایش و پیدایش خدایان را می‌خواند. چند قرن بعد استرابون^۱ جغرافیادان کیفیت استماع سرودهای مقدس را به هنگام مراسم قربانی توصیف کرده و پوزانیاس^۲ باستان‌شناس هم در معبدی در لیدیّه نحوه قربانی کردن در راه خدای ایران را به چشم دیده و گفته که ایرانیان ادعیه و اورادی می‌خواندند که به گوش یونانیان غیرقابل فهم بود. مطالبی که هرودوت در باب سرود موسوم به زایش و پیدایش خدا نوشته، خواننده را یاد یکی از سرودهای اوستا می‌اندازد. مع‌ذلک این نکته بعید می‌نمود تا این که کشفی در زمینه باستان‌شناسی شد و متیقن گشت که در مراسم دینی مهری یکی از سرودهایی که زرتشت و موبدان می‌خواندند، خوانده می‌شده است. در سال ۱۹۲۶ طی کاوش‌هایی که در مهرکده دیبورگ آلمان می‌کردند، نقش برجسته‌ای یافتند که موقوفه معبد بود و در نوع خود مطلقاً بی‌نظیر می‌نمود. نقش مزبور را دو برادر

1. Strabon

2. Pausanias

به نام‌های سیلوستریوس سیلونیوس^۱ و سیلوستریوس پرتوس^۲ و نوه یکی از آن‌ها موسوم سیلونیوس اورلیوس^۳ به پرستشگاه هدیه کرده بودند. بر حسب آنچه که بر روی نقش برجسته منقوش است پرتوس پینه‌دوز و سیلونیوس سنگتراش بوده است. و همین سنگتراش بوده که دو رویه نقش را نقاشی کرده



شکل ۶۷. نقش پشته‌ی یک تصویر دوسویه از اسطوره فائتون

است. لوحه مزبور می‌توانسته روی محور مرکزیش بچرخد و به این علت در خلال مراسم می‌توانستند متناوباً دو صورت نقش را بنمایانند. در اینجا آنچه جالب توجه ماست، نقش پشته‌ی لوح مزبور است که در چهار گوشه آن سر ایزدان چهارگانه باد حک شده و دایره‌ای می‌بینیم که نمودار

1 Silvestrius Silvinus 2 S. Perpétus 3 S Aurelius

گنبد آسمان است و در آن اضافه بر بسیاری جزئیات، میت (اسطوره)^۱ فائتون (شکل ۶۷) نیز کنده شده است. فائتون که مردی است میانه سال و نامش به معنای «رخشنده» است، از پدرش هلیوس (خورشید) اجازه می‌خواهد تا روزی ارابه خورشید را براند، تختی در مقابل مدخل کاخش قرار گرفته و هلیوس روی آن نشسته است. تقاضای فائتون مورد قبول قرار گرفته و چهار مرد جوانسال که همان ایزدان تیزتک باد باشند، ارابه هلیوس را به چهار سمت گوناگون هدایت می‌کنند. در اطراف تخت چهار زن هم دیده می‌شوند که بدون شک مجسم‌کننده چهار فصل هستند. در قسمت تحتانی نقش اسانوس الهه‌ای دیده می‌شود که کوزه‌ای (یعنی عنصر آب) به دست دارد، و الهه‌ای دیگر شاخی مملو از میوه (یعنی عنصر زمین) در دست گرفته است (شکل ۳۹). مهرپرستان چه معنا و مفهومی برای این اسطوره که بی‌دلیل در کاخ خورشیدی نرون عرضه نشده است قائل بوده‌اند؟ فرانتس کومون این مشکل را با تیزی بسیار حل کرده است. چون به طوری که نونوس^۲ شاعر رومی (آخر قرن چهارم مسیحی) گفته، میترا «فائتون آشوری‌ها در ایران» بوده و در محلی دیگر همین شاعر میترا و فائتون را در یک جا ذکر می‌کند و البته نونوس اولین کسی نیست که چنین عقیده‌ای را می‌آورد، چون خطیب مشهور دیوکریزوستوم هم در کتابش متن یکی از سرودهای موبدان را که در «مراسم سرّی دینی» خوانده می‌شده آورده است. اما سرود مذکور شباهت‌های بسیاری با سرودی دارد که به افتخار فائتون خوانده می‌شده. فائتون که زئوس مجبور شده صاعقه بر سرش نازل کند تا زمین از پیموده شدن به وسیله او (فائتون) در امان بماند. مطالب منقول در سطور زیر حاصل مشاهدات و مسموعات دیوکریزوستوم طی سفرهایی است که در حوالی سال ۱۰۰ مسیحی به آسیای صغیر کرده و در خلال آن با موبدان محصور گشته. خدای اعظم یا ایزدبیرین ارابه‌ای می‌راند که چهار اسب آن را می‌کشد و این اسب‌ها نمادهای عناصر چهارگانه‌اند و جاودانه حرکت دورانی

1. Mythe

2 Nonnos

دارند. آن اسبی که در بیرونی ترین نقطه دایره قرار گرفته تیرتک ترین اسبان و نماد آتش است. اسب دوم بطئی تر و از این رو نماد هوا است، سومی آب را می نمایاند و چهارمین روی محور خود دور می زند تا معرف گردش زمین باشد، و در عین حال اسبان دیگر به دور او چرخ می زنند. چنین چرخشی مدنی مدید در نهایت هماهنگی انجام می گیرد، اما زمانی هم می رسد که آن اسبی که در بیرونی ترین نقاط دایره قرار دارد آتش به جان دیگر اسبان می اندازد. یال و موی اسبی که نماد زمین است (مراد از زمین گل و گیاه است) در شعله آتش می سوزد، ارابه نیز نابود می گردد و نهایتاً با ارابهران یکی می شود. گوئی که دستی هنرمند ارابه را از مومی نرم خمیر کرده تا از آن شکل و ریخت تازه ای به وجود آورد.

و این داستان که اسب نماد آتش با نفس سوزای خویش اسب نماینده زمین را می سوزاند، به غایت مشابه داستان بدفرجام فائتون است. چون در داستان فائتون اسب نماینده آب فاجعه ای دگر به پا می کند و تعلق او طوفان نوح ایجاد می کند و این دو فاجعه تصویرکننده ویرانی نهائی عالم است. مریدان افلاطون و رواقیان به داستان فائتون و ناپختگی او تمثل می کردند تا آینده عالم و احتراق^۱ و انهدام آن را به مردمان بنمایانند. لفظ آستما^۲ را که دیوکریزوستوم برای اسب نمودار آتش استعمال کرده در مهرکده دورا اروس باز دیده می شود، شاید هم که در معبد سنت پریسک اشاره به همین احتراق نهائی عالم باشد که طی آن ارابه با ارابهران یکی می گردد. در آیه ای خصوصاً آمده که متدینان به دست شیرهای بخور سوز، همچون نمادهای آتش، سوخته خواهند شد. آن طور که از نقش دیبورگ برمی آید، مهرپرستان خدای خود را همچون عامل احتراق و انهدام عالم تصور می کنند و در این مورد البته دنباله رو آئین موبدان آسیای صغیر بودند که طی دوران هلنیستیک، میترا و فائتون را یکی پنداشته بودند.

۱. به یونانی Ekpurosis

2. Asthma

متون متأخر سنت پریسک رُم

این نکته را در اینجا باید متذکر شد که اعضای جماعت مهرپرست معبد آواتن در حوالی سال ۲۲۰ مسیحی به مرمت نمازخانه پرداختند و بر وسعت آن افزودند. نقوش دیواری اصلی این معبد را از ماده ای مرمرگونه اندودند و روی آن ها نقوش جدیدی پرداختند. این پرستشگاه در پایان قرن چهارم میلادی به تصرف مسیحیان درآمد و اینان بسیاری از تصاویر را با ضربات تبر خرد کردند. آثار صدمات هنوز روی جدار چپ معبد قابل رؤیت است. شگفت آن که چون هنرشکنان مسیحی آثار مذکور را به ترتیب مزبور مصدوم کردند، خطوطی چند از پس بریدگی ها هویدا شد و موقعی که نقوش را از زیر خاک بدر آوردند، زیر قشر فوقانی مرمری رنگ حروفی یافتند که به زحمت قابل تشخیص بود. کم کم موفق شدند که قشر فوقانی آن را با احتیاط جدا کنند، به تدریج از حروف کلمات پدید آمد و از کلمات جملات و معنای نوشته های نقش شروع به روشن شدن کرد. متون باز یافته مزبور اهمیت بسیار دارند، چون تمام کتب قدیمی ای که در باب آئین و مراسم نیایش مهرپرستان چیزی نوشته اند، مفقود شده اند و متن مورد گفتگو از نوادر اسناد موجود در باب شاعر دین مهری است. ما در سطور زیر چند نمونه از متون مذکور را همراه با تفسیری خلاصه می آوریم. دانشمندان هلندی در معبد مزبور کاوش هایی کرده اند و نتایج نهائی تحقیقات آن ها بعداً در کتابی مفصل منتشر خواهد شد. تمام متون مذکور به نظم و از ابیات شش یا پنج هجائی بر ساخته است،

به غیر از یک مورد که ابیاتش از لحاظ عروضی هجاهای بلند و کوتاه دارد. این ابیات با قلم مو نگاشته شده و اگرچه فواصل میان آنها نسبتاً برابر است، ولی حالت عمومی آنها کمی مغشوش است؛ مثلاً سطور همیشه افقی نیستند و بزرگی آنها همیشه یکسان نیست. نویسنده کتیبه مذکور حتی در یک کلمه، یک حرف را فراموش کرده و بعد که متوجه آن شده به اضافه کردن آن پرداخته است و این اصلاح بعدی بخوبی هویدا است. در برخی جای‌ها دو یا سه سطر زیر یکدیگر نوشته شده‌اند، بدون این که اصلاً رابطه‌ای بین آنها موجود باشد (البته شاید یک مورد مستثنی باشد). احتمال دارد که این ابیات متعلق باشند به قصیده‌ای و یا آوازی مقدس که مهرپرستان البته از بر می‌خواندند. این هم بعید نمی‌نماید که هر یک از قطعات مذکور، ابیات آغازین منظومه‌ای باشند که بقیه آن در کتیبه نیامده است. اثبات این امر مشکل است و چون قدر متیقن نیست امکان این هم هست که اشعار فوق ابیاتی باشند جدا جدا و یا متونی باشند که اختصاصاً برای قرار یافتن در معبد مذکور به رشته تحریر درآمده‌اند.

برخی متون قواعدی در زمینه گفتار و کردار و رفتار به دست می‌دهند و بعضی از آنها وقف باز نمودن مسائل دین و اعمال عالیه خداوند است. درست مثل آئین اخلاقی رواقیان تعلیمات دینی مه‌ری بر محور معضلات زندگی روزانه می‌چرخد. این نکته اصلی است مسلم که انسان چون گرفتار مشکلات شد به سراغ یافتن تکیه گاهی می‌رود و آئین میترا هم آماده برای تکیه گاه شدن است.

مثلاً یکی از مواعظ مکتوب روی نقش به قرار زیر است:

«ای مردم با ایمان، بر شماست که لحظات تیره زندگی را متفقاً به انجام دادن مراسم عبادی پردازید که غرض از آن معاونت و همکاری با یکدیگر، برآوردن حوائج متقابل و رعایت مبادی انساندوستی است. مردان معتقد به یک مذهب همچون برادرانی هستند که به هیئت اتفاق مناسک دین مهر را که مشحون از نمادهای درخشان و گونه‌گون است انجام می‌دهند.»

در آنجا که خواسته متانت و استقامت را موعظه کند، چنین گفته است: «خورشی که از جگر ما کیان بر ساخته‌اند، سخت گواراست، اما آنچه حاکم بر زندگی ماست، دغدغه خاطر و نگرانی است.»

حتی امروز نیز جگر مرغ نام یکی از خوراک‌هائی است که روی صورت غذا (آش‌نامه‌ی رستوران‌های ایتالیا دیده می‌شود و آن به این علت است که سخت دلپذیر است و بر لذایذ موجود در سفره طعام می‌افزاید. اما مصائب و دغدغه‌های زندگی نیز در میان همین لذایذ جای دارد و هوراس^۱ شاعر لاتینی فرموده: «اگرچه سوارکار تیز تک است، اما در ترک اسب خویشتن غم‌ها دارد.»

مراسم عبادی نیز سختگیرانه است و تشریفات بیهوده زیاد ندارد. هیچ وقت معابد مه‌ری تبدیل به پرستشگاه‌های گردنفرز عظیم پیکر نشدند و هیچ وقت متدینان به دنبال تزیین و آرایش خارج از اندازه اماکن مقدسه دین خویش نرفتند. آن که مرید میترا است، اگر هم ثروتمند باشد، در هنگام انجام دادن مراسم به سادگی لباس می‌پوشد و خصوصاً کمال را در تهذیب نفس می‌بیند، چون خود را آماده زندگی اخروی می‌کند و آن زندگی مشابه حیات این جهانی نیست.

«در اینجا قوچی را می‌بینیم که در سر ردیف گله قرار گرفته و قوچ‌های دیگر به قاعده و مقیداً در عقب او دوایند.» گله‌ای که راهبرش قوچ باشد، تصویری است از جماعت مهرپرستان که مرشد و پیر آنان هم ملزم به حرکت در راسته چهارپایان است. این همه تأکید در امر نظام و نسق و ردیف و دسته و صف محقق را به سپاهیگری می‌کشاند و یاد سربازانی می‌اندازد که از فرامین فرماندهان خود تبعیت می‌کنند. از آنچه گذشت معلوم شد که میترا در مراسم عبادی دین حکم فرمانده کل را دارد. الفاظ دویدن^۲ و مقیداً^۳ به یک اعتبار

1. Horace 2. Currere دویدن
3. Restrictius = فترده، مفید، متقیبض

متضاد یکدیگرند، چون در «تقیّد» «خویشتن داری» مستتر است. خویشتن داری و کف نفس از سجایای سرباز مهری است. چه درجه نظامی اش بالا باشد و چه پائین. بعد از این مواعظ برخی آیات می آیند که تصور می رود یقیناً مأخوذ از سرودهای مقدس باشند.

«زمین باروری گه در آن پالس^۱ همه چیزی را تولید می کند.» در این مراسم نیز مثل آئین قربانی گاو می بینیم اعتقادات رسمی دولتی رم بر آئین مهری اثر گذاشته است. پالس خدائی است باستانی، متعلق به رم و نامش مرتبط با نام پالاتن^۲ است. و پالاتن همان تپه ای است که به موجب اکتشافات باستان شناسی اخیر، شهر رم (جاویدان شهر) روی آن ساخته شده و به این دلیل است که پاللیا^۳ یا پارلیا را روز ۲۱ آوریل جشن می گرفتند. چون این روز را تاریخ بنای شهر رم می دانستند. در کتابش موسوم به فاستی^۴، اوید^۵ نام های مراسم دینی جاری در زمان خود را با جزئیات بسیار به رشته تحریر در آورده که در زیر می آید. اوید نخست به درگاه خدایان استغاثه می کند و از آن پس نخست مراسم مجری در شب جشن را توصیف می کند و از طرق تصفیه و تزکیه نفس سخن می گوید. پس از آن می نویسد، شب قبل از شب جشن آغل بره ها را با گل و گیاه می آریند و با گوگرد بخورش می دهند و بره ها را می شویند و پاک می کنند. در همین روز به شمایل الهه شیر نیم گرم می یاشند، بر او نماز می گزارند و همچون دایه از او نام می برند و استغاثه می کنند و بخشودگی گناهان ارتكابی را از او می خواهند. سپس از درگاه او عافیت و نیک بختی انسان و غنم و حشم را مسئلت می کنند. دعایشان این است: «پروردگارا خشکسالی را از میان بردار تا سبزی و گیاه به فراوانی بروید.» این دعا را باید چهار بار خواند و در موقع خواندن صورت را باید به سمت شرق متوجه داشت. بعد از دعا از روی کنده هیز می فروزان می جهند و خود را به آب می شویند.

1. Pales
4. Fasti

2. Palatin
5. Ovide

3. Pallia

اُوید چند گونه توجیه از رسم مذکور می کند. به عنوان مثال، آئین مزبور را متأثر از فائتون و دوکالیون^۱ می بیند که مراد از آن ها انعدام جهان به وسیله آتش جهانسوز و طوفان نوح است. بر این حساب درمی یابیم چگونه دین مهری مراسم مذهبی مخصوص پالس الهه باروری را به مراسم خود الحاق کرد؛ همان طور که آئین قربانی گاو را به مناسک آئین خود افزود. پالس نیز درست مثل میترا باروری به جهان می بخشد. تطهیر جسم به کمک آب و آتش و نیز استناد به فائتون محققاً الحاق پالس رومی را به آئین مهری تسهیل کرده است. در معابد، مهری ها جشن به افتخار پالس را موافق سیرت و سنت آئین خویش می گرفتند.

آیه ای را که در فوق تفسیر کردیم اولین آیه از یک سلسله آیات است و روی این اصل می توان سؤال کرد که آیا بقیه آیات نظام حساب شده ای دارند که مراد از آن وصف تحول جهان از آغاز تا انجام است؟ متن دو آیه آخرین، یعنی آن دو آیه ای که روی یک دیوار در قسمت دست راست آن نوشته شده اند به شرح زیر است.

«بگیر ای پدر مقدس، شیران بخور سوز را، به دستیاری شیران بخوری را که سوزاننده خودماست به تو هدیه می کنیم.» از «پیر» معبد که لقب مقدس را دارد خواهش می کنند تا «گروهی از اشخاص را که درجه «شیر» دارند در مراسم دینی خود بپذیرد.» اشخاصی که درجه شیر یافته اند از متشرّفان بلند پایه هستند و در سنت پریسک تصویر چند تن از آنان را می بینیم. اینان نماد عنصر آتش هستند، بخور می سوزانند و احگر فروزان پیشکش خدا می کنند و این نکته یادآور نقش بازیافته در ارگیلی (داسکی لیوم) است و آن دو موبد را نشان می دهد که دهان خود را برای احتراز از پلید کردن آتش (شکل ۱۸) با پنام بسته اند و آتش هدیه می کنند. در اینجا این سؤال پیش می آید که آیا آیه دوم رابطه ای با آیه اول دارد؟ و چون جمله با ضمیر نسبی شروع می شود، می توان

1. Deucalion

انتظار جواب مثبت داشت، گو این که در هیچ جای دیگر دو آیه مکمل یکدیگر نیستند. اما فرض بر این اساس است که آیه دوم همان موضوع بحث شده در آیه اول را پیش می‌کشد و آن موضوع نذر و نیاز و هدیه بخور است. بر این مبنا ضمیر نسبی، به شیر راجع می‌شود و معنا این می‌شود که با پایمردی شیران، ما یعنی اعضای دیگر جماعت مهري، بخور را هدیه می‌کنیم و به وسیله این بخور، ما، یعنی جماعت مهري، در شعله‌های آن می‌سوزیم. وقتی که جهان و ما در آتش سوختیم (داستان اسطوره فائون را ببینید) و بدان طریق پاک شدیم، مردان راستین به فروغ جاودانی^۱ یعنی خورشید و میترا ملحق خواهند شد. مثل بخوری که در هنگام احتراق رایحه خوشبوی و خوشایند متصاعد می‌کنند ما نیز مثل بخور یا شمع خواهیم سوخت (شیر شمع به دست را نگاه کنید) و به عطر قدس معطر خواهیم شد. در اینجا است که تأثیر آئین رواقی که رجعت به روشنائی را همچون فرجام مصائب زندگی می‌داند، به وضوح دیده می‌شود و جای تعجب نیست اگر مهرپرستان آتن مجسمه‌ای به افتخار کریزیپ^۲ (خریسوس) حکیم معروف رواقی یونان برپا کرده‌اند.

فستوزیر، از پژوهندگان آباء مسیحی در کتابی به نام «تقدس»^۳ توصیفی دلکش از مصائب هرکول به دست داده است. زئوس و اوریسته^۴ تحت فرمان هرکول هستند و به فرزند خدایان (یعنی هرکول) هیچ ترحم نکرده‌اند. اوست (یعنی هرکول) که استقامتی عظیم داشت و تحمل سختی‌ها نمود. مثل اولیس^۵، هرکول هم از دولت سر مساعی خود او بود که آنچه هست - یعنی قهرمانی فراموشی‌ناپذیر و مرجع تقلیدی برای بشریت - شد. هرکول جمع آورنده رنج^۶ و عقل^۷ در عین حال است.

هرکول نماد محنت و فکرت است. «هرکول دانشمند نیست، او کتاب نخوانده، آموزگار او فقط رنج بوده ولی او نفس خود را فتح کرده و به

- | | | |
|-----------------|--------------|----------------|
| 1. Lux Perpetua | 2. Chrysippe | 3. La Sainteté |
| 4. Eurysthée | 5. Ulysse | 6. Ponos |
| 7. Logos | | |

سرنوشت خود پیروز گشته. اوست که حاکم بر خود و بر سرنوشت خود است. این است قهرمان و فرزانه.»

رواقی‌ها و اپیکوریان می‌گویند شرافت در تحمل مصائب زندگی و پرهیزگاری است. میتراگاو را در غار کشید و به این ترتیب عمل خیر برای بشریت انجام داد.

«بر این سیاق تو ما را نجات دادی، چون خون آفریننده ابدیت را افشاندی.»

چون در عداد لشکریان میترا درآمد و سوگند یاد کرد، سرباز مهري ناگزیر است باری سنگین را روی دوش خود طی راه درازی که حیاتش نامیده‌اند حمل کند. سرباز مهري برای تقلید از خدایش و خدمتگزاری او باید رنج بسیار برد. اوست که گاو جوانسال را روی دوش حمل می‌کند. اما این گونه کوشش راهبر او به نجات اخروی است. «قهرمان مردی است عادل و دادگر و با این وصف رنج می‌برد. ولی از چنین بوته آزمایشی گذر کردن ثمر بسیار دارد.» لفظ «سرباز» در اصطلاحات حکمی رواقی به کار رفته و مشترک میان همه آئین‌های یونانی است که در آن‌ها مراسم تشریف به رموز دین واجب الاجرا است. در این مسلک‌ها مردمان متدین به طیب خاطر خود را بنده خدا و خاتون و الهه می‌سازند. مرد مؤمن چون ندای خدا و الهه را شنید به گروه متدینان می‌پیوندد. آبوله داستانی نقل کرده که در آن دینمرد اعظم (بر حسب اتفاق نام وی میترا نیست) لوسیوس^۱ نامی را به اسرار آئین ایزیس متشرف کرده چنین می‌گوید: «تو اکنون در کنف حمایت ایزد سرنوشت»، خدائی که بصیر است و حتی از پرتوافکنی خود ایزدان دیگر را نیز روشن می‌کند، قرار گرفته‌ای. پس چهره‌ای شادمان به خود بگیر، به طوری که هم‌نواز با سفیدی جامه‌ات گردد، پس آنگاه به چالاکی به صف یاران الهه مددکار پیوند. باشد که بی‌دینان ببینند و بر خطای خویش آگاه گردند. حال لوسیوس را ببینید که رحمت خدای بزرگ

1. Lucius

ایزیس، شامل حالش شد و از ملالی ستر نجاتش داد و چون چنین شد بر ایزد سرنوشت خویش ظفر یافت. با این وصف، اگر می‌خواهی اطمینان بیشتری بیابی، در این لشکر قدس شرکت کن، لشکری که چندی پیش از این، در آن سوگند یاد کردی، از این به بعد خود را وقف رعایت و اجرای شریعت آئین ما کن و از روی اراده کمر خدمت آن را بربند. چون وقتی که وارد در خدمت الهه شدی، آنگاه است که حقیقتاً محسنات آزادیت را خواهی چشید.»

نظیر معانی مزبور را در آیه زیر نیز می‌یابیم: «و فرمان ایزدان را تا پایان روی دوش‌هایم حمل کردم.» حال لوسیوس به اسرار تشریف یافته و از احکام اعجاز‌آمیز خدایان الهام گرفته و متمتع از نشاط ناشی از نظاره خدای اعظم ازیزیس^۱ است. ازیزیس که شخصاً فرمانروای آسمان‌هاست، وقتی که مثل هرکول یا خود میترا، مرید میترا از احکام الهی تبعیت تام کرد، نور پرفروغ خدا را می‌تواند نظاره کند.

مسیح با رنجی بسیار صلیب خود را به سوی تپه‌ای کشید و چنین ندا در داد: «باری که بر دوش من است قبول کنید و به من اقتدا بنمایید، زیرا من مشحون به رحمت و قلبی ساده و فروتن دارم، چون که یوغ من سبکبار است و بارم سبک.» (انجیل متی). سن پل (پل قدیس) همین مطلب را در «رساله خطاب به رومی‌ها» از نو آورده و می‌گوید: «در آن زمان که شما کمر در خدمت ناپاکی و سفلیگی بسته بودید، تمام اعضا و جوارحتان را به کار و می‌داشتید؛ حال که بنده عدل و داد شده‌اید، اعضای بدنتان را باید در خدمت تقدس بگمارید. زیرا آن موقعی که بنده عاصی بودید، از عدل و داد پیروی نمی‌کردید و خودمختار بودید. اما چه ثمری از آن به دست آورده‌اید؟ حال شرمش برایتان باقی مانده، چون انجام آن بالاخره مرگ است. اما حال که از گناه وارسته شده‌اید و عبودیت خدا را قبول کرده‌اید، از ثمر آن که «مقدس» شدن باشد تمتع ببرید که عاقبت آن حیات جاودانی است، زیرا که کیفر گناه

1. Osiris

مرگ است، اما رحمت الهی زیستن جاودانه است در خاطره مسیح، مسیحی که سرور ماست.»

روی دیوار جانب راست مهرکده هم چند خط ذیل که مربوط به تشریف دسته شیران است، دیده می‌شود:

درود بر شیران باد. سال‌های نو و سال‌های دراز.^۱ (متن لاتینی جمله منقول در پانویس آمده است.) واژه نما را در آن می‌بینیم که به معنی نماز است و منشاء ایرانی دارد و در چند جا استعمال شده است. وقتی به این جمله می‌نگریم در بادی امر گمان می‌کنیم تبریگی است به مناسبت سال نو و طرف خطاب هم شیران هستند، ولی فوراً این سؤال پیش می‌آید که چرا منحصرأ دسته شیران از چنین لطفی بهره‌مند می‌شوند. کتیبه‌ای که در تاریخ تقریبی ۱۶۵ بعد از مسیح نگارش یافته و در آن پیدا شده، مشکل مزبور را طور دیگری حل می‌کند. این کتیبه را در تالاری عظیم یافتند که به وسیله دو ردیف ستون منقسم به سه رواق شده بود. در یکی از این سه رواق محرابی تعبیه شده بوده که در آن چندین قربانیکاه و تعدادی مجسمه یافتند. بنا بر روایت کتیبه‌ها محل نامبرده محفل یکی از فرقه‌های دیونیزوسی بوده است. روی سنگ‌نوشته‌ای دیگر جملاتی می‌یابیم مربوط به نحوه انتخاب دینمرد اعظم و به نظم کشیدن مقررات و قوانین جدید. وقتی که روفوس^۲ نام از مرشدان این طریقت از جماعت حاضر در محفل تقاضا می‌کند تا دست خود را به علامت موافقت با مقررات تازه بلند کنند، جماعت یکباره فریاد می‌زند: «آرزو می‌کنیم که عالی‌جاه مرشد اعظم هرود^۳ سالیان دراز در منصب خود ایفای وظیفه کند.» چنین قاعده‌ای را در تشریفات درباری امپراتور رم هم می‌بینیم، زیرا موافق این قاعده است که امپراتور جدید به وسیله مجلس شیوخ و عامه مردم انتخاب می‌شود، زیرا اگر امپراتور از عمری دراز بهره‌مند گردد، ملت نیز بدینسان از نعمت و رفاه عظیم

1. Nama Leonibus novis et multīs annis.

2. Rufus

3. Hérode

برخوردار خواهد شد. بعدها این قاعده در مورد پاپ جدید نیز به تدریج معمول گشت. و این نکته نشان می‌دهد که این قاعده متداول در کلیسای امروز قرن‌ها پیش مورد استفاده مهری‌ها بوده و برحسب آن شیران رانصب می‌کرده‌اند و قدرت به آنان تفویض می‌نموده‌اند. مطالبی که گفته آمد ما را به مراسمی می‌کشاند که در مهرکده سنت پریسک انجام شده و به این قرار است که روی قشر سفلی جدار طرف راست، یعنی همان جا که کتیبه کار گذاشته شده، صفی از شیران را می‌بینیم که هدایائی در دست دارند و احتمالاً می‌خواهند از تقاء به منصب شیری را جشن بگیرند.

هدایا و هنرمندان؛ میترا در هنر

تنوع رهروان مهری را می‌توان در تنوع معابد و هدایائی که به میترا ایزد نگهدار عرضه شده متجلی دید. در کوه‌های آلپ ایتالیا، در جنوب فرانسه و در یوگسلاوی پرستشگاه‌های کوچکی یافته‌اند که در کوهستان پنهانند و لوح‌های برجسته عبادی را روی دیواره‌های سنگی آن کنده‌اند، کنار دریای سیاه، در سی کیلومتری شمال غربی کنستانتزا^۱ که شهری است مشرف بر دریای سیاه، میترا را در غاری پرستش می‌کرده‌اند. جنب قربانگاه‌هایی که معماری آن بسیار بدوی است، نقش برجسته زیبایی یافته‌اند که کنده‌گرش نیکومد^۲ نام داشته و یکی از بلندپایگان خزانه دولت آن را هدیه کرده است. پیکر تراشی از اهالی آتن که کریتون^۳ نام داشته، در ناحیه اُستی گروهی بسیار زیبا از میتراهای همراه با گاو حجاری کرده و تصویر خدا را به سبک هنر یونانی برجسته نمایانده است. در ناحیه لپسیس^۴ واقع در طرابلس حجاری موسوم به آریستیوس آنتیوکوس^۵ دو مجسمه از مرمر ساخته که دو انسان مشعل به دست را نشان می‌داده است. در شهر مریدا واقع در اسپانیا، دمتریوس مجسمه‌ای از میترا، در حال ایستاده، ساخته که یک دلفین هم همراه او دیده می‌شود. در قرن دوم مسیحی در ناحیه کونیگسهافن نزدیک استراسبورگ، چون گردان‌های سربازان رومی مستقر بوده‌اند و مهرپرستی میان آنان رواج داشته، دسته‌ای از

1. Constanza

2. Nicomède

3. Kriton

4. Lepcis

5. Antiochus

است از الواح کوچک نقره قلم‌کاری شده‌ای که رویشان تصویر میترا در حال قربانی کردن گاو دیده می‌شود. روی قطعات بلورین نمک هم تصویر میترا را کنده‌اند (شکل ۶۸). در معبد سنت پریسک هم سر خدای خورشید را یافته‌اند که دور و بر آن را هاله‌ای از اشعه گرفته است و این اشعه از جنس سرب ساخته شده‌اند.



شکل ۶۹: نقش میترا روی یک ظرف خمیر مانند

در همین مهرکده هم هنرمندان طی ادوار گوناگون، محرابی را به نقوشی از میترا و آثاری دیگر از مرمر کاذب آراسته‌اند. بخصوص در آلمان و اتریش کوزه‌گرانی بوده‌اند که کوزه‌های معروف دو دسته را ساخته‌اند که روی آن‌ها ماری نقش بسته است. اکتشافات جدید نشان داده که در کارگاه‌های

هنرمندان به آنجا روی آور شده‌اند. کار این دسته هنرمند محدود به حدود مهرکده‌های کونیگسهافن^۱ و ماکویلر^۲ نبوده و آثارشان تا مسافت‌های دور اطراف دو ناحیه پیش گفته نیز رفته است. این هنرمندان نقاشی‌هایی کرده‌اند که بخصوص در مهرکده‌های روم و استی یافته شده ولی آثاری از آن‌ها را در دورا و اطراف رود فرات هم پیدا کرده‌اند. اشتهار معابد استی بخصوص معلول زیبایی موزائیک‌هایی است که در آن مناطق یافته‌اند. کاشی‌سازان آن عهد به



شکل ۶۸: نقش میترا روی قطعه‌ای از نمک بلورین

کمک مکعب‌های کوچک مرمر سیاه و سفید توانسته‌اند روی زمین و روی سکوها اصول گوناگون شریعت مهری را نقر کنند. زرگرهایی هم بوده‌اند که در پوتوویو (یوگسلاوی) و استوکستاد^۳ (آلمان) کار کرده‌اند و آثارشان عبارت

1. Königshafen

2. Mackwiller

3. Stockstadt

کوزه گری (از خاک رس) واقع در ناحیه لروا در جنوب گل، کوزه گری ظرفی ساخته که روی آن صحنه ذبح گاو ترسیم شده است (شکل ۶۹).

در شهر ترو جامی یافته‌اند از جنس خاک رس، که مجلس ضیافت میترا روی آن منقوش است. اما اگر تعمقی در این اشیاء باز یافته بکنیم، می‌بینیم که هنرمند دستور سفارش کار فرما را به غلط فهمیده و مثلاً کربتون در ناحیه استی، تصاویر را بر حسب تصویری که خود شخصاً از مفاهیم دین مهری داشته نقش کرده است. به طور کلی می‌توان گفت که عمق معانی و نمادهای پنهان در تصاویر هنری مهری تا حد زیادی متناسب با میزان دانش و فرهنگ افراد جماعت مهری و یا خود هنرمند نقاش است. در اکثر موارد احتمالاً نظر شخص پیر جماعت در تنسيق و تنظيم مهرکده سخت مؤثر بوده است. البته امکانات تغییر و تبدیل یک معبد در برخی نقاط محدود بوده و علت اساسی آن راهم احتمالاً کمبود «اعتبار مالی» باید دانست. اما هرگاه شرایط موجود بود و موانع مفقود، مهرکده را به آثار هنری می‌آراستند. مضمون اصلی در مرکز اثر قرار داشت و دور و بر آن پر می‌کردند از نقوش مربوط به ذبح گاو مقدس (سارمیزگتوزا در ناحیه داسی). محراب را به چراغ و شمعدان مزین می‌کردند و بر حسب فحوای کتیبه باز یافته در استی، پارچه‌ای گلدوزی شده یا مصور را وقف محراب خاص مراسم عبادی می‌کردند. با این وصف تزیینات داخلی یک معبد هیچ وقت مجلل نیست؛ حتی مهرکده رم هم که آراسته به چندین مجسمه پوشیده از برگ‌های زرین است، شبستانش بی‌پیرایه است و منظری موقر و زاهدانه دارد و هماهنگ با خصیصه ایزدی است که مورد پرستش مردم است.

بررسی در چند صد نقش که در سرزمین امپراتوری یافته شده، این نکته را می‌آموزد که در هنر مهری می‌توان چندین جریان سنتی تشخیص کرد. نمونه متعارف میترا که در غاری گنبدی شکل مشغول ذبح گاو مقدس است، چه در



شکل ۷۰: میترا در حال کشش گاو

نقش برجسته باز یافته در یوگسلاوی (شکل ۷۰) و چه در رم یا بخش‌های دیگر امپراتوری روم دیده می‌شود. این نمونه تصویر از میترا سنت جاری گشته و احتمالاً اولین هنرمندی که آن را کشیده، در عهد امپراتوران رومی می‌زیسته و سخت تحت تأثیر مکتب هلنیستیک قرار گرفته است. نقش برجسته‌ای که نمودار میترا به صورت ایستاده در روی گاو است کاملاً حالت استثنائی دارد و پای چپ او فاتحانه روی سر حیوان قرار گرفته است. روی این نقش برجسته، میترا کلاه فریجی و تاجی به سر دارد و در دست چپ کره‌ای یا جوز صنوبری گرفته و در دست راست خنجر دارد. پهلوی او یک عقرب، غرابی و شیر و خروسی آوازه‌خوان و مورچه‌ای و عقابی نشسته روی یک آذرخش

دیده می‌شود. سنت نشان دادن خدا در حال ایستاده روی حیوان، در آسیای صغیر آن قدر رواج داشته که مهری‌ها هم برای نمودن خدای خود از آن تقلید کردند. اما به این طریقه میترا را نمایاندن، قرین با موفقیت نبود و مثال آن نمایش صحنه گاوکشی است که خدا در مرکز طبیعت قرار دارد و نمودار لحظه رستاخیز آن است.

با این که برخی نقوش مهری را متحصراً در رم می‌یابیم، مع‌ذلک همه جریان‌های هنری مهری منشاء رومی ندارند. نقش صف شیران در معبد سنت پریسک منشاء کاملاً محلی دارد و به مراسم دین صیغه خاصی می‌بخشد. یک نقش برجسته متعلق به ناحیه کونجیک (شکل ۳۷) نمودار یکی از لحظات اساسی آئین مهری است، ولی این نقش هم منشائی کاملاً جداگانه دارد. صحنه‌هایی که شکار را می‌نمایاند از لحاظ جغرافیائی محدود به نواحی رنانی^۱ هستند و نمونه‌های آن‌ها را در رم نمی‌بینیم در حالی که نظیر آن‌ها را در ناحیه دورا نزدیک رود فرات یافته‌اند. پس این نوع تصویر احتمالاً منشاء مستقیم آسیای صغیر بوده و از آنجا وارد رنانی گشته است. اما در خود ناحیه رنانی مکاتب هنری مشخصی وجود داشته و در اینجا بوده که نقوش برجسته بزرگ مزین به صحنه‌های فرعی یافته شده است. این نقوش برجسته حکم طاق‌های نصرت واقعی را دارند که نمونه آن‌ها را در نواحی اطراف دانوب پیدا نمی‌کنیم و تنها مثال آن در رم نقشی است در مهرکده باربرینی. و از اینجا است که می‌توان گفت نقاشی رومی تحت تأثیر هنر ناحیه رنانی قرار گرفته است.

در رومانی و بلغارستان انواع دیگر هنری ظاهر شده‌اند که محدود به حدود دو کشور مزبور هستند و اگر اتفاقاً نمونه‌ای از آن‌ها را در نواحی دیگر بیابیم، آنگاه می‌توان با اطمینان گفت که از ناحیه داسی نشئت گرفته‌اند. در این نوع از هنر مهری نقوش برجسته‌ای می‌بینیم که شکل گنبد دارند و روی لبه آن‌ها صحنه‌هایی کشیده شده که مقتبس از افسانه میترا است.

1. Rhénanie

میترا مغلوب

در طی قرن سوم مسیحی، آئین میترا چنان گسترشی در امپراتوری روم یافته بود که حتی زمانی که ایران از لحاظ سیاسی و نظامی شروع به رقابت با روم کرد همچنان فضیلت و عزت خود را حفظ نمود. پیوند خانوادگی هم که میان امپراتوران روم و خاندان‌های سلطنتی سوریه در آغاز قرن سوم انجام شد، توجه مردمان را نسبت به خدایان مشرق افزوده کرد.

جذبۀ آئین سرّی مهری خصوصاً در مراسم تشرّف به رموز دینی بود، چون طی این مراسم مرد سالک شخصاً خود را وابسته به خدای منتخب خود احساس می‌کرد. در آئین‌های شرقی نجات دنیوی و اخروی فرد انسان بسیار مهم بود. در دیدۀ شخصی که به ادیان شرق علاقه‌مند بود ولی غرائب آن را خوش نداشت جذبۀ دین مهری محقق می‌نمود. نیاز به یکتاپرستی را تصورات فلسفی آن عهد تسهیل کرد و نتیجه‌اش توجه مردم به آئین جهانی خورشید شکست‌ناپذیر شد. جوان سوریه‌ای موسوم به هلیوگلوبال^۱ چون در سال ۲۱۸ گمان کرد که می‌تواند دین بعل امسی^۲ را در رم منتشر کند، اشتباهی عظیم کرد. چون رومیان هنوز علاقه‌مند به عقاید سنتی‌شان در باب خورشید بودند و از این رو برایشان مشکل می‌نمود که بعل را که سنگی سیاه مجسمش می‌کرد، بپذیرند. در سال ۲۷۴ اورلیانوس معبد بزرگی به افتخار خدای خورشید در میدان مارس، محل فعلی میدان سان سیلوسترو (رم) ساخت. در این معبد اورلیانوس، خدای خورشید را همچون خدائی واحد، آسمانی و قادر می‌پرستید. هر چهار

1. Hélioglobal 2. Baal d'Emése

سال جشن‌هایی به افتخار خدای جدید دولت می‌بایست گرفته شود. بسیاری از دینمردان را به استخدام این آئین در آوردند تا ادارهٔ مناسک آن را به عهده گیرند. تولد این خدا را در روز بیست و پنجم دسامبر جشن گرفتند. از اینجا فهمیده می‌شود که چگونه آئین مهری از این عنایت بهره‌مند شده و در سال‌های ۳۰۷ و ۳۰۸ می‌بینیم که در مرزهای امپراتوری روم چگونه دیوکلسین امپراتور روم طی خطابه‌ای در کارنونتوم، همراه با حکام آن موقع، مهرکده‌ای وقف میترا «نگهدار امپراتوری» کرده است. با این وصف فقط نام میترا در آن جای آمده و معنایش این است که حضار معتقد به آئین خورشیدی عمومی تر اورلیانوس نیستند.

قدرت میترا به اوج خود رسید و جهانگیر شد و این شد که میترا خواست صدر مجلس را در کاپیتول بگیرد. گفتن این نکته که اگر مسیحیت سد راه انتشار دین مهری در اروپا نمی‌شد، این دین قبول عام می‌یافت مشکل است و قول رنان^۱ در کتابش موسوم به مارکوس اورلیوس^۲ (صفحه ۲۷۹) که «اگر دین مسیحی در خلال مراحل رشد خود مبتلا به بیماری کشنده‌ای می‌گشت، دنیای آن زمان متدین به دین میترا شد» کمی مبالغه‌آمیز است. جنگی که در محل پُل میلویوس^۳ نزدیک رود تیبر (در سال ۳۱۲) درگیر شد، نه تنها سرنوشت قسطنطنین را معلوم کرد، بلکه آینده دین مهری را نیز روشن نمود. نام مسیح باعث پیروزی قسطنطنین شد، همان طور که مثل ادوار قبل ایزد خورشید به اورلیانوس نشان داده بود که در کنار وی نبرد خواهد کرد و نه در کنار زنوبی^۴ (در آلتهایم^۵).

آئین پرستش خورشید به عنوان یک دین رسمی به رومی‌ها تحمیل شد و این صلیبی بود که قسطنطنین به طرزی استوار در خطه روم در زمین فرو کرد. محققانی به نام بایه^۶ به درستی می‌گویند که دین رومی‌ها همیشه در

1. Renan 2. Marc-Aurèle 3. Milvius
4. Zénobie 5. Atheim 6. Bayet

چهارچوب سیاست امپراتوری روم پرورده شده است «و این نکته تعجب آورترین خصیصه تحول آن است».

دورس^۱ معتقد است که از لحاظ زمانی درست نخواهد بود اگر تصور کنیم که مداخله رسمی قسطنطین به نفع مسیحیت گویای اندیشه و احساسات شخصی او بوده. محقق مزبور به خود قسطنطین استناد می‌جوید و می‌گوید: «به عقیده او سیاست از سوی مذهب تعیین می‌شد و مذهب از حوزه سیاست نشئت می‌گرفت».

در جریان نیمه دوم قرن چهارم نتیجه مبارزه مسیحیت با بت پرستی معلوم می‌گردد. امپراتور روم ژولیانوس که رغبتی به اطاعت از اصول تربیت مسیحی خود نداشت، لقب مرتد^۲ یافت. ژولیانوس تحت تأثیر شدید عقاید نوافلاطونی قرار گرفته بود و اسرار و رموز هم در دیده‌اش دلکش می‌نمود؛ بر این اصل از مسیحیت برگشت و صادقانه به دین مهری گرائید. اهمیت اعتقاد و صداقت ژولیانوس بیشتر مشهود می‌گردد، اگر این امر را به خاطر بیاوریم که در قرن چهارم مسیحی دین مهری بیشتر دو ستار و طرفدار داشت تا متدین واقعی. ژ. بیده^۳ که محقق است بنام و بهترین تذکره احوال را از ژولیانوس مرتد تحریر کرده در صفحاتی شورانگیز می‌گوید که او آخرین امپراتور مهری مذهب بوده است. ژولیانوس می‌دانست که اگر دین مهری بخواهد جهانگیر شود، باید که خصایص بدوی خود را از چند جهت از دست بدهد و نیز باید که درهای خود را بیشتر به تفاسیر فلسفی بگشاید. این شد که سرود نیایش خورشیدی را که خود امپراتور ساخت، ملهم از عرفان ژامبلیک^۴ است و در آن میترا خود را با خدای خورشید، با آپولون و فائتون و هیپیون^۵ و پرومته^۶ یکی قلمداد می‌کند. خدایان دیگر چیزی جز فیضان‌ات قدرت خدای خورشید نیستند. ژولیانوس خود را شبان نرم‌دلی می‌خواند که معتقدات اخلاقی میترا بر

1. Doerriis 2. Julien l'Apostat 3. J. Bidez

۴. عارف یونانی قرن سوم و چهارم مسیحی

5. Hypérion 6. Promèthee

او تحمیل گشته و آن معتقدات عبارتند از «احسان به مردمی که او بر آنان حکومت می‌کند. پرهیزگاری در مقابل خدایان و تسلط بر نفس». از آن زمانی که در یکی از مهرکده‌های قسطنطنیه ژولیانوس به اعلی درجه مناصب دین متشرف شد، کل مساعی خود را صرف توفیق این مذهب کرد؛ ولی به هنگام لشکرکشی‌اش بر ضد شاپور پادشاه ایران، نیزه‌ای به حیاتش خاتمه داد.

بعد از مرگ ژولیانوس دوره نسبتاً کوتاه مسالمت و مدارا میان مسیحیت و دین مهری شروع می‌شود که فرمان گراسیانوس^۱ امپراتور روم در ۳۸۲ تاریخ ختم آن است. مذبح ویکتوریا را از مجلس شیوخ گرفتند و مالیاتی که وقف هزینه مراسم دینی روم بود لغو شد و گراسیانوس در سال ۳۷۴ اولین امپراتوری بود که عنوان مرشد اعظمی^۲ را نپذیرفت. به طوری که ژرم^۳ مورخ می‌نویسد، گراکوس نام، شهردار شهر کمی قبل از سال ۳۷۷ مهرکده‌ای را وازگون کرد و همه نقوش و تصاویر وحشت‌انگیز داخل آن را خرد نمود. البته هویت این معبد را نتوانسته‌اند با قطعیت مشخص کنند. دروسی^۴ معتقد است که پرستشگاه مذکور معبدی بوده نزدیک کلیسای سن سیلوستر. در هر حال، نتایج چنین هنرشکنی‌ای را در معبد سنت پریسک بخوبی می‌توان مشاهده کرد. گراسیانوس مجبور به مبارزه با گروه بسیار مهمی از روشنفکران زمان خود شد. این روشنفکران را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. یک دسته می‌خواست پیروی از طریقه ژولیانوس بکند و دسته دیگر برای خدایانی تلاش می‌کرد که وجودشان، مطابق نوشته آلتهایم^۵، توجیه پذیر بود نه به علت وجود خود اینان، بلکه به علت وجود خدایان روم. این دو گروه همکاری نزدیک داشتند. رهبرشان مردی بود به نام تیوس آگوریوس پراتکستاتوس^۶ که داخل فوروم (بازار مکاره) رواق دئورم کنستنیوم^۷ را ساخته و در آن تصاویر خدایان دوازده گانه را نصب کرده بود. او صاحب چندین مقام مذهبی بوده و سمت پیر

1. Gratien 2. Pontifex maximus 3. Jérôme
4. De Rossi 5. Altheim
6. Vettius Agorius Praetextatus 7. Consentium

پیران آئین مهری را داشته است. پراتکستاتوس خود طرفدار با وفای عقاید ژولیانیوس بود، در حالی که جانشینش - که دوستش هم بود - یعنی اورلیوس سیماکوس^۱ سخت محافظه کار می نمود.

امپراتور روم فلاویوس خواهرزاده سیماکوس را در سال ۳۷۷ تنبیه کرد، به این جرم که کار دوناویست‌ها^۲ آفریقا را تسهیل کرده و هم او بوده که مبارزات نهائی را راهبری نموده است. از کامنیوس^۳ برادرزاده ژولیانیوس کتیبه‌های گوناگون بسیار مهمی به جای مانده که علاقه امپراتور را به آئین مهری نشان می دهد. در محافلی که از نجیب زادگان و دانشمندان تشکیل می شده نویسنده رومی ما کروب پرورش یافته و در کتابش موسوم به ساتورنالیالی کلیات دین مهری را شرح کرده است. سیماکوس دیپلمات بود و وظیفه بی حاصل شکایت بردن به گراسیانوس را او بر عهده گرفت و از تصمیماتی که امپراتور گرفته بود گلایه کرد. اما اسقف اعظم میلان آمبرواز امپراتور جوان سال را تهدید به تکفیر کرد. فی الواقع دورقیب متخاصم گراسیانوس و سیماکوس نبودند، بلکه آمبرواز و پراتکستاتوس بودند که با یکدیگر مبارزه می کردند، تا این که در ۳۸۵ پراتکستاتوس مرد و طرفداران خود را بدون رهبر باقی گذاشت.

به امپراتوری رسیدن تئودوز^۴ مقارن است با پایان مبارزه. بعد از این که مسیحیان سوریه کنیسه‌ای را غارت کردند و سوزانیدند و نیز پس از این که برخی رهبانان یک معبد متعلق به والانتینی^۵ های غنوسی را آتش زدند، تئودوز مداخله کرد و تقاضای تنبیه مجرمان و جبران خسارت کرد. اما آمبرواز نیز مداخله نمود و تئودوز ادعای خود را پس گرفت.

در هر حال، هر چه قدر هم که تئودوز در پی استقلال خود بود مآلاً از لحاظ معنوی از آمبرواز اطاعت می کرده است. هربرت بلوک با وصف این تئودوز به علت حادثه‌ای یک بار تکفیر شد، ولی در روز میلاد مسیح در سال

۳۹۰ اسقف مسیحیان دوباره او را به جمع ترسایان قبول کرد.

فرمانی در تاریخ ۲۷ فوریه سال ۳۹۱ صادر شد که مراسم دینی بت پرستان و زیارت بقاع ملحدان را ممنوع می کرد. کمی بعد قبرستان با شکوه اسکندریه را خراب کردند. در تاریخ ۸ نوامبر سال بعد فرمان نهائی صادر شد. هر کس به مراسم دینی بت پرستان عمل کند چه در ملاء و چه در خلأ سخت مجازات خواهد شد. البته این وهم نباید پیش آید که به مجرد صدور این فرمان طرفداران بت پرستی از روی رضایت اطاعت از فرمان کردند. فلاویانیوس^۱ رهبر دسته مخالفان شد و به دسته اوژن^۲ پیوست که خود را مهبای مصاف با تئودوز در ایتالیا می کرد. این نبرد آینده دین مهری را روشن می نمود. در آغاز به نظر می رسید که در این جنگ (نامش فریژیدوس^۳) پیروزی از آن ژوپتر خواهد بود. فردای آن روز تئودوز زانوزد و نماز گزارد. در دریای آدریاتیک طوفان شد و نیزه‌های دشمن به سوی تئودوز روان شدند. معجزه‌ای دیگر به وقوع پیوست و سرنوشت جنگ معلوم گشت، اوژن کشته شد و فلاویانیوس خودکشی کرد.

اما مبارزه معنوی باز هم سال‌ها ادامه یافت و کمی بعد سنت اوگوستن اقدام به نوشتن کتاب مشهور «شهر خدا»^۴ کرد. معروف بود که فتح رم معلول این بوده که ایزدان باستانی رم آن را رها کردند و تحقیرش نمودند. سنت اوگوستن در کتابش سعی در رد کردن مطالب مزبور کرده است. احتمال این هست که دین میترا باز هم در برخی نقاط دور افتاده به حیات خود ادامه داده باشد. اما قدرت او در هم شکسته شده بود و مرور زمان بر او غلبه کرد و آئینش ناپدید گشت و امروزه ما در جستجوی آن اسراری هستیم که میترا در جریان سقوط، با خویشتن به گور برد.

1. Flavian
4. Cité de Dieu

2. Eugéne

3. Frigidus

1. A. Symmacus
4. Théodose

2. Donatistes
5. Valentinians

3. Kaménius



عکس ۱۴ - میترا . کشنده گاو . لندن، بری تیش میوزیوم.



عکس ۱۳ - میترا . کشنده گاو . پاریس، موزه لوور.



عکس ۱۶ - میترا کشنده گاو واتیکان.



عکس ۱۵ - میترا کشنده گاو - لندن، بری تیش میوزیوم.



عکس ۱۸ - کونتس و کوتویانس موزه لاترانوی (Laterano) رم. باز یافته دراستی.



عکس ۱۷ - میترا، کشنده گاو، رم، موزه کاپیتولینو

اسماء اعلام

نامهای ایزدان و اساطیر و اشخاص و اماکن و مهرکده‌ها

آریستون آنتیوکوس ۲۱۹	آ
آستما ۱۷۹، ۲۰۸	آنلیا آریزوت ۱۹۹
آسی ۱۷	آنلیوس ماگنوس ۱۹۹
آسیای صغیر ۱۵، ۲۴، ۳۱	آپس ۵۲
آسیموس ۳۴	آپولن ۱۰۹، ۱۳۳، ۱۳۴
آفرودیت ۱۰۰، ۱۷۳	آپولوم ۳۶، ۱۰۴
آگوستن دروغین ۱۶۸	آپولون ۸۶، ۱۱۵، ۲۲۸
آلباجولیا ۱۹۵	آپوله ۱۷۳، ۲۱۵
آلب ۲۱۹	آپیانوس ۳۱
آلتنیوس کیونیوس زولیانوس ۲۰۱	آتارگاتیس ۱۴۵، ۱۴۸
آلتهایم ۲۲۷، ۲۲۹	آتر ۱۳۴
آلسی بیاد ۲۴	آتنا ۶۶
آلفولدی ۱۱۲	آتیس ۸۳، ۸۸، ۱۳۶، ۱۵۴
آلمان ۴۵، ۲۲۰، ۲۲۱	آدریاتیک ۲۳۱
آمیرو آز ۲۳۰	آدریانوس ۳۸، ۷۷، ۲۰۳
آمپلیاتوس ۷۷	آدونیس ۸۳
آمستریس ۲۰۲	آرتمیس ۱۳۴
آمفی تریت ۹۶	آرسامه ۳۳
آنازاریوس ۳۱	آرنویوس ۱۴۶
آنتونن ۵۵	آریارامنا ۲۵
آنتی پاتروس ۱۸۴	آریامن ۱۷

آنتیوخوس ۳۳
 آنتیوم ۲۰۱
 آندروس ۳۶
 آنوبیس ۱۵۳
 آنیستوس ۷۸
 آوانتن ۳۹
 آوانتن ۵۶، ۵۴، ۴۱
 آوانتن ۲۰۹، ۱۵۲، ۱۳۷، ۱۲۲، ۱۲۱
 آیده ۱۷۳
 ۲
 آثا ۱۹۹
 آئون ۱۸۰، ۱۵۴، ۱۴۲، ۱۳۴، ۹۷
 اپولوم ۱۹۵
 آتریش ۲۲۱، ۱۴۱، ۱۱۶، ۹۶
 ادسمن ۱۶۲
 ادلکتوس ۷۴
 آرائز ۶۶
 اردن ۱۲۷
 ارشک ۲۷
 ارفه ۱۲
 ارگیلی ۲۱۳
 ارلیوس ۴۲، ۳۶
 ارلیوس روفینوس ۳۶
 ارلیوس ویکتور اوگنتیوس ۱۶۸
 آریژن ۱۹۲
 اریمانت ۱۰۳

ازیریس ۲۱۶
 آسائوس ۶۸، ۶۶
 آسانوس - کائولوس ۵۷
 اسانوس ۲۰۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۹۷، ۹۶
 اسپالانو ۷۱
 اسپانیا ۳۸
 استاس ۳۴
 استانس ۲۴
 استرابون ۱۹۷، ۲۵
 استراسبورگ ۲۱۹، ۱۴۷
 استربورکن ۱۳۷، ۱۲۹، ۱۱۱، ۱۰۹
 استکلن ۱۷۸
 استوبورکن ۱۰۸
 استوکناد ۲۲۰
 استوکشتات ۱۳۴، ۳۸
 آستی ۱۷۳، ۱۷۱، ۱۶۴، ۱۵۴، ۱۳۴، ۲۶
 ۲۱۹، ۱۹۲، ۱۸۲، ۱۷۷، ۱۷۴
 آستی ۳۸، ۴۱، ۵۰، ۵۱، ۵۶، ۶۴، ۶۵
 ۲۲۲، ۲۲۰
 اسرائیل ۱۰۶
 اسطوره جهانسوزی ۱۱۲
 اسکندر ۱۸۸
 اسکندریه ۲۳۱
 اسکولاپ ۱۵۴، ۷۵، ۶۹
 اسمردیس ۲۳
 اطلس ۱۴۰، ۱۳۷
 افروزین ۱۴۹

افریقا ۲۰۳، ۴۲، ۳۸
 افلاطون ۲۰۸
 آگر ۵۲
 آگوست ۷۱
 آگوست مشرقی ۷۱
 آگوست مغربی ۷۱
 آگوستین ها ۵۹
 المپ ۱۳۳، ۳۳، ۳۱
 الوزیس ۱۹۸
 الیا ۱۲۷، ۲۸
 اماسپندان ۱۸۸، ۱۷
 انجیل ۲۸
 انجیل متی ۲۱۶، ۲۸
 انگلستان ۱۴۱
 انه تروائی ۱۳۶
 اوبولوس ۴۵
 اوترخت ۵۲
 اورلیانوس ۲۲۷، ۲۲۶، ۱۸۸
 اورلیوس سیماکوس ۲۳۰
 اورمزد ۱۸۸، ۲۱، ۱۷
 اورنت ۳۳
 اوروس ۱۹۷
 اوریسته ۲۱۴، ۱۰۳
 اوژن ۲۳۱
 اوستا ۲۰۵، ۱۸۸، ۱۹، ۱۶
 اوستر ۱۹۶
 اوکارستی ۱۲۲

اوگنتیوس ۱۹۰
 اولیا ترابانا آگوستا داسیکا ۷۷
 اولیبوس سیلوانوس ۶۶
 اولیس ۲۱۴
 اوید ۲۱۲، ۲۱۳
 اویل ۳۲
 اهریمن ۱۴۲، ۱۲۸، ۸۴، ۸۳
 اهورا ۳۳
 اهورامزدا ۱۱۵، ۸۷، ۸۳، ۱۸، ۱۷، ۹
 ۱۴۲
 ایتالیا ۲۱۹، ۹۶، ۷۰
 ایده ۱۷۳
 آیزیس ۱۱۲، ۴۲، ۵۳، ۶۰، ۱۵۲، ۱۷۳، ۱۷۷، ۲۱۶
 ابلیری ۲۷
 اینویکتوس ۹۸، ۷۸
 ب
 بابرینی ۱۳۷
 بابلی ۲۶
 باربرینی ۲۲۴، ۱۴۵، ۱۱۶، ۱۰۴
 باکانت ۱۳۵
 باکوس ۱۳۵، ۶۷
 باتیک ۷۰
 بالکان ۱۱۵، ۱۰۹
 بانه ۲۲۷
 بردیای غاصب ۲۳

تراس ۲۷، ۳۷، ۶۷
 تراکی ۱۰۹
 ترانس تیریم ۳۸
 ترانسیلوانی ۷۶
 ترایانوس ۳۴، ۴۱، ۴۳، ۵۴، ۵۵، ۷۶
 تررتولین ۴۸، ۱۲۲، ۱۵۹، ۱۷۵، ۱۷۶
 ۲۰۱، ۲۰۰
 ترکستان ۲۹
 ترو ۱۲۱، ۱۴۰، ۱۴۹، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۲۲
 نروآ ۱۳۶
 تروسمیس ۳۶
 تریبتی کالج ۱۰۳
 ت - کلودیوس لیویانوس ۳۴
 تلوس ۱۳۷
 تورات ۱۰۶
 توفل ۹۸
 تیر ۵۴، ۶۴، ۹۸
 تیریوس ۲۰۳
 تی بیسکوم ۷۸
 تیتوس فلاویوس ورکوندوس ۷۴
 تیتوس فلاویوس ویاتور ۷۳
 تیرداد ۲۷، ۲۸
 تیرداد اول ۲۷
 تیرگوسور ۴۵
 تیشه ۲۷
 تین ۳۸

پسودو دنی آرثوپاژی ۸۹
 پشرتن ۲۹
 پلازاد تروس ۶۹
 پلونارک ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۱۲۸
 پولوی ۴۵
 پلی نیوس ۲۱، ۲۷
 پمپتی ۲۸، ۳۴
 پمپه ۳۱، ۳۳، ۳۴
 پنام ۲۴
 پوتوویر ۳۶، ۴۱
 پوبلیوس آنلیوس نیگرینوس ۷۴
 پوتوویر ۲۲۰
 پورفیر ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۷۷
 پورفیریوس ۱۹۸، ۱۶۹
 پوزانیاس ۲۰۵
 پرنوس ۲۰۳
 پومریوم ۴۴
 پیر ۱۲۰
 پینوم ۲۷
 پیکت ۳۸
 پیک خورشید ۱۲۰
 ت
 تودوز ۲۳۰، ۲۳۱
 تارس ۳۲، ۳۳
 تاریخ عالم ۱۱
 تامزیوس اوگنتیوس ۱۸۹

بیزنطیه ۱۰۹
 بیزی ۳۷
 ب
 پاتر ۱۸۴
 پارتی ۲۷
 پارلیا ۲۱۲
 پاکروس ۲۷
 پالتوپلیس ۳۶
 پالاتن ۴۲، ۵۴، ۲۱۲
 پالاس ۲۰۳
 پالس ۲۱۲، ۲۱۳
 پالمیر ۱۲، ۳۷، ۱۱۰، ۱۱۱
 پاللیا ۲۱۲
 پان ۱۵۰
 پانونی ۷۰، ۷۵
 پتازونی ۱۵۳
 پترونل ۲۰۲
 پتو ۵۱، ۹۰، ۹۵، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۷۰
 پتوز ۱۳۰، ۱۳۵
 پراتکستاتوس ۲۳۰
 پراکزیتل ۱۳۵
 پرتاس ۷۷
 پرتغال ۱۲۲
 پروفیکنتیوس ۱۶۴، ۱۶۵
 پرومته ۲۲۸
 پریسک ۵۸
 برسم ۲۴
 بریاکیس ۶۰
 بریتو ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۶، ۲۲۵
 بس ۱۵۴
 بساپارا ۳۷
 بسیگه هایم ۱۰۵
 بعل ۱۱
 بعل امسی ۲۲۶
 بعل شمیم ۱۲
 بغازکوی ۱۵
 بلاش ۲۷
 بلخ ۲۱
 بلغارستان ۱۷۸، ۲۲۴، ۲۲۵
 بلوخ ۵۵
 بن ۱۰۹
 بنادآ ۱۹۸
 بندهشن ۲۰، ۲۹، ۸۳، ۸۴
 بنونیت ۲۳
 بنی اسرائیل ۱۰۶
 بوخارست ۱۱۵
 بورسنت آندتول ۴۵
 بورکویکیوم ۱۵۱
 بوسونه ۱۱، ۱۴
 برلونی ۸۲
 بولونیا ۱۹۱، ۱۹۲
 بهاگا ۱۷
 بیت اللحم ۲۸

ث

ث. ذکویسیو ۷۶
ث. و. فلگراف ۵۲، ۱۶۹، ۲۰۰

چ

چینود ۲۹

ح

حزقیال ۲۸

خ

خریبوس ۲۱۴

د

دئورم کنسپتوم ۲۲۹

داریوش ۱۸، ۲۳

داس ۷۶، ۷۷

داسکی لیوم ۲۴، ۲۱۳

داسی ۳۸، ۷۸، ۲۲۲، ۲۲۴

دالماسی ۳۶

دانوب ۳۶، ۳۸، ۷۰، ۷۱، ۷۸، ۹۸، ۱۰۱

۱۲۶، ۱۲۵

دجال ۳۰

دروسی ۲۲۹

دریای سیاه ۲۱۹

دسپال ۷۶

دل نرد ناوات ۱۶۴

دلفین ۶۸

دمتریوس ۶۸، ۶۹، ۲۱۹

دسپورگوس ۱۰۰

دویلن ۷۹، ۱۰۳، ۱۰۵

دورا ۳۹، ۴۹، ۹۴، ۱۱۳، ۲۰۱، ۲۲۰

۲۲۴

دورالپوس ۲۶، ۳۷، ۴۶، ۱۱۰، ۱۶۵

۱۷۳، ۱۸۴، ۲۰۸

دوریس ۲۲۸

دوسو ۱۰۹

دوشنگیمن ۱۴۱

دوکالیون ۲۱۳

دولیکنوس ۷۴

دومیتیانوس ۱۵۳

دوناتیست ۲۳۰

دویچ آلتن بورگ ۷۰، ۷۲، ۷۳

دیان ۱۳۴، ۱۹۰

دیبورگ ۳۸، ۹۰، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷

۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۸۲، ۲۰۵

۲۰۸

دیبورگ - روکینگن ۳۷

دیودور ۱۶۶

دیوکریزستوم ۱۷۹، ۲۰۷

دیوکلین ۴۳، ۷۱، ۷۲، ۲۲۷

دیوکریزستوم ۲۲

دیونیزس ۱۳۶

دیونیزوس ۱۲، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۹۸

دیونیزوس - آدونیس ۱۴۹

ر

ردچستر ۳۶، ۳۸

رگیا ۱۹۰

رم ۲۶، ۴۲، ۵۱، ۵۴، ۵۶، ۶۸، ۱۳۷

۱۴۱، ۲۰۳، ۲۱۲، ۲۲۳

رُما ۶۶

رُمانوم ۱۹۰

رن ۳۸، ۹۸

رنان ۲۲۷

رنانی ۱۰۹، ۲۲۴

روداندوس ۲۵

روفوس ۱۹۰، ۲۱۷

روفوس کیونیوس ۱۹۰

روفینوس ۳۷

روکینگن ۱۱۲، ۱۱۳

روم ۱۸۸، ۲۲۰

رومانی ۴۵، ۵۱، ۵۵، ۷۵، ۷۶، ۱۰۸، ۱۹۵

۲۲۴

ز

زنوس ۱۱، ۱۲، ۳۲، ۳۳، ۱۳۳، ۱۹۱، ۲۰۷

زنوس - ژوپیتر ۸۷، ۱۳۳

زنوس - هلیوس ۶۱

زاربورگ ۲۰۳، ۲۰۴

زانارلی ۱۵۲

زرتشت ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۱۸۸

زروان ۲۵، ۹۷، ۱۲۸، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵

زروان - کرونوس ۱۴۷

زنوبی ۲۲۷

زیر ۱۴۱

ژ

ژامبلیک ۲۲۸

ژانوس ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۴

ژانیکول ۱۴۸

ژاهریبول ۳۹

ژ. بکاتی ۶۴

ژ. بیده ۲۲۸

ژرُم ۱۶۷

ژرم ۲۲۹

ژرمی ۱۱۰

ژ. سانسونه ۵۹

ژلاسیوس ۶۱

ژونون - هرا ۱۳۳

ژوپیتر ۶۰، ۷۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲

۱۳۴، ۱۵۴، ۱۷۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۶

۱۹۷، ۲۳۱

ژوپیتر دولیکنوس ۱۳۷

ژوستن ۱۲۳، ۱۲۴

ژوستینیوس ۱۲۱

ژولیا دومنا ۴۱

ژولیانوس ۱۶۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۳، ۲۲۸، ۲۲۹
 ژولیوس ۱۳۶
 س
 ساتورن ۵۲، ۶۰، ۹۶، ۹۷، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۳۴، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۸۲، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۳
 ساتورنالیآ ۱۴۸، ۱۵۳، ۲۳۰
 ساتیر ۶۷
 سارمیز گتوزا ۵۱، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۲
 ساگار یوس ۱۵۱، ۲۲۲
 سالسوی ۵۶
 سالونا ۲۲۵
 سان سیلوسترو ۱۸۸، ۲۲۶
 ساواریا ۷۴
 سپتاتریو ۱۹۷
 سپتیموس سوروس ۳۶، ۴۱، ۴۲، ۷۱
 سپتا آرماتیبی ۱۳۳
 سرائوسا ۱۷
 سراپیس ۱۱، ۵۲، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۷، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۳، ۱۹۱
 سراپیون ۱۵۸
 سربازی ۳۵
 سریر ۱۵۳
 سردیکا ۴۸، ۱۱۱

سفراط ۲۰۲
 سکتوس کاستوس ۳۶
 سکولوم ۱۵۱
 سکویا ۹
 سل ۴۲، ۶۱، ۸۰، ۸۲، ۸۷، ۸۸، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۷۰، ۱۸۳
 سلوس ۱۹۲
 سلوس ۹۷
 سلوی ۳۸
 سل - هلیوس ۱۲۵
 سن پیل ۲۱۶
 سن پیر ۵۸
 سنت اگوستن ۱۴۰
 سنت اوبین ۹۵
 سنت اوگوستن ۲۳۱
 سنت پریسک ۲۶، ۲۷، ۳۸، ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۴، ۸۱، ۹۷، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۸۰، ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۲۴
 سنت سابین ۵۵
 سنت سیلوستر ۴۲
 سنت ماری مازور ۵۹
 سن سیلوستر ۲۲۹
 سن کلمان ۴۸، ۱۵۷، ۱۶۵، ۲۰۳
 سن مارتن ۴۸

سونووتوریلیا ۱۱۲
 سوپرون ۲۰۲
 سور ۵۵
 سوروس ۴۲، ۷۸
 سوریه ۲۶، ۵۶، ۱۹۶
 سوئیانس ۲۹
 سوفوکل ۲۴
 سوفیا ۴۸، ۱۱۱
 سوما ۱۹، ۲۰
 سویداس ۱۶۱
 سی بل ۴۲
 سیبل ۱۳۶، ۱۷۷
 سی بل ۱۹۸، ۲۰۱
 سی تیف ۳۶
 سیرون ۲۳
 سیسیا ۳۷
 سیلن ۶۷
 سیلوستریوس پرپتوس ۲۰۶
 سیلوستریوس سیلونیوس ۲۰۶
 سیلونیوس اورلیوس ۲۰۶
 سیلیسی ۳۱
 سیماکوس ۲۳۰
 سینتوس ۷۸
 سیویتا کاستلانا ۷۷
 ش
 شاپور ۲۲۹

شان دومارس ۱۶۴
 شوارترردن ۴۵
 شیر ۱۲۱
 شیران ۱۱۹
 ط
 صراط ۲۹
 صیدا ۱۴۴، ۱۸۰
 صیدای ۱۹۶
 ض
 ضد مسیح ۳۰
 ط
 طرابلس ۱۹۹، ۲۱۹
 ع
 عهد عتیق ۱۶
 عیسی ۱۷
 ف
 فائتون ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۷۹، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۲۸
 فاستی ۲۱۲
 فالری ئی نووی ۷۷
 فالری ئی وترس ۷۷
 فانس ۱۵۰

فاوونیوس ۱۹۷
 فبوس ۶۱
 فرات ۳۸، ۱۹۰، ۲۲۰، ۲۲۴
 فرانتز کومون ۲۷، ۱۶، ۹
 فرانتس کومون ۱۴۳، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۹
 ۱۸۸، ۲۰۷
 فرانسه ۲۱۹، ۴۵
 فر. دورویت ۷۵
 فرشاشا ۲۵
 فریجی ۴۱
 فریژیدوس ۲۳۱
 فستورا کس ۲۰۴، ۲۰۲
 فستوژیر ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۱۴
 ف. کومون ۸۲
 فلاویانوس ۲۳۱
 فلاویوس ۲۳۰
 فلگراف ۵۳، ۵۲
 فلورانس ۱۵۸، ۹۶
 فلی سیمیو ۱۷۷
 فلی سی سی موس ۱۹۲
 فلیکس ۱۴۹
 فورم ۴۲
 فوروم ۲۲۹
 فیرمیکوس ماترنوس ۱۶۵، ۱۷۳
 فیلی پوپولیس ۳۷

ق
 قسطنطین ۲۰۳، ۲۲۷
 قسطنطیه ۲۲۹
 قیصر ۷۱

ک

کانلوس ۷۳، ۱۴۶، ۱۹۶، ۱۶۹
 کاران سبس ۷۸
 کاپادوس ۲۵
 کاپو ۴۸، ۶۲، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۷۶
 ۲۰۴
 کاپیتول ۴۲، ۲۲۷
 کاپیتول پالاتن ۳۴
 کادوسه ۱۵۴
 کارائوبورگ ۳۸
 کاراکا ۶۱
 کاراکالا ۴۲، ۵۵، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۱
 کارپیون ۷۸
 کارنونوم ۳۶، ۴۳، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵
 ۱۴۶، ۱۹۶، ۲۲۷
 کاروبورگ ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۷
 کاستل گاندولفو ۱۴۶، ۱۵۳
 کاکوس ۹۸، ۹۹
 کامنیوس ۲۰۱، ۲۳۰
 کانونوم ۷۴
 کاونات اپیدورم ۴۵
 کایوس کوریوس آویتا ۶۸

کتاب سلاطین ۱۲۷

کتزیاس ۲۵

کتوبریگا ۱۲۲

کر ۸۳

کریناساکرا ۱۷۲

کرنلیوس کرنلیانوس ۷۸

کرنوس ۱۲

کروپتوی ۱۶۹

کرونوس ۹۷، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۳

کرونوس - ساتورن ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۴۵

کروینا ۱۷۲

کریتون ۲۱۹، ۲۲۲

کریزیپ ۲۱۴

کریستن سن ۱۲۳

کریفی ای ۱۶۸، ۱۶۹

کریفیوس ۱۶۸، ۱۶۹

کرم ۱۶۲

کلاغ ۸۰، ۸۶، ۱۱۹، ۱۲۱

کلافت ۱۵۲

کلان ۲۰۰

کلدانیان ۲۴

کلنیا ۷۱

کلوز ۷۶

کماژن ۳۳، ۳۸

کسبوجه ۲۳

کمد ۴۱، ۱۶۱

کمد ۲۰۲، ۲۰۴

کمدیانوس ۹۸

کنستانزا ۴۵، ۲۱۹

کنستانس ۱۹۰

کوآنروکورناتی ۷۵

کوادها ۷۰

کوئس ۱۷، ۵۲، ۷۴، ۸۰، ۸۸، ۸۹، ۹۶، ۹۷

۹۷، ۱۰۵، ۱۶۳، ۱۷۸

کوتوپاتس ۱۷، ۷۴، ۸۰، ۸۸، ۸۹، ۹۷

۱۰۵، ۱۱۴

کورش ۱۸

کوروناتی ۷۵

کومون ۹، ۱۲۴

کونجیک ۱۲۱، ۱۷۰، ۱۷۸، ۲۲۴

کونینگسهورفن ۱۳۶، ۲۱۹

کیومرث ۸۳

گ

گاتها ۱۷، ۱۸۸

گالریوس ۴۳

گالریوس ماکسیمیانوس ۷۱

گایوس آکیوس هدیگروس ۶۸

گتا ۴۲

گراسیانوس ۱۸۹، ۲۲۹، ۲۳۰

گیا کوس ۲۲۹

گردیانوس سوم ۳۲

گرگوار دو نازیانز ۱۶۱

گرویس ۱۶۸

گل ۱۳۴
گنس ۲۴
گوتری ۱۱۴
گوکله ۱۴۸
گیگاریش ۱۹۹

ل

لکا ۱۹۹
لثو ۱۹۹
لآینا ۱۹۹
لاس ۱۲۳
لامبز ۳۶
لامپریدیوس ۲۰۲، ۱۶۳
لپسیس ۲۱۹
لرو ۲۲۲
ل. لی سی نیوس سورا ۵۴
لمل ۱۹
لندن ۱۹۵، ۶۹، ۶۸، ۶۴
لنگوس ۷۸
لوازی ۱۲۳
لودویزی ۹۶
لوزیتانی ۶۷
لوسیوس ۲۱۵، ۲۱۶
لوسیوس فلاویوس هرمادیون ۷۸، ۱۰۳
لونا ۴۸، ۸۰، ۸۲، ۸۸، ۱۳۴
لیدیہ ۲۰۵
لیسی ۳۱

لیویانوس ۳۴

م

ماترنوس ۴۹
مارئوس ۳۹
مارس ۱۹۲، ۱۳۴، ۵۷، ۲۲۶
مارک ارل ۳۲
مارکوس اورلیوس ۵۲، ۷۰، ۲۲۷
مارکوس والرئوس سکوندوس ۶۹
مارکومان ۷۰
مارینوس ۳۹
ماسالسکی ۲۰۲
ماکروب ۲۳۰
ماکروبیوس ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۴
ماکزیموس ۲۷
ماکسیمیانوس ۳۶، ۷۲
ماکسی میانوس هرکولیس ۷۲
ماکویر ۲۲۰
ماگا ۲۱
ماگافارنس ۲۵
ماگنیوس ۷۳
ماگو ۲۱
ماگوس ۲۴
ماگیا ۲۴
مانشن هوس ۶۵
مانهایم ۱۹۳
مانی ۲۶، ۱۶۰

مای فارنس ۲۵

متون و آثار مهری ۹

مجارستان ۷۰

مجارستان ۱۹۱، ۲۰۲، ۲۲۵

مڈن ۱۴۹، ۱۵۲

مدنا ۱۹۵

مرشد پیر ۲۶

مرکور ۳۸، ۶۶، ۶۸، ۱۳۴، ۱۷۲، ۱۹۲

مریدا ۳۸، ۶۷، ۱۳۴، ۱۴۶، ۲۱۹

مریون ۱۵۸

مزدا ۳۳

مسالا ۱۵۴

مسی ۱۲

مسج ۲۱

مسیا ۲۱، ۲۳، ۲۸

مصر ۵۷

ملکک بعل ۱۲

نیکریستوس ۱۷۸

مناد ۶۷، ۱۳۵

موسی ۳۶

موایرا ۲۷

موزها ۱۳۳

موسی ۱۰۶، ۱۰۷

مهرداد ۳۱، ۴۲

مهرداد اوپاتور ۳۱

مهریشت ۱۶، ۱۸

میتانی ۱۵، ۱۶

میترا ۳۲، ۱۱۵

میتراکانا ۲۵

میترای گاو اوژن ۲۰

میتربدات ۳۳

میلویوس ۲۲۷

مؤثری ۳۸، ۵۶

ن

نابیز ۷۷

ناہل ۲۷

ناما ۷۹

نپتون ۶۹، ۹۶، ۹۷

نرسا ۹۶، ۱۱۶

نرون ۲۷، ۲۸، ۴۲، ۲۰۷

نضرتارا ۴۵

نمروذ ۳۳

نمروذ داع ۳۳

نمف ۱۲۵، ۱۲۶

نمفترس ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۲۰۰

۲۰۱

نمفی ای ۱۶۹

نوتسه آلدویراندینی ۱۷۴

نولان ۱۵۷

نومیدی ۳۶

نونوس ۱۶۲، ۲۰۷

نوتیوس ویکتور الیمپیوس ۱۶۸، ۱۹۰

نسوین هایم ۳۷، ۹۹، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۳۷، ۱۳۰
نیفور ۶۲
نیکومد ۴۵، ۱۹۰، ۲۱۹

و

واتیکان ۱۵۴، ۲۰۱
وارونا ۱۹، ۲۰
والانتینی ۲۳۰
والبروک ۳۸، ۶۴، ۶۵
والریانوس ۷۸
والریانوس ماکسیمیانوس ۳۵
والریوس لیسینانوس لیسینیوس ۷۱
واناسن ۵۴
وایو ۱۹
وتیوس آگوریوس پراتکستاتوس ۲۲۹
ودا ۱۶، ۱۹، ۱۰۱
وُدان ۱۰۹
وستا ۱۹۰
ولوم ۱۷۳
ولیبی نیوس ۴۳
ونوس ۵۲
ونسوس ۵۷، ۵۹، ۶۹، ۹۶، ۱۰۰، ۱۳۴، ۱۹۲
ونوستوس ۱۷۰
وولکن ۹۹، ۱۳۴، ۱۵۴
ویرونوم ۹۶، ۱۱۶، ۱۲۵

ویکاندر ۲۶
ویکتور ۱۸۹، ۱۹۰
ویکتور آر ۹۷
وین ۳۶، ۷۰
ویندوینا ۷۰

و

واتنگ ۷۶
هیریون ۲۲۸
هخامنشی ۲۴
هداد ۱۱، ۱۴۹
هدرن هایم ۹۰، ۹۶، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۱
هدهده ۱۲۲، ۱۴۲، ۱۷۷
هدیکروس ۱۴۴
هرا برزائیتی ۹۴
هراکلا ۷۳
هراکلس - ورثرغنه ۳۳
هربرت بلوک ۲۳۰
هرکول ۹۸، ۱۰۳، ۲۱۴
هرکولیا ۳۶
هرمادیو ۷۸، ۷۸
هرمادیون ۷۹، ۱۰۳
هرمافرودیت ۱۴۳
هرمس ۳۳
هرمس - مرکور ۳۸، ۱۲۵، ۱۳۴، ۱۷۱
هرمی ۱۴۲
هرود ۲۱۷

هرودت ۲۳، ۱۱۳

هرودوت ۱۸۱، ۱۹۷، ۲۰۵

هژمونیس ۲۶

هلبستیک ۱۰، ۲۰۸، ۲۲۳

هلیودروم ۱۸۲

هلیودروموس ۱۸۲

هلیوس ۱۲، ۱۷، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۲، ۱۰۹

۱۱۵، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۵۵

۱۹۱، ۲۰۷

هلیوس - سل ۱۸۲

هلیوگابال ۴۲

هلیوگلوبال ۲۲۶

هند و اروپائی ۱۶

هوراس ۲۱۱

هورب ۱۰۶

هوستنز ۱۵۱

هوم ۱۸

هوم ۱۸، ۱۹، ۲۹

هومر ۱۷

هی آینا ۱۹۹

هیتی ۱۵، ۱۶

هیروپولیس ۱۴۸

ی

یادگار جاماسپیک ۸۳

یانوآ ۱۴۴

یزت ۱۶

یشت ۱۸، ۱۹

یوگسلاوی ۳۶، ۴۵، ۵۱، ۷۱، ۷۴، ۲۱۹

۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۵

یونان ۱۸۸

یهوه ۱۰۶

از همین مترجم

- (۱) ورنر (شارل) - حکمت یونان. چاپ سوّم. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۸۲.
- (۲) لاپیر (ژان - ویلیام) - قدرت سیاسی. چاپ دوّم. نشر فرزاد. تهران. ۱۳۷۵.
- (۳) کایرر (ارنست) - رساله ای در باب انسان. درآمدی بر فلسفه فرهنگ. چاپ سوّم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران. ۱۳۸۰.
- (۴) کونن - هوتر (ژاک) - توکویل. چاپ اوّل. نشر مرکز. تهران. ۱۳۷۹.
- (۵) در باب دموکراسی، تربیت، اخلاق و سیاست. ترجمه مجموعه مقالات. چاپ اوّل. نشر چشمه. تهران. ۱۳۸۱.
- (۶) دلاکامپانی (کریستیان) - فلسفه سیاست در جهان معاصر. چاپ اوّل. نشر هرمس. تهران. ۱۳۸۲.
- (۷) آلن دو بنوا - تأمل در مبانی دموکراسی. چاپ اوّل. نشر چشمه. تهران. ۱۳۷۸.

کتاب‌شناسی

کلیات

- Fr. Cumont, *Textes et monuments figurés relatifs aux mystères de Mithra*, Bruxelles I-II, 1896 - 1898.
- Fr. Cumont, *Die Mysterien des Mithra* (3ème édition par K. Latte), Leipzig, 1923
- M. J. Vermaseren, *Corpus Inscriptionum et Monumentorum Religionis Mithriacae*. La Haye I-II, 1956-1960.

جریبات

- G. Becatti, *Scavi di Ostia II, i Mitrei*, Rome, 1954.
- R. Egger, *Bescheidene Ex-votos*. *Bonner Jahrbücher* 158, 1958, pag. 73 ss.
- M. J. Vermaseren, *De Mithrasdienst in Rome*, Nimègue, 1951.
- M. J. Vermaseren-C.C. Van Essen, *The Aventine Mithraeum Adjoining the Church of Sa Prisca*, dans le périodique *Antiquity and Survival* I, 1955, pag. 1 ss
- C.W. Volgraff, *Les cryllii des inscriptions mithraïques dans Hommages a Waldemar Deonna*, 1957, pag. 517ss.
- C. W. Volgraff, *Une inscription gravée sur un vase cultuel mithraïque dans Mededelingen der Kon. Nederl. Akademie Van Wetenschapen (Afd. Letterkunde)*, 1955.
- E. Will, *Le relief cultuel gréco-romain*, Paris, 1955.

درباره آئین قربانی کردن گاو

- Le Roy Cambell, *Typology of Mithraic Tauroctones dans le périodique Berytus* XI, 1954. pag 1 ss.
- C. Clemen, *Der Mithrasmythus dans le périodique Bonner Jahrbücher* 142, 1937, pag. 13 ss.
- H. Lommel, *Mithra und das Stieropfer dans le périodique Paideuma* III, 1949, pag. 207 ss.

MARTIN VERMASEREN

Mithra, Ce Dieu Mystérieux

Traduction du français

Par

Bozorg Naderzad.

Téhéran. 2005



نشر چشمه

اسطوره - ۴

شابک: ۵-۲۵-۰۳۶۲-۹۶۴

ISBN:964-362-025-5

مهر یا میترا یکی از بزرگ‌ترین ایزدان اقوام هند و ایرانی است و قدیم‌ترین ذکری که از آن به دست آمده به حداقل ۳۵۰۰ سال پیش می‌رسد. نظام دینی که در حول محور این ایزد برکت و نعمت و نور و دوستی و جوانمردی و جنگاوری به وجود آمد، ایران اشکانی و اروپای مقارن آغاز دعوت مسیح را فرا گرفت و هرچند که بعد از چندین قرن ولایت در هردوی این مناطق مجبور به عقب‌نشینی شد اما منشاء تأسیس نوعی نهضت اخلاقی (اومانیسم) شد که خفی یا جلی در شتون مختلف اجتماعی و فرهنگی و معنوی ایران تأثیر گذاشت و این نکته را بعضی از پژوهش‌های معدود اخیر تمایان کرده است. امید است که «مهر پژوهی»، درکنار تحقیقات زرتشتی و زروانی و مانوی و مزدکی، توجه اندیشمندان را بیشتر جلب کند و چگونگی این نظام دینی مرموز آشکار گردد.